اموزش فیلمبرداری دوربینهای ویدیویی



نوشته : کیت بروکز
ترجمه : رحیم دانایی

آموزش
فیلمبرداری دوربین‌های ویدئویی

نوشته: کیت بروکز

ترجمه: رحیم دانائی

نشر ارسباران

Brooks, Keith
بروکز، کیت
آموزش فیلمبرداری دوربینهای ویدئویی / نوشتهٔ کیت بروکس؛ ترجمهٔ رحیم دانایی. ــ
تهران: نشر ارسباران، ۱۳۸۷.
۱۹۲ ص.؛ مصور.
ISBN : 964 - 6389 - 16 - 3
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
عنوان اصلی : The Complete Video Course
۱. ضبط ویدئویی ــ دستنامه‌ها. الف. دانایی، رحیم، ۱۳۳۳ ـ مترجم ب. عنوان
TR ۸۸۲ / ۴ ب ۸ آ ۷۷۸/۵۹۹
کتابخانهٔ ملی ایران ۴۸۵۴۲ ـ ۸۱ م

نشر ارسباران
آدرس اینترنتی: www. arasbaran-p.com
پست الکترونیکی: Email- arasbaran@virayesh.com

آموزش فیلمبرداری دوربینهای ویدئویی

نوشته : کیت بروکز
ترجمه : رحیم دانایی
ناشر : نشر ارسباران
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: طیف‌نگار
تعداد صفحات : ۱۹۲ صفحه
نوبت چاپ : سوم، زمستان ۱۳۸۷
قیمت : ۲۷۰۰ تومان
شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه
شابک : ۳ ـ ۱۶ ـ ۶۳۸۹ ـ ۹۶۴ ISBN : 964 - 6389 - 16 - 3

مرکز پخش : تهران ـ خیابان زرتشت غربی، بین خیابان پنجم و ششم، پلاک ۱۱۵
تلفن : ۹ ـ ۸۸۹۷۳۳۵۸ تلفکس : ۸۸۹۶۲۷۰۲

فهرست

- مقدمه مترجم ۵

- مقدمه نویسنده ۷

۱ - انتخاب دوربین ۹

....

پیدایش - اندازه‌های مختلف - جلوه‌های گوناگون

۲ - اولین روز با دوربین ویدئو ۲۵

....

جا انداختن باتری - انداختن نوار - روشن کردن - ضبط آزمایشی - زوم کردن - نوردهی اتوماتیک - ضد نور - مشاهده فیلم ضبط شده - نمایش فیلم

۳ - روز دوم - اولین ضبط در محل لوکیشن ۳۹

....

طرز ایستادن و قرار گرفتن - پن و تیلت کردن - نور - خط داستان - زمان خالی - ادیت در دوربین - صدا

۴ - مطالعه و بررسی اولین نمونه کار ۴۹

....

اشکالات برداشت‌ها - اتوفوکوس - ضد نور - کنتراست - اشکالات تکنیکی - پاک کن پرنده - مشکلات صدا

۵ - روش‌های ضبط کردن در محل سرپوشیده ۵۷

....

بازگوئی داستان - فکر کردن به روش سکانسی - نورهای شب - ضبط از بچه‌ها - نورپردازی داخلی - دوربین متحرک

۶ - ویدئو در تعطیلات و مسافرت ۶۹

....

وسائل مورد نیاز در مسافرت - شارژ باتری - ساختمان سناریو - قطع، زوم و پن - تداوم و قطع‌های جداگانه - محافظت از دوربین

۷ - ساختن فیلم‌های بهتر با استفاده از زبان فیلمبرداری ۸۱

....

استاندارد اندازه‌های تصاویر - استفاده از نوشته - محو تدریجی صحنه - قطع / زوم در هنگام بازی - ضبط دیالوگ - تداوم بیشتر - ترکیب بندی تصویر - صدا

۸ - ضبط ویدئویی و صداگذاری ۹۷

لایی‌گذاری (عنوان‌ها) - مونتاژ صدا - کپی کردن - گذاشتن موزیک متن - اضافه کردن توضیحات - ادیت کامل پس از تولید - سیستم‌های کنترل ادیت

۹ - نورپردازی بهتر ۱۱۷

استفاده از نور حاضر - استفاده از نور انعکاسی - وسائل نورپردازی - تنظیم نورپردازی با سه پروژکتور - مخلوط نور روز و نور مصنوعی - منابع تغذیه برقی

۱۰ - ضبط صدای بهتر ۱۲۷

انواع میکروفون - میکسر - انعکاس اکوستیکی صدا - کنترل تون - فنون استفاده از میکروفون - جلوه‌های صوتی - صدای استریو

۱۱ - ضبط مصاحبه ۱۳۹

مصاحبه با بچه‌ها - نامه ویدئویی - مصاحبه خیابانی - مصاحبه رسمی - مصاحبه با گروه

۱۲ - ضبط عروسی ۱۵۱

برنامه ریزی از قبیل - ضبط ورود میهمانان - مجلس عقد - جشن عروسی - شروع و پایان

۱۳ - ورزش و سرگرمی ۱۵۹

مسابقات ورزشی - استفاده از سرعت بالای شاتر - ورزشی‌های آبی - ورزش‌های زمستانی - صحنه‌های هوایی - فیلمبرداری از راه آهن - نمایش و تئاتر

۱۴ - جلوه‌های ویژه و گرافیک ۱۶۹

خطای باصره در نماها - تصویرهای غیر واقعی - حقه‌های با لنز - نور مخصوص - پیکسلیشن - میکسرهای تدوین و پروسسور - ویدئویی رومیزی - عنوان فیلم

۱۵ - تلویزیون و ویدئو در جهان ۱۸۱

سیستم‌های پخش تلویزیونی - همسازی سیستم‌ها - استانداردهای ملی تلویزیون

۱۶ - مراقبت از ویدئو و نوارها ۱۸۵

حمل تجهیزات و دوربین - مراقبت از دوربین و باتری‌ها - نگهداری از نوارها - تمیز کردن هد - حل پاره‌ای مشکلات

مقدمه مترجم

با وجود آنکه بیش از سی‌سال از معرفی دوربین‌های ویدئویی موسوم به VHS از طرف کمپانی JVC می‌گذرد، متاسفانه در زمینه کار با این دوربین‌ها و یا مسائل مربوط به آنها مطالب زیادی به زبان فارسی در کشور ما وجود ندارد. در طول این مدت این نوع دوربین‌ها و سیستم‌های آنها بـا اسـتفاده از پیشرفتهای الکترونیک با سرعت زیادی، تکامل یافتند و کوچک و کوچکتر و مدرن و پیشرفته‌تر شدند، طوری که امروزه اکثر این نوع دوربین‌ها به سیستم دیجیتالی مجهز هستند و ضبط و پخش آنها به این روش صورت می‌گیرد. این پیشرفت‌ها آن چنان گسترده است که لزوم داشتن اطلاعات وسیع و گسترده در مورد کار با این دوربین‌ها امروزه بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد و در این رابطه یک کتاب می‌تواند وسیله‌ای بسیار مهم جهت شناخت امکانات این وسیله و کار با آن باشد.

قبل از شروع کتاب، باید تذکر داد که هیچ‌کس با خواندن یک کتاب ویدئو نمی‌تواند فیلمبردار شود. خواندن کتاب و اتکا به مطالب آن می‌تواند پایه‌ای جهت اطلاعات در مورد این وسیله و طرز کار با آن برای هرکسی ایجاد کند. اما تصویربردار قابل و وارد شدن زمانی میسر است که انسان وقت زیادی را به این کار اختصاص دهد و با این دوربین‌ها کار کند.

علاوه بر مطالب بالا، این کتاب مدعی تمام تعاریف و آموزش‌های ویدئو نیست. در زمینه انـتخاب دستگاه دوربین ویدئو، امروزه شاهد دستگاههای بسیار بیشتری هستیم که شاید در این کتاب از همهٔ آنها نام برده نشده است. همچنین در بخش نوارها و فرمت‌های مخصوص آنها امـروزه نـوارهـای کـوچک دیجیتالی و یا memory stick که تازه به بازار آمده‌اند، تعریف نشده‌اند، چرا که وسائلی جدید هستند و هنوز همه جاگیر نشده‌اند.

در زمینه ذکر سوژه‌های فیلمبرداری هم، این کتاب از آنجا که در انگلستان نوشته و چاپ شده است، بعضی از مثال‌های آن مثل ضبط کریسمس، عروسی و... در رابطه با مسائل آن کشور آورده شده‌اند که ممکن است در فرهنگ و مراسم کشور ما وجود نداشته باشند. اما اینها فقط نمونه‌هائی هستند جـهت

آشنائی خواننده و علاقمندان به دوربین‌های ویدئویی وگرنه زمینه‌های کار با دوربین ویدئو و تصویربرداری خیلی بیش از اینهاست و نمی‌توان همهٔ این امکانات و زمینه‌ها را در یک کتاب جمع‌آوری کرد و شرح داد.

بجز موارد بالا و احیانا نکات کوچکی دیگر، این کتاب وسیله بسیار مناسبی جهت کسب اطلاعات در مورد دوربین ویدئو و کار با آن است. اگر شما به هر دلیلی با دوربین ویدئو کار می‌کنید، مطمئناً مطالب زیادی در این کتاب جهت تصویر برداری ویدئویی خواهید یافت و امیدوارم که این کتاب وسیله‌ای مناسب جهت عمیق‌تر کردن اطلاعات و آگاهی شما برای تصویر برداری باشد تا بتوانید صحنه‌های زیبای زندگی خود را بدین وسیله و به نحو احسنت روی نوار ویدئو ضبط نمائید. موفق باشید.

تهران ـ بهار ۱۳۸۲
رحیم دانائی

مقدمه نویسنده

دوربین‌های ویدئویی وسایلی قابل توجه از تولیدات تکنولوژی مدرن عصر ما هستند. هرچند که حتی ساده‌ترین مدل این دوربین‌ها" با هراستانداردی که ساخته شده باشند"، وسیله‌ای بسیار پیشرفته و دستگاهی الکترونیکی و مدرن است، اما همهٔ آنها طوری طراحی شده‌اند که برداشتن تصویر را به شکل ساده‌ای انجام دهند. بنابراین هرچند که در نظر اول ممکن است آنها دستگاههائی پیچیده با تکمه‌های گیج کننده به نظر برسند ولی به تدریج مشاهده خواهید کرد که وسائلی بسیار ساده جهت استفاده می‌باشند. دوربین‌های جدید ویدئویی که به Camcorder مشهور هستند، متشکل از یک دوربین ساده ویدئویی به اضافه دستگاه پخش ویدئو می‌باشند. آنها می‌توانند تصویر ضبط شده را از طریق چشمی خود نشان دهند که همین عمل شما را قادر می‌سازد تا نتیجه کار خودتان را در طول مراسم ضبط ویدئویی مشاهده نمایند. هم چنین برای ضبط صدای صحنه یک میکروفون ثابت هم بر روی دستگاه نصب شده است.

چنانچه شما فرد تازه کاری در زمینه خلق آثار ویدئویی باشید، هنگام کار متوجه خواهید شد که ساختن برنامه‌های ویدئویی، سرگرمی بسیار مشغول کننده‌ای جهت ایام فراغت شما خواهد بود که می‌توانید به طرق گوناگون از آن لذت ببرید و شاید در آینده تمایل و گرایش شما به ویدئو از ضبط صرفاً قسمت‌های کوتاه خانوادگی پا فراتر گذاشت و کارهای جدیدتری را با ویدئو شروع کردید. ویدئو در حقیقت وسیله‌ای بسیار عالی جهت ضبط خاطرات است. حوادثی مثل سالگردها، روزهای مهم، مسافرت، عروسی، اتفاقات قابل ملاحظه و لحظات آرامش، همگی سوژه‌های خوبی برای ضبط ویدئویی هستند. ویدئو خاطرات را به صورت زنده، ضبط و به تصویر می‌کشد و آنها را حفظ می‌کند. چیزی که با هیچ ابزار و وسیلهٔ دیگری، حتی وسائل گران‌قیمت امکان‌پذیر نیست.

مهم است که آگاهی کاملی از امکانات فنی دستگاههای دوربین ویدئویی امروزی داشت و بتوان

این امکانات را به کاربرد. هم‌چنین همیشه توجه به مسائل دیگری مثل نورپردازی، ترکیب‌بندی تصویر و جلوه‌های ویژه داشته باشید. این‌ها بیشتر مسائلی در رابطه با ساختن برنامه‌های ویدئویی هستند تا صرفاً ضبط ساده ویدئویی. در این کتاب ، شما دستورالعمل‌های مختلف امور فنی و طرز ساختن برنامه‌های ویدئویی را به شیوهٔ پیشرفته خواهید آموخت مثلاً چگونه سکانس‌های خود را برنامه‌ریزی کنید، چگونه صدای برنامه را بهتر ضبط کنید، چگونه برنامه خود را ادیت کنید و یا مطالب دیگری مثل توضیح در مورد اینکه یک صحنه‌ای را به نوار و برنامه خود، بعد از ضبط کردن اضافه کنید. چنانچه هنوز دوربین خود را تهیه نکرده‌اید و نمی‌دانید کدام مدل را بخرید، به بخش یکم مراجعه کنید تا ببینید که چه فرمت نوار و چه نوع دوربینی برای کار شما مناسب و مفید هستند.

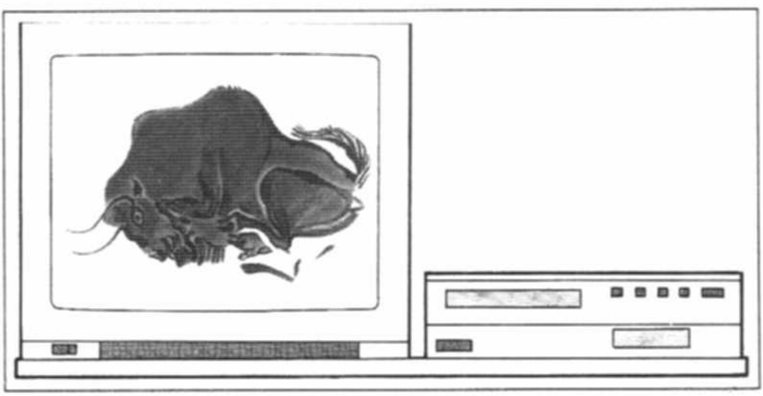
با توجه به امکانات فنی و مهارت‌هائی که در رابطه با ضبط ویدئویی وجود دارند و استفاده و به کار برده می‌شوند، ما امروزه شاهد کارهای بسیار خوب آماتورها هستیم که قابل مقایسه با چیزی که بر روی صفحهٔ تلویزیون‌های خود می‌بینیم، هستند. ضبط و ساختن فیلم‌های ویدئویی، نباید فقط به ضبط برنامه‌های خانوادگی محدود شود. تعداد موضوعات قابل فیلمبرداری فقط به وسیله نیروی تخیل ما محدود می‌شوند. قبل از شروع هر ضبط و تولید فیلم ویدئویی با کمی برنامه‌ریزی هدفمند، کمی تلاش مجدد در طول دوران ضبط و ترتیب و نظم دادن برداشت‌ها در موقع ادیت کردن، شاید شما بتوانید ضبط یک سفر خود را به فیلمی مستند و حوادث درون خانواده خود را به یک داستان و رویداد تبدیل کنید و یا حتی با کمک اعضای خانواده و آشنایان خود بتوانید یک فیلم داستانی ویدئویی تولید و ضبط کنید.

درست کردن برنامه‌های ویدئویی در هیچ زمانی مانند امروز ساده نبوده‌اند. شما چه فردی باشید که گاهی از دوربین خود استفاده می‌کنید و چه استفاده شما از دوربین ویدئو به صورت هوس باشد و یا واقعاً تمایل جدی به تولید برنامه‌های ویدئویی داشته باشید، کار با دوربین ویدئو را واقعاً جذاب و هیجان‌انگیز خواهید یافت.

کیت بروکز

۱ - انتخاب دوربین

چیز عجیب ولی واقعی این است که: اجداد دوربین‌های ویدئویی عصر ما در سوراخ‌ها و حفره‌های زیرزمینی یافت می‌شوند که مدتها قبل محل زندگی غارنشینان بوده است. در این اماکن، کماکان می‌توان اثراتی از تصاویر دست‌ساز را دید که نشان می‌دهند که پیشینیان ما هم دقیقاً مثل ما علاقمند ضبط لحظات مهم و زیبا در زندگی خود به صورت تصاویر دو بعدی بوده‌اند.



بشر همیشه حوادث و خاطرات را به صورت منجمد شده یا ایستا در جایی ثبت کرده است. عکس گاوی که به روی دیوارهای غار توسط اجداد ما نقاشی شده است، یک مثال زنده در این مورد است. اما امروزه ما خاطرات را با استفاده از تکنولوژی نوین به شیوه‌ای نوین حفظ می‌کنیم... حتی امروز هم کماکان تصاویر هستند که نیاز انسانی ما را رفع می‌کنند.

خلق چنین تصاویری در آن گذشته دور نیازمند توانائی‌های هنرمندانه‌ای بود. اما در عصر جدید با آمدن دوربین عکاسی، حتی کم استعدادترین آدم‌ها هم می‌توانند تصاویر خاص خود را خلق کنند. ولی

اکنون ما دارای ویدئو هستیم، یعنی تکنولوژی پیچیده‌ای که کاملاً اتوماتیک و حرفه‌ای است و هرکسی را "چه دارای استعداد فنی باشد یا نباشد" قادر می‌سازد تا تصاویر متحرکی را در سطح استاندارد و خیلی مناسب ضبط و تولید کند.

هرچند دوربین‌های ویدئویی، وسائل محبوبی جهت برداشتن تصاویر هستند، ولی آشنائی اغلب مردم با پدیدهٔ ویدئو در سطح دستگاههای پخش ویدئو می‌باشد که جهت دیدن فیلم‌های اجاره‌ای و گاهی مواقع، خلاصی از دست برنامه‌های تلویزیون از آن استفاده می‌کنند. اگر شما قبلاً از دستگاههای ویدئو استفاده کرده باشید باید تا حدی با ضبط ویدئویی از طریق کاست‌های ویدئویی و تکمه‌های روی این دستگاه‌ها آشنائی داشته باشید.

شاید شما اطلاع نداشته باشید که کاست‌های ویدئویی در اندازه‌های مختلف که به آن فرمت Format می‌گویند وجود دارند و فرمتی که VHS خوانده می‌شود، فقط یک نمونه از محبوب‌ترین آنهاست. به این دلیل و جهت اطلاع همگان و مخصوصاً آنهائی که می‌خواهند اولین اطلاعات را در این زمینه کسب کنند، نگاهی می‌اندازیم به نوارهای گوناگونی که در بازار وجود دارند. ذکر مشخصات هر نوار می‌تواند جهت کسانی که علاقمند خرید دوربین هستند جالب باشد.

در حال حاضر شش نوع کاست در اندازه‌های مختلف جهت دوربین‌های ویدئویی مورد استفاده قرار می‌گیرند. این اندازه‌ها عبارتند از VHS استاندارد، VHS-C، سوپر VHS، سوپر VHS-C و Hi 8 "با تلفظ های‌ایت". اندازه‌های دیگری هم به بازار آمده‌اند و ناپدید شده‌اند، اما اینها نمونه‌هائی هستند که در بازار باقی مانده‌اند و برای چندین سال آینده هم باقی خواهند ماند.

چه اندازه‌ای را باید انتخاب کنیم؟ اجازه بدهید که به بررسی تک‌تک آنها بپردازیم.

VHS استاندارد

اگر شما دستگاه ویدئویی در منزل داشته باشید که به ویدئوی رو میزی یا VCR مشهور است، هیچ بعید نیست که دستگاه شما از این نوع کاست استفاده کند و شاید تا بحال تعداد زیادی از این کاست‌ها را خریداری و استفاده کرده‌اید. "وی. اچ. اس. استاندارد" دارای نواری به عرض ۱۲/۷ میلی‌متر است. شاید دوربینی که علاقمند به خرید آن باشید، از همین نوع نوار استفاده کند. بدین ترتیب نوارهای شما در دوربین و دستگاه پخش ویدئو قابل استفاده خواهند بود و می‌توانید نواری که از طریق دوربین ضبط کرده‌اید را به وسیلهٔ دستگاه ویدئوی خود روی صفحهٔ تلویزیون "دقیقاً مانند هر نوار دیگری،" مشاهده کنید. ممکن است که این مزیت بزرگ، عامل انتخاب این نوع فرمت باشد ولی دلیل اصلی و قاطع نیست، چرا که با نوارهای سایز دیگر هم می‌توانید از طریق اتصال مستقیم دوربین به تلویزیون، صحنهٔ ضبط شده را روی صفحه تلویزیون مشاهده کنید.

آیا مزایای دیگری هم برای نوارهای وی اچ اس می‌توان قائل شد؟ البته، یکی از بزرگترین محاسن

این نوارها این است که می‌توان سه یا چهار ساعت برنامه روی آنها ضبط کرد. علاوه براین نوارهای وی اچ اس بسیار ارزان‌تر از انواع مشابه هستند. تنوع کیفیت در این گونه نوارها خیلی زیاد است، طوری که بعضی مواقع می‌توانید از نوارهائی در سطح حرفه‌ای برای برنامه‌های خیلی مهم خود استفاده کنید. کیفیت تصویر در این نوارها خوب است و اگر اشکال و نقطه ضعفی در مورد این نوارها وجود دارد، کیفیت صدا در این گونه نوارهاست که چنانچه به روش مونو ضبط شود، ممکن است که کیفیت صدا تا حدی پایین و دارای خش‌خش یا noise باشد.

علت این امر آن است که ضبط صدا در این گونه نوارها روی یک خط جدا که به آن Track تِرَک می‌گویند و در کنار لبهٔ نوار وجود دارد به صورت آهسته، صورت می‌گیرد و سرعت نوار در این رابطه تاثیر خود را روی صدای ضبط شده می‌گذارد. اما از طرفی دیگر این خط صدا می‌تواند پاک شود و دوباره روی آن صدا ضبط شود، بدون آنکه به تصویر لطمه و صدمه‌ای وارد شود. این نکته بسیار مهمی در زمان ادیت کردن نوارهای ویدئویی است که جلوتر به آن خواهیم پرداخت. بعضی از نوارهای جدید وی اچ اس به این مشکل به نوعی غلبه کرده‌اند. در این گونه نوارها با اضافه کردن یک Track استریو hi - fi در کنار خط مونو، این کیفیت پائین صدا را حل کرده‌اند، اما اشکال کار در اینجاست که برخلاف کاستهای دیگر، در اینجا نمی‌توان صدا را از تصویر جدا کرد.

نکتهٔ دیگری که باید در نظر داشت و به خاطر سپرد، این است که نوارهای وی اچ اس کاملاً حجیم و بزرگ هستند و از اینرو، دوربین این نوارها هم چیزی کاملاً حجیم و بزرگ جهت حمل کردن است. بنابراین اگر مسئله حمل و نقل این نوع دوربین‌ها برای شما مسئله مهمی را تشکیل می‌دهد، سعی کنید به سراغ دوربینی جمع وجورتر بروید.

:VHS-C

از نظر تکنیکی تنها فرق بین VHS و VHS-C در طول زمان نوار است. نوارهای VHS-C حداکثر برای ۴۵ دقیقه ضبط استاندارد SP در سیستم پال، وقت دارند. البته به نوعی می‌توان این مدت را طولانی‌تر کرد. اغلب دستگاههای VHS-C دو سرعته هستند. LP به معنای Long Play سرعت چرخش نوار را نصف می‌کند، بنابراین طول مدت ضبط برنامه به این طریق می‌تواند دو برابر شود. این عمل باعث می‌شود که کیفیت ضبط تا حدی پائین بیاید.

به دلیل کوتاه بودن مدت نوار، اندازهٔ خارجی نوار، هم کوچکتر است. از اینرو دستگاههائی که از این نوع نوار استفاده می‌کنند از نظر اندازه کوچک‌تر و سبک‌تر از دستگاههای VHS معمولی هستند. برای نمایش نوارهای VHS-C باید نوار را درون آداپتور مخصوصی گذاشت و سپس آداپتور را دورن دستگاه ویدئو قرار داد. هزینهٔ ساعتی استفاده این نوع نوار نسبت به نوارهای VHS استاندارد بسیار بالا است.

سوپر VHS و سوپر VHS-C:

این نوع نوارها اولین سری فورمات‌های سوپر هستند که به جای VHS استاندارد قابل استفاده هستند و کیفیت در آنها بسیار بهتر شده است. این بهبود سازی کیفیت به کمک بالا بردن کیفیت خود نوارها و از نظر تکنیکی، پیشرفت فنی و تکامل دستگاههای ویدئویی صورت گرفته است. از اینرو در این رابطه هم قیمت نوارها و هم دستگاههای ویدئو افزایش پیدا کرده است. صدای استریو **hi-fi** هم در این نوارها ایجاد شده است. برای استفاده بهتر از کیفیت‌های ویژهٔ این نوع نوارها و نشان دادن و نمایش تصویر بهتر آنها برروی صفحهٔ تلویزیون، می‌توان دستگاه ویدئو یا دوربین ویدئو را با کابلی که دارای "کنتاکت S " باشد، به تلویزیون وصل کرد. بدین طریق نمایش و پخش تصویر از طریق سیگنال‌های جداگانه و مخصوصی صورت می‌گیرد، طوری که سیگنال‌های رنگ از سیگنال‌های روشنی تصویر جدا هستند. به دلیل کیفیت بالای تصویر در کاست‌های سوپر وی اچ اس (و تا اندازه‌ای کم‌تر سوپر وی اچ اس سی) این نوع نوارها به عنوان ابزاری نیمه حرفه‌ای برای ضبط برنامه‌هائی که دارای ادیت بعد از ضبط هستند، در آمده‌اند. اما به خاطر داشته باشید که هرچند نوارهای ضبط شدهٔ وی اچ اس را می‌توان روی دستگاههای ویدئوی سوپر وی اچ اس، مشاهده کرد، ولی عکس این عمل صدق نمی‌کند. یعنی نوارهای ضبط شده سوپر وی اچ اس را فقط می‌توان به وسیله دستگاهای مخصوص سوپر وی اچ اس مشاهده نمود.

ویدئو ۸ " ۸mm " /های ایت Hi 8:

و در انتها ما به کوچک‌ترین اندازه، یعنی ویدئو ۸ و مدل سوپر آن به نام Hi 8 می‌رسیم. اندازهٔ این کاست‌ها درحد نوارهای صوتی است و عرض نوار ۸ میلی‌متر است. این نوارها به صورت متالیک تولید شده‌اند. کیفیت در نوارهای ۸mm حداقل در حد وی اچ اس است و همین رقابت بین Hi 8 و S-VHS هم وجود دارد.

در مقایسه با نوارهای VHS-C، نوارهای Hi 8 دارای قابلیت ضبط مدت زمان بیشتری " دو ساعت در حالت SP و چهار ساعت در حالت LP در سیستم PAL " هستند. این عمل باعث می‌شود که اغلب برنامه‌های ضبط را بدون احتیاج به تعویض نوار و با خیال راحت انجام داد. چیزی که در مورد نوارهای VHS-C صدق نمی‌کند. علی‌رغم قابلیت ضبط چهارساعته، این نوع نوارها صرفاً کاست دوربین هستند، یعنی باید آنها را مجدداً روی نوار بزرگتر ضبط کرد تا بتوان آنها را نمایش داد. دستگاههای پخش مخصوص این گونه نوارها امروزه خیلی محدود هستند و این نوع نوارها به صورت فیلم و برنامه‌های ضبط شده، خرید و فروش و اجاره داده نمی‌شوند.

در حقیقت شما می‌توانید برنامه ضبط شده خود را یا از طریق نمایش مستقیم دوربین به تلویزیون مشاهده کنید و یا ابتدا آنرا روی یک نوار قابل استفاده در دستگاه ویدئو ضبط کنید و سپس از طریق پخش

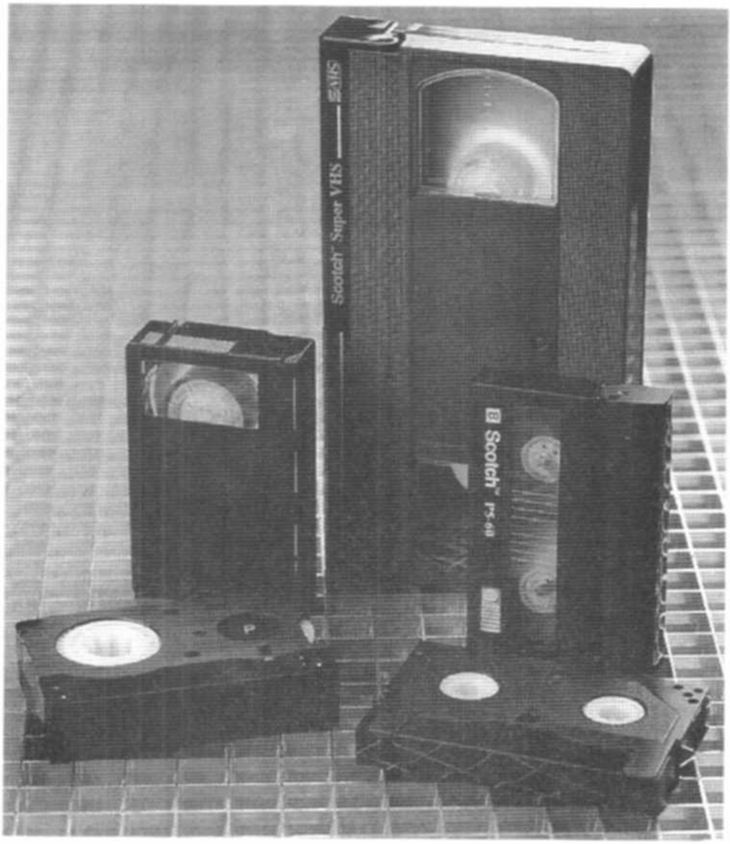
این نوار، تصویر و برنامه خود را ببینید. البته این عمل باعث افت کیفیت در تصویر می‌شود. اما این ضبط را می‌توان به هنگام ادیت کردن انجام داد که افت کیفیت هم در این گونه مواقع چیزی عادی است.

یکی از نکات برجسته در مورد ویدئو ۸ کیفیت بالای صدای hi-fi به صورت FM است. این عمل در این نوع دوربین‌ها به این صورت انجام می‌گیرد که سیگنال‌های صوتی و تصویری باهم از طریق هِد دوربین ضبط می‌شوند و سرعت نوار در این رابطه یکنواخت است. این سیستم که به "ضبط سرعت سریع" مشهور است، کیفیت صدا را در مقایسه با سیستم مونو به نحو چشمگیری بالا می‌برد. البته این ترکیب سیگنال‌ها اشکالات خود را هم دارد و آن اینست که بدین وسیله قابلیت جداسازی تصویر از صدا جهت ادیت کردن از بین می‌رود. به همین دلیل تکمه audio dub که جهت جداسازی صدا از تصویر در دوربین‌های VHS وجود دارد را بروی این نوع دوربین‌ها که دارای سیستم hi-fi FM هستند، مشاهده نمی‌کنید. قابلیت جداسازی صدای استریو از تصویر فقط در تعداد کمی از این گونه دوربین‌ها وجود دارد.

صدای hi-fi استریو VHS برخلاف سیستم VHS مونو در کنار تصویر و مانند hi-fi ویدئو ۸ ضبط شده است و از اینرو دارای همان کیفیت بالای صدا می‌باشد.

مقایسه نوارهای مختلف ویدئویی ـ مزایا و اشکالات

	مدت زمان هر نوار در سیستم پال	قیمت	کیفیت تصویر	کیفیت صدا	اندازه
VHS استاندارد	۴ ساعت (SP)	پایین	خوب	خوب، بستگی به سیستم صوتی دارد	حجیم
VHS-C	۴۵ دقیقه SP ۹۰ دقیقه LP	بالا	مثل VHS	مثل VHS	کوچک و جمع و جور
سوپر VHS	مثل VHS	بالا	عالی	مثل VHS	مثل VHS
سوپر VHS-C	مانند VHS-C	بالا	عالی	مانند VHS	کوچک و جمع و جور
ویدئو ۸	۲ ساعت SP ۴ ساعت LP	متوسط	خوب	عالی	کوچک و جمع و جور
Hi 8	مانند ویدئو ۸	بالا	عالی	مانند ویدئو ۸	کوچک و جمع و جور

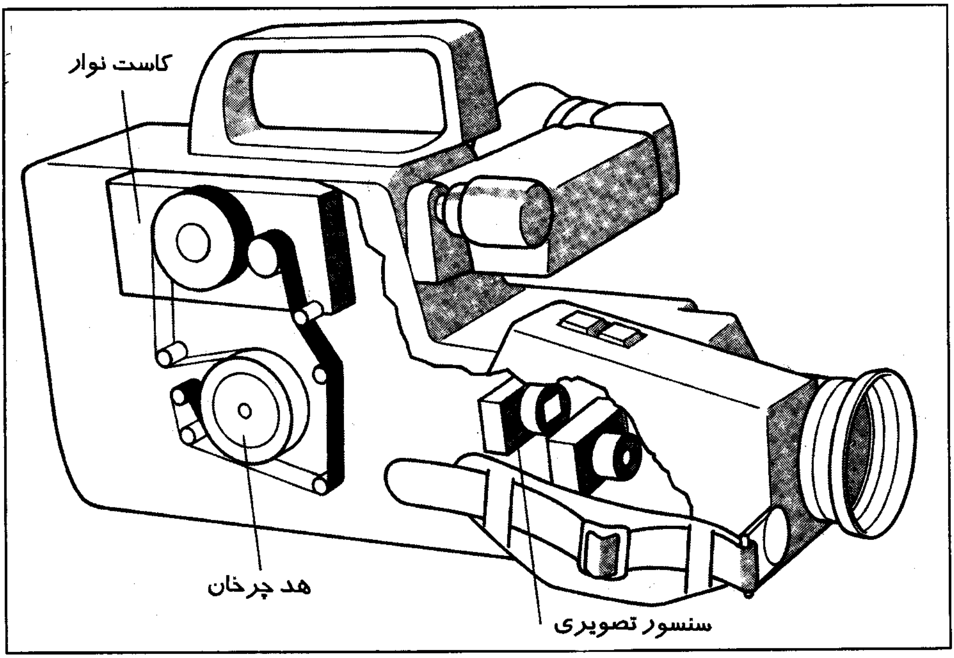


هر فورمت دارای کاست‌های خاص خود است. در عکس و به ترتیب خلاف جهت عقربه‌های ساعت نوار VHS را می‌بینید که بزرگترین اندازه را دارد و می‌تواند در سیستم پال تا ۴ ساعت برنامه روی خود ضبط کند. سپس VHS-C را می‌بینید که بسیار جمع و جور و کوچک‌تر است و می‌تواند در حالت LP تنها ۱/۵ ساعت برنامه را روی خود ضبط کند. Video 8 کوچکترین اندازه را دارد ولی می‌تواند در حالت LP تا چهار ساعت برنامه را روی خود ذخیره کند.

بعد از مشاهدهٔ نوارهای مختلف و مهم بازار، اکنون اجازه بدهید که نگاهی هم به دستگاههای ویدئویی که این نوارها را استفاده می‌کنند، بیاندازیم. جهت انتخاب دوربین ویدئو، مدل‌های بسیار زیادی با شکل‌ها و اندازه‌ها و قیمت‌های مختلفی را خواهید یافت. در حقیقت آن قدر مدل‌های گوناگون دوربین وجود دارند که شاید یک مشکل سردرگمی جهت اینکه مثلاً چگونه یک مدل را از بین یک دوجین دوربین مشابه و رقیب، انتخاب کنید، باشد. ما تا اینجا در مورد این مسئله از جنبهٔ کاست‌ها و نوارهای مشخص هر دوربین پرداخته‌ایم. اکنون به مسئله به این صورت نزدیک می‌شویم که کدام دوربین‌ها ضروری و مطلوب

هستند.

به طور خلاصه، یک دوربین ویدئو، متشکل از یک دوربین و یک دستگاه ضبط ویدئو است که هر دو در یک واحد طراحی و جای داده شده‌اند که می‌تواند به و سیله برق یا باتری کار کند. بنابراین آن دسته از دوربین‌های ویدئویی که از یک دوربین مجزا و یک دستگاه ضبط مجزا تشکیل می‌شوند که به وسیلهٔ کابل‌های مخصوص به یکدیگر وصل می‌شوند، در گروه دیگری دسته‌بندی می‌شوند. اکنون مدتهاست که بازار از دوربین‌های ویدئویی "دو دستگاه در یک واحد" اشباع شده است و دستگاههای "مجزا" از صحنه روزگار و یا حداقل بازار حذف شده‌اند.



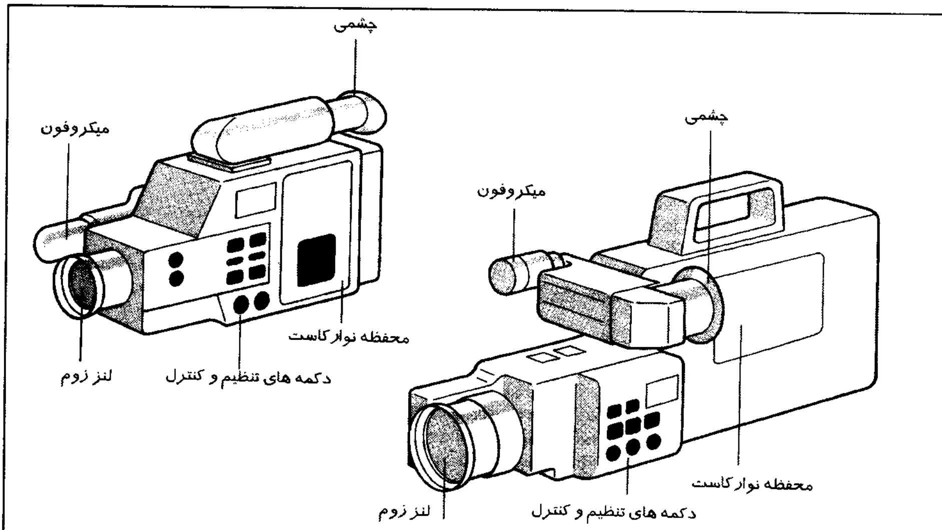
دوربین شما تشکیل شده است از یک دوربین و یک پخش ویدئو که هر دو در یک واحد جای داده شده‌اند در پشت لنز، سنسور گیرنده تصویر قرار دارد. در عقب دستگاه، قسمت نوار، وسائل حرکت نوار و قسمت ضبط قرار دارند.

قسمت دوربین دستگاه دارای یک لنز مانند دوربین عکاسی است که تصویر را از خود عبور می‌دهد و روی یک صفحه حساس موسوم به سنسور منعکس می‌کند. در اینجا سنسور، تصویر را تبدیل به سیگنال‌های الکترونیکی می‌کند و به قسمت ضبط دستگاه ارسال می‌کند. این قسمت شامل محفظه نوار و مکانیسم‌های حرکت نوار است. تبدیل تصاویر به سیگنال‌های الکترونیکی از طریق یک چیپس قوی و دارای درجه ظهور بالائی صورت می‌گیرد که به CCD مشهور است. قسمت ضبط دستگاه همچنین از

یک میکروفون که بر روی دوربین نصب است، صدا را دریافت و آنرا به اتفاق سیگنال‌های تصویری روی نوار ضبط می‌کند.

با دوربین‌های ویدئو می‌توان صحنه‌ای ضبط شده است را بلافاصله نمایش داد و مشاهده کرد. نمایش برنامه ضبط شده را می‌توانید یا از درون چشمی دوربین و یا مونیتور دوربین و یا از طریق اتصال دوربین به تلویزیون و پخش نوار ضبط شده، تماشا کنید.

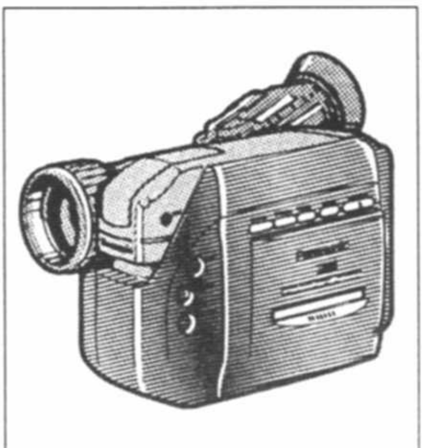
اختلاف دیگر دستگاههای ویدئویی را باید در شکل خارجی آنها دید. اغلب دوربین‌های ویدئویی طوری طراحی شده‌اند که روی دست نگهداری شوند. بنابراین کوچک سازی آنها در شکل و وزن، اصل مهمی در طراحی آنها است. هرچند هرقدر که دوربین سبک‌تر باشد، قابلیت نگهداری ثابت آن در دست مشکل است و تکان می‌خورد، اما بعضی از دوربین‌ها جهت رفع این اشکال دارای قسمتی الکترونیکی هستند که لرزش تصویر را کاهش می‌دهد. از طرف دیگر دوربین‌های حرفه‌ای که دارای شکل بزرگ‌تر و وزن بیشتری هستند، دارای مسئله لرزش دوربین و یا تصویر نیستند. یک مزیت بزرگ دوربین‌های حرفه‌ای در این است که بدنه آنها درازتر درست شده است و از اینرو می‌توانند روی شانه قرار بگیرند. در این حالت دستهای فیلمبردار آزاد هستند و می‌توانند تکمه‌های مختلف را مورد استفاده قرار دهند. قرار گرفتن دوربین بر روی شانه، چیزی است که دوربین‌های VHS و سوپر VHS از آن بهره‌مند هستند و این نوع دوربین‌ها را در حد نیمه‌حرفه‌ای در می‌آورد.



سه شکل اولیه و پایه‌ای دوربین‌های ویدئو در این عکس و عکس بعدی نشان داده شده‌اند. دوربین عکس بعدی، مدلی جمع و جور و سبک است که روی دست قابل حمل می‌باشد. در عکس این صفحه دوربین سمت راست بزرگتر و سنگین‌تر است و جهت حمل روی شانه ساخته شده است. محل قرار گرفتن چشمی را در این دو دستگاه مقایسه کنید. غیر از این مورد در سایر نکات، علیرغم اینکه اندازه دوربین‌ها با یکدیگر فرق می‌کند ولی از نظر کارکرد فرقی با یکدیگر ندارند.

قسمت چشمی دوربین‌های ویدئویی در حقیقت یک صفحهٔ تلویزیون کوچک و مینیاتوری است. این قسمت می‌تواند هم تصویری را که لنز می‌گیرد یا می‌بیند نمایش دهد و هم صحنه‌های ضبط شده روی نوار را مجدداً نمایش دهد. عمل آخر زمانی صورت می‌گیرد که دستگاه دوربین را روی نمایش نوار تنظیم کنید. بعضی از چشمی‌ها درون بدنه دوربین ثابت کار گذاشته شده‌اند ولی تعدادی از دوربین‌ها دارای چشمی‌های متحرک و یا قابل چرخش هستند که در شرایط و زوایای سخت می‌توانند، مورد استفاده، فیلمبردار واقع شوند. در مدل‌های مدرن‌تر، چشمی کوچک با یک صفحه مونیتور تعویض شده است و شخص فیلمبردار بدون آنکه احتیاج به نزدیک کردن سر و بستن یک چشم خود داشته باشد، می‌تواند از فاصلهٔ بیشتری و با دو چشم خود صحنه را بر روی مونیتور تماشا کند. چشمی‌ها و مونیتورهای دوربین‌های ویدئویی می‌توانند اطلاعاتی در مورد دستگاه، مثل مقدار باقیمانده باتری، حالت استفاده در هنگام ضبط، زمان، تاریخ و مقدار مدتی که برنامه ضبط شده است، را نشان دهند.

تا اینجا ما به چیزهائی توجه کرده‌ایم که در اغلب دوربین‌ها مشترک است، مثل سایز کاست، اندازهٔ خود دوربین، چشمی و قطعات آن و... اکنون اجازه دهید به جلوه‌هائی دیگر نظر بیاندازیم تا برای خرید و انتخاب دوربین خود، دارای اطلاعات و ایده‌هائی کافی باشید تا بدانید که چه نوع دوربین مناسب کار شما هست و باید تهیه کنید.



شکلی که در این عکس وجود دارد، نمونه‌ای از مدل‌های فوق‌العاده کوچک است.

برای شروع باید گفت که همهٔ دوربین‌های ویدئو دارای سیستم کنترل نوردهی هستند که در همهٔ آنها استاندارد است. سیستم اتوماتیک نوردهی با اندازه‌گیری میانگین روشنائی تصویر دریافتی، و باز و بسته کردن دیافراگم دوربین که iris نام دارد و تغییر "gain" دوربین، سعی می‌کند که تصویر را در سطح استانداردی از نظر روشنایی به قسمت‌های دیگر دوربین ارسال کند. در اغلب مواقع این سیستم عالی عمل می‌کند، اما مواقعی هم هستند که بهتر است، تنظیمات را شما خودتان انجام دهید. اغلب دوربین‌های ویدئویی دارای بخش کنترل دستی به نام manual هستند که به شما اجازه می‌دهد تا این

کار را خودتان انجام دهید.

ساده‌ترین کنترل دستی، تکمه‌ای به اسم ضدنور (Backlight (BLC است که به وسیله آن می‌توان زمانی که نور از پشت به موضوع فیلمبرداری می‌تابد و تولید سایه تاریک آن را می‌کند، مقدار نوردهی را به مقدار ثابتی افزایش داد. در این مورد البته جلوتر صحبت خواهد شد. به عنوان یک راه عملی و مناسب برای این کار، وسیله نوردهی دستی بر روی بعضی از دوربین‌ها به صورت یک چرخ گرد که با انگشت می‌توان آنرا چرخاند، تعبیه شده است. بر روی این چرخ و یا کنار آن هم علامت -/+ f ثبت شده است. به وسیله چرخاندن این چرخ می‌توانید مقدار نوردهی را خودتان آن قدر کم و زیاد کنید تا تصویر مطلوب شما به دست بیاید. یک حالت ویژه و بهتر بر روی بعضی از مدل‌ها به اسم قفل نوردهی exposure lock می‌باشد که به وسیله آن می‌توان نوردهی را در یک اندازه مشخصی از قبل تنظیم کرد تا در تمام طول ضبط، این مقدار ثابت باقی بماند. جلوتر در مورد علت استفاده از چنین جلوه‌ای صحبت خواهیم کرد.

خیلی از دوربین‌های ویدئویی فعلی دارای جلوهٔ "شاتر سرعت بالا "High Speed Shutter هستند. در ابتدا این حالت برای فیلمبرداری از حرکات خیلی سریع مثل عملیات ورزشی درست شد. سرعت عادی شاتر در دوربین‌ها $\frac{۱}{۵۰}$ ثانیه است. این سرعت برای ضبط حرکات سریع بسیار کند است و تصاویر را به صورت تار نشان خواهد داد. شاترهای سرعت بالا که حتی تا $\frac{۱}{۱۰۰۰۰}$ ثانیه را شامل می‌شوند، امروزه بر روی دوربین‌های ویدئویی وجود دارند که ما را قادر می‌سازند تا بتوانیم حرکات بسیار سریع را ضبط و حتی تصویر آنها را از طریق پخش به وسیلهٔ دستگاه ویدئو خود بدون هیچگونه اشکالی مشاهده کنیم. البته سرعت بالای یک شاتر، زمان نوردهی، را پائین می‌آورد و از این رو بهترین حالت برای استفاده از آنها، زمانی است که نورپردازی صحنه تکمیل و عالی باشد. هم‌چنین تصویر روی تلویزیون ممکن است تا حدی دارای کشش و تکان باشد که این بدلیل وجود چیزی به اسم "جرقه‌های الکترونیکی تصویر " image strobing است. اما از طرف دیگر چنانچه فیلم را به صورت فریم به فریم نشان دهید، می‌توانید جزئیات تصویر را خیلی واضح روی صفحه تلویزیون مشاهده کنید.

استفاده از فن‌آوری شاتر سرعت بالا، باعث گسترش و بسط آن بر روی بعضی از دستگاههای ویدئو به صورت سیستم "برنامه نوردهی الکترونیک" (program auto-exposure(AE شده است. این برنامه به شخص استفاده کننده از دستگاه، امکان نوردهی‌های مختلف را می‌دهد تا جهت هر موضوع و شرایطی بتواند نور مناسب را پیدا کند. مانند ورزش، یا تصویربرداری از چهره.

در حالت AE برای ورزش بطور اتوماتیک یک سرعت بالای شاتر در نظر گرفته شده است و سیستم نوردهی اتوماتیک دهانه iris را به اندازه مناسب باز می‌کند. برعکس این حالت در زمان گرفتن پرتره، این سیستم دیافراگم لنز را بیشتر از حد نرمال باز می‌کند. این کار باعث می‌شود تا عمق میدان کاهش پیدا کند و تصویر شخص از پس زمینه تصویر جدا باشد. سرعت شاتر در این حالت به طور خودکار نوردهی را کنترل می‌کند. نظرات و ایده‌های مختلفی در مورد ارزش واقعی سیستم AE وجود دارد، اما اغلب مردم

معتقدند که یک سیستم نوردهی دستی که بتواند نور بیشتری را به دورن دوربین راه دهد، چیز بسیار خوبی برروی یک دوربین ویدئو است.

دوربین‌های ویدئویی دارای قابلیت‌های مختلفی جهت ضبط تصاویری با نورکم هستند. هر مدلی که قابلیت کارکردن در نوری کمتر از ۱۰ Lux را داشته باشد، شما را قادر می‌سازد تا در فضای بسته و داخل ساختمان و بدون استفاده از نور اضافی کار فیلمبرداری خود را انجام دهید. برای کمک به شرایط ضعیف نوری، بعضی از مدل‌ها دارای یک پروژکتور کوچک برروی خود هستند که به طور اتوماتیک و یا به میل شما نور بیشتری به صحنه اضافه می‌کنند.

قابلیت محو تدریجی تصویر و صدا که به fade مشهور است، یکی از جلوه‌های با ارزشی است که برروی بعضی از دوربین‌های ویدئو مشاهده می‌شود و سیستم محو اتوماتیک auto-faders تقریباً بر روی اکثر دوربین‌های ویدئویی وجود دارد. چنانچه امکان داشت، قبل از خرید دوربین این جلوه را امتحان کنید، چرا که در بعضی از مدل‌ها، محو صدا به صورت کامل و تا به آخر انجام نمی‌گیرد و بعضی از مدل‌ها تصویر را به رنگ سفید محو می‌کنند، در صورتیکه در غالب دوربین‌ها، محو کردن به رنگ سیاه است.

در طول سال‌های زیادی، دوربین‌های ویدئویی با لنزهایی که حلقهٔ فوکوس دستی داشتند و دارای اهرمی جهت زوم کردن بودند، تولید می‌شدند. اما اکنون طرح‌ها و مدل‌ها عوض شده‌اند. اکنون تکمه‌هائی با استفاده از چرخش موتور، عمل زوم کردن را انجام می‌دهند و هیچ اهرم اضافی وجود ندارد. جهت فوکوس کردن هم یک تکمه جای حلقهٔ دور لنز راگرفته است. این تشکیلات خیلی خوب عمل می‌کند، اما بعضی‌ها راههای دستی و سریع‌تر را می‌پسندند. یک علت آن این است که چون این جلوه‌ها از نیروی موتور استفاده می‌کنند، در نتیجه نیروی زیادی از قدرت گرانبهای باتری را به خود اختصاص می‌دهند.

دوربین‌های مدرن ویدئویی دارای لنزهای زومی هستند که می‌توانند تصویر را با قدرت زیادی چند برابر بزرگ‌تر کنند. این قدرت معمولاً به صورت x12 یا بیشتر نشان داده می‌شود که فاکتور بزرگ نمائی لنز را نشان می‌دهد. با کمک بعضی از وسائل الکترونیکی و یا عدسی‌ها می‌توان قدرت لنز راحتی از مقداری که توان لنز یک ویدئو هست، بیشتر کرد. همان طور که در بخش ۴ خواهیم دید، فیلم‌هائی که بر روی دست و در حالت تله کامل گرفته می‌شوند، دارای لرزش‌های تصویر هستند. از اینرو استفاده از این گونه "تقویت کننده‌های زوم"، می‌تواند تا حد زیادی بحث‌انگیز باشد. در عوض استفاده از زوم الکترونیکی می‌تواند در خلق جلوه‌های ویژه موثر باشد. قابلیت ماکرو لنز که آنرا قادر می‌سازد تا حتی از وسائل کوچک و ریز از فاصله بسیار نزدیک تصویربرداری کند، از جمله چیزهائی است که روی اغلب دوربین‌های ویدئو می‌توان مشاهده کرد.

هرچند که امکان فوکوس کردن دستی، جلوهٔ خوبی است ولی اغلب دوربین‌های ویدئویی مجهز به لنزهای اتوفوکوس AF هستند. این جلوه، بسیار مناسب آماتورها است، چرا که آنها به خلاف حرفه‌ای‌ها دارای آمادگی سریع جهت فوکوس کردن تصویر نیستند. اغلب سیستم‌های موجود اتوفوکوس، هم سریع و

هم دقیق هستند و می‌توانند به سرعت موضوع در حال حرکت را پیدا کنند و روی آن فوکوس کنند. باوجود اینکه انواع مختلف این سیستم‌ها وجود دارد ولی در عمل اکثر آنها یکسان هستند و چیزی جهت تمایز و برتری یک سیستم در مقابل دیگر سیستم‌ها وجود ندارد.

جلوهٔ دیگری که بر روی بعضی از دوربین‌ها وجود دارد به "توازن نور سفید" WB یا White Balance مشهور است که در حین فیلمبرداری سعی می‌کند تا رنگ نور موجود را برای دوربین به رنگ نور مطلوب روز تبدیل کند. یک نمونه از کارکردهای WB به Tracking auto مشهور است که به طور خودکار سعی می‌کند دائماً نور صحنه را ارزیابی کند و تغییرات نور را اصلاح کند و نور مناسب را به دوربین برساند. این عمل از قبل با دادن اندازهٔ نور، یکی برای روز و یکی برای نور مصنوعی "نور لامپ تنگستن" به دوربین انجام می‌شود. پس از آن دوربین سعی می‌کند که مقایسه‌ای بین نور صحنه و این دو اندازه انجام دهد و رنگ نور را به طور خودکار تصحیح کند. یک مدل دیگر از WB که معمولی هم هست و روی بسیاری از دوربین‌ها وجود دارد، دارای قابلیت تنظیم دستی است. برای این منظور دوربین به طرف یک نور استاندارد، مثل نوری که از صفحه محافظ لنز رد می‌شود و یا نوری که از یک مقوای سفید منعکس می‌شود گرفته می‌شود. این نور به عنوان نور مرجع می‌باشد و هر نور دیگری متناسب آن تنظیم می‌شود. قفل کردن WB امکان بسیار مناسبی است، چرا که یک تنظیم برای رنگ نور دوربین در نظر گرفته می‌شود و دوربین بدون در نظر گرفتن تغییرات نور و بر مبنای همان تنظیمی که شده است، کار خود را انجام می‌دهد. این عمل بخصوص زمانی که مشغول ضبط در هنگام غروب خورشید هستید، بسیار مناسب است.

یکی دو مورد از چیزهای دیگری که روی دوربین‌های ویدئو وجود دارند و به آنها می‌توان اشاره کرد، یکی تکمه full auto به معنی تمام اتوماتیک است. با فشار این تکمه تمام کارهای نوردهی، فوکوس و نور سفید به طور خودکار پس از فشار این تکمه انجام می‌شوند. یک جلوهٔ قابل ذکر دیگر تکمه "جستجوی تصویر" image search است. طرز کار آن شباهت زیادی به پخش دستگاههای ویدئوی خانگی دارد. به وسیله این جلوه می‌توان تصویر یا نقطه دلخواه را با سرعت و از طریق جلو یا عقب بردن نوار پیدا و آنرا درون چشمی یا روی مونیتور دوربین مشاهده کرد. یک مرحله بالاتر از این جلوه، مشاهده دوباره صحنه ضبط شده یا record revue یا Preview است که به طور خودکار نوار را به عقب برمی‌گرداند و چند ثانیه آخری که تصویربرداری کرده‌اید را درون چشمی دوربین مشاهده می‌کنید و می‌توانید در مورد حفظ یا پاک کردن آن قبل از اینکه صحنه بعدی را ضبط کنید، تصمیم بگیرید.

حالت انتظار یا Standby و یا Rehearsal و یا کلمات معادل آنها هم جلوه خوب و مفیدی است که بر طبق آن تصویر را می‌توان درون چشمی مشاهده کرد بدون اینکه در این حال هد در حال کار کردن و یا نوار با هد تماس و درگیری داشته باشد و یا احتیاج به استفاده از تکمه مکث Pause داشته باشید.

اگر شما ادیت کردن را از درون دوربین انجام می‌دهید، در حقیقت می‌خواهید مدت زمان هر صحنه چیزی باشد که خودتان می‌خواهید و ضبط هر صحنه جدید در حقیقت درست در ادامهٔ صحنهٔ قبلی باشد.

جلوهٔ تصویر ثابت Still frame که برطبق آن حرکت فیلم متوقف و فقط یک تصویر ثابت روی مونیتور یا درون چشمی نشان داده می‌شود، به شما اجازه می‌دهد که این روش ادیت کردن را انجام دهید. بعضی از دوربین‌های مدل بالا دارای جلوهٔ "تصویر ثابت دیجیتالی " digital still هستند که به معنی ثابت نگاه داشتن یک تصویر بدون وجود هرگونه لرزش یا اختلالی در تصویر است. بعضی دیگر دارای جلوهٔ" حرکت تصویر ثابت به جلو" still frame advance هستند که جستجو برای یافتن یک نقطه در روی نوار را با دقت انجام می‌دهد. جلوهٔ Time-laps به معنای "وقفه‌های زمانی " همان‌طور که اسم آن نشان می‌دهد، شما را قادر می‌سازد تا در فواصل مختلف زمانی دوربین چند فریم فیلمبرداری کند و مجدداً خاموش شود. این جلوه برای صحنه‌های متحرک، مثل حرکت ابرها در آسمان، رشد گیاهان و ترافیک خیابانی بسیار عالی است.

معمولاً ما توجه زیادی به امکانات ضبط صدا بر روی دوربین‌های ویدئویی نمی‌کنیم. همهٔ دوربین‌های ویدئو دارای یک میکروفون ثابت بر روی خود هستند. خیلی از دوربین‌ها هم دارای محلی برای وصل یک گوشی یا هدفون هستند که اگر کسی در حین ضبط برنامه، علاقمند به شنیدن صدای درحال ضبط باشد، بتواند از آن طریق صدا را بشنود. بعضی از دوربین‌ها هم دارای محلی جهت اتصال یک میکروفون اضافی به دوربین هستند. یک مشکل عمومی در این رابطه نزدیک بودن میکروفون به منابع تولید صدای قسمت‌های مکانیکی دوربین مثل موتور قسمت زوم و یا قسمت اتوفوکوس دوربین است. بعضی از دوربین‌ها در این رابطه اشکالات کمتری دارند. اما وقتی می‌توان میکروفون اضافی به دوربین وصل کرد و صدا را از فاصله بیشتری نسبت به دوربین گرفت، می‌شود این مشکل را تا حدی برطرف کرد. در بخش ۱۰ در این مورد صحبت خواهد شد.

مشکل دیگر در رابطه با ضبط صدا، مسئله صدای باد است که در هنگام ضبط تولید مزاحمت می‌کند. بعضی از دوربین‌ها دارای تکمه "صدای باد " هستند که با زدن آن فیلتری برسر راه صدای وارد شده به ویدئو قرار می‌گیرد و صدای باد را کاهش می‌دهد. از آنجائیکه در حال حاضر در مورد صدا صحبت می‌کنیم باید متذکر شویم که خیلی از مدل‌ها صدا را به صورت استریو و hi-fi ضبط می‌کنند که از نظر کیفیت بسیار عالی است. هنگام نمایش نوار، شما احتیاج به امکانات پخش صدای استریو دارید تا بتوانید این صدا را به صورت استریو دریافت کنید. مثلا تلویزیون شما باید استریو باشد.

ممکن است شما روی بعضی از دوربین‌ها جلوهٔ audio dub را مشاهده کنید که عبارت از این است که می‌توانید صدای ضبط شده، روی نوار را پاک و صدای جدیدی روی فیلم خود بگذارید، بدون اینکه این کار شما باعث شود که تصویر شما لطمه و صدمه‌ای ببینید. خیلی از دوربین‌های VHS دارای این امکان هستند و بعضی از آنها هم دارای جلوهٔ Picture insert هستند که عملی برعکس را انجام می‌دهد، یعنی به شما اجازه می‌دهد تا تصویر جدیدی را روی تصویر قبلی ضبط کنید، بدون اینکه صدای ضبط شدهٔ اصلی پاک و حذف شود. اما دوربین‌های ویدئویی ۸ mm فاقد این جلوه هستند و هنگام ضبط، صدا و

تصویر را با هم ضبط می‌کنند. برای هرگونه اضافه کردن تصویر و صوت در نوار که به insert کردن مشهور است، جلوهٔ معروف به "پاک کن پرنده " flying erase چیز مهمی است، چرا که با کمک آن عمل ادیت کردن بدون هیچگونه اختلال تصویری صورت می‌گیرد و در پایان ادیت هم، هیچ پرش یا اختلالی در تصویر مشاهده نمی‌شود.

جلوه‌های ویژه دیجیتالی و یا امکان نوشتن عناوین هم امروزه بر روی خیلی از دوربین‌های ویدئویی وجود دارد. این کار باعث می‌شود تا شما عنوان فیلم و اطلاعات دیگر را در حین فیلمبرداری روی نوار خود ضبط کنید. به اضافه اینها امکان ضبط ساعت و تاریخ فیلمبرداری را هم می‌توان اضافه کرد.

در میان خروجی‌هائی که در دوربین ویدئو باید ذکر کرد، محل خروجی "RF-out" است که برای وصل دوربین شما به تلویزیون، جهت نمایش نوار است. خروجی AV-out در حقیقت برای اتصال به قسمت AV تلویزیون شما است "البته اگر تلویزیون شما دارای محل اتصال آن باشد " بدین وسیله شما تصویری با کیفیت بهتر مشاهده خواهید کرد. محل اتصال AV-in بر روی دوربین شما، جهت صداگذاری روی نوار می‌باشد که در حال حاضر، مدل‌های کمی از دوربین‌ها دارای این امکان هستند. ترمینال S یا اتصال RGB نیز از امکانات بعضی از دوربین‌ها جهت اتصال به تلویزیون برای کیفیت بهتر صدا و تصویر هستند که بعضی از دوربین‌های نوار بزرگ دارای این امکان هستند. امکان دیگر "هم زمان کردن ادیت " یا Synchro-edit است که امکان روشن کردن خود بخودی دوربین را در هنگام ادیت کردن امکان‌پذیر می‌سازد. هم‌چنین محل اتصال کنترل از راه دور به اسم LANC هم از امکانات دیگری است که در موقع ادیت کردن تسلط اتوماتیک روی دوربین و دستگاه ویدئو را امکان‌پذیر می‌سازد. کنترل از راه دور در خیلی از دستگاهها به جای سیم با استفاده از ارسال اشعه ماذون قرمز صورت می‌گیرد.

در خاتمه این گشت و گذار در مورد امکانات مختلفی که بر روی ویدئوها وجود دارند، باید از "تولید کد زمان " Timecode generation یاد کرد که معمولاً به اسم VITC یا RCTC خوانده می‌شود. به وسیلهٔ این جلوه می‌توان هرفریم تصویر را در هنگام ادیت کردن تحت کنترل داشت. (در این مورد در بخش ۸ صحبت خواهد شد). جلوهٔ کلیدهای ادیت edit switches نیز از امکانات دیگری است که کیفیت و قابلیت ضبط تصاویر شما را جهت ضبط از یک دستگاه ویدئو به دستگاه دیگر بالا می‌برد. هم چنین دستگاه کنترل از راه دور و قابلیت تبدیل و تعویض SP به LP هم از دیگر امکاناتی هستند که بر روی بسیاری از دوربین‌ها وجود دارند.

همانطور که دیدید، جلوه‌ها و مشخصات زیادی هستند که در هنگام خرید دوربین ویدئو باید در نظر گرفت. خوشبختانه مسئله از چیزی که به نظر می‌رسد راحت‌تر است. اول یک دوربین را در نظر بگیرید، سپس لیستی از چیزهائی که می‌خواهید روی دوربین خود داشته باشید تهیه کنید و قیمت دوربین را هم در نظر داشته باشید. مقایسه‌ای بین دوربینی که دیده‌اید و لیست خود بکنید و سعی کنید که مدل‌های مختلفی را در مورد مطالعه قرار دهید. همیشه در هنگام امتحان دوربین، مسئله کیفیت تصویر و رنگ آن،

پرش تصویر و قابلیت ضبط صدای خوب را با اختلالات و خش‌خش کم‌تر در نظر داشته باشید.

هر زمان که تصمیم گرفتید دوربین ویدئو بخرید، بهتر است که اول مطالعات خود را انجام و سپس تصمیم خود را به مرحله اجرا در بیاورید. وقتی که شما صاحب دوربین ویدئویی شدید، باید دوربین شما دارای تصویری عالی، صدائی با کیفیت مطلوب، مدلی زیبا و مناسب کار شما برای سال‌های آینده در جهت خدمت به خلاقیت هنری شما باشد و هیچ اشکالی ندارد که دوربین شما دارای آخرین تکمه‌ها و جلوه‌های پیشرفته نباشد.

لیست کنترل

در زیر چند جلوهٔ بسیار سودمند آورده می‌شوند، قبل از خرید دوربین کنترل کنید که دوربین شما دارای آنها باشد.

** محل خروجی برای یک میکروفون اضافی... امکانی بسیار مهم جهت بهبود کیفیت ضبط صدا.*

** محل خروجی جهت اتصال گوشی یا اتصال هدفون... این امکان جهت کنترل صدای ضبط بسیار مناسب است.*

** تکمهٔ نگهداشتن یا ثابت کردن تصویر... امکانی حیاتی برای پیدا کردن و نگهداشتن محل دقیق ادیت کردن در زمان ضبط.*

** تکمه مرور قسمت ضبط شده در حالت دوربین... وسیله‌ای بسیار عالی جهت هدر ندادن و استفاده زیاد نکردن از باتری و وقت، که بلافاصله پس از ضبط می‌توانید، تصاویر را درون چشمی مشاهده کنید.*

** امکان فوکوس و زوم کردن دستی، جهت صرفه‌جوئی در وقت و باتری.*

** قدرت زوم لنز که هر چه رقم آن بالاتر باشد، نشان دهنده قوی‌تر بودن لنز است.*

** سرعت شاتر یا حداکثر سرعت شاتر که برای حرکات سریع مثل مسابقات ورزشی مهم است.*

** دیافراگم بازتر جهت مواقعی که نور کافی وجود ندارد و دیافراگم باید با باز شدن خود نور بیشتری به درون دوربین راه دهد.*

۲ - اولین روز با دوربین ویدئو

خرید یک دستگاه دوربین ویدئو، رویداد قابل ملاحظه و مهمی برای هر کسی است. شور و اشتیاق اینکه دستگاه را خیلی سریع از جعبه خود بیرون آورده و اولین فیلمبرداری ویدئویی را به دست خودمان انجام دهیم در بیشتر افراد زیاد است و سادگی اکثر این این دوربین‌ها طوری است که این امر را برای همه میسر می‌کند.

علیرغم وجود این هیجانات، بهتر است که بر احساسات خود غلبه کنید و قبل از فشار دادن تکمه‌ای روی دوربین، ابتدا کتابچهٔ راهنمای آنرا به دقت بخوانید. این بهترین کاری است که شما می‌توانید انجام دهید تا به این طریق به امکاناتی که دوربین شما دارد و کاری که از آن می‌توانید بکشید، آشنا و وارد شوید. از طرف دیگر با یک سری نکات ایمنی دوربین هم آشنا می‌شوید تا مثلاً بر اثر استفاده غلط، صدمه‌ای به دوربین خود وارد نکنید.

مطالب کتابچهٔ راهنما در مدل‌های مختلف ممکن است فرق کند ولی اصول اولیه در مورد همهٔ آنها یکی است. دوربین‌های ویدئویی دارای دو کارکرد هستند: ضبط تصویر و پخش آن. کتابچهٔ راهنمای دوربین شما، احتمالاً سعی در توضیح این دو مطلب اساسی، به اضافه یک سری نکات برای آماده کردن دستگاه برای کار و فیلمبرداری دارد.

کتابچه راهنما همچنین سعی می‌کند که گام به گام مراحل مختلف اتصال دوربین به تلویزیون، جهت نمایش فیلم ضبط شده را شرح دهد و چگونگی استفاده از کارکردهائی مثل محو کردن fades و اضافه کردن صحنه insert را به شما توضیح دهد. شما ممکن است مطالبی راجع به چگونه وصل کردن دوربین خود به یک دستگاه ویدئوی رومیزی را در این دفترچه پیدا کنید که کمک خوبی جهت ضبط کردن فیلم داخل دوربین شما روی یک نوار دیگر و در مواقع ادیت کردن است.

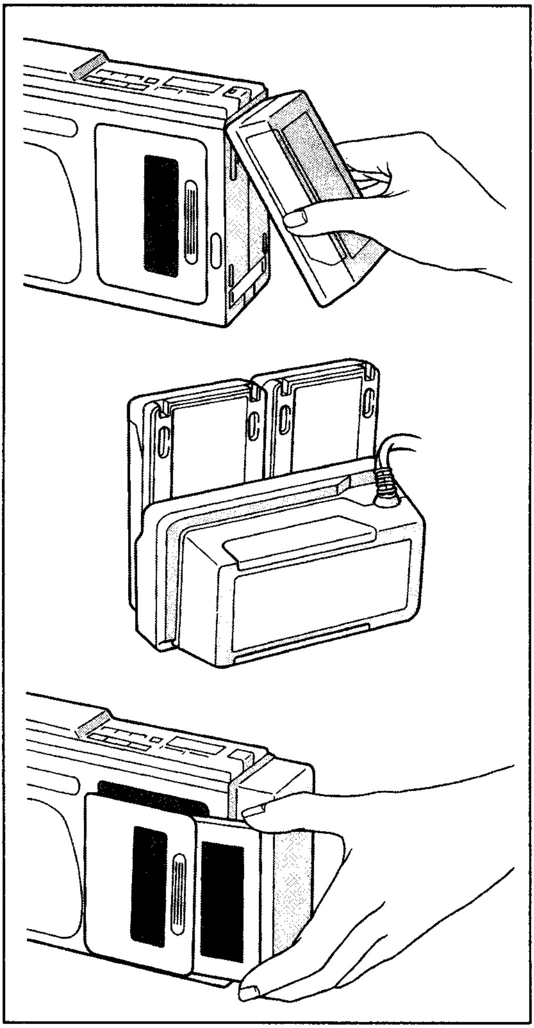
در نگاه اول ممکن است که این مسائل کمی پیچیده به نظر برسند. اما چنانچه شما موارد شرح داده

شده را گام به گام اجرا و به خاطر بسپارید، دوربین‌های ویدئویی وسائلی ساده خواهند بود. اولین وظیفه شما که در کتاب راهنماهای مختلف شرح داده می‌شود، پیدا کردن باتری مناسب قابل شارژ برای دوربین است. معمولاً باتری در یک جعبه پلاستیکی و یا بسته‌بندی خاص خود قرار دارد. مسئله‌ای که در مورد باتری‌ها باید گفته شود، طرز نگهداری آنهاست، طوری که هیچگاه اتصال بین قطب‌های آن‌ها بوجود نیاید. چنانچه اتصال بین قطب‌ها برقرار شود، بلافاصله باتری بیش از حد گرم می‌شود و دیگر نمی‌توانید از آن استفاده کنید.

قدم بعدی این است که باتری را امتحان کنید. به احتمال زیاد باتری از قبل خالی شده است. برای امتحان باتری، آنرا همان طور که در کتابچه شرح داده شده است، روی دوربین سوار و دوربین را روشن کنید. در صورت روشن نشدن دوربین، باتری خالی است. بعضی مواقع هم دوربین روشن می‌شود ولی در قسمت چشمی دوربین علامت اخطار: "باتری ضعیف" را مشاهده می‌کنید که نشان دهنده این است که باتری احتیاج به شارژ دارد. یک راه دیگر که احتمالاً هم بهتر است، این است که باتری را روی دستگاه شارژ باتری سوار و آنرا به برق وصل کنید. اگر چراغ و علامت شارژ روشن شد، این بدین معنی است که باتری خالی بوده است و در حال شارژ شدن است و چنانچه چراغ شارژ روشن نشد، پس باتری شما پر و آماده استفاده می‌باشد.

با سوار کردن یک باتری شارژ شده بر روی دوربین، اکنون می‌توانید یک نوار خالی را درون دوربین خود بگذارید. در این مورد سعی کنید که نکات مربوط به انداختن نوار درون دوربین را مطالعه و اجرا کنید. چنانچه نواری که می‌خواهید درون دوربین خود بگذارید، قبلاً در دستگاهی دیگر استفاده شده و نو نیست، توجه کنید که قسمت گوشه نوار که مخصوص قفل کردن نوار از ضبط مجدد است، در حالت آماده برای ضبط باشد. در غیر این صورت ممکن است دستگاه شما از ضبط نوار خودداری کند و شما نتوانید علت آنرا پیدا کنید.

چیزی که بعد از این مرحله اتفاق می‌افتد، بستگی به نوع مدل دوربین شما دارد. ممکن است که بطور خودکار، دستگاه شما به حالت آماده برای ضبط در بیاید یا اینکه ممکن است برای این کار، احتیاج به فشار تکمه‌ای دیگر داشته باشید تا دستگاه آماده ضبط شود. بهر صورت در این حالت، یعنی آماده برای ضبط standby، تصویری در چشمی دوربین خود مشاهده خواهید کرد. این تصویر ممکن است که سیاه و سفید یا رنگی باشد، "بستگی به نوع چشمی دوربین شما دارد." البته چشمی‌های رنگی، سعی می‌کنند که تصویری رنگی و تقریبی از موضوع و صحنه بر روی صفحه خود نشان دهند. این تصویر دارای رنگ صددرصد طبیعی نیست و از طرفی در چشمی‌های رنگی درجه وضوح تصویر پائین‌تر از نوع سیاه و سفید است. به همین دلیل فوکوس دستی کردن فقط از طریق نگاه کردن به درون چشمی، ممکن است بسیار سخت باشد.



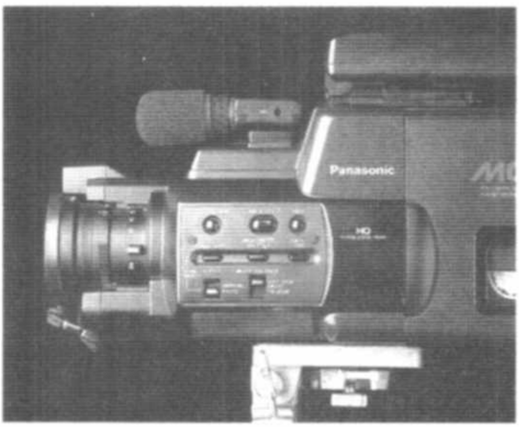
بعد از شارژ باتری، آنرا در محل خود بر روی دوربین سوار می‌کنیم. بعضی از باتری‌ها در قسمت پشت دوربین سوار می‌شوند، بعضی دیگر در بغل دستگاه قرار می‌گیرند و بعضی از آنها هم درون دوربین گذاشته می‌شوند. در مورد اینکه باتری دوربین شما، چگونه باید سوار شود، نهایت دقت را انجام دهید.
وقتی که چراغ اخطار در مورد تمام شدن باتری روشن می‌شود، سعی کنید که باتری خود را شارژ کنید، تا آنرا برای دفعه بعد آماده و شارژ شده در دسترس داشته باشد. بعضی از شارژرها قادرند که دو باتری را همزمان شارژ کنند.
بعد از شارژ باتری و سوار کردن آن روی دوربین، باید یک نوار کاست خالی درون دوربین بگذارید. قبل از جای دادن نوار توجه کنید که قسمت محافظت از ضبط که در ته نوار وجود دارد، روی قسمت ضبط باشد.

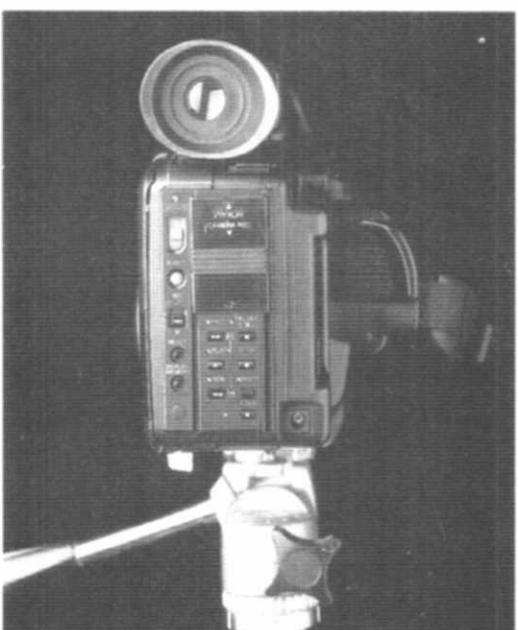
چنانچه تصویر درون چشمی واضح و مشخص نیست، توجه کنید که لنز دوربین به شکل درستی فوکوس شود. این کار را می‌توانید با تغییر دوربین به حالت اتوفوکوس انجام دهید. پس از قرار دادن دوربین در این حالت، آنرا به طرف سوژه دلخواه خود بگیرید. اگر کماکان تصویر شما واضح و مشخص نیست، خود چشمی را تا اندازه‌ای در جهتی که روی آن مشخص شده است، بچرخانید. ممکن است که در این حالت ذره‌بین چشمی در فاصله کانونی خود قرار نداشته باشد. این ذره‌بین برای بزرگنمائی تصویر چشمی تعبیه شده است.

زدن کلید ضبط تصویر در دوربین ویدئوکار ساده‌ای است. تکمه روشن کردن دوربین و ضبط تصویر در اکثر دوربین‌ها در سمت راست و در نزدیکی جائی که دست دوربین را می‌چسبد، قرار گرفته است. معمولاً

این تکمه در جائی تعبیه شده است که انگشت شست می‌تواند، راحت آنرا فشار بیاورد و یک فشار به این تکمه باعث روشن شدن دوربین و ضبط و فشار دیگر باعث قطع کردن ضبط می‌شود.

در بالای تکمه روشن و خاموش، احتمالاً دو تکمه دیگر هم مشاهده خواهید کرد. این تکمه‌ها برای زوم کردن لنز دوربین هستند که می‌توانند تصویر را به جلو و عقب ببرند. معمولاً این تکمه‌ها طوری طراحی و تعبیه شده‌اند که برای استفادهٔ آنها، دو انگشت اشاره و وسط دست راست مناسب‌ترین انگشتان هستند. البته این مسئله در بعضی مدل‌ها ممکن است تا حدی فرق کند. این مرحله فرصت خوبی است تا با فشار تکمه‌های زوم و تماشا در چشمی دوربین به تاثیر این تکمه در اندازه تصویر توجه کنید.





معمولا تکمه‌های کنترل تصویر در قسمت چپ دوربین‌ها واقع شده‌اند. فقط تکمه‌های روشن - خاموش و زوم هستند که در این قسمت نیستند و در جایی که معمولا دست راست دوربین را می‌چسبد، قرار دارند.

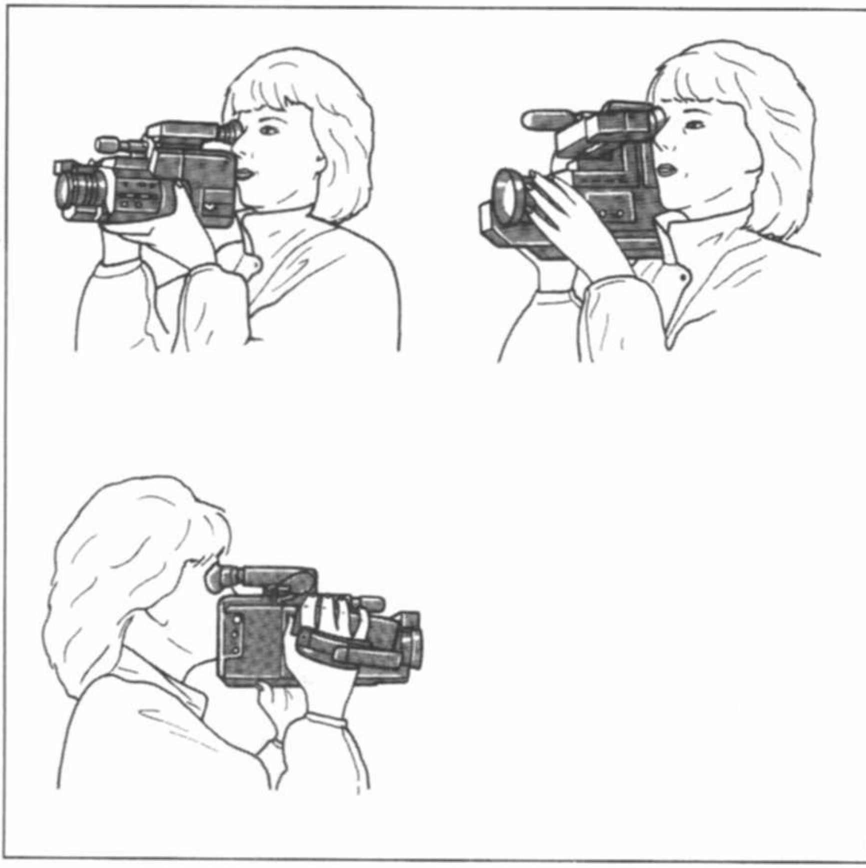
تکمه‌های قسمت پخش ویدئو معمولا در کنار یکدیگر واقع شده‌اند، در این مدل این گروه در قسمت پشت دوربین جای دارند، تکمه ویدئو - دوربین هم به صورت تکمه کشوئی در زیر چشمی قرار دارد.

وقتی که به این مرحله رسیدید، در حقیقت به زمان ضبط اولین تولید ویدئویی خود بسیار نـزدیک شده‌اید. اما قبل از شروع اولین ضبط، کنترل کنید که آیا تعادل نور سفید WB برای نوری که در آن بسر می‌برید تنظیم شده است و آیا در حین ضبط کردن، تصویر با نور و رنگ حقیقی روی نوار ضبط می‌شود یا نه؟ این عمل واقعاً مورد احتیاج است، چرا که از نظر فنی اگر شما درون اتاقی هستید که با نور چراغ‌های معمولی روشن شده است، پس نور حاضر بسیار "گرم‌تر" از نور آفتاب که در بیرون است، می‌باشد و در این حالت تصویری که شما ضبط خواهید کرد، بسیار زرد خواهد شد. چشم انسان معمولاً به طور اتوماتیک خود را با نورهای مختلف تطبیق می‌دهد و در نتیجه ما در زیر نورهای مختلف رنگ‌ها را یکسان می‌بینیم. اما در مورد دوربین‌ها این موضوع صدق نمی‌کند و باید تغییراتی در آنها انجام داد تا بتوانند خود را با نور موجود تطبیق بدهند و علیرغم شرایط نوری مختلف همه نورها را "سفید" به مانند رنگ خنثی ببینند. به این عمل تعادل نور سفید یا White Balance یا مخفف آن WB می‌گویند.

قبلاً تنظیم تعادل نور سفید کاری وقت‌گیر بود. اما امروزه این کار به صورت خودکار و یا تنظیم از قبل و یا دستی به صورت گرفتن لنز دوربین به طرف یک سوژه سفید رنگ روشن صورت می‌گیرد. اگر دوربین شما روی تنظیم اتوماتیک تعادل نور سفید یا auto white balance نیست، هر وقت که از محیط خارج به داخل "و یا برعکس" می‌آئید، آنرا کنترل و تنظیم کنید.

اکنون می‌توانید چند ضبط آزمایشی انجام دهید. ابتدا سعی کنید که طرز بدست گرفتن دوربـین را تمرین کنید. دست راست خود را به درون بندی که جهت نگهداری دوربین تعبیه شده است ببرید و آنرا متناسب دست خود تنظیم کنید. سپس انگشت شست خود را نزدیک تکمه خاموش - روشن دوربین یا ضبط تصویر بگذارید و انگشت اشاره و وسط خود را روی تکمه زوم قرار دهید. دوربین را با دست خود بالا بیاورید و جلوی صورت خود بگیرید، طوری که چشمی آن جلوی چشم راست شما قرار گیرد و بـتوانـید تصویر درون آن را واضح ببینید. در انتها دست چپ خود را بالا بیاورید و طوری با آن دوربین را نگه دارید تا دست شما تکیه گاهی برای لنز و دوربین باشد.

در قدم بعدی، دوربین را از حالت اتوفوکوس خارج و به حالت فوکوس دستی ببرید. سعی کنید که بدین طریق فوکوس دستی را امتحان کنید و هم زمان تغییراتی که بوجود مـی‌آیند را درون چشـمی دوربـین ملاحظه کنید. علیرغم اینکه در آینده، عمدتاً و بیشتر از فوکوس اتوماتیک یا اتوفوکوس استفاده خواهید کرد ولی مواردی هم پیش خواهد آمد که مجبور به استفاده از فوکوس دستی باشید. با نوک انگشتان دست چپ خود، آهسته حلقهٔ فوکوس دستی را در دست بگیرید و به آهستگی آنرا بچرخانید. در این حالت توجه کنید که دست شما جلوی لنز قرار نگیرد. حلقه فوکوس را آنقدر بچرخانید تا تصویر بطور واضح در چشمی مشاهده شود.



بالا: دست چپ جهت کمک کردن برای ثابت نگه داشتن دوربین است. این دست می‌تواند در عین حال برای فشار تکمه‌های کنترل و زوم و فوکوس دستی هم به کار رود.
پایین: بیشتر وزن دوربین روی دست راست و به وسیله بند جای دست است. همیشه انگشتان اشاره، وسط و شست را در جهت زوم کردم و خاموش - روشن کردن دوربین آزاد بگذارید.

سعی کنید که از زوم کردن لنز استفاده کنید. ابتدا لنز را به حالت واید ببرید و سپس به حالت تله و در هر کدام از این حالت‌ها فوکوس کردن را امتحان کنید. در حین تمرین کردن با زوم دوربین متوجه خواهید شد که در حالت تله، پیدا کردن جزئیات تصویر بسیار راحت است. علت آن بخشی به خاطر بزرگ شدن تصویر است و بخشی دیگر به علت کم شدن عمق میدان در حالت تله است که بغیر از سوژه اصلی بقیه چیزها تار و با وضوح غیر کامل نشان داده می‌شوند. این حالت برای فوکوس کردن دستی بسیار مفید است. برای این کار ابتدا دوربین را روی تله قرار دهید، سپس فوکوس دستی خود را انجام دهید و بعد لنز را به حالت واید و در موقعیتی که می‌خواهید ببرید. برای تغییر از حالت تله به واید می‌توانید یا از دست راست خود با استفاده

از موتور دوربین این کار را انجام دهید و یا اینکه از دست چپ خود استفاده کنید و اهرمی که به این منظور روی لنز، تعبیه شده است را بچرخانید که در این حالت کار به صورت دستی انجام می‌شود.

در حال انجام این تمرینات توجه کنید که در حالتی که لنز دوربین در موقعیت واید قرار دارد، چقدر تصویر شما ثابت و بدون لرزش است. تصویرهای بسیار نزدیک که به کلوزآپ Close up مشهور هستند، اغلب دارای لرزش‌های زیادی هستند، طوری که تماشای تصویر را بعضی مواقع غیرممکن می‌کنند. از اینرو در ادامهٔ فعالیت‌های خود بیشتر سعی کنید که تصویرها را با لنز واید بگیرید.



هر چند استفاده از قسمت واید لنز باعث ثابت ماندن تصویر و عمق میدان زیاد می‌شود، ولی استفاده کلوزآپ در این حالت باعث اعوجاج و انحراف تصویر می‌شود.

اگر لنز شما دارای خاصیت ماکرو باشد، می‌توانید تصویرهای بسیار نزدیک از چیزهای کوچک بگیرید. برای تمرین این کار باید دوربین خود را به حالت فوکوس دستی ببرید و لنز را نیز در حالت ماکرو قرار دهید. قرار دادن لنز در حالت، ماکرو معمولاً از طریق چرخاندن اهرمی که در روی لنز جهت تغییرات تله به واید تعبیه شده است، صورت می‌گیرد. برای حالت ماکرو، باید این اهرم را از قسمت واید هم کمی بیشتر بچرخانید. احتمال دارد مجبور به کشیدن یا فشار اهرم باشید تا از مانعی که برسر راه لنز قرار گرفته است رد شوید و به حالت ماکرو بروید. برای فوکوس کردن در حالت ماکرو باید از همین اهرم و در حالت فوکوس دستی استفاده کرد. چون در این حالت کوچک‌ترین تغییر باعث عدم وضوح تصویر می‌شود، سعی کنید که چرخش این اهرم را خیلی آهسته و با دقت انجام دهید تا تصویر خوب و واضحی داشته باشید.

جهت نوردهی به دیافراگم، خیلی از دوربین‌های ویدئویی دارای امکاناتی جهت نوردهی دستی هستند و می‌توان در این حالت دیگر از نوردهی اتوماتیک AE استفاده نکرد. در حالت AE معدلی از نور صفحه گرفته می‌شود و برای این معدل دیافراگم و شاتر دوربین تنظیم می‌شود. ولی مواردی هم وجود دارند که گرفتن معدل نور صحنه چیز مطلوبی نیست.

یک مثال در این مورد زمانی است که شما دارای یک پیش زمینه تاریک هستید، مثل یک ساختمان که در پشت آن آسمان روشن وجود دارد. در عکاسی به این حالت ضدنور می‌گویند. در این حالت دوربین ویدئو سعی می‌کند که تعادل و مخرج مشترکی از این دو نقطه مختلف بدست بیاورد، که اغلب موارد منجر به سیاه شدن پیش زمینه می‌گردد. البته بعضی از دوربین‌ها دارای سیستم پیشرفته اندازه‌گیری هستند که بدین وسیله از پیش آمدن این حالت جلوگیری می‌کنند.

برای غلبه برمشکل نوردهی کم پیش زمینه، در حالت استفادهٔ دستی، دوربین شما احتمالاً دارای تکمه‌ای جهت قرار دادن دوربین در حالت ضدنور می‌باشد. وقتی که این تکمه را فشار می‌دهید، نوردهی به دوربین چند درجه بالا می‌رود که در این حالت هم پیش زمینه و هم پس زمینه روشن‌تر می‌شوند. در مدل‌های مختلف ممکن است تغییراتی در این سیستم وجود داشته باشد. مثلاً اینکه در حالت کنترل کاملا دستی، بتوان با مشاهده در چشمی دوربین نوردهی را کم‌کم آنقدر زیاد کرد تا اینکه تصویر مطلوب بدست آید. این امکان در بعضی از مدل‌ها تا آنجا می‌تواند ادامه پیدا کند که به شما امکان محو کامل تصویر را هم بدهد، یعنی fade ولی در بعضی از مدل‌های دیگر، محو تدریجی تصویر و صدا با استفاده از تکمهٔ جداگانه‌ای صورت می‌گیرد.

در پایان این قسمت از صحبت‌ها در مورد نوردهی می‌توان از حالت ویژه دیگری نام برد که چنانچه دوربین شما دارای تکمه gain باشد، می‌توانید با استفاده از این تکمه در شرایط نوری ضعیف در صحنه، مقدار نوردهی به دوربین را بیشتر کنید. در این حالت، مقدار نوردهی دوربین با کمک قسمت الکترونیک دوربین تقویت می‌شود. البته در هنگام استفاده از gain معمولاً تصویر به صورت دانه‌ای و شاید هم برفکی روی صفحه ظاهر شود. بنابراین بهتر است که استفاده شما از این حالت به عنوان آخرین راه‌چاره باشد، و شاید در این حالت، تصویری برفکی بهتر از هیچ یا تصویر کاملاً سیاه باشد.



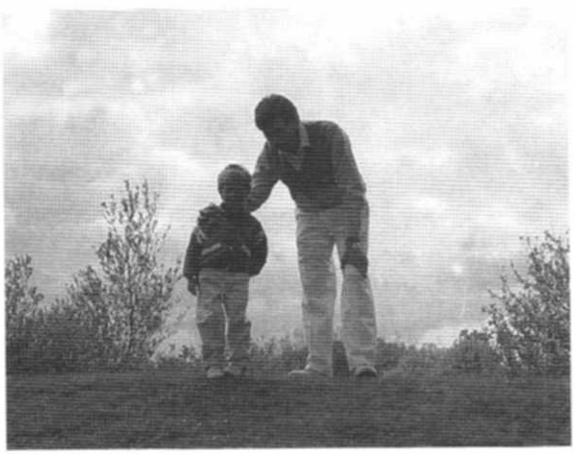
تصویرهایی که با لنز تله گرفته می‌شوند، معمولا فشرده به نظر می‌رسند، که در جای خود می‌توان از این خاصیت استفاده کرد. لرزش تصویر و عمق میدان کم از مشخصات بارز این نوع تصاویر است.

اگر دوربین شما قابلیت ضبط دو سرعته را داشته باشد، بنابراین در یک جائی دارای سویچ تبدیل SP/LP است . در این صورت بهتر است که این برای شما عادتی بشود تا هربار قبل از استفاده مهم از دوربین این تکمه را کنترل کنید. هم چنین ممکن است که دوربین شما دارای تکمه شاتر سریع و یا جلوه‌هائی دیگر از برنامه نوردهی اتوماتیک باشد.

اگر دوربین شما دارای تکمه مرور قسمت ضبط شده record review باشد، خیلی در وقت شما صرفه‌جوئی خواهد شد. در صورت داشتن این تکمه می‌توانید قبل از اینکه صحنه بعدی را ضبط کنید، با فعال کردن آن، آخرین صحنه‌ای را که ضبط کرده‌اید، روی چشمی تماشا کنید و از کیفیت و یا اصولاً ضبط

شدن صحنه مطمئن شوید و سپس به سراغ ضبط صحنه بعدی بروید. سعی کنید که این تکمه را امتحان و کارکرد بسیار عالی آنرا تجربه کنید.

برای نمایش عادی صحنه یا نوار ضبط شده برروی صفحه تلویزیون و یا چشمی دوربین باید از تکمه برگشت یا برگرداندن نوار استفاده کنید. این تکمه به همراه یک سری تکمه‌های دیگر در قسمت مجزائی قرار دارند که از تکمه‌های کنترل دوربین جدا هستند. این تکمه‌ها عبارتند از: , REW ,F.FWD PLAY , STOP و غیره که تقریباً همان تکمه‌هائی هستند که روی دستگاه ویدئوی رومیزی شما که به تلویزیون وصل می‌شود، قرار دارند. تکمه‌های audio dub و insert هم "اگر دوربین شما به آنها مجهز باشد" در این قسمت قرار دارند. همراه این تکمه‌ها تکمه Camera VTR هم وجود دارد که به شما امکان می‌دهد تا دستگاه خود را در حالت دوربین Camera و یا ویدئو VTR قرار دهید.



آسمان بسیار روشن در این تصویر، قسمت نور دهی اتوماتیک دوربین را مجبور می‌کند که دیافراگم را بیشتر ببندد که این عمل باعث می‌شود تا سوژه اصلی نور کمتری ببیند.
تکمه ضد نور و یا دیافراگم دستی می‌تواند لنز را بیشتر باز کند تا به سوژه اصلی که در پیش زمینه واقع شده است، نور بیشتری داده شود.



تا اینجا اگر شما تصویرهای مختلف و امتحانی هم گرفته باشید، نتیجه کار شما روی اولین نوار نباید چیز بدی شده باشد. در حین کارکردن با دوربین خود متوجه شده‌اید که قسمت چشمی دوربین شما به غیر

از تصویر، علامت‌های دیگری را هم نشان می‌دهد. نوع، جا و شکل این علامت‌ها و نوشته‌ها ممکن است در دوربین‌های مختلف فرق کند و برای آشنائی با آنها، بهتر است که دفترچه راهنمای دوربین خود را حتماً مطالعه کنید تا معنی هر کدام از آنهارا متو جه و در هنگام کار با استفاده از این علائم و به کارگیری آنها تسلط خود را بر دوربین بیشتر و کیفیت کار خود را بهبود بخشید.

به عنوان مثال Low Battery، اخطار در مورد تمام شدن باتری است و به شما متذکر می‌گردد که زمان باقیمانده از باتری در حد دقیقه می‌باشد و باید خیلی سریع ضبط خود را قطع و باتری خود را عوض و یا شارژ نمائید. Low Light اخطاری دیگر است که به شما متذکر می‌شود تا نوردهی به دوربین را کنترل کنید تا نور به اندازه کافی به دوربین برسد. نمایش کنتور یا شماره انداز نوار، جلوه دیگری است که به وسیله آن می‌توانید بفهمید که چقدر از نوار ضبط شده است. هم چنین ممکن است که در چشمی علامت SP یا LP نشان شود که نشان از حالت یا سرعت تصویر برداری شما دارد. شاید مهم‌ترین و مناسب‌ترین این اطلاعات و نشانگرها، نشان دهنده این باشد که دوربین شما در حال ضبط است یا نه؟ انسان خیلی ساده فراموش می‌کند که تکمه‌ای که فشار داده است، جهت ضبط کردن بوده است و یا قطع آن!

برای تمرین بیشتر در زمینه تصویر برداری، سعی کنید که به محوطه‌ای آزاد بروید "البته اگر تا الان با دوربین به بیرون نرفته‌اید " در محل باز، نور بیشتری وجود دارد و فضای زیادی برای کار هست. چنانچه بتوانید یک نفر از اعضای خانواده را هم با خود ببرید تا نقش سوژه فیلم را بازی کند که دیگر عالی است.

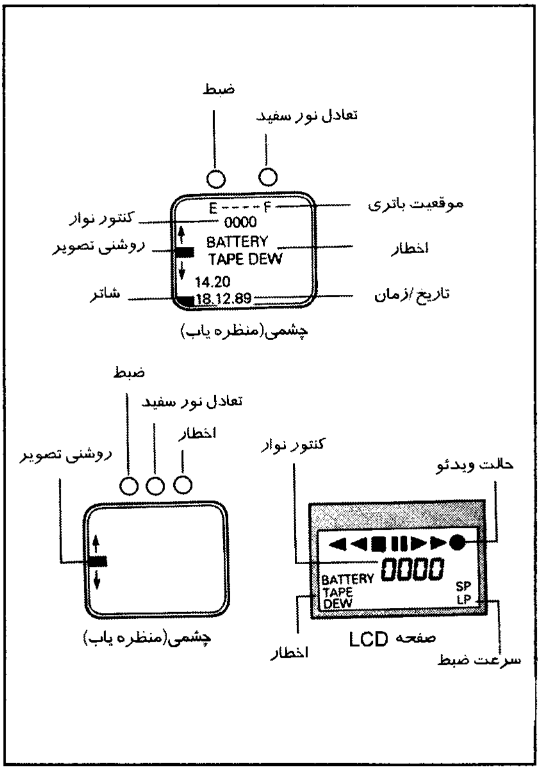
دوربین را در حالت ضبط قرار دهید، تعادل نور سفید را کنترل کنید، فوکوس را روی اتوماتیک بگذارید تا بتوانید تمام حواس خود را روی تصویر متمرکز کنید. شاید بتوانید در حالت واید، دو عدد از خانه‌های درون مثلاً باغ را فیلمبرداری کنید. بنابراین اولین صحنه خود را در بیرون به این طریق ضبط کنید: تصویر را درون چشمی کادر بندی کنید و آهسته تکمه ضبط را فشار دهید تا دوربین شروع به کار کند، هم زمان دوربین را محکم در دست خود داشته باشید.

بعد از چیزی حدود ۵ تا ۶ ثانیه ضبط کردن صحنه، تکمه را مجدداً فشار دهید تا ضبط متوقف شود و دوربین در حالت Standby قرار گیرد و در این فاصله به سراغ صحنه دوم بروید. این صحنه می‌تواند دو خانه، همراه با مقداری از باغ باشد و بنابراین مجدداً تصویر را درون چشمی کادربندی کنید، تکمه ضبط را بزنید و کماکان تا جائی که می‌توانید دوربین را در دست خود ثابت نگه دارید.

پس از اینکه یاد گرفتید که چگونه دوربین را در دست خود ثابت نگه دارید و به وسوسهٔ گـردش و چرخاندن که به آن پن کردن PAN می‌گویند، غلبه پیدا کردید، اکنون می‌توانید با کمی جلو یا عقب رفتن، یک تصویر نزدیک‌تر از سوژه خود بگیرید. این صحنه می‌تواند نشانگر یکی از فعالیت‌های جاری در باغ باشد، مثلاً کسی که در حال زدن چمن و یا آرایش گل‌ها است و یا بچه‌هائی که در یک گوشه مشغول بازی کردن هستند.

در هر حالتی، دوربین را به طرف یک موضوع بگیرید و تصویر خود را ضبط کنید. هربار سعی کنید از

یک موضوع جدیدی فیلم بگیرید. هرکدام از این صحنه‌ها می‌تواند از ۵ تا ۱۰ ثانیه طول بکشد. در این صحنه‌ها بر خلاف صحنه‌های اولیه، از آنجائی که موضوعات شما ثابت نیستند و موضوعات انسانی هستند، بنابراین دوربین را طوری حرکت دهید که افراد در مرکز صحنه باقی بمانند. اما همیشه سعی کنید که موضوع خود را در وسط چشمی داشته باشید و دوربین را به چپ و راست نچرخانید. در این حالت حتی از زوم کردن هم اجتناب کنید. این حالت را برای صحنه آخر خود حفظ کنید تا مجدداً تصویری واید از کل باغ داشته باشید.



نمونه‌ای از علائم و نشانه هائی که در هنگام ضبط می‌توان از درون چشمی دوربین مشاهده کرد و تنظیمات را انجام داد. از جمله این علائم می‌توان به اخطار "باتری کم"، "نوار در دوربین نیست"، "وجود رطوبت یا DEW" همراه با تاریخ و ساعت که در صورت تمایل می‌توانید خاموش کنید، اشاره کرد. زمانی که از شاتر با سرعت بالا استفاده می‌کنید، علامت آن ظاهر می‌شود. علامت بالاتر از آن نشانگر این است که به وسیله دیافراگم اتوماتیک، نوردهی می‌شود. دو علامت بالای چشمی نشانگر این هستند که دوربین در حال ضبط صحنه است و دیگری اینکه تعادل نور سفید در حالت فعال یا خاموش قرار دارد. در زیر شکل دیگری از نمایش درون چشمی و صفحه مونیتور LCD که بر روی بعضی از دوربین‌ها وجود دارد. در این مثال علامت !Atteation که درون چشمی دیده می‌شود، توجه فیلمبردار را به صفحه LCD متوجه می‌کند که بر روی آن اطلاعات بیشتری یافت می‌شود، صفحه LCD، سرعت ضبط (SP یا LP) را به اضافه مقدار زمانی که نوار ضبط شده است، حالتی که ضبط انجام می‌شود "پرتره، ورزش، منظره و..."، خاموش یا روشن بودن دوربین و سرعت سریع جلو یا عقب بردن نوار را نشان می‌دهد.

بعد از تلاش زیاد شما برای خلق تصاویر اخیر، زمانیکه دوربین در حالت Standby قرار گرفت، آنرا خاموش کنید و دوربین را در حالت ویدئو و پخش نوار قرار دهید. نوار را به اول خود برگردانید و تکمه Play

را برای گرفتن تصاویری که گرفته‌اید، بزنید. چیز جالب این خواهد بود که شما از نتیجه اولین کار خود با این صحنه‌های کوتاهی که ضبط کرده‌اید، لذت ببرید. مخصوصاً که اگر در طول ضبط از چرخاندن دوربین به راست و چپ احتراز کرده باشید، چیزی که اغلب تازه کارها، بدون داشتن هدفی و با چرخاندن دوربین بر روی هر موضوعی انجام می‌دهند.

بعداً که تصویر را روی صفحه تلویزیون ببینید، مطمئناً از کار خود، لذت بیشتری خواهید برد. رنگ صحنه‌ها، حرکت در فیلم، دیدن و شنیدن صدای مردمی که در فیلم در حال حرکت و زندگی هستند "و چه بسا از دوستان و قوم و خویشان شما باشند و یا در محل زندگی شما بسر ببرند"، همهٔ اینها رویائی، شیرین و شبیه به جادو خواهند بود.

اگر دوربین شما دارای دو سرعت برای ضبط کردن باشد، اکنون زمان خوبی است که از سرعت LP آن استفاده کنید، و با این سرعت مقداری برنامه ضبط کنید،" با این فرض که برداشت‌های اولیه شما با SP صورت گرفته باشد." حالا می‌توانید تفاوت کیفیت با این دو سیستم ضبط را مشاهده کنید.

در نگاه اول ممکن است که شما تفاوتی را مشاهده نکنید. اما اگر کمی دقت کنید تا حدی دانه‌دانه شدن تصویر را در حالت LP روی صفحه می‌توانید ببینید، مخصوصاً اگر ضبط تصویر شما در نقطه‌ای تاریک و با نور ضعیف صورت گرفته باشد. هم چنین کناره‌های سوژه‌هائی عمودی مثل میله‌های نرده، ممکن است تا حدی تار به نظر برسند. این حالت اگر لبه‌ها دارای کنتراست زیادی با پس زمینه باشند، تشدید می‌شود.

هم چنین شما اختلافاتی در کیفیت تصاویر حرکات آهسته Slow-motion یا تصویر ثابت در حالت‌های SP و LP مشاهده خواهید کرد. بطور عجیب و غریبی حالت LP تصویر بهتری از SP در این شرایط ارایه می‌کند، چرا که اختلالات تصویری برای LP در این حالت کم‌تر است. در این زمینه، مدل‌های مختلف ممکن است در ارائه کیفیت تصویر فرق کنند، مدل‌های جدید قابلیت ارائه تصویر بدون اشکال چه در سرعت آهسته و چه در سرعت سریع را دارند.

در اینجا اولین ضبط ویدئویی شما پایان می‌گیرد. هرچند ممکن است که شما بخواهید روی نوار مجدداً برنامه‌های دیگر ضبط کنید ولی در عین حال می‌توانید آن را به عنوان اولین تجربه و کار خود حفظ کنید تا نشان بدهید که حتی افرادی بدون آگاهی سطح بالا می‌توانند دارای چه خلاقیتی در ضبط تصویر باشند. اگر می‌خواهید نوار را برای خود نگاه دارید، پس قسمت ته آن را که جهت حفظ از ضبط مجدد، دریچه‌ای تعبیه شده است نگاه کنید و زبانه درون آن را روی قسمت "حفاظت از ضبط کردن "قرار دهید. بدین وسیله هیچ‌گاه روی نوار اشتباهاً ، پاک یا ضبط مجدد نخواهد شد.

به عنوان کار آخر روز اول با دوربین ویدئو، سعی کنید باتری خود را امتحان کنید و اگر احتیاج است، آنرا در دستگاه شارژ قرار دهید تا برای روز دوم، شارژ و آماده شود.

نکات مهم روز اول

۱ ـ امتحان کنید که باتری کاملاً شارژ است و مناسب دوربین است.

۲ ـ نوار را درون دوربین جای دهید.

۳ ـ تکمه را روی ضبط تصویر بگذارید و تصویر را از درون چشمی کنترل کنید.

۴ ـ فوکوس را امتحان کنید (دستی و اتوماتیک)

۵ ـ تنظیم لازم را برای چشمی خود انجام دهید تا تصویر شما واضح باشد.

۶ ـ تعادل نور سفید را انجام دهید و کنترل کنید، " WB "

۷ ـ دوربین را در دست بگیرید و در حالت مناسبی در دست خود نگه دارید.

۸ ـ سرعت ضبط خود را انتخاب کنید "LP یا SP ".

۹ ـ با استفاده از تکمه زوم، تصویر خود را از درون چشمی ببینید و کادربندی کنید، ترجیحاً زاویه واید.

۱۰ ـ تکمه ضبط کردن را روی ON یا REC قرار دهید و دوربین را محکم و ثابت در دست خود نگهدارید.

۱۱ ـ بعد از ۶-۵ ثانیه، ضبط را روی OFF(PAUSE) قرار دهید و دستگاه را روی مکث ضبط record -pause قرار دهید.

۱۲ ـ به نقطه جدیدی برای ضبط بروید و از مرحله ۱۰ کار خود را تکرار کنید. به تعداد دفعاتی که می‌خواهید می توانید با برداشتن از نقاط مختلف این عمل را تکرار کنید.

۳ـ روز دوم ـ اولین ضبط در محل لوکیشن

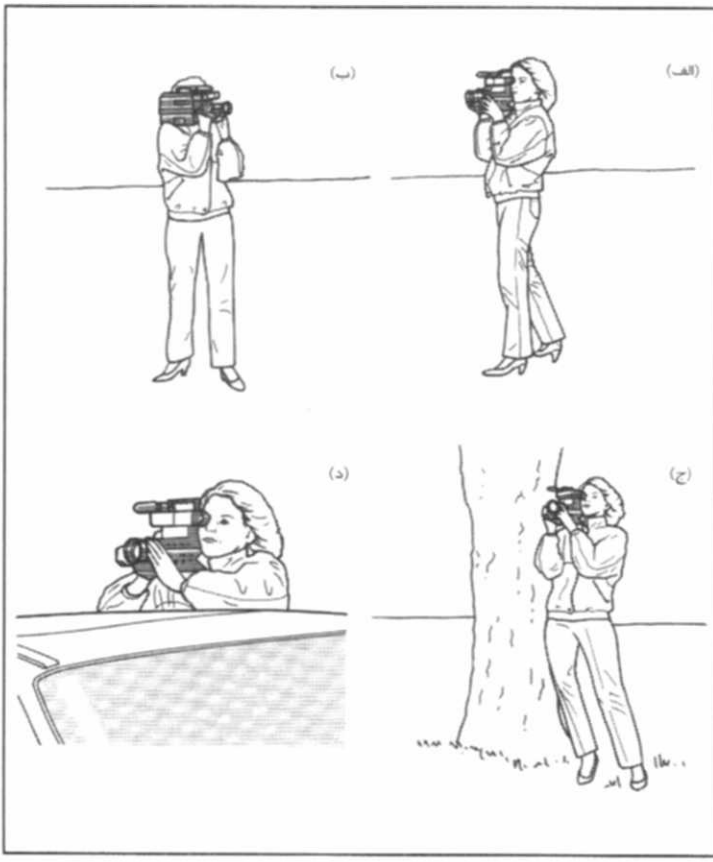
بعد از برداشتن اولین گام‌ها جهت تصویربردار ویدئو شدن، اکنون زمان آن رسیده است که قدم‌های بیشتری به جلو بردارید. ما با این پیش فرض جلو می‌رویم که شما در مورد کارکردهای اولیه و اساسی دوربین به اطلاعات لازم دست پیدا کرده‌اید و دیگر ترس و شکی در مورد استفاده از تکمه‌های مختلف ندارید و می‌دانید که هر کدام از آنها به چه کاری مـی‌آیند و در کـجا بـاید اسـتفاده شـوند. در حـقیقت دوربین‌های ویدئو فقط وسائلی آسان جهت کارکردن نیستند، بلکه کار با آنها، لذت‌بخش هم هست.

برای کار با ویدئو در روز دوم همراه بودن اعضای خانواده و دوستان، می‌تواند ایده خوبی باشد. یک پارک، باغ وحش و یا محلی از این دست می‌تواند همراهان شما را به نوعی به خود مشغول کند و برای شما هم موقعیت‌های بسیار عالی و استثنائی تصویر برداری را فراهم کند. در مرحلهٔ یادگیری که شما قرار دارید، سعی نکنید که تمام روز را به ضبط برنامه مشغول باشید. برنامه‌هائی از این قبیل را می‌توانید زمانی انجام دهید که در مورد وسیله و دوربین خود به تجربه و تسلط کافی دست پیدا کرده باشید. در حال حاضر، سعی کنید که از لحظات مختلف جهت یادگیری بیشتر فنون و روش‌ها استفاده کنید تا در آینده در مراحل بالاتر، بتوانید از آنها در حین عمل جدی استفاده کنید.

به عنوان مثال، مسئله طرز ایستادن در هنگام فیلمبرداری را در نظر می‌گیریم. هرچند شما قبلاً یاد گرفته‌اید که دوربین را چگونه در دست خود نگهدارید، اما شکلی که شما ایستاده‌اید و دوربین را به دست دارید، مهم است. البته عالی‌ترین وسیله برای گرفتن تصویر با دوربین ویدئو، سه‌پایه است. امـا حـمل سه‌پایه دشوار و پردردسر است و از طرفی سه‌پایه تا حدی قدرت تحرک را در موقع ضبط تصویر، محدود می‌کند.

ابتکاری که در این رابطه می‌توان به کار بست، قرار دادن بدن به شکل سه‌پایه است، البته تا جائی که امکان داشته باشد تا از دوپا جهت سه‌پایه استفاده کرد. بنابراین در حالی که دوربین ویدئو را محکم در

دست گرفته‌اید و خیلی نرم و آهسته، آنرا به پیشانی خود فشار می‌دهید، سعی کنید که طوری بایستید که پاهای شما تا حدی از هم جدا باشند و بازوها خیلی محکم به پهلو فشار بیاورند و در عین حال فشاری روی خودتان نیاورید.



الف) شیوه صحیح ایستادن با دوربین، در حالی که هیچ محل دیگری برای تکیه و حمایت وجود نداشته باشد.

ب) شیوه چرخیدن با دوربین جهت آماده شدن برای پن کردن.

ج) تکیه به دیوار، درخت یا چیزهای دیگری که در دسترس هستند.

د) قرار دادن دستها به روی سقف ماشین یا یک دیوار کوتاه به ثابت ماندن دوربین کمک می‌کند.

چنانچه در نزدیکی شما درختی، دیواری یا نرده‌ای وجود دارد که می‌تواند نقش پای سوم را بازی کند، سعی کنید به آن تکیه و استراحت کنید. به این وسیله دوربین شما به نحو چشمگیری ثابت‌تر در دستان قرار می‌گیرد. در خیابان، سقف ماشین می‌تواند محل خوبی جهت قرار دادن دست شما و تکیه به آن باشد

و مطمئناً در خیابان می‌توانید از وسائل دیگری مثل نیمکت یا تیرهای چراغ برق برای اتکاء بدن یا دستان خود استفاده کنید.

پن کردن PAN یعنی حرکت افقی دوربین در یک خط مستقیم که از سوی آماتورها به کرات مورد استفاده قرار می‌گیرد. در ضبط ویدئویی، البته این حالت جایگاه ویژه خود را دارد و خوب است که آنرا یاد گرفت و تمرین کرد.

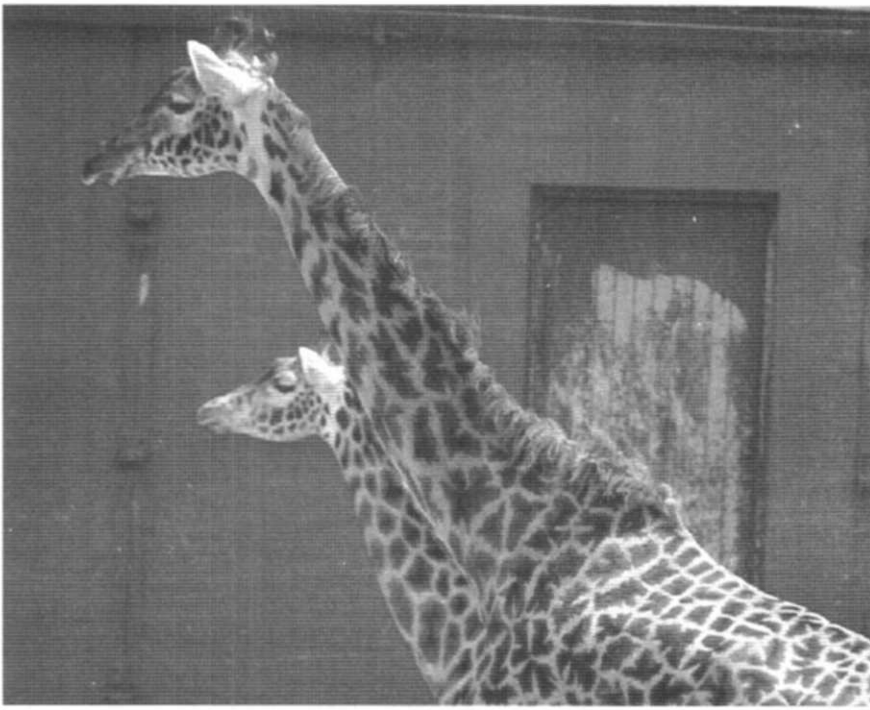
برای پن کردن نرم و آهسته، دوربین را در دست خود ثابت نگهدارید، بدن را طوری قرار دهید که از کمر به بالا به هر طرفی که بخواهید بتوانید بچرخانید. درست مثل زمانی که دوربین روی سه‌پایه نصب است و سه‌پایه باید این کار را انجام دهد. اختلاف بدن شما و سه‌پایه این است که سه‌پایه می‌تواند ۳۶۰ درجه کامل بچرخد ولی بدن شما، حداکثر یک چهارم این مقدار را می‌تواند دوران کند. به این دلیل بهتر است که قبل از اینکه عمل پن را انجام دهید، آنرا تمرین کنید. سعی کنید که بدن خود را در خلاف جهت جائی که می‌خواهید پن را آنجا ختم کنید، بچرخانید و کمی فشار وارد کنید، درست مثل زمانی که می‌خواهید یک فنر را با فشار بیشتری بچرخانید. به این وسیله پن را خیلی نرم شروع می‌کنید و از چرخش و لرزش بیهوده بدن جلوگیری می‌کنید تا به انتهای نقطه پن کردن برسید.

در مورد اینکه چه زمانی پن را انجام و چه زمانی انجام ندهید به بخش ۶ مراجعه کنید. در حال حاضر، سعی کنید که دوربین را ثابت در دست خود نگه دارید و سوژه و موضوع خود را مانند روز اول دنبال کنید. چرخاندن یا پن کردن بدون دلیل و اضافی دوربین می‌تواند به نحو وحشتناکی برنامه ضبط شما را خراب کند، از این رو از آنها اجتناب کنید.

تیلت کردن به معنی حرکت دوربین در جهت عمودی است و همان قواعدی که در مورد پن کردن وجود دارند، در اینجا هم صدق می‌کنند. به علاوه به دلیل پدیدهٔ ضدنور، باید تیلت کردن با دقت و وسواس بیشتری صورت بگیرد. مثلاً تصور کنید که می‌خواهید از چیزی بلند مثل یک زرافه فیلم بگیرید، برای اینکه بتوانید جزئیاتی از بدن زرافه مثلاً گردن او را بهتر و واضح نشان دهید، نمی‌توانید همهٔ آنرا در یک تصویر نشان دهید، چرا که بخشی از بدن او خارج از تصویر واقع خواهد شد. طبیعتاً در اینجا متوسل به تیلت کردن یا نمایش از بالا تا پائین یا از سر به پائین زرافه خواهید شد. اگر پشت سر زرافه، آسمان روشن و پرنور واقع شده باشد در نتیجه سیستم نوردهی دوربین خود را برای نور آسمان تنظیم می‌کند و در نهایت تصویر زرافه به صورت سایه‌ای سیاه بر روی فیلم ضبط خواهد شد.

برای احتراز از این مسئله می‌توانید یکی از این دو کار را انجام دهید: اول: طوری موضع خود را تغییر دهید که در تصویر شما آسمان نباشد. مثلاً شاید بتوانید با چند متر تغییر موضع خود در جائی واقع شوید که جلوی آسمان به وسیلهٔ یک ساختمان بلند گرفته شده باشد. راه دوم این است که با استفاده از جلوهٔ ضدنور دوربین ضبط خود را انجام دهید. برای انجام آن می‌توانید تکمه ضدنور را فشار دهید و یا به طریقه دستی، دیافراگم دوربین را تنظیم کنید (بستگی به نوع و مدل دوربین شما و امکانات روی آن دارد). نتیجه این

تغییرات را شما بلافاصله در چشمی دوربین مشاهده خواهید کرد قسمت پیش زمینه تصویر روشن‌تر از سابق و کاملاً قابل تشخیص و دیدن خواهد شد. البته آسمان هم روشن‌تر از سابق خواهد شد و شاید بیشتر از روشنائی طبیعی آن در تصویر نشان داده شود. اگر آسمان دارای ابر باشد، این روشنائی بیشتر خواهد بود.



این زرافه‌ها از زاویه‌ای دیگر در مقابل آسمان قرار داشتند و تصویر آنها بر اثر ضد نور به شکل سایه‌ای از آنها بود. برای جلوگیری از این حالت، زاویه دوربین تغییر داده و تصویر آنها در مقابل پس زمینه تیره‌تری گرفته شد.

تصحیح نور به هنگام تیلت کردن عملی است که تبحر می‌خواهد. یک راه مناسب آن این است که دو برداشت از صحنه انجام دهیم، اولی با نوردهی عادی و طبیعی و دومی با انجام تصحیحات نوری. البته دستگاههائی هم وجود دارند که مسئله ضدنور را بدون فشار هیچگونه تکمه‌ای بطور اتوماتیک انجام می‌دهند. بنابراین در این نوع دوربین‌ها پن و تیلت کردن می‌تواند بدون هیچ ناراحتی و نگرانی به نحو احسنت انجام گیرد.

چنانچه در یک باغ وحش در حال ضبط تصویر هستید و حیوانات هم در پشت میله‌ها قرار دارند، احتمالاً به این نتیجه رسیده‌اید که سیستم اتوفوکوس دوربین به اندازهٔ شما باهوش نیست. مثل هر

سیستم اتوماتیک دیگری، اینجا مسئله‌ای بوجود می‌آید که سیستم اتوفوکوس بیشتر تمایل دارد که میله‌ها را فوکوس کند تا حیوانات پشت آنرا و یا فوکوس دائم در حال عوض شدن از یک سوژه به سوژهٔ دیگر می‌باشد. در این‌گونه مواقع راه حل مناسب این است که دوربین را به حالت تنظیم دستی ببرید و عمل فوکوس کردن را خودتان انجام دهید. همانطور که قبلاً گفته شد، می‌توانید دوربین را به حالت تله ببرید و فوکوس کنید و سپس لنز را در موقعیت دلخواه قرار دهید.

همان‌طور که شما در حال گردش و گرفتن فیلم هستید، باگذشت زمان متوجه خواهید شد که کیفیت نور هم در طول روز فرق می‌کند. در این مورد فقط مقدار نور نیست که مثلاً از سپیده‌دم به نور ظهر تبدیل می‌شود، بلکه رنگ نور است که در طول روز کیفیت آن تغییر می‌کند. حتی در یک روز صاف و بدون ابرهم، رنگ نور در عصر بسیار گرم‌تر از نورظهر است.

اگر چشمی شما رنگی نباشد، بنابراین باید به کارکرد تعادل نور سفید دوربین خود اعتماد کنید و به این وسیله تصحیح نور را انجام دهید. البته چشمی‌ها و مونیتورهای رنگی در مدل‌های اخیر به نحو چشمگیری افزایش پیدا کرده است.

کار اصولی این است که بعد از ضبط هرچند صحنه‌ای، یک تنظیم تعادل نورسفید هم صورت بگیرد تا اختلالی در رنگ نور روی نوار بوجود نیاید. اما اگر شما در نقاطی مثل نزدیکی پنجره یک رستوران یا کافه هستید و دارای دو منبع نوری مصنوعی (نور چراغ‌های داخل) و نور طبیعی (که از پنجره به داخل می‌آید) هستید، توجه داشته باشید که تعادل نور سفید در اینجا یعنی میانگینی از این دو نور و نتیجه کار شما چیز مطلوب و خوبی از آب در نخواهد آمد. از آنجائی که شما در مرحله یادگیری امکانات دوربین خود می‌باشید، می‌توانید چندین تصویر از نقاط مختلف با نورهای گوناگون بگیرید و با تنظیم تعادل نور سفید، اثر این جلوه را بر روی کارهای خود ببینید، البته همهٔ اینها مشروط به این است که دوربین شما دارای تکمه تعادل نور سفید باشد تا با استفاده از آن در آینده تبحر بیشتری بدست بیاورید.



از طریق تنظیم دوربین برای تعادل نور سفید مناسب می‌توان رنگ واقعی اشیاء را در فیلم به دست آورد. با توجه به اینکه تصویر در چشمی دوربین سیاه و سفید است و تصویر رنگی نیست، می‌توانید WB را روی auto قرار دهید و به خاطر داشته باشید که مقدار آنرا از قبل درست تنظیم نموده باشید. WB اتوماتیک اغلب مواقع رنگ صحیح اشیاء را انعکاس می‌دهد.

در بخش قبلی به نام "روز اول" تمرین‌های ساده‌ای که در مورد صحنه‌های باغ داده شدند، بیشتر در جهت آشنا ساختن شما با ایدهٔ "ادیت کردن در دوربین" بود. همان طور که شما تصویر می‌گرفتید، هر تغییر صحنه در حقیقت یک ادیت بود و ترتیبی که نوار ضبط شده را تماشا می‌کردید، همان ترتیبی بود که ضبط آنها صورت گرفته بود. این حالت برخلاف روش عکاسی از تصاویر ثابت است، چرا که در عکاسی می‌توان عکس‌ها را بدون رعایت ترتیب آنها نمایش داد.

هرچند این مسئله ممکن است که برای خیلی‌ها بدیهی و واضح باشد ولی ریشه حقیقی بسیار مهمی در ساختن تصویر دارد. همان‌طور که به دنبال هر صحنه که روی صفحه تلویزیون نشان داده می‌شود، صحنه بعدی می‌آید، چشم شما تصاویر را رویت و سعی می‌کند مانند دانه‌های زنجیر آنها را به هم وصل کند و یک رابطه منطقی داستانی بین آنها ایجاد کند. حتی اگر داستان شما به طور ساده این باشد که: "اول ما آقای الف را دیدیم و بعد هم آقای ب را"، بنابراین برای تماشاگران نیز باید داستان به این صورت به شکل تصویر نشان داده شود. از اینرو سعی کنید که قطع این ارتباط را در حداقل ممکن نگاه دارید و از نمایش صحنه‌هائی که به موضوع اصلی ربطی ندارند، خودداری کنید.

شروع و پایان تمرین یک صحنه از مسائل مهم کار هستند. اول تصمیم بگیرید که یک فیلم یا ضبط صحنهٔ شما باید شامل چه چیزهائی بشود و قبل از اینکه تکمه ضبط را فشار بدهید، تصویر را فوکوس و کادر بندی کنید. هیچ‌چیز بدتر از زوم و فوکوس کردن "که وقت زیادی را هم می‌گیرد"، در هنگام ضبط یک صحنه نیست. اگر متوجه شده‌اید که ضبط صحنه شما چیز خوبی از آب در نیامده است، همانجا کار را قطع کنید و برگردید به نقطه شروع برداشت خود و مجدداً صحنه را با دقت بیشتری روی صحنهٔ قبلی ضبط کنید. چنانچه تصویر نامطلوبی را که گرفته‌اید در جای خود رها کنید، مطمئن باشید که با هر بار دیدن آن تنفر شما از آن بیشتر می‌شود.



به خاطر داشته باشید که همیشه مقداری بیشتر از زمان در نظر گرفته شده "در ابتدای زدن تکمه"، ضبط کنید. در غیر این صورت ممکن است بخشی از صحنه را از دست بدهید. بعد از اینکه تکمه ضبط را می‌زنید، تقریباً یک ثانیه طول می‌کشد که دوربین ضبط صحنه خود را شروع کند.

به خاطر داشته باشید که بعد از پایان ضبط هر صحنه باید یک "خط فاصله" بگذارید. این حالت در صورتی است که دوربین شما از نوع معمولی و فاقد کارکردهای Backspace و Fine edit باشد. در این

حالت، شاید دیده باشید که تغییر از یک صحنه به صحنه دیگر باعث ایجاد یک اختلال کوچک در تصویر می‌شود و بعد از این اختلال صحنه بعدی نشان داده می‌شود. علت این امر آن است که قسمت الکترونیک دوربین که به وسیلهٔ سیگنال‌ها و علامت‌های مخصوص تصویر دوربین را کنترل می‌کند، در قسمت عوض شدن تصاویر قطع می‌شود و یک کسری از ثانیه طول می‌کشد تا این سیگنال‌ها کار عادی خود را از سر بگیرند.

در دوربین‌های مدرن امروزی، قسمت الکترونیک تمام این کارها را به طور خودکار انجام می‌دهد. زمانی که شما صحنه جدیدی را ضبط می‌کنید، در شروع کار، قسمت الکترونیک دوربین نوار را چند ثانیه به عقب و به چند ثانیه آخر ضبط قبلی شما می‌برد و سپس نوار دوباره به جلو، تا جائی که قسمت آخر صحنه قبلی است آورده می‌شود و قسمت الکترونیک دوربین نوار را در این حالت "قفل " می‌کند. به محض اینکه نوار به این مرحله رسید، کار ضبط از این مرحله شروع و ضبط صحنه جدید برروی نوار آغاز می‌شود.

به دلیل مسائل بالا که توضیح آنها داده شد، حدود یک ثانیه از زمانی که شما تکمه ضبط را فشار داده‌اید تا زمانی که دوربین شروع به ضبط کردن بکند، طول می‌کشد. در خیلی از موارد این یک ثانیه تأخیر چیز مهمی نیست، چرا که ممکن است در شروع ضبط عمل مهمی انجام نشود. تنها تاثیری که در این رابطه وجود دارد، این است که برداشت شما یک ثانیه کوتاه‌تر از حد معمول خواهد شد. در ادامه فعالیت‌های خود یاد خواهید گرفت که جهت مقابله با این مشکل می‌توانید تکمه ضبط را یک ثانیه دیرتر فشار دهید و در این صورت مسئله حل خواهد شد.

در هنگام ضبط یک صحنه به شیوهٔ پن، دقت ویژه‌ای بکنید. بهتر این است که قبل از شروع چرخاندن دوربین و یا پن کردن سه‌ثانیه از صحنه را ضبط کنید و سپس پن خود را شروع کنید. به این ترتیب شما به تماشاچی فیلم خود امکان می‌دهید که در صحنه باشد و آنرا احساس کند. اگر فراموش کنید که زمان فاصله در انتهای ضبط خود بگذارید، ملاحظه خواهید کرد که زمان برداشت شما کوتاه‌تر شده است. پن کردن را می‌توان حتی قبل از اینکه زمان فاصله تمام شود، شروع کرد، اما دیدن این صحنه روی صحنه تلویزیون چیز جالبی نخواهد شد.

اگر دوربین شما دارای تکمه record review باشد، متوجه خواهید شد که این تکمه چقدر در کار شما تاثیر دارد. با فعال کردن این تکمه می‌توان قبل از اینکه برداشت بعدی انجام بگیرد، صحنه ضبط شده قبلی را دید و زمانی که نتیجه ضبط مطلوب بود به سراغ ضبط صحنه بعدی رفت – شیوه دستی این کار عبارت است از اینکه دوربین را از حالت ضبط به حالت پخش ویدئو ببرید، فیلم را برگردانید به ابتدای صحنهٔ قبلی و با استفاده از نمایش آن در چشمی، نتیجه کار خود را ببینید و سپس در انتهای برداشت خود، قسمت ویدئو را خاموش و با pause کردن نوار به حالت دوربین بروید و ضبط جدید خود را شروع کنید. این کار عملی وقت‌گیر، پیچیده و مصرف کننده مقدار زیادی از نیروی باتری است. بنابراین اگر تکمه record review بر روی دوربین شما وجود دارد، سعی کنید که از آن استفاده کنید. هم‌چنین اگر تکمه Standby بر

روی دوربین خود دارید، می‌توانید از آن هم "که کمک بزرگی به دوربین است " استفاده کنید. "Standby جهت خاموش نکردن دوربین و برای دیدن تصویر در چشمی می‌باشد که باتری مصرف نشود."

بعضی وقت‌ها ممکن است تمایل به کوتاه کردن صحنه برداشت قبلی خود از طریق ضبط صحنه جدید بر روی بخش‌هائی از پایان برداشت قبلی داشته باشید. در این صورت باید کار را کاملاً دستی و بر طبق چیزی که در بالا گفته شد، انجام دهید. برای این کار در حالت ویدئو، بعد از رسیدن به نقطه مورد نظر و در حالت PLAY تکمه PAUSE را فشار دهید. قسمت ویدئو را خاموش و از وضعیت ویدئو به حالت دوربین بروید و در حالت record pause قرار بگیرید. اکنون می‌توانید ضبط صحنه جدید خود را شروع کنید. این عمل در حقیقت ادیت کردن کامل از طریق دوربین است و زمانی که به این شیوه کاملاً عادت کردید، تازه اختلاف یک نمایش خوب و نمایش خسته کننده را در می‌یابید.

یک مثال می‌تواند اینطور باشد که در باغ‌وحش باشید و تازه از پوست کندن و خوردن موز، یک شمپانزه فیلم تهیه کرده باشید. در انتظار اینکه اتفاقات جدیدی بیفتند و شما آنها را ضبط کنید به فیلمبرداری خود برای مدت طولانی ادامه می‌دهید، اما اتفاق قابل ضبط و تصویربرداری پیش نمی‌آید و در نهایت شما تصمیم به قطع کردن ضبط خود می‌گیرید. اگر بخواهید صحنه بعدی را از حالا به بعد ضبط کنید، روی نوار ویدئو خود مدت زیادی مکث و توقف بلااستفاده و صحنه‌های غیر جالب داشته‌اید که برای یک تماشاچی خسته کننده خواهد بود. بنابراین بهتر است که دوربین را به حالت ویدئو ببرید، تصاویر گرفته شده را ببینید و در انتهای قسمت موز خوردن شمپانزه، نوار را متوقف و مجدداً به حالت دوربین برگردید و ضبط جدید خود را از اینجا شروع کنید.

جدا از اینکه پایان هر برداشت باید خیلی تمیز و بی‌عیب باشد، به خاطر داشته باشید که هر برداشتی باید مدت زمانی محدود داشته باشد که نباید از آن مقدار بیشتر بشود. با بیشتر شدن تجربه به این سطح خواهید رسید که در کجا یک برداشت را قطع و ضبط جدید را از زاویه‌ای دیگر شروع کنید. در مورد مدت زمان ضبط هر صحنه در بخش ۷ صحبت شده است. در حال حاضر سعی کنید که برداشت‌های شما تا اندازه‌ای طول بکشد که صحنه و یا حرکات آن جهت مشاهده و درک تماشاچی مورد احتیاج است.

تا اینجا ما، در مورد صدابرداری خیلی کم صحبت کرده‌ایم. در حقیقت نکته جالب این است که اگر تصویر شما از کیفیت خوبی برخوردار شد، صدا هم به نحو مطلوب ضبط شود و حداقل صدا نمایندهٔ فضای صحنهٔ ضبط شده باشد.

روش درست این است که به همان دقتی که تصویر کنترل می‌شود، در صورت امکان صدا، هم کنترل شود. خیلی از دوربین‌ها "البته نه همه " از طریق محل یک پریز تک سوراخی این امکان را بوجود می‌آورند که با وصل یک گوشی بتوان صدا را گوش کرد. این کار را می‌توان هم در حین ضبط برنامه انجام داد و هم پس از ضبط برنامه در حالی که دستگاه در حالت ویدئو نوار را پخش می‌کند. اما باید قبول کرد که یک هدفون یا گوشی باسیم‌های متصل به دوربین واقعاً دست و پاگیر و عذاب‌آور است و شاید نتوان تمام مدت

از آن استفاده کرد.

همان‌طور که شما در حال طی کردن دومین روز خود با ویدئو هستید، ممکن است اخطار "باتری کم" دوربین شما شروع به چشمک زدن کند که به این معنی است که مقدار زیادی باتری برای ادامه کار ندارید. چنانچه کماکان تمایل به ضبط صحنهٔ دیگری برای حسن ختام کار خود و پایان برنامه دارید، می‌توانید یک برداشت با لنز واید از منظره تمام پارک و یا مردمی که در حال جمع آوری وسائل خود برای رفتن به منزل هستند بگیرید. بنابراین الان بهترین وقت جهت انجام این کار، قبل از تمام شدن کامل باتری و خاموش شدن دوربین است. اگر به دلیل تمام شدن باتری نتوانید صحنه آخر را ضبط کنید، پایان فیلم کمی غیرعادی و ناگهانی خواهد بود. به همین منظور خیلی از مردم یک باتری اضافه شارژ شده همراه خود دارند.

لیست کنترل

این نکات خلاصه شده، ارزش کار ویدئویی شما را بالا می‌برند:

** دوربین را محکم بگیرید، با پاهای نسبتاً باز بایستید و بازوها را به بدن فشار دهید.*

** قبل از ضبط یک صحنه به شیوهٔ پن، آنرا تمرین کنید. ابتدا قبل از اینکه ضبط کردن را شروع کنید، بدن خود را بچرخانید و بعد آهسته درحین ضبط بدن را به حالت عادی در آورید.*

** در هنگام تیلت کردن به طرف بالا، مسئلهٔ ضدنور را در نظر داشته باشید.*

** هرگاه لازم دیدید، به حالت فوکوس دستی بروید.*

** برای مراحل مختلف ضبط، نورپردازی ثابتی داشته باشید.*

** یک خط داستانی و منطقی را در طول ضبط دنبال کنید.*

** از طریق دوربین، ادیت کردن را انجام دهید تا صحنه‌های شما دارای شروع و پایان زیبائی باشند.*

** قبل از اینکه ضبط خود را شروع کنید، صحنه خود را کادربندی و فوکوس کنید.*

** در شروع ضبط هر صحنه یک مقدار فضای اضافه باقی بگذارید.*

** زمان قطع کردن یک صحنه و طول مدت آنرا در نظر داشته باشید.*

** از تکمه record/review برای صرفه‌جوئی در مصرف باتری استفاده کنید.*

** از یک گوشی و یا هدفون برای شنیدن صدای صحنه استفاده کنید.*

** یک مقدار از باتری را برای صحنه آخر، ذخیره کنید.*

۴ـ مطالعه و بررسی اولین نمونه کار

بعد از بازگشت از اولین برنامه ضبط خود از باغ وحش و یا هرجای دیگر و تماشای تمام تلاش خود در ضبط رنگ‌ها و صحنه‌های زیبا و جالب، ممکن است از خودتان سئوال کنید که: "خوب قدم بعدی چیست؟ ". البته با یک دوربین ویدئو در دست ، دنیا باید نزد شما خیلی کوچک باشد و امکاناتی که دارید، بدون حد و مرز باشند. اما قبل از اینکه با عجله به برنامهٔ دیگر خود یورش ببرید تا چیزهای دیگر را ضبط کنید، کمی تامل کنید و نگاهی دقیق و موشکافانه به کارهائی که تا الان انجام داده‌اید، بیاندازید. شاید با کشف اشتباهاتی که رخ داده‌اند، بتوانید دفعات دیگر از تکرار آنها جلوگیری کنید.

زمانی که هیجان شما فروکش کرد، سعی کنید تا این بار نگاهی منتقدانه به کار خود داشته باشید و از زاویه دیگری به کار خود توجه کنید. سعی کنید که توجه به فیلم خودتان، بدون غلبه احساسات و مثل تماشای هر برنامه تلویزیونی باشد، اما سعی نکنید که نسبت به خودتان زیاد سخت‌گیری کنید، چرا که ممکن است در این حالت کار خود را با عده‌ای حرفه‌ای مقایسه کنید.

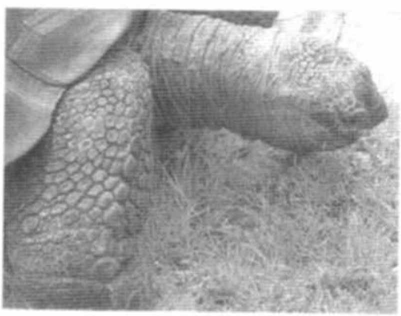
صحنه‌های دارای لرزش دست، از نشانه‌های کار آماتوری هستند. تمام برنامه‌های حرفه‌ای که در تلویزیون می‌بینید "بجز فیلم‌های خبری " روی سه‌پایه گرفته شده‌اند و حتی صحنه‌هائی هم که روی دست گرفته شده‌اند، ثابت و بدون لرزش هستند، چرا که دوربین به وسیله یک نفر تصویربردار حرفه‌ای استفاده شده است.

بنابراین اگر می‌بینید که تصویرهای شما دارای لرزش دست هستند، سعی کنید که با یادگیری تکنیک صحیح به دست گرفتن دوربین، در برنامه‌های آینده خود از آنها اجتناب کنید. احتیاجی نیست که برای تمرین این کار، برنامه‌های دیگری را ضبط کنید. خیلی ساده دوربین را روشن و روی حالت Standby بگذارید و در حالیکه دوربین را در دست گرفته‌اید از دورن چشمی به نتایج کار خود نگاه کنید. ممکن است در برداشت سابق خود، علاقمند و وسوسه استفاده از تله شده باشید، مثلاً خیلی وقت‌ها

شیرهای باغ وحش قابل دسترسی و در نزدیکی نیستند. از اینرو بهترین راه ضبط آنها، تصویر کلوزآپ با تله است. از طرف دیگر کلوزآپ‌های دارای لرزش حتی آنهائی که تصویر حیوانات را بزرگ کرده باشند، تصاویر مطلوبی جهت تماشا کردن نیستند و در این گونه موارد احتیاج به یک تکیه‌گاه برای ثابت نگه داشتن بدن خود و تکیه به آن دارید. اگر به این نتیجه رسیدید که سه‌پایه چیز خوبی هست، بنابراین مدل‌های بسیار گوناگونی از آنها را در مغازه‌ها پیدا خواهید کرد. در هنگام انتخاب و خرید، حتماً توجه کنید که سه‌پایه برای قرار دادن دوربین ویدئو بر روی آن مناسب باشد. این نوع سه‌پایه‌ها دارای پایه‌های تلسکوپی آلومینیومی هستند که محل اتکا خوبی جهت قرار دادن دوربین است و انواع مختلف آنها طوری درست شده‌اند که برای پن و تیلت کردن مناسب هستند. قسمت بالای این سه‌پایه‌ها خیلی آرام و نرم قابل چرخیدن است.



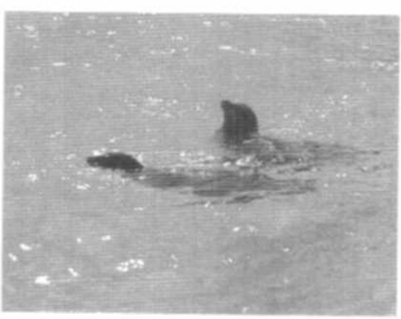
(الف)



(ب)



(ج)



(د)

الف) کنترل کنید که سیستم اتوفوکوس روی حیوان درون قفس فوکوس کند، نه میله‌های قفس. اگر سیستم شما نمی‌تواند اتوماتیک این کار را انجام دهد به حالت فوکوس دستی بروید.
ب) این سوژه مطمئناً با سرعت حرکت خود، مشکلی برای سیستم اتوفوکوس شما ایجاد نمی‌کند. اما رنگ تاریک و انعکاس نور کم از روی آن، ممکن است که اختلالاتی در کار شما ایجاد کند.
ج) حرکات سریع عمودی، مثل مردمی که در این صحنه در حال راه رفتن هستند، می‌توانند سیستم اتوفوکوس را دچار اشکال کنند که در این حالت می‌توان از فوکوس دستی استفاده کرد.
د) انعکاس روشن و درخشان نور از روی آب و یا سطح شیشه و آینه، ممکن است که سیستم اتوفوکوس را گول بزنند. در این حالت هم بهتر است که از فوکوس دستی استفاده کنید.

از طرفی دیگر باید پذیرفت که سه پایه‌ها وسایلی بزرگ و پر دردسر جهت حمل کردن هستند و شاید در آینده به سه‌پایه‌های کوچک روی بیاورید که آنها را روی دیوار هم می‌توان قرار داد و یا وسائلی دیگر که بر روی سینه قرار داده می‌شوند و نیز نوعی که دارای یک پایه است و با دست آنرا نگاه می‌دارند و دوربین را بالای آن قرار می‌دهند. مدل‌های آخری که ذکر شدند، دارای قابلیت پن و تیلت کردن نیستند و از اینرو نمی‌توانند، پاسخگوی همهٔ نیازهای ما باشند.

اگر همهٔ صحنه‌های شما به وسیله سیستم اتوفوکوس ضبط شده‌اند، بنابراین ممکن است چندین مسئله در رابطه با واضح بودن تصویر، برای شما پیش بیاید. اگر یک یا دو تا از صحنه‌های شما کمتر واضح هستند، ممکن است به دلیل شرایط موجود در صحنه بوده که به اتوفوکوس اجازه فعالیت دقیق را نمی‌داده است.

سیستم اتوفوکوس به دو روش عمل می‌کند: روش نوری و روش اشعه ماذون قرمز. سیستم نوری تصویر حاضر را به عنوان منبع علامت و سیگنال در نظر می‌گیرد و با برآورد پیوسته الکترونیکی از آن به عنوان ابزاری جهت نگه داشتن نقطه فوکوس عمل می‌کند. این سیستم معمولاً خوب عمل می‌کند ولی دقت آن در زمانی که نور کمی در صحنه وجود دارد و یا سوژه از رنگ تیره تشکیل شده است یا سوژه کنتراست کم دارد، ضعیف عمل می‌کند.

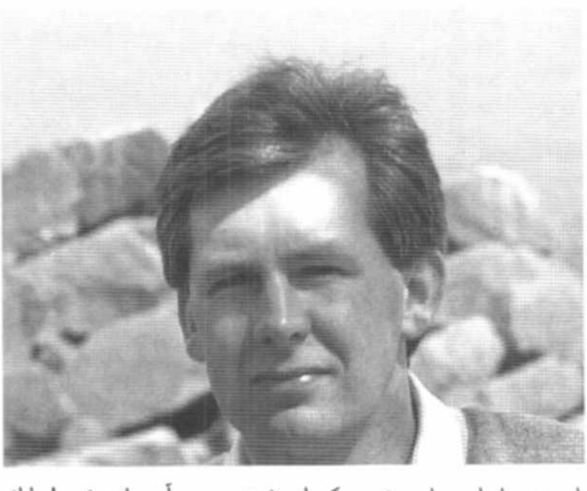
در روش اشعه ماذون قرمز، معمولاً یک اشعه ماذون قرمز از طرف دوربین به صحنه فرستاده می‌شود و سپس این اشعه منعکس می‌شود و برمی‌گردد. زمان انعکاس و بازگشت این اشعه درون دوربین محاسبه و تبدیل به فاصله دوربین تا موضوع می‌گردد. سیستم‌های اشعهٔ ماذون قرمز با هر نوری کار می‌کنند و با هر نوری هم‌خوانی دارند. اما زمانی که فاصله زیاد می‌شود و یک یا دو موضوع اشعه را خوب منعکس نمی‌کنند، دقت آنها کمتر می‌شود.

هر دو این سیستم‌ها می‌توانند به وسیله انعکاس نور از روی سطح شیشه و یا چیزهای درخشان دیگر گول بخورند و خوب عمل نکنند. هم چنین اگر موضوع در حال فیلمبرداری دارای سرعت زیاد باشد، ممکن است که این سیستم‌ها نتوانند خوب عمل کنند. البته در مدل‌های جدید دوربین‌ها این مسئله تاحدی حل شده است. تکنولوژی در حال حل کردن بسیاری از مشکلات است. بعضی از مدل‌های اتوفوکوس می‌توانند برای فواصل از جلوی لنز تا بی‌نهایت تصویر را فوکوس کنند و حتی فوکوس کردن را روی سوژه اصلی قفل کنند، طوری که اگر سوژه اصلی از جای خود هم حرکت کند و به پهلوی صحنه برود، کماکان در فوکوس باشد.

ممکن است که بعضی از تصاویر شما تاریک و تیره شده باشند. یک علت این‌گونه تصاویر می‌تواند ضدنور باشد. اگر علت این است دفعهٔ بعد اول دوربین خود را در چشمی ببینید و قبل از آنکه تکمه ضبط کردن را بزنید، نور را تنظیم کنید تا دچار این مشکل نشوید و سعی کنید که کارکرد ضدنور دوربین را فعال کنید.

اما ممکن است که مشکل تصویر شما ضدنور نباشد. خود صحنه ضبط هم می‌تواند فاقد نور مناسب و یا سوژه شما دارای رنگ‌های تیره و کدر باشد، طوری که انعکاس نور از روی آن به خوبی صورت نگیرد و تصویر شما تیره و غمگین به نظر برسد. این بارهم چشمی دوربین شما، تصویر را جلوی شما به نمایش می‌گذارد و می‌گوید که تصویر را چگونه ضبط خواهد کرد و این شما هستید که باید تصمیم بگیرید و درست عمل کنید. پس سعی کنید تا عادت کنید که همیشه کلیه مراحل را از درون چشمی دوربین قبل از ضبط کردن نگاه و بررسی کنید. چنانچه حتی با بررسی دقیق هم، شک و تردید در مورد کیفیت تصویر دارید، بنابراین موضع خود را عوض کنید و از یک زاویه بهتر فیلمبرداری خود را انجام دهید.

روشی که یک صحنه نورپردازی می‌شود، مهم است. به طور عمومی بهترین نور برای فیلمبرداری در هوای آزاد نور آفتاب کمی ضعیف است که از پشت دوربین تابیده شود. در این شرایط رنگ‌ها بهترین حالت خود را دارند و از زاویه‌ای که نور به "مدل" تابیده می‌شود، کمک می‌کند تا جزئیات تصویر واضح و سطوح مختلف ایجاد شده، باعث تصور عمق شود. برای تصویر کلوزآپ از صورت انسانها، نور تقریباً ابری برای نشان دادن مدل کافی است. این نور فاقد سایه‌های تند است. هم‌چنین این نور قابلیت منعکس شدن از روی لباس‌های روشن "که تاثیر نامطلوبی روی صورت می‌گذارد" را ندارد.



سطح پوست بدن، اکثراً بر اثر روشنی زیاد، در فیلم سوخته شده به نظر می‌رسد. در اینگونه مواقع سوژه را در مقابل یک پس زمینه روشن قرار دهید تا نوردهی را پایین بیاورید و خطر نور دیدن نقاط بسیار روشن را از بین ببرید.

اگر هوا هنگام ضبط کردن ابری است، بنابراین با هر نوری که از پشت سرمی‌آید باید ضبط را انجام داد. این کار باعث می‌شود تا شما حداکثر نوردهی به دوربین را به کار بگیرید تا از کم‌رنگ و شسته شدن رنگ‌ها جلوگیری به عمل آید. اگر درون چشمی اخطار "نور کم low light" دیده می‌شود، قبل از اینکه ضبط خود را انجام دهید، صحنه را بررسی کنید. چنانچه نور به حد کمی ناکافی است، شاید برداشتن تصویر، علیرغم اخطار، مسئلهٔ مهمی نباشد. در شرایط بسیار تاریک و در شرایطی که یک تصویر ضعیف بهتر از هیچ است، می‌توانید با استفاده از کارکرد gain" جهت تقویت نوردهی به دوربین" تصویر خود را ضبط کنید "البته اگر دوربین شما این کارکرد را داشته باشد". در این حالت مطمئناً تصویر شما دارای برفک خواهد شد.

از دیدگاه عکاسی، کنتراست یکی از مواد اولیه ساخت یک تصویر خوب است. متاسفانه سیستم تصاویر ویدئویی تحمل کنتراست زیادی را ندارند و تفاوت بین پررنگ‌ترین نقطه و کم رنگ‌ترین نقطه بر روی یک تصویر ویدئویی خیلی کم‌تر از عادی‌ترین تصویر عکاسی است.

بنابراین اگر از مردم در زیر آفتاب درخشان فیلمبرداری می‌کنید، در مورد نقاطی که دارای سفیدی بسیار در مقابل سیاهی زیاد هستند، مواظب باشید. اگر روزی گرم است و پیشانی‌ها برق می‌زنند، این نقاط روشن و بسیار درخشان در هنگام نمایش به شکل ناجوری "سوخته شده " به نظر خواهند رسید. برای جلوگیری از پدیدآمدن چنین حالتی باید از قبل چاره‌ای در مورد آن انجام داد. یک راه حل این است که زاویه تصویربرداری خود را طوری عوض کنید که نور از جهت برعکس بیاید و انعکاس آن به درون دوربین نیاید. راه دیگر این است که پس‌زمینه تاریک را به نسبت سوژه کم‌تر کنید. با برداشت کلوزآپ از سوژه خود می‌توانید مقدار پس‌زمینه را در تصویر کم‌تر کنید. دیدن و پیدا کردن علائم نور اضافی و کنتراست از درون چشمی دوربین کار سختی است. بنابراین در صورت موجود بودن نور زیاد در صحنه باید هوشیاری مخصوصی را به کار انداخت.

نکات کمکی

در زیر به پاره‌ای از سئوالات که می توانند در جهت حل تکنیکی مشکلات شما کمک کنند، جواب داده می‌شود:

سئوال: چرا پاره‌ای از صحنه‌ها دارای لرزش هستند؟

جواب: احتمالاً به این دلیل که دوربین محکم و ثابت نبوده است. گرفتن ثابت و محکم و دیدن از درون چشمی دوربین را تمرین کنید و یا یک سه‌پایه بخرید.

سئوال: چرا بعضی از صحنه‌ها فوکوس نیستند؟

جواب: در آن صحنه‌ها سیستم اتوفوکوس نمی توانسته است خوب عمل کند، از سیستم فوکوس دستی استفاده کنید.

سئوال: چرا بعضی از صحنه‌ها تاریک و تیره هستند؟

جواب: ۱ـ ممکن است که علت آن ضدنور باشد.

۲ ـ شاید صحنه‌دارای نورپردازی کافی نبوده است. نگاه کردن از درون چشمی به صحنه را تمرین کنید.

سئوال: چگونه می توان از لکه‌های سوخته شده بر روی یک سوژه جلوگیری کرد؟

جواب: ۱ ـ ضبط خود را طوری انجام دهید که نور بصورت مورب به سوژه تابیده شود.

۲ ـ رابطه بین پس زمینه تاریک و سوژه خود را کم‌تر کنید.

سئوال: چگونه می توان از تصاویر دانه دانه‌ای که بر روی یک رنگ روشن پدید می‌آیند جلوگیری کرد؟

جواب: از موضوعاتی این چنینی تصویر نگیرید. اشکال کار بستگی به محدودیت تکنیکی دستگاه ویدئو دارد.

سئوال: ترکیبی از صدای باد، ترافیک و صداهای خود دوربین باعث ایجاد صداهای ناجور بر روی نوار شده است. چگونه می توان از آنها جلوگیری کرد؟

جواب: از یک میکروفون سیم‌دار بلند استفاده کنید تا از منابع تولید این صداها دور باشد.

یک ضعف دیگر در ویدئوها که باید با آن مقابله کرد، نمایش رنگ‌های اصلی، مخصوصاً قرمز در سطوحی صاف و یک نواخت به صورت دانه دانه و یا حالتی زبر و خشن و مزاحم چشم است. لباسهای پلاستیکی ضدباران و یا اسباب بازی بچه‌ها از این جمله هستند. چیز آزار دهنده دیگری که باید ذکر کرد، سوسوزدن سطح بعضی از چیزها که دارای طرح‌های ظریف هستند، می‌باشد. مثلاً لباس‌های راه‌راه مردانه که اغلب در روی صفحه تلویزیون دارای این مشکل هستند. این اشکالات تصویری به دلیل مشکلات تکنیکی، عدم انطباق تلویزیون و دوربین با یکدیگر پیش می‌آیند. اگر شما دارای امکانات مالی بیشتری باشید که بتوانید یکی از دستگاههای سوپر مدرن را خریداری کنید، در این دوربین‌ها این مسائل تا حدی حل شده‌اند و شما دارای این قبیل مشکلات نخواهید بود. توجه داشته باشید که اینها مسائل و مشکلات رنگ هستند و روی چشمی‌های سیاه و سفید آنها را مشاهده نمی‌کنید.

در حین نمایش و دیدن نوار خود، ممکن است متوجه اختلال رنگ در صحنه‌های ادیت شده خود بشوید. این مشکل چنانچه دوربین شما مجهز به سیستم flying erase باشد، پیش نخواهد آمد. flying erase سیستمی است که در آن هدهای پاک کننده نوار در یک نقطه ثابت قرار نگرفته‌اند، بلکه بر روی درام چرخان و در کنار هدهای ویدئو قرار گرفته‌اند. فاصله واقعی بین این دو تقریباً هیچ است. بنابراین نوار در طول حرکت خود روی درام، ابتدا از تمام چیزهائی که بر روی خود دارد پاک می‌شود و سپس با هد ضبط تماس پیدا می‌کند. از این رو اختلال در رنگ که به دلیل ضبط روی تصویر قبلی و در دوربین‌های قدیمی دارای هد ثابت پیش می‌آمد به واسطه وجود چنین سیستمی کاملاً حذف شده است. امروزه تعداد زیادی از دوربین‌ها مجهز به این سیستم هستند. اما اگر شما دارای یک دوربین قدیمی بدون وجود این سیستم هستید، زیاد فکر خود را در این‌باره ناراحت نکنید. این اختلال فقط به صورت خیلی کوتاه و به هنگام ادیت کردن اتفاق می‌افتد.

اکنون اجازه دهید که به پاره‌ای از مسائل که در رابطه با ضبط صدا پیش آمده‌اند، بپردازیم. میکروفون دوربین‌های ویدئویی دارای خصلت متضاد هستند. آنها بعضی وقت‌ها صدائی را که باید ضبط کنند، دریافت و ضبط نمی‌کنند و بعضی وقت‌ها هم صدائی را که نباید ضبط کنند، ضبط می‌کنند.

برخلاف نور که می‌تواند از کهکشانهای مختلف عبور کند و به ما برسد، صدا یک پدیده محلی است و در محدودهٔ خیلی کوچکی وجود دارد. توانائی صدا در حرکت کردن خیلی محدود است و از اینرو به صورت کالائی درآمده است که عده‌ای با آن کار می‌کنند. بهترین محل برای قرار دادن میکروفون نزدیک‌ترین نقطه به منبع صدا است. متاسفانه به دلیل مشکل پیدا کردن یک نقطه مناسب، جهت ضبط تصویر، این امر اغلب میسر نیست و محل ضبط تصویر فاصله زیادی از محل پخش صدا دارد، مخصوصاً زمانی که یک سخنرانی باید ضبط شود، بنابراین در این مورد میکروفون دوربین‌ها چند قدم عقب هستند.

اگر دوربین ویدئوی شما دارای محلی جهت وصل میکروفون اضافی با سیم بلند باشد، این مسئله با کمک آن حل است. اما متاسفانه همهٔ دوربین‌ها این امکان را ندارند. با وصل کردن یک میکروفون با سیم

بلند به دوربین، میکروفون اصلی دوربین از کار می‌افتد و از آن پس می‌توانید صدا را از محل نزدیک‌تری به منبع آن ضبط کنید. برای اطلاع بیشتر از اینکه چه نوع میکروفونی را انتخاب و استفاده کنید، می‌توانید بخش ده را مطالعه نمائید. در حال حاضر تلاش ما این است که ببینیم چگونه با میکروفون ثابت صدا را بهتر ضبط کنیم.



میکروفون دوربین ویدئو در مقابل باد آسیب‌پذیر است. در صورت وجود باد در هنگام ضبط، می‌توان از یک همراه کمک گرفت تا یک سپر حفاظتی از باد برای میکروفون درست کند.

میکروفون روی دوربین شما، نهایت تلاش خود را به خرج می‌دهد تا بهترین صدا را از صحنه و یا محیط پیرامون به دستگاه دوربین منتقل کند. البته این صدا از اختلالاتی که باد در آن ایجاد می‌کند، در امان نیست، مخصوصاً اگر ضبط شما در هوای آزاد و میکروفون مستقیماً در معرض باد باشد. احتیاجی نیست که باد با سرعت زیادی بورزد تا در صدای برنامه شما اختلال ایجاد کند. حتی یک نسیم هم می‌تواند اثر منفی خود را روی کار شما بگذارد.

یک ضبط خوب ویدئویی به همراه صدای ناجور باد، چیز خوبی نخواهد بود. مخصوصاً که وقتی صدا روی نوار ضبط شد، دیگر کار زیادی جهت تغییر آن نمی‌توانید انجام دهید، مگر اینکه از طریق صداگذاری مجدد آنرا حذف کنید (در این باره جلوتر صحبت خواهد شد). علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد و بهترین کار این است که یک سپر محافظتی در مقابل باد درست کنید. این کار را می‌توان یا از طریق عوض کردن زاویه فیلم برداری "طوری که باد به میکروفون نخورد" انجام داد و یا اینکه یک نفر کنار میکروفون دوربین بایستد تا بدن او از خوردن باد به دوربین جلوگیری کند. دوربین‌های مدرن امروزی دارای تکمه‌ای زیر میکروفون هستند که با زدن آن فیلتری در سرراه باد قرار می‌گیرد و ضبط اصلی با صدای باد کمتری انجام می‌شود.

صدای ماشین‌های ترافیک هم یکی دیگر از مزاحم‌های هنگام ضبط هستند. البته اگر میکروفون شما از نوع "یک سویه و یا یک جهته " باشد کار شما راحت‌تر خواهد بود. این نوع میکروفون‌ها فقط صدائی که به طرف دوربین می‌آید را جذب و انتقال می‌دهند و با چرخاندن دوربین فقط منابع صوتی روبروی دوربین را ضبط می‌کنند. صدای زیادی که از یک وسیله نقلیه می‌آید، چیز مطلوبی نیست. این موضوع نه به خاطر این است که صدائی غیر ضروری روی فیلم ضبط می‌شود، بلکه علت دیگر آن این است که وقتی این صدا به دوربین می‌رسد gain دوربین با دریافت صدای زیاد به طور اتوماتیک سعی

می‌کند سطح ضبط صدا را پائین بیاورد که این عمل چند ثانیه‌ای طول می‌کشد تا صدا به سطح عادی خود بازگردد و بدین ترتیب اختلال در صدای اصلی که باید روی نوار ضبط شود بوجود می‌آورد.

اختلالات صوتی دیگری هم هستند که خیلی نزدیک‌تر از صدای زیاد و ترافیک هستند. صدای قژقژ و وزوزی که از درون خود دستگاه می‌آید می‌تواند به سبب نزدیکی به میکروفون روی فیلم ضبط شود. هم چنین حرکات دست شما در هنگام کار کردن با دوربین نیز از جلمه صداهای ناخواسته‌ای است که روی فیلم ضبط می‌شود. بعضی از دوربین‌ها و یا بعضی از تصویر برداران از بقیه ساکت‌تر هستند. این گونه صداها معمولاً در سکوت مطلق فضای سر پوشیده روی نوار ضبط می‌شوند. در بیرون این صداها در صدای پس زمینه گم و محو می‌شوند و به هیچ‌وجه تاثیری ندارند.

راه حل هرسه مسئله صدای باد، ترافیک و خود دستگاه دوربین این است که از یک میکروفون سیار با سیم بلند استفاده شود. این نوع میکروفون را راحت‌تر می‌توان از باد حفظ کرد. در صورت احتیاج می تواند میکروفون یک جهته‌ای باشد که صدای ماشین‌های در حال عبور را جذب نکند و این میکروفون می تواند در فاصله نسبتاً دوری واقع شود تا صدای موتور و دستگاه‌های دوربین به آن نرسند. این وسیله واقعاً جهت ضبط سخنرانی‌ها ضروری است. در بخش ده در مورد آن مطالبی خواهید خواند.

اگر فکر می‌کنید که مشکلات کار زیاد هستند، به هیچ وجه ناامید نشوید. مطمئناً شما با همهٔ این مشکلات در روزهای اول فیلمبرداری خود مواجه نخواهید شد و مطالعه و دانستن این مسائل بهترین شیوه جهت جلوگیری از بوجود آمدن آنهاست. اکنون که به اشکالات تکنیکی کار آشنا شده‌اید، پس بهتر می‌توانید آنها را رفع و یا با آنها مواجه نشوید.

شاید بخشی از مشکلات شما تکنیکی نباشد بلکه مسائل هنری و زیبائی کار باشند. مثلاً آیا این احساس به شما دست داده است که صحنه‌های ضبط شده، بدون هدف و غیر مطلوب هستند؟ آیا تعدادی از صحنه‌های ضبط شده واقعاً از جنبه تصویری چنان که باید جذاب باشند، جالب نیستند؟ اگر جواب شما مثبت است، پس مطالعه این کتاب را ادامه بدهید.

۵ـ روش‌های ضبط کردن در محل سرپوشیده

اکنون وقت یک میهمانی است و شما و دوربین شما به آن دعوت شده‌اید. یک مهمانی و دوربین ویدئو وسائلی مکمل یکدیگر هستند و علت آن هم احتیاج به هیچ‌گونه تفکری ندارد.

معمولاً هر میهمانی، جنگلی درهم از صدا و جنب‌وجوش است. بنابراین در زمینه تصویر و صدا کمبودی ندارید. یک میهمانی روشی برای جمع کردن مردم است که در آن یک دوربین موقعیت‌های بسیار عالی و خوبی از به تصویر کشیدن مردم را پیدا می‌کند. هم‌چنین یک میهمانی فرصت خوبی است که عکس و تصاویر جدیدی از خانواده تهیه و به آرشیو خانوادگی غنای بیشتر ببخشید.

یک میهمانی می‌تواند در زیر یک سقف و یا هوای آزاد و یا در هر دو محل برگزار شود. هر کدام از این محل‌ها، مزایا و اشکالات خاص خود را دارند. در میهمانی هوای آزاد، فضای زیادی وجود دارد ولی ممکن است مشکلاتی در زمینه نور پیش بیاید، مخصوصاً اگر میهمانی در طول ساعات تاریکی هوا باشد. مشکل خرابی هوا هم یکی از مسائل دیگر است. در میهمانی محل سرپوشیده تقریباً همه‌چیز تحت کنترل است و می‌توان برنامه‌ریزی را از قبل انجام داد، "مخصوصاً اگر این میهمانی در منزل شما و یا یکی از بستگان که با آن آشنایی دارید، باشد". اولین مسئلهٔ قابل ذکر در اینجا وضع نور هست. معمولاً برای این گونه میهمانی‌ها، نور شما چه طبیعی باشد و چه نور مصنوعی لامپ‌ها، کافی است. اما در صورت کافی نبودن می‌توان با یکی دو منبع نوری دیگر صحنه را تکمیل کرد.

در محل سرپوشیده، دسترسی به برق آسان است و دوربین را می‌توان مستقیماً از طریق یک آداپتور به برق شهر وصل کرد و یا از باتری استفاده کرد که در صورت تمام شدن، امکانات شارژ کردن آن در دسترس است. در حقیقت در ضبط محل سرپوشیده، دو مشکل اصلی وجود دارد: مشکل کمبود محل و فضا جهت کار کردن و مشکل محیط بستهٔ محل که کار ضبط صدا را مشکل می‌کند.

وقتی که یک میهمانی ساده می‌تواند موضوع جالبی برای فیلمبرداری ویدئویی باشد، میهمانی‌های

کریسمس و مخصوصاً میهمانی‌های کریسمس برای بچه‌ها، زمینه‌های بهتری جهت کار ویـدئویی را عرضه می‌کنند، چرا که محیطی که این مسائل در آن واقع می‌شوند، مملو از شور و هیجان جشن است که داستانهای خاص خود را نیز دارا می‌باشند.

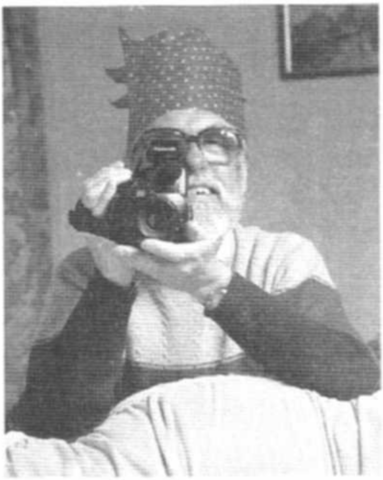
درست کردن فیلم همراه با سناریو، ایدهٔ بسیار خوبی است، چرا که دوربین ویدئویی ابزار مناسبی برای این کار است. یک سناریو می‌تواند شامل یک داستان حماسی با شرکت چند هزار نفر و یا یک داستان سادهٔ خانوادگی باشد. سناریویی از کریسمس بچه‌ها و هیجانات درون یک میهمانی، البته جزء قسمت دوم از دسته بندی‌های بالائی ولی قسمت بسیار هیجان‌انگیز برنامه شما می‌تواند، باشد.

یک سناریوی خانوادگی کریسمس در رابطه با نمایش ویدئویی می‌تواند عبارت از چه بـاشد؟ ایـن سناریو نمی‌تواند فقط عبارت از نمایش هیجان‌انگیز بچه‌ها در حال باز کردن کادوهای خود و یا ضبط کوتاهی از برنامه بعداز ظهر کریسمس باشد. مطمئناً اینها از لحظات بسیار مهم جهت ضبط هستند و باید در جای خود روی آنها تاکید بشود. علاوه بر این در نظر داشته باشید که شرایط و لحظات کم اهمیتی هستند که می‌توانند لحظات بسیار عالی جهت فیلم ویدئویی شما باشند و هیجان فـیلم را بـالا بـبرند. بنابراین بدون نیاز به مخدوش کردن شادی‌های موجود در تولید ویدیوئی، بهتر است که کمی هم زمان و فکر جهت بهتر نمایش دادن هیجانات موجود صرف کنیم.

یکی از مزیت‌های ضبط ویدئویی مراسمی مثل کریسمس این است که جریان اتفاقات ضبط شده، بطور اتوماتیک و طبیعی دسته‌بندی شده‌اند و نمایش هر صحنه به دنبال صحنهٔ قبلی است و در حقیقت ادامهٔ سناریو است و تماشاچی مشکلی جهت پیگیری داستان نخواهد داشت. تنها کاری که باید انجام دهید این است که همراه جریان پیش بروید و اجازه دهید که هر صحنه به صحنه‌های قبلی اضافه شود. در حقیقت شگردی که شما در این رابطه و سایر مواقع فیلمبرداری باید به کار ببندید، این است که جریان فیلم را به صورت سکانس‌های مختلف ببینید. این بدین معنی است که هربار که دوربین را آماده ضبط می‌کنید و از دورن چشمی دوربین نگاه می‌کنید، قبل از اینکه تکمه ضبط را فشار دهید، باید این صحنه را نه به عنوان یک قطعه ثابت و مجزا، بکله بخشی از تعدادی برداشت‌های دیگر در نظر بگیرید، یـعنی جزئی از یک کل. همیشه از خودتان این دو سئوال را بکنید:

* آیا این ضبط با ضبط‌های قبلی متناسب است وجور در می‌آید؟
* آیا این ضبط به عنوان یک جزء منطقی از کل برنامه می‌تواند باشد؟

اگر فکر می‌کنید که این کار پیچیده است، نا امید و مایوس نشوید. فکر کردن به شیوه سکانسی یک شگرد فکری است که به دست آوردن تبحر در آن فقط با تمرین امکان‌پذیر است. البته جلوتر در مورد چند قانون عمده و پیشرفنه، برای درست کردن سکانس صحبت خواهد شد. در حال حاضر اجازه دهید که نگاهی به چند ایده در مورد سکانس‌های فیلم کریسمس بیاندازیم.



همیشه برای ضبط موارد نادری که در زندگی اتفاق می‌افتند، آماده باشید. توجه کنید که دوربین شما برای کار آماده باشد و سعی کنید که بهترین زاویه را برای فیلمبرداری انتخاب کنید.

قسمت اعظم داستان یک کریسمس در قبل از زمان خود نهفته است. مثلاً مراکز خرید بسیاری که دارای چراغانی و تزئین ویترین‌های خود با نورهای رنگی هستند. رسم قدیمی نوشتن نامه به پاپانوئل، بازدید و حضور پاپانوئل در فروشگاههای بزرگ، تزئین درخت کریسمس و سایر فعالیتهای دیگر که به عنوان مثال می‌تواند شامل پختن غذای شب کریسمس در آشپزخانه باشد. روز کریسمس هم کار با باز کردن هدایا و جشن کریسمس پایان نمی‌گیرد، بلکه جریانات پس از آن و زمانی که همه در فکر فعالیت جهت بازگشت به زندگی عادی هستند نیز مهم هستند.

نور خیابان‌های شهر

اگر تصمیم گرفته‌اید که کار خود را با یک سکانس از خیابان شروع کنید، می‌توانید با یک fade in و یا تصویر کلوزآپ روشن از یک محوطه خرید شروع کنید. چنانچه قیافهٔ زندهٔ یک پاپانوئل را بتوانید بگیرید که کارتان بهتر خواهد شد. اگر دوربین شما دارای امکانات نوشتن عنوان است، این برداشت بهترین موقعیت برای نوشتن عنوان فیلم شما است.

مرحله بعدی می‌تواند با گرفتن یک نمای واید از منطقه‌ای که در آن بسر می‌برید همراه با نمایش خیل خریداران که با عجله در حرکت هستند و در هم می‌لولند، دنبال شود. این صحنه می‌تواند موقعیت محلی را که در آن بسر می‌برید، به تماشاگران نشان دهد و آنها را با محل آشنا کند. سپس می‌توانید با برداشت‌های نزدیک دیگری از ویترین مغازه‌ها با دکوراسیون و رنگ‌های براق خود، هیجان و حرکت را در فیلم خود بیشتر کنید.

در محیطی این چنین، باید سعی کنید که ضبط شما از هر صحنه کوتاه باشد و در خیلی از جاها، تصویر بعد از شروع ضبط به عقب کشیده شود و با لنز واید ضبط خود را انجام دهید تا دیگر چیزیهای دیدنی صحنه هم مشاهده و خود صحنه هم از آرامش برخوردار شود. به هیچ وجه سکانس‌ها را طولانی نکنید. دو

یا سه دقیقه ضبط برای شروع فیلم شما کافی است.

مطمئناً صحنه‌های زیادی برای ضبط برنامه خود پیدا خواهید کرد اما اگر می‌خواهید کاری جدی انجام دهید، توجه خود را روی یک یا دو نقطه متمرکز کنید. به خاطر داشته باشید که اگر چشم شما نور محلی را که در آن بسر می‌برید زیاد تشخیص داده است، دوربین شما با لنز واید خود می‌تواند این مشکل را حل کند. روشن‌ترین چیز در حقیقت نورهای موجود هستند و با یک ضبط واید از چنین صحنه‌ای هم نقاط روشن و هم تاریک در تصویر خواهند بود که دوربین سعی می‌کند تا معدلی از آنها را روی نوار ضبط کند. دیافراگم لنز احتمالاً کاملاً باز خواهد بود و این ممکن است که نور زیادی را به داخل دوربین راه دهد که باعث تولید شراره در تصویر می‌شود.

زمانی که در چنین حالتی تصمیم به فیلمبرداری در شب دارید، از برداشت‌هائی که چراغانی‌های خیابان را در مقابل سیاهی آسمان می‌گیرند، احتراز کنید، چرا که در این حالت پس از دیدن فیلم از نتیجه کار خود مایوس خواهید شد. در این حالت سیستم نوردهی اتوماتیک دوربین AE سعی می‌کند که دیافراگم دوربین را کاملاً باز کند تا روشنائی بیشتری به داخل دوربین بیاید که در این حالت چراغانی‌های رنگی خیابان به صورت نقاط روشن بدون رنگ در فیلم شما ظاهر خواهند شد.

فوکوس کردن در زیر نور نامناسب سخت است و سیستم اتوفوکوس دوربین شما ممکن است که به واسطه انعکاس اشعه‌ها از سطح شیشه ویترین مغازه‌ها گول بخورد. اگر باید متوسل به فوکوس دستی بشوید، به خاطر داشته باشید که اول با فوکوس روی لنز تله شروع کنید تا برداشت شما واضح و زیباتر باشد. در این مورد قبلاً صحبت شده است.

در پایان این سکانس، ممکن است که بخواهید آنرا با یک fade out تمام کنید. البته قطع ناگهانی و نمایش صحنه بعدی نیز کاری تجارتی و پرجنب و جوش خواهد بود. اگر سکانس بعدی شما نامه به پاپانوئل خواهد بود، می‌توانید صحنه‌ای کلوزآپ از سر پاپانوئل بگیرید و صحنه را قطع کنید و سپس یک کلوزآپ از قسمت "پاپانوئل عزیز..." ابتدای نامه بگیرید. این همان روش فکر کردن به شیوه سکانسی است.

نامه‌ای به بابانوئل

برخلاف سکانس قبلی، در این مرحله توجه اصلی روی سادگی و طبیعی بودن است. به این دلیل برای موفق بودن در این سکانس باید صحنه را تا حد امکان دست کاری یا هدایت کرد. بچه‌هائی که آنقدر کوچک هستند که به وجود بابانوئل اعتقاد دارند، نمی‌توانند بدون کمک بزرگترها نقش خود را به خوبی بازی کنند و در جریان و تحرک باشند. اگر بچه‌ها خیلی کوچک هستند، بزرگتر آنها مثل پدر، مادر و یا کسی دیگر می‌تواند نقش نوشتن نامه برای آنها را به عهده بگیرد.

برای اینکه صحنه تا حد امکان طبیعی جلوه کند، باید از نور طبیعی استفاده کنید و یک روش در این

رابطه می‌تواند قرار دادن وسائل کار صحنه در نزدیکی پنجره باشد تا بتوانید از نوری که از پنجره به داخل اتاق می‌آید، استفاده کنید. با ساختن این سکانس کنتراستی بین سکانس قبلی و حاضر در مورد نور شب و نور روز ایجاد می‌شود.

به منظور حداکثر استفاده از نوری که از پنجره می‌آید "این نور می‌تواند، ترجیحاً اشعهٔ مستقیم آفتاب نباشد"، می‌توانید نویسندگان نامه را به صورت مورب به طرف پنجره قرار دهید تا نور بطور مورب به آنها بخورد و زیبا و جذاب به نظر برسند. دوربین هم می‌تواند در زاویه‌ای مورب نسبت به پنجره قرار گیرد و ضبط خود را انجام دهد. دقت کنید که در هیچ کدام از صحنه‌ها، خود پنجره در تصویر نباشد، چرا که در این صورت مواجه با مشکل ضدنور می‌شوید.

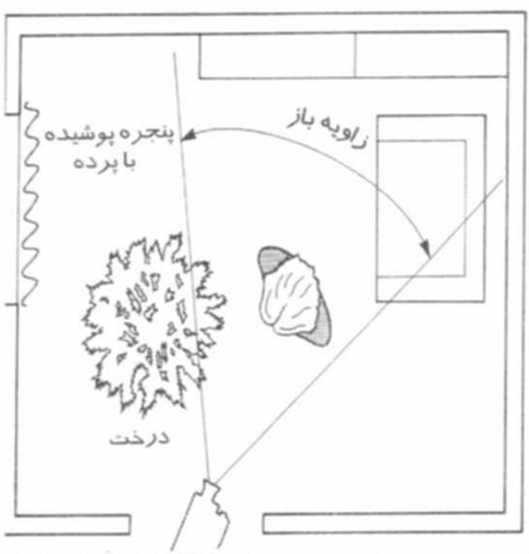
موضوع ثابتی مثل ضبط فعلی شما می‌تواند روی سه‌پایه انجام گیرد که شما را هم قادر می‌سازد تا در حین کار زوم کنید و به قسمت تله لنز بروید، بدون اینکه در کلوزآپ و یا تصویرهای نزدیک، لرزش دوربین کار شما را ضایع کند. این امر ممکن است "هنرپیشگان" شما را تا حدی از حال طبیعی خارج کند. وجود یک سه‌پایه در میان افراد ممکن است تا حدی باعث از حالت جدی خارج شدن بچه‌ها بشود. سه‌پایه باعث می‌شود که خود شما هم تحرک خود را مثل زمانی که دوربین را روی دست حمل می‌کنید، از دست بدهید. اگر تصمیم به استفاده از سه‌پایه داشتید یک فاصله سه متری از سوژه، شما را قادر می‌سازد که از حالت زوم واید تا کلوزآپ را بتوانید خوب فیلمبرداری کنید.

حتی باوجود کمک بزرگترها، صبر و تحمل بچه‌ها کم خواهد بود. بنابراین شما باید خیلی سریع عمل کنید و از هر فرصتی برای پیشبرد کار خودتان استفاده کنید. برای تعقیب کلوزآپ نامه که قبلاً یک ضبط از آن صورت گرفته است باید یک ضبط از بچه‌ها در حالی که جمع هستند و نشسته‌اند، بگیرید. برای شروع عمل یکی از والدین می‌تواند سئوال کند که: "خوب الان چه چیزی را باید از بابانوئل برای کریسمس بخواهیم؟" بقیه صحنه بستگی به جواب بچه‌ها دارد.

به همان ترتیب که مشغول ضبط هستید، به خاطر داشته باشید که از برداشت‌های طولانی یک صحنه، جداً خودداری کنید. هم‌چنین به دلیل این امر، صحنه‌ها را قبل از اینکه چیزی اتفاق بیفتد سریع قطع نکنید. سعی کنید تا اتفاقات گوناگونی که می‌افتند را با یک سرعت مناسب آن حالت در فیلم خود با برداشت و ضبط‌های مختلف نشان دهید. مثلاً اگر بچه‌ها در حال تفکر و سکوت هستند، بنابراین برداشت شما می‌تواند یک کمی طولانی تر باشد و اگر بچه‌ها در حال شلوغ و سر و صدا کردن هستند، می‌توان ضبط را کوتاه کرد.

هر دفعه که برداشت خود را قطع می‌کنید، مکثی بکنید تا صحنه را مرتب و آماده کنید. اما سعی کنید که تاثیر وقفه‌ها و این پرش‌های بین دو ضبط را قبل از ضبط بعدی با تغییر زاویه دوربین یا تغییر فاصله تا سوژه در حد پائینی نگاه دارید. اگر توانستید، سعی کنید که این سکانس را با یک برنامه از پیش تعیین شده، خاتمه دهید. مثلاً یکی از والدین می‌تواند با صدای بلند اعلام کند: "پس به این ترتیب بابانوئل خیلی مشغول و گرفتار خواهد بود!" راه دیگر این است که اجازه دهید تا ضبط شما ادامه پیدا کند تا بعداً از بهترین نقطه‌ای که تشخیص می‌دهید، سکانس بعدی را شروع کنید.





این نمونه‌ای از نورپردازی جالب یک صحنه است. درخت و تزئینات آن در مقابل پس زمینه تیره، درخشش و روشنی دارند.

برای این تیپ نورپردازی، پرده‌ها را بکشید تا جلوی نفوذ هرگونه نور بیرون را بگیرید و با لنز واید دوربین از صحنه داخلی تصویر بگیرید. در این حالت تصویر درخت هم به صورت کلوزآپ ضبط خواهد شد.

تزئین درخت کریسمس

مجدداً بر می‌گردیم به یک صحنه شب. در حالیکه سکانس نوشتن نامه کاملاً ضبطی طبیعی بود، در این سکانس سعی می‌کنیم با تمام رنگ‌ها و نورهای رنگارنگ، تزئین درخت کریسمس را ضبط کنیم. یک بار دیگر اجرا کنندگان اصلی بچه‌ها خواهند بود که سعی می‌کنند تا به والدین خود کمک کنند. فعالیتی جالب خواهد بود و آنها خیلی زود وجود دوربین را فراموش خواهند کرد و کارهایشان کاملاً طبیعی خواهند بود. از این رو ضبط این صحنه باید برطبق آن چیزی که هست و یا آن طوری که نورپردازی می‌شود، انجام گیرد تا صحنه به اندازه کافی روشن و واضح باشد. البته در این رابطه چیز خاصی را نمی‌توان پیشنهاد کرد، مگر اینکه نور حاضر در صحنه را به بهترین وجهی مورد استفاده قرار دهید.

اگر دوربین شما از آن دوربین‌های مدرنی است که می‌تواند حتی با نور ۲ لوکس هم فیلمبرداری کند، بنابراین تنها کار می‌تواند این باشد که چراغ بالای سرخود را روشن و فیلمبرداری خود را انجام دهید. هرچند برای منظور فعلی ما، تصاویر تا حدی مسطح به نظر خواهند رسید، اما می‌توانید یک شگردی به کار ببندید و صحنه را با نورهای مستقیم دیگر، مثل چراغ‌های رومیزی و آباژور روشن و نورپردازی کنید.

صحنه بلافاصله عوض خواهد شد. نور چراغ‌های اضافی رنگ و جلای بیشتری به صحنه می‌دهند و مسطح به نظر رسیدن اشیاء تا حدی برطرف می‌شود. علاوه بر لامپ‌های روشن شده، می‌توانید نورچند لامپ دیگر به صحنه اضافه کنید. اگر محل زندگی شما مجهز به چراغ‌های اسپات و یا سایر نورپردازی‌های مدرن است می‌توانید از تمام این امکانات استفاده کنید.

احتیاج نیست که لامپ‌هائی با قدرت زیاد داشته باشید. هدف ما این است که به اندازه کافی نور مستقیم برای صحنه تهیه کنیم تا دکوراسیون ما به شکل برجسته‌ای نمایش داده شود. علاوه بر نورپردازی، باید به سایه‌های ایجاد شده هم توجه داشت تا تصویر دارای سایه‌های تندی نباشد. اگر دوربین شما دارای امکان نوردهی دستی است، بنابراین تاثیر مختلف آنرا روی صفحه تلویزیون مشاهده کنید تا نقاط پرنور و کم‌نور شما دارای تعادلی مناسب باشند.

برای خاتمه در بخش تدارکات و پیش‌بینی‌های این بخش می‌توانید موقعیت قرار گرفتن و زاویه دوربین را امتحان کنید تا بعداً از آمدن و رفتن‌های بی‌مورد در صحنه خودداری کنید. اگر امکان‌پذیر است از سه‌پایه استفاده کنید و دوربین را روی آن سوار کنید. به این ترتیب شما امکان آنرا دارید که برداشت‌های کلوزآپ و واید خود از لامپ‌ها و سایر تزئینات آویزان به درخت را بدون هیچ‌گونه نگرانی انجام دهید.

این شیوه فیلمبرداری در یک سکانس، امکان خلاقیت زیادی را برای شما ایجاد می‌کند. به عنوان مثال می‌توانید یک ضبط کلوزآپ را قطع و یک کلوزآپ از جای دیگری را ضبط کنید، بدون اینکه تصویر شما دارای پرش عمل باشد و سایر برداشت‌های شما را خراب کند. در این عمل که بیشتر به کار سینمائی می‌ماند، جو هیجان و اسرار در فیلم بالا می‌ماند. به خاطر داشته باشید که با هر بار قطع کردن تصویر،

صداهم قطع خواهد شد. بنابراین بهتر است که قطع تصاویر خود را در زمانی انجام دهید که هیچ‌کس در حال صحبت کردن نیست.

به عنوان مرحله عالی هیجان، شاید تمایل داشته باشید که چراغ‌های اتاق را یکی‌یکی خاموش کنید و سپس چراغ‌های درخت کریسمس را برای اولین بار روشن کنید. در این حالت مجبور هستید که سیستم نوردهی دوربین را قفل کنید تا کار شما به نحو خوبی خود را نشان دهد. بدون استفاده از قفل کردن یا ثابت نگهداشتن نوردهی، هربار که چراغی خاموش می‌شود، دوربین سعی می‌کند که نوردهی را بیشتر کند و تصویر قبل از اینکه چیز جالبی از آب در بیاید، خیلی تیره به نظر خواهد رسید. به وسیله ثابت نگهداشتن نوردهی، شما دوربین را برای حداکثر نوردهی تنظیم می‌کنید و بدین وسیله هر چراغی که خاموش می‌شود و یا زمانی که چراغ‌های درخت روشن می‌شوند، تغییری در صحنه فیلم، بجز تاثیر نور جالب درخت، ایجاد نمی‌شود.

برای خاتمه دادن به این سکانس، می‌توانید چند کلوزآپ از انعکاس نورهای رنگی در چهره بچه‌ها بگیرید و بعد از آن با یک fade out سکانس را خاتمه دهید.

باز کردن هدایا

این سکانس احتمالاً در صبح زود برداشته خواهد شد و نیروی زیادی جهت ساخت آن باید صرف کرد. نتیجه کار حتماً ارزش این همه تلاش را خواهد داشت و کارها خیلی سریع و راحت پیش خواهند رفت، مخصوصاً اگر شما وسائل و تدارکات را از قبل چیده باشید.

در آن وقت از روز، نور مصنوعی تنها منبع نور موجود است و وظیفه شما این است که شب قبل، این نور را امتحان کنید تا ببینید که جهت کار شما کافی هست یا نه؟ خوشبختانه در این مرحله احتیاج به چیزی جادوئی نیست. نور چراغی که از سقف می‌تابد به همراه یکی دو چراغ دیگر که از اتاق‌های دیگر می‌آورید، کافی خواهند بود. اتاق بچه‌ها معمولاً محوطه‌ای کوچک با دیوارهای روشن است. بنابراین انعکاس نور در آنجا به خوبی صورت می‌گیرد و سوژه اصلی روشن خواهد بود. فقط دقت کنید که نور از کدام سمت می‌آید تا در مقابل دوربین واقع نشود و برق آن به لنز برخورد ننماید.

مرحلهٔ باز کردن هدایا، غیر قابل پیش بینی است و تصویرها باید به وسیلهٔ دوربین روی دست گرفته شوند. این تصاویر باید مرحله به مرحله و تا جائی که امکان دارد به دور از خش‌خش کاغذ کادوئی‌ها و همراه با شوق و هیجانات دریافت کنندگان کادوها باشند. یک بار دیگر حضور یک نفر بزرگ‌تر در جهت بهتر پیش رفتن کارها می‌تواند کمک موثری باشد. کار او عبارت از این خواهد بود که در چهارچوب آن اتاق لحظه‌های جالب و بیاد ماندنی را جهت ضبط کردن به فیلمبردار متذکر شود.

هرچند که در این مرحله هم ممکن است بخواهید سکانس را با یک fade in شروع کنید ولی شرایط ممکن است شما را در حالتی قرار دهد که وقت کافی برای این کار نداشته باشید. با توجه به حالت‌های

مشابه و اینکه نخواهید که هیچ صحنه‌ای را از دست بدهید، شاید ضبط تصویر شما برداشت‌های طولانی روی دست، همراه با زوم کردن‌های متمادی جهت ایجاد تغییرات در سکانس باشد.

اگر برایتان امکان‌پذیر بود، هر برداشت را از زاویه‌ای بردارید که حداقل یک جعبه باز شده را نشان بدهد. سپس برداشت بعدی را می‌توانید با یک کلوزآپ از یک بچه بردارید و از پرش بین صحنه‌ها جلوگیری به عمل آورید. برای خاتمه، یک برداشت واید از کل صحنه بگیرید و آنقدر آنرا طول بدهید تا نشان دهد که سکانس در حال تمام شدن است.

آماده کردن غذا

یک تغییر صحنهٔ دیگر و به همراه آن یک تغییر حالت دیگر. در اینجا فعالیت آشپز مرکز توجه را تشکیل می‌دهد و حضور بچه‌ها، همسر، حیوانات، گربه‌ها و چیزهای جزئی دیگر همه وابسته به عملیات اصلی هستند.

آشپزخانه‌ها معمولاً بسیار روشن هستند و نور به اندازه کافی دارند و از جنبه نور مشکلی ندارند، مگر آنکه در آنجا چندنور مختلف وجود داشته باشد، مثل ترکیبی از نور روز و نورچراغ حاضر در صحنه. نور طبیعی روز و نور چراغ‌های برق ترکیب خوبی باهم ندارند، از طرفی دیگر در خیلی از آشپزخانه‌ها از نور مهتابی استفاده می‌شود. ترکیب این نور با نور طبیعی خیلی بیشتر جور در می‌آید تا ترکیب نور لامپ با نور طبیعی، مخصوصاً اگر مهتابی از نوع مخصوص نور روز باشد. در این صورت می‌توانید تعادل نور سفید دوربین WB را روی نور روز بگذارید. در غیر این صورت سیستم اتوماتیک تعادل نور سفید می‌تواند، میانگینی از نور روز و لامپ‌های مهتابی موجود ایجاد کند.

بعد از اینکه سکانس قبلی را با یک برداشت واید تمام کردید، ممکن است که این سکانس را هم به همان شیوه، با لنز واید در جائی که آشپز مشغول کار است به زیبائی صحنه بیافزاید. آشپزخانه‌ها معمولاً در هم و برهم و مملو از بخار هستند و چرخیدن با دوربین در آنها "مخصوصاً اگر آشپزخانه کوچک باشد" کار آسانی نیست. بنابراین شاید بهتر باشد که از فضای داخلی آشپزخانه با یک "تله کنورتور" که لنزی جداگانه است که جلوی لنز بسته می‌شود و لنز واید را کما کان وایدتر می‌کند، استفاده کنید. با استفاده از این نوع لنز، زاویه لنز واید شما بیشتر خواهد شد. اگر در این حالت از لنز واید استفاده می‌کنید، زیاد به سوژه خود نزدیک نشوید چرا که باعث اعوجاج تصویر خواهید شد.

با توجه به محتوی کار، سکانس می‌تواند روی فعالیتهای مختلف آشپزی متمرکز شود، مخصوصاً برداشت‌های کلوزآپ بدون توجه به ضبط‌های بعدی که می‌تواند هرچیز دیگری باشد. خرد کردن هویج با کارد، هم زدن غذا با قاشق، پخش کردن خمیر و لوله کردن آن، قابلمه‌های جوشان و... فعالیت‌های زیاد و جالب و متنوعی جهت ضبط داخل آشپزخانه هستند. همراه با اینها می‌توان از توجه بچه‌ها به روی میز غذا و کنجکاوی آنها یاد کرد. چنانچه شما علاقمند باشید می‌توانید همهٔ سکانس را از دیدگاه آنها ضبط کنید.

میهمانی

تا اینجای کار ممکن است حس کنید که در ساختن یک ویدئو کریسمس واقعاً خبره شده‌اید. اگر اینطور است بدانید که ضبط میهمانی دیگر به یک کاری در حد توان بچه‌ها برای شما خواهد بود.





این میهمانی تحت نور حاضر در یک اتاق و با یک لامپ بالای میز گرفته شده است. گوشه هائی که تاریک هستند، می‌توانند با یک لامپ آباژور و یا رومیزی روشن شوند

برای این کار یک محل ثابت با حداکثر زاویه ممکن انتخاب کنید و دوربین را روی سه پایه قرار دهید و از میکروفون اضافی استفاده کنید. در غیر اینصورت می‌توانید دوربین را روی دست بگیرید و به شکل سیار فیلمبرداری کنید ولی در این حالت حتماً پرده‌های پنجره را بکشید تا از خطر ضد نور جلوگیری کنید.

برداشت سکانس میهمانی را با دوربین روی دست و در محیطی که دارای نور کافی باشد، انجام دهید. البته این شرایط هستند که به شما دیکته خواهند کرد که تا چه حد قادر به ساخت فیلم ویدئو خواهید بود. کار اصلی شما احتمالاً این خواهد بود که به اندازه کافی از هدایای بچه‌ها و بزرگترها فیلم تهیه کنید.

اگر همه شام را نشسته می‌خورند، بنابراین شما امکان بهتری برای برداشتن فیلم خواهید داشت که امیدوارم باعث این نشود که خودتان مقدار زیادی از شام را از دست بدهید. موضوع اصلی در هنگام شام این است که آیا دوربین را در یک جای ثابت گذاشت و یا روی دست به صورت سیار حمل کرد؟ یک سه‌پایه می‌تواند وظیفهٔ نگهداری دوربین را به خوبی انجام دهد. برای اولین بار در فیلمبرداری کریسمس خود می‌توانید با استفاده از یک میکروفون سیار با سیم بلند، سخنرانی‌های میهمانان را در سر میز شام با کیفیت مطلوبی ضبط کنید. سعی کنید که از نظر نورپردازی صحنه را جالب کنید، مثلاً چند شمع روشن روی میز محیط جالب‌تری را عرضه می‌کند و چنانچه اسپات یا نوری دیگر داشته باشید، می‌توانید از آنها جهت روشن کردن گوشه‌های میز استفاده کنید.

پس از ماجرا

این در حقیقت می‌تواند نتیجه پایانی فیلم باشد. با تصویری fade in از صحنهٔ اتاق بهم ریخته همراه با باقی‌مانده‌هائی از جشن، ظرفهای تلنبار شده برای شستشو و تعدادی از میهمانان که در حالت دراز کشیده و خوابیده هستند و سپس fade out.

اینها فقط ایده‌هائی جهت شروع بودند. راه‌های بیشماری هستند که می‌توانند دارای همین تم باشند و جزئیات بیشتر در هر فیلم، بستگی به سناریوی کریسمس شما دارد.

۶ـ ویدئو در تعطیلات و مسافرت

دوربین‌های ویدئویی و مسافرت برای هم ساخته شده‌اند. فکر کنید که چه امکاناتی برای ویدئوی شما در مسافرت موجود است: سواحل طلائی، دریای مواج، صدای دریا، کوههای پوشیده از برف، چرخش اسکی بازان، پچ‌پچ تماشاچی‌های بازیهای زمستانی، دهکده‌های خاموش مدیترانه، صدای زنگولهٔ گاوها در دور دست، غرش هواپیماها در فرودگاه شلوغ و جنبش ترافیک در شهرهای بزرگ. یک دنیا رنگ و صدا در انتظار ضبط شدن بر روی نوار ویدئو هستند و دوربین‌های ویدئویی وسائلی بسیار آسان جهت کار و حمل کردن هستند و شما می‌توانید در هر محلی که خواستید ضبط خود را انجام دهید.

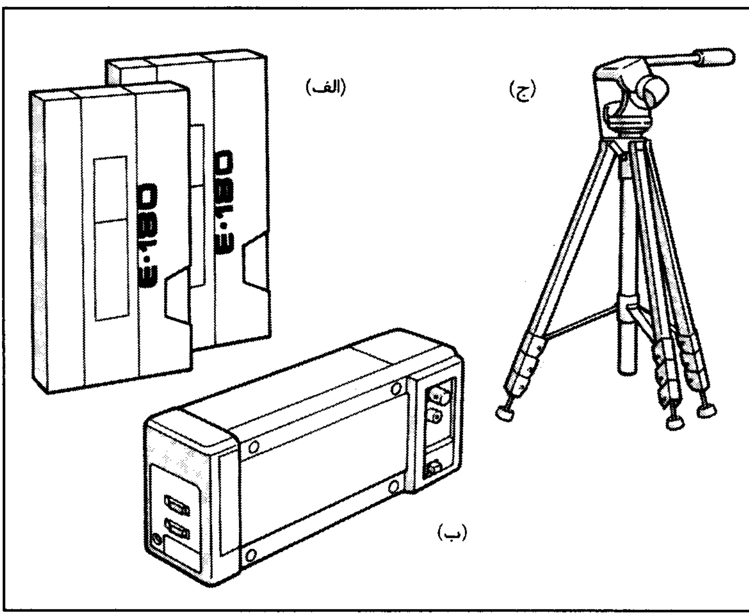
به غیر از دوربین، وسائل دیگری که باید همراه داشته باشید، بستگی به نوع مسافرتی که می‌روید و مقدار باری که می‌توانید حمل کنید دارد. اگر با اتومبیل مسافرت می‌کنید نسبت به هواپیما حمل وسائل بیشتر، مسئله‌ای را تشکیل نمی‌دهد. وسائل جانبی ویدئو که با خود می‌برید، رابطه مستقیمی با اهمیتی که شما و همراهانتان به کار کردن و تصویربرداری ویدیو می‌دهیددر رابطه با دیگر فعالیتهای مسافرت شما دارد. چنانچه نظر شما این باشد که تصویربرداری ویدیویی شما کمی بیشتر از تصویربرداری ساده از مردم و موقعیت‌هائی که وجود دارند، باشد بنابراین باید بار خود را در حداقل مقدار حمل کنید. اما از طرفی اگر شما علاقمند به ضبط ویدیویی به صورت یک بخش از مسافرت خود باشید، بنابراین بردن وسائل مورد احتیاج خود را احساس خواهید کرد.

به عنوان حداقل وسیله مورد احتیاج، یک نوار خالی ویدیو با خود داشته باشید. این امر خصوصاً اگر دوربین شما با نوارهای VHS-C و یا Video 8 کار می‌کند باید از قبل انجام شود، چرا که این نوارها مانند نوار استاندارد VHS در همه جا قابل دسترس نیستند و ممکن است که در طول مسافرت خود بدون فیلم بمانید.

وسیله ضروری دیگر جهت همراه داشتن، یک آداپتور شارژ باتری است. در صورت امکان یک باتری

اضافی قابل شارژ با خود بردارید. دوربین‌های ویدیوئی در بلعیدن نیرو و توان باتری‌ها خیلی فعال هستند و یک باتری ۴۰ دقیقه‌ای برای ضبط یک برنامه کامل کافی نیست. در این گونه مواقع یک باتری اضافی حکم یک موهبت الهی را دارد. اگر نقاط فیلمبرداری شما در نزدیکی ماشین خواهد بود، یکی از آداپتورهای مخصوصی که با برق ماشین کار می‌کند نیز همراه خود داشته باشید. البته این وسیله به تنهائی جهت استفاده در مسافرت کافی نیست.

از طرف دیگر شارژرهای باتری در بازار وجود دارند که می‌توانند از برق فندک ماشین تغذیه کنند و در نقاط بسیار دور که دسترسی به برق شهر امکان‌پذیر نیست، به راحتی باتری را شارژ کنند. اگر در طول مسافرت خود در هتل و یا سایر اماکن عمومی باشید، مشکلی از بابت شارژ باتری‌های خود نخواهید داشت.



سه قلم از وسائل ضروری که در سفر باید همراه داشته باشید: الف) یک نوار خالی و شاید یک عدد هم اضافه، ب) شارژر باتری که حتماً برای شارژ کردن باتری خود به آن احتیاج خواهید داشت. ج) سه پایه، جهت ضبط مناظر و جریاناتی با کیفیت بالا.

نکته دیگر که باید ذکر کرد این است که ممکن است در طول مسافرت علاقمند به نگاه کردن فیلم‌های ضبط شده بر روی صفحه تلویزیون باشید و یا بخواهید امتحان کنید و ببینید که آیا تصاویر و رنگ و نور آنها از کیفیت مطلوب برخوردار هستند یا نه؟ برای این کار می‌توانید یک تلویزیون کوچک قابل حمل، یا یک تلویزیون عادی و یا تلویزیونی دارای صفحه کوچک LCD با خود داشته باشید. از طرفی

دیگر چنانچه در نقاطی اقامت خواهید کرد که دسترسی به تلویزیون رنگی داشته باشید، می‌توانید از آنها استفاده کنید. هر نوع تلویزیون که بخواهید استفاده کنید باید دستگاه قادر به دریافت علائم خروجی از دوربین شما باشد و سیستم تلویزیون هم به سیستم دوربین شما بخورد.

بقیه چیزهائی که باید برای ویدیو خود در مسافرت بردارید، کاملاً اختیاری هستند. چنانچه دوربین شما دارای پریز جهت اتصال هدفون یا گوشی هست مطمئناً یک گوشی کوچک بر خواهید داشت. و اگر علاقمند به کار در سطح بالاتری باشید، یک هدفون کامل استاندارد بردارید. سعی کنید که هدفون شما کاملاً اطراف گوش را بپوشاند و اجازه ورود صداهای متفرقه را ندهد. به این وسیله می‌توانید تمرکز حواس بیشتری روی صدای صحنه داشته باشید. حتماً کنترل کنید و ببینید که آیا فیش هدفون به پریز دوربین شما می‌خورد یا نه؟

یک وسیلهٔ صوتی دیگر که شاید بخشی از جا را اشغال کند، میکروفون اضافی است. وسیله‌ای که می‌تواند صداهای حاصل از دوربین شما را حذف کند " اگر دوربین شما دارای این ضعف است." در پایان ممکن است بخواهید یک سه‌پایه هم به همراه یک کیف جهت حمل وسائل ویدئو با خود بردارید. کیف‌های سفت و محکم ویدئو که با بعضی ویدئوها فروخته می‌شوند وسائلی دست و پاگیر و حجیم برای حمل کردن هستند. یک کیف دارای لایه‌های نرم که هم سبک و هم دارای جیب‌های بغل جهت جا دادن وسائل ویدئو باشد برای کار شما مناسب است. این نوع کیف جهت عبور در فرودگاه هم مناسب‌تر است.

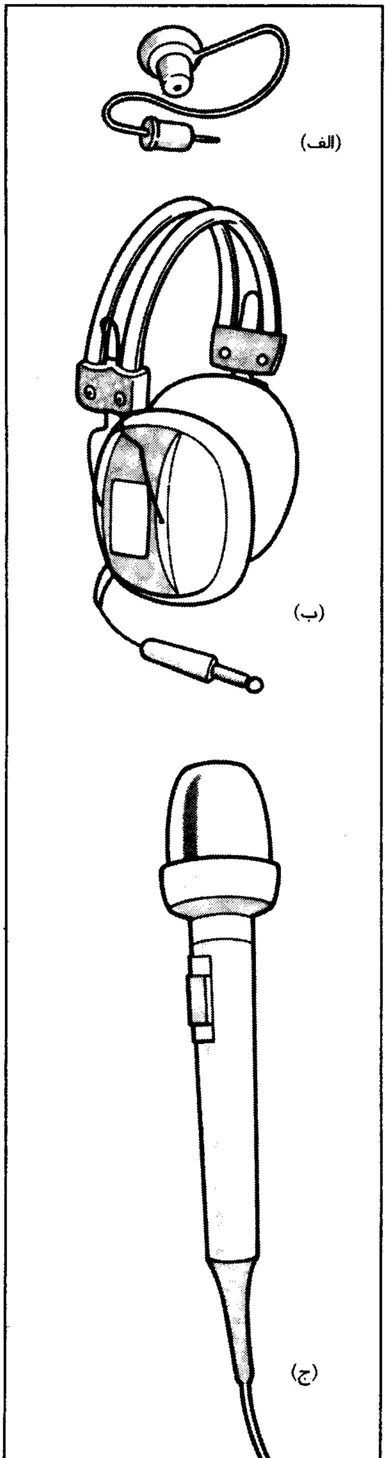
لیست کنترل

وسائل زیر را حتماً به اضافه دوربین خود در مسافرت همراه داشته باشید:

* نوار خالی ویدئو
* شارژر باتری
* باتری اضافی

و اگر جای بیشتری دارید

* گوشی و یا هدفون کامل
* میکروفون سیار
* سه‌پایه یا مینی سه‌پایه
* کیف دوربین ویدئو
* سیم بلند برای انتقال برق باتری ماشین به دوربین



بعضی وسایل دیگر که ممکن است در سفر به آنها احتیاج داشته باشید: الف) یک گوشی جهت شنیدن صدای صحنه در صورتی که دوربین شما دارای پریز وصل گوشی باشد. ب) در صورت داشتن هدفون می‌توانید از این وسیله جهت شنیدن صدا استفاده کنید. ج) میکروفون سیار

پس از رسیدن به مقصد مسافرت خود، سئوال اینجاست که از چه چیزهائی فیلم خواهید گرفت؟ آیا تمرکز شما بیشتر روی مردم، اماکن و یا هردوی آنها خواهد بود؟ بهتر است که از قبل برنامه مشخصی برای این کار داشت و بهتر است براین وسوسه و احساس که از هر چیزی که برای شما جالب بود، فیلم بگیرید غلبه کنید. شاید مواردی استثنایی پیدا شوند، اما سعی کنید که در بدو ورود بر اشتیاق خود غلبه کنید و اگر برای اولین بار است که در آن محل بسر می‌برید، نگاهی به اطراف و محلی که در آن بسر می‌برید، بیاندازید.

عامل مهم دیگری که باید در بدو ورود به محل توجه کرد، این است که آیا ادیت فیلم شما درون دوربین انجام می‌شود یا نه؟ یعنی برحسب ترتیبی که برداشت‌های خود را انجام داده‌اید و یا اینکه برداشت‌های گوناگون شما بعد از پایان کار در یک مرحله‌ای دیگر ادیت خواهند شد. این مرحله ادیت بعد از تولید نام دارد. اگر نمی‌دانید که کار نهائی را چگونه باید سازمان بدهید، ادیت بعد از تولید راه خوبی در این رابطه خواهد بود. می‌توانید برداشت‌های خود را بدون نظم و ترتیب بگیرید و بعداً فیلم اصلی را از بهترین برداشت‌های خود مونتاژ و درست کنید. فرم کامل فیلم

زمانی شکل خواهد گرفت که همهٔ صحنه‌هائی که باید ضبط بشوند را انجام دهید و بعد به ادیت کردن بپردازید. اگر این روش در مورد کار شما صدق می‌کند، در بخش هشت، مسئله ادیت بعد از تولید بیشتر شرح داده شده است.

هر شکلی از تولید فیلم در نظر داشته باشید، کماکان احتیاج به یک برنامه‌ریزی در افکار خود دارید. بدون چنین برنامه‌ریزی متوجه خواهید شد که تمام فیلم را پر از برداشت‌هائی عجیب و بدون ارتباط منطقی با یکدیگر کرده‌اید. به خاطر بیاورید که گفتیم سعی کنید که به روش سکانسی فکر کنید. کاملاً طبیعی است که برداشت‌های اولیه از عوامل انسانی باشند، اما به همان نسبت هم ضبط اماکن می‌تواند تاثیر برجسته‌ای داشته باشد.

برای اینکه مثالی از این موضوع داشته باشیم، فرض کنید که در یک شهر قدیمی مدیترانه در حال گردش هستید. اولین ضبط شما می‌تواند یک برداشت عمومی جهت نمایش کلی منطقه باشد، مثلاً میدان شهر برای نشان دادن ترافیک آن محل. اکنون کمی نزدیک می‌شویم. برداشت صحنه بعدی می‌تواند گوشه‌ای از این میدان باشد که می‌توانیم جزئیات بیشتری از آنرا ببینیم مثل ریـزش آب از درون یک مجسمه حیوان سنگی به صورت آبشار و جریان پیدا کردن آن به طرف حوض مـیدان. کـماکـان یک برداشت نزدیک‌تر از صحنه می‌تواند آبشار را از نزدیک نشان دهد، در حالیکه تصویر ترافیک به صورت لرزان روی آن منعکس شده است. برداشت بعدی از خود ترافیک خواهـد بـود و بـا دیـدن یک مـوتور سه‌چرخه که حاوی سبزیجات برای بازار شهر است روی آن پن می‌کنیم.

سبزیجات حلقه اتصال برای بردن ما به بازار تره‌بار شهر هستند که می‌توانیم انواع مختلف میوه‌ها را در کنار هم ببینیم. حرکات زنده همراه با صحبت مردم در آنجا جریان دارد و برداشت‌های بعدی ما فعالیت را در غرفه‌های مختلف نشان می‌دهد. اکنون آگاهانه این قسمت را قطع می‌کنیم و به نقطه مقابل این صحنه می‌رویم. قسمت غربی یک کلیسا که کمی دورتر از میدان شهر قرار دارد را می‌گیریم. اینجا آرامش و سکوت حکمفرما است و سعی می‌کنیم که برداشت خود را کمی طولانی‌تر کنیم تا اثر خود را روی فیلم بگذارد...

این سکانس نمونه‌ای از چیزی است که می‌تواند در محیطی اتفاق بیفتد که چشم شما آنها را دیده و تلاش می‌کنید که ضبط صحنه‌های گوناگون را یا به وسیله بصری و یا نزدیکی تصورات و ایده‌ها، به هم مربوط نمائید. مسلماً ضبط ویدئویی به این روش بسیار جالب‌تر و سرگرم کننده‌تر از گرفتن صحنه‌هائی بدون هدف و بدون ارتباط با یکدیگر است و به همین نسبت هم تماشای آنها لذت‌بخش‌تر است.

اکنون اجازه دهید به سکانسی فرضی توجه کنیم که عمدتاً در مورد مردم است. فرض کنیم که موضوع در مورد خانواده‌ای است که یک روز خود را کنار دریا می‌گذراند. یک بار دیگر بهترین روش برای شروع سکانس، قرار دادن دوربین در حالت واید است که یک دید کلی از محیط ارائه می‌دهد. ممکن است این نقطه یکی از مناطق دورافتاده‌ای باشد که هنوز جماعت مردم آنجا را کشف نکرده باشند و شاید محلی

باشد که پر از جمعیت و هتل‌های بهم پیوسته توریستها باشد. به هر صورت تماشاچی علاقمند دانستن و شناختن آن است.

به دنبال ضبط صحنه اول، می‌توان برداشت و ضبط‌های نزدیک‌تری از خانواده داشت که آنها را این‌گونه نشان بدهد: والدین مشغول گرفتن حمام آفتاب هستند و اعضای جوان‌تر خود را به وسائل دیگری سرگرم کرده‌اند، ماسه‌بازی یا فوتبال ساحلی. به تدریج هر برداشت، ما را به حرکات افراد و احتمالاً فعالیت هر فرد نزدیک‌تر می‌کند و به ما اجازه می‌دهد که حالات آنها را از نزدیک ببینیم و چیزهائی که می‌گویند را بشنویم. در نهایت ما آنقدر به آنها نزدیک شده‌ایم که جزئیات هر عمل آنها را می‌توانیم مشاهده کنیم: شوت کردن توپ یا پر کردن بیل از ماسه‌های ساحل و غیره.

این طرز آشنائی با عمل نمایش آرام حرکات، ممکن است که دارای محدودیت و آکادمیک به نظر برسد و آزادی عمل تصویربردار را از او بگیرد. اما این مهم‌ترین تکنیک فیلم سازی است، چرا که به این وسیله به تماشاچی، احساس اینکه او هم درگیر کشف منطقه و شرکت در فعالیت‌ها است را می‌دهد. بعد از انجام چنین نمایشی، اکنون دوربین می‌تواند خود را عقب بکشد و به حالت واید برود تا تصویری عمومی از منطقه، "قبل از اینکه به جستجوی بیشتر بپردازد" ارائه دهد.

حرکت‌های به جلو "تله" و عقب "واید" می‌توانند چندین بار در صحنه‌ها تکرار شوند و یک تاثیر و جلوهٔ بسیار زیبا این است که بعضی از صحنه‌ها را با یک کلوزآپ از یک حرکت شروع کنیم، مثل شوت کردن توپ و سپس لنز را چنان عقب بکشیم که تمام پس‌زمینه معلوم و مشخص شود. برای انجام این کار می‌توانید به سه حالت زیر از کلوزآپ به واید بروید:

۱ ـ قطع و تغییر جای دوربین برای ضبط از زاویه جدید.

۲ ـ قطع ولی در جای خود بایستید، کادر را تغییر دهید تا تصویر به صورت واید درآید و ضبط خود را شروع کنید.

۳ ـ ضبط کردن را در حالی که به حالت واید می‌روید، ادامه دهید.

روش اول، شیوه‌ای حرفه‌ای است و بهترین نتیجه را روی صفحه تلویزیون می‌دهد. اما این روشی وقت‌گیر است و تلاش و کار بیشتری احتیاج دارد و در طول مدت جابجائی، تصویری که به صورت کلوزآپ نمایش داده شده است، ممکن است که تغییر پیدا کرده و یا اصلاً متوقف شده باشد. بنابراین مسئله جور در آمدن ادامه حرکات نکتهٔ مهمی است. در روش دوم اگر کلوزآپ با تنظیمات برای زوم هم انجام شده باشد، عملی‌تر است. به این وسیله بدون تغییر زاویه دوربین می‌توان از کلوزآپ به واید رفت که در این حالت پرش حرکت تصویر یا jump بوجود می‌آید. روش سوم جای بحث دارد ، چرا که زمانی می‌توان از این روش استفاده کرد که بخواهید به تدریج پس‌زمینه عملیات را نشان دهید. در غیر این صورت این روش آهسته، کند و در حقیقت یک مزاحم قطع کردن ضبط است. هنگام تماشای روی تلویزیون اگر این صحنه مدت زیادی طول بکشد، واقعاً خسته کننده است. اما این روش دارای مسئلهٔ قطع حرکات و چسباندن آنها

که در حالت اول و دوم پیش می‌آمدند، نیست.

همانطور که به دلایلی موجه باید از زوم کردن در حین ضبط کردن استفاده کرد، روش پن کردن هم چیزی است که باید خیلی با دقت و هر از چندگاهی از آن "طوری که باعث آزار تماشاچی نشود"، استفاده کرد. یک علت اصلی موجه برای استفاده از پن، دنبال کردن یک حرکت است. به عنوان مثال شوت کردن در فوتبال ساحلی، احتیاج به پن کردن دارد تا بتوان بازی را دنبال کرد. علت موجه دیگر برای پن کردن این است که یک قسمت از صحنه را به قسمت دیگر وصل کنیم. حالتی که پیش آمدن آن در سکانس ساحل کاملاً طبیعی است.

مسئله حفاظت و مواظبت بچه‌ها از نکات مشغول کننده هر پدر و مادری در ساحل دریاست. هرگاه یک بچه که در حال ساختن سد و ساختمان با شن‌ها است، با موجی از طرف دریا مواجه شود، تمام توجه پدر و مادر جهت دورکردن او خواهد بود. در موقعیتی این چنین می‌توان یک پن آهسته از مادر در حالی که برای کمک به سوی بچه‌اش روان است، بگیرید. طبیعتاً واکنش پدر، هم در این موقع رسیدن به سوی محلی که بچه‌اش در آنجا بسر می‌برد، خواهد بود. و واکنش فیلمبردار هم با شنیدن سر و صدای غریق نجات، قطع کردن این صحنه و گرفتن یک صحنه از غریق نجات خواهد بود. کاری که در این رابطه نباید انجام گیرد، پن کردن از طرف بچه به سوی پدر و مادر است. به جای این کار می‌توان صحنه را قطع و در صحنه بعدی یک برداشت از پدر بچه داشت. چرخاندن دوربین به چپ و راست، روش بسیار بدی است و بزودی تماشاچی از دیدن این صحنه‌ها خسته خواهد شد.

یک علت دیگر منطقی ولی کمتر دراماتیک استفاده از پن می‌تواند در ابتدای هر فیلمی با هدف نشان دادن ماهیت و ارتباط تصاویر با یکدیگر باشد. به عنوان مثال یک کیوسک بستنی فروشی را در نظر بگیرید که می‌خواهید موقعیت آنرا در رابطه با یک خانواده نشان دهید. می‌توان یک تصویر ثابت چند ثانیه‌ای گرفت و سپس پن کردن را شروع و در طول چند ثانیه ادامه داد تا به نقطه آخر پن رسید.

با بازگشت به مادر و بچه در ساحل، این رابطه و روابط دیگر بین اشخاص می‌توانند مواد اولیه خوبی جهت ادامه داستان فیلم باشند. تماشاچی زمانی که کسی به آنها نشان داده شده است که نگاهش متوجه خارج از صحنه است، تصور می‌کند که صحنه بعدی ممکن است چیزی را نشان دهد که نگاه آن شخص متوجه آن است و اصلاً اهمیت ندارد که آیا این موضوع اصلی بوده یا نه. ظاهر کار این است که این دو صحنه به طور اتوماتیک به هم ربط داده می‌شوند، مگر اینکه چیزی خلاف آنها بوقوع بپیوندد، مثل قطع ناگهانی و غیر منطقی در ادامه تصویر.

بنابراین اگر نگاه دلواپس و نگران مادر که متوجه خارج از صحنه است به وسیلهٔ یک صحنه از دویدن او دنبال شود، این دو صحنه در مغز تماشاچی به هم ربط داده می‌شوند و حلقه‌ای دیگر در زنجیر داستان شکل می‌گیرد. می‌شود در یک سکانس برداشت‌هائی از موضوعات حقیقی داشت که به وسیلهٔ اعمالی به هم ارتباط داده شده‌اند و جهت پر کردن خلاء بین برداشت‌های دیگر به کار بروند.

از این رو یک سکانس از برداشت ها می‌تواند به شکل زیر باشد: مادر و بچه‌اش با هم روی شن و ماسه‌ها نشسته‌اند و بچه سینه‌خیز کنان از صحنه خارج می‌شود، در حالیکه مادر او را نگاه می‌کند که به کجا می‌رود. قطع. بچه بزرگ‌تر در حال درست کردن خانه‌ای شنی است. قطع. تصویر نزدیک‌تر از مادر در حالیکه نگاه او متوجه خارج از صحنه و در سمت مخالف است و بر می‌گردد تا جهتی که بچه قرار دارد را نگاه کند. قطع. تصویر از مادر به بچه که در حال رفتن به طرف دریاست. قطع. پدر در حال بلند شدن برای رفتن به دنبال بچه است. پن از زمانی که او به دنبال بچه می‌رود تا او را می‌گیرد و به نزد مادر می‌آید. قطع. بچهٔ بزرگتر به ساختن خانه خود ادامه می‌دهد. قطع.

توجه کنید هرچند که حرکات مادر، پدر و بچه به عنوان قسمت‌هائی مرتبط به هم هستند، قطع اولی بچه بزرگتر و ضبط از پدر که در حال آماده شدن بود، می‌توانند نشان دهند که این اعمال بخشی از اعمال جداگانه با فاصله زمانی زیاد از هم بوده‌اند، ضبط از پدر می‌توانست با تغییر زاویه دوربین، مناسب‌تر گرفته شود.

برداشت‌های از بچه بزرگتر به قطع بیرونی یا Cutaway معروف هستند و به عنوان حلقه ارتباطی خوبی جهت پر کردن پرش‌های صحنه‌ها صورت می‌گیرد. به عنوان مثال در اینجا به عنوان پر کردن پرش بین صحنه‌ای که مادر در یک جهت مخالف نگاه می‌کند و صحنه‌ای که نگاه او به سوی بچه‌اش است، قطع بیرونی وسیله بسیار خوبی جهت درست کردن سکانسی است که شما کنترل روی آن ندارید و یا کنترل شما کم است. بنابراین زمانی که در حال ضبط سکانس‌های اکشن، مثل مورد یاد شده بودید، سعی کنید که با استفاده از آنها جریان ادامه داستان را راحت‌تر و تماشای آنرا جالب‌تر کنید.

بعد از اینکه دیدیم که بازگو کردن یک داستان در یک سکانس چگونه امکان‌پذیر است، اجازه دهید که به عقب بازگردیم تا ببینیم که آن را چگونه می‌توانیم به داستان خودمان "یک روز کامل بر روی ماسه‌ها " ربط بدهیم. داستان با ورود به ساحل شروع می‌شود. پهن کردن حوله‌ها و برپا کردن چترها و چیزهائی از این قبیل تا زمانی که فعالیت‌ها در ساحل به اوج خود می‌رسد و سکانس فرار بچه کوچک شروع می‌شود. کمی بعد پیک‌نیک و بعد از آن بازی‌های مختلف ساحلی در طول مدتی که بزرگترها در خواب هستند و در پایان ترک ساحل و پایان روز.

احتیاجی نیست که تمام این اعمال با جزئیات زیاد نشان داده شوند. اما مهم است که چنانچه توجه تماشاچی‌ها جلب می‌شود، بعضی از این حرکات را برای پر کردن وقت انجام داد. بنابراین ضبط صحنه‌های آمدن خانواده به ساحل می‌تواند شروع فیلم را آماده کند و پیک‌نیک وسط روز را نشان دهد که در غیر این صورت این کار به عهده یک سکانس طولانی بازی در ساحل خواهد بود.

ساختمان کلی داستان به تماشاچی کمک می‌کند تا بفهمد موضوع از چه قرار است. بدون این ساختمان داستان، تماشاچی غرق در یک سری صحنه‌های بی‌هدف و خسته کننده خواهد بود. حتی یک رشته نازک ارتباط داستان بهتر از هیچ است. یک گام دیگر که به عقب برداریم وظیفه بزرگ‌تری را

می‌بینیم. و یک مسافرت در تعطیلات به عنوان یک کلیت، باید دارای ساختمان داستانی باشد: آماده سازی برای مسافرت، خود مسافرت و رسیدن به مقصد، برداشت‌های سریع اولیه از منقطه، یک روز در ساحل، بازدید از یک محل معروف، گردش شبانه و...

از این رو فیلم ویدئویی مسافرت ما در حقیقت مانند جعبه تودرتوئی خواهد بود که شامل برداشت‌های مختلف مرتبطی در سکانس‌ها هستند. سکانس‌های مختلف با ارتباط یکدیگر، ساختمان کلی داستان را می‌سازند که این مسئله باید برای تماشاچی واضح و آشکار باشد. اگر تاکید فیلم روی مردم است که صحنه‌های فعالیت افراد در طول تعطیلی و مسافرت توضیح کامل نوع کار آنها است و یک عنوان برای فیلم ممکن است تنها چیزی باشد که جهت خاتمه کار احتیاج داشته باشید. این کار را در ابتدای فیلم و با استفاده از امکانات خود می‌توانید انجام دهید. برای نام فیلم هم می‌توانید مثلاً: "تعطیلات در کنار دریا" را انتخاب کنید.

از طرف دیگر، یک فیلم ویدئویی از مسافرت، در حقیقت یک سفرنامه مصور است و شاید احتیاج به زیرنویس یا توضیحات هم داشته باشد تا به صحنه‌ها اضافه شود و یا در هنگام صداگذاری توضیح داده شود. توضیح شفاهی نیز برای خود فصلی جداگانه دارد که در جلوتر به آن پرداخته خواهد شد. یک راه حل جهت اینکه بعد از پایان فیلم مجبور به اضافه کردن توضیحات نباشیم این است که در طول فیلمبرداری با صحبت مستقیم در دوربین توضیحات لازم را بدهیم. صحبت کردن در مقابل دوربین می‌تواند چیز جالب یا عذاب آوری باشد، "بستگی به کاراکتر شخصی که این کار را برعهده می‌گیرد، دارد". شاید راحت‌تر باشد که یک نفر دوربین را نگهدارد و شما خودتان صحبت کنید و یا دوربین را روی سه‌پایه و یا چیزی ثابت کنید و با دستگاه کنترل از راه دور آنرا روشن کنید. به علاوه، بهترین روش این است که از میکروفون جداگانه "به عوض میکروفون خود دوربین" استفاده کنید.

چنانچه تصمیم دارید که بعداً بر روی فیلم خود زیرنویس بگذارید، سعی کنید جای آنرا خالی بگذارید، چرا که در هنگام ضبط زیرنویس، بخشی از تصویر حذف خواهد شد.

قرار دادن fade در شروع و پایان هر سکانس مسئلهٔ دیگری است که انجام آن در خانه و از طریق ادیت پس از تولید آسان‌تر از انجام آن در صحنه است. اما اگر شما از طریق خود دوربین کار ادیت را انجام می‌دهید و دوربین شما مجهز به تکمه fade است، بنابراین بهتر است که این کار را از طریق دوربین و سرصحنه انجام دهید.

ضبط ویدئویی در محیط‌های ناشناخته خطرهای خاص خود را داراست. در ساحل، ماسه‌های همراه باد و رطوبت دریا، خطر کاملاً آشکاری برای لنز و ابزار درون دوربین شما هستند. بسیار منطقی و درست است که دوربین را در زمانی که از آن استفاده نمی‌کنیم، درون محفظه و کیف آن قرار دهیم و زمانی از آن استفاده کنیم که شرایط محیط اجازه این کار را می‌دهد. درپوش محافظ لنز را زمانی از روی لنز بردارید که می‌خواهید فیلمبرداری خود را انجام دهید و برای جلوی لنز یک فیلتر شیشه‌ای و ساده جهت محافظت از



این منظره عمومی و دور در ابتدای فیلم ورود خانواده را به ساحل نشان می دهد و تماشاچی را با محل داستان آشنا می کند.



در برداشت بعدی دوربین نزدیک تر شده و می توان رابطه افرادرا نسبت به هم دید.



یک داستان در حال شکل گیری است ، بچه بزرگتر در حال بازی است.



....اما در همین حال مادر متوجه می شود که از بچه کوچکتر خبری نیست.



یک تصویر درشت دیگر از بچه بزرگتر این صحنه می تواند به عنوان یک لایی جهت پوشاندن پرش قطع استفاده شود



صحنه صرف غذا وسیله خوبی برای نشان دادن گذشت و سیر زمان درفیلم است.



استیل تصویر نزدیکتر،حالا تمرکز روی پسر بزرگتر است که در حال بازی با ماسه هاست.



....در حالیکه مادر او و بچه کوچک چیزهای دیگری برای‌سرگرمی دارند.



اکنون بچه کوچک به طرف آب روان میشود....



...اما پدر او گوش به زنگ است.



اگر شما در صحبت کردن بامیکروفون و دوربین مشکلی‌ندارید، این راه خوبی جهت اطلاع رسانی به بینند گان است.



بار کردن یا تخلیه؟ این صحنه میتواند برای شروع یا خاتمه‌فیلم استفاده شود.

لنز نصب کنید. برای محافظت بیشتر مکانیسم داخلی دوربین، جا انداختن و در آوردن نوار را در جائی مثل درون ماشین و یا منزل که خطر رفتن شن و ماسه به درون دوربین کمتر است، انجام دهـید. چـنانچه مسافرت شما در مناطق گرمسیر است، دوربین خود را زیاد در معرض نور آفتاب قرار ندهید. در این گونه جاها یک فیلتر شیشه‌ای دودی که به ND معروف است، جهت کم کردن شدت نور وارده به درون دوربین با خود داشته باشید. جهت نقاطی دیگر مثل صحنه‌های برفی که خطر انعکاس نور خورشید از روی برف وجود دارد هم می‌توان این فیلتر را به کار برد. به این ترتیب از خراب شدن ضبط‌ها به دلیل نور دیدن زیاد، جلوگیری می‌کنید.

توجه!

مسافرت و مناطق دور از خانه می‌توانند تاثیر منفی زیادی بر روی دوربین شما بگذارند. سعی کنید که نکات زیر را رعایت کنید:

* *زمانی که از دوربین استفاده نمی‌کنید آنرا درون کیف خود بگذارید.*
* *محافظ لنز را فقط در زمانی که تصمیم به ضبط کردن دارید از روی آن بردارید.*
* *فیلتر شیشه‌ای ساده مثل Skylight یا UV و یا پولارایزر روی لنز نصب کنید.*
* *نوار را در محیطی بدون گردو غبار درون دوربین قرار دهید.*
* *دوربین خود را مدت طولانی جلوی آفتاب قرار ندهید.*

۷ـ ساختن فیلم‌های بهتر با استفاده از زبان فیلمبرداری

تا اینجا حتی دربارهٔ "پیچ و مهره‌های" ضبط ویدئویی هم صحبت کرده‌ایم. اما چه عاملی باعث می‌شود تا یک فیلم ویدئویی روی صفحه تلویزیون خوب از آب در بیاید؟



شیوه فیلمی یا سینمایی ضبط یک صحنه این است که یک سری برداشت از فاصله و زوایای مختلف بگیرید. در این تصویر دو ضبط متفاوت از این گروه دوستانه به هنگام نوشیدن تهیه شده است. یک موقعیت دوربین برای برداشت با زاویه واید جهت گرفتن همه صحنه در حالیکه جزئیات پیش زمینه هم در تصویر مشهود باشند است.

فیلم وسیله‌ای ارتباطی است و در طول سالیان مختلف توانسته است زبان بیان خود را تکامل بخشد. این زبانی است که باید آموخته و یاد گرفته شود، هم از طرف تماشاچی و به همان اندازه هم توسط فیلم سازها. به عنوان یک ابزار، فیلم وسیله‌ای بسیار عالی با قابلیت به تصویر کشیدن دنیای واقعی ماست. اما خود فیلم چیزی مصنوعی است و با ما به زبان تصویر گفتگو می‌کند، چیزی که از زمان سینمای صامت شکل گرفت.

پیشرفت بزرگ زمانی حاصل شد که بازگو کردن یک داستان یا سناریو به صورت یک سری برداشت‌های مختلف از فاصله‌ها و با زوایای گوناگون امکان‌پذیر شدند. تا این زمان، فیلم‌ها با استفاده از

یک دوربین ثابت و دور از صحنه و با برداشت‌های متوالی ساخته می‌شدند. این پیشرفت بزرگ سینمائی اختلاف ضروری بین تئاتر و سینما را به صورت فرموله بیان می‌کند و کسی که می‌خواهد یک تولید کننده خوب ویدئویی باشد، باید این نکته مهم را خیلی دقیق بیاموزد.

خوشبختانه فن قطع یک برداشت و شروع برداشت بعدی را تا الان باید خوب یاد گفته باشید. همین مسئله در مورد برداشت‌هائی با اندازه‌های مختلف صحنه که به منظور جلب توجه تماشاچی به موضوع صورت می‌گیرد، صدق می‌کند. تا اینجا تا حدی دربارهٔ اندازه و سایز تصویری هر برداشت صحبت‌هائی داشته‌ایم، اجازه دهید که این مسئله را دقیق‌تر مورد بررسی قرار دهیم.

در تمام فعالیت‌های حرفه‌ای سینما و تلویزیون، کلیه برداشت‌ها به صورت تعاریف استاندارد شده‌ای در آمده‌اند. از اینرو شخص فیلمبردار با شنیدن یک اصطلاح، دقیقاً می‌داند که از او چه می‌خواهند. ما نیز سعی می‌کنیم که این تعاریف را به کار ببریم. هرچند هدف ما ساختن فیلم‌هائی با سناریوهای آن چنانی نیست، اما این تعاریف بدون در نظر گرفتن نوع فیلمی که می‌خواهیم بسازیم می‌توانند به عنوان ابزارهائی جهت دقیق‌تر کردن کار ما به حساب آیند.

لانگ شات (LS):

لانگ شات برداشتی از کل صحنه است. بعضی وقت‌ها به آن واید شات هم گفته می‌شود. منظور از چنین صحنه‌ای جا انداختن محل و آشنا کردن تماشاچی با محل وقوع داستان است. فاصله واقعی بین دوربین و موضوع می‌تواند بر حسب شرایط تغییر کند. مثلاً اگر برداشت از یک طبیعت بیکران باشد. دوربین می‌تواند چند متر از موضوع اصلی دور باشد. "مثل تعدادی درخت به عنوان موضوع ".

وقتی این اصطلاح در رابطه با موضوع انسانی مطرح می‌شود، آنگاه دوربین آنقدر نزدیک‌تر می‌آید که در چندمتری شخص قرار می‌گیرد. برحسب تعریف استاندارد، یک لانگ‌شات از سوژه انسانی، تصویری از قد بدن فرد است که نصف تا دو سوم ارتفاع صحنه را بپوشاند. در فاصله‌های دورتر، مثلاً زمانی که موضوع آنقدر کوچک شده است که فقط سایه‌ای از او در افق دیده می‌شود، اندازهٔ برداشت به اکستریم لانگ شات ELS، یا لانگ شات فوق‌العاده معروف است.

مدیوم شات (MS):

در رابطه با سوژه انسانی، ارتفاع تصویر برای کسی که مثلاً ایستاده باشد درست از زیر کمر شروع و تا بالای سر ادامه پیدا می‌کند. تصویری این چنین بسیار واضح و مشخص است و حالات شخص کاملاً قابل رویت هستند. در این حالت مقدار کافی از پس زمینه فرد قابل مشاهده است. این چنین صحنه‌ای، چیزی است که در خیلی جاها مشاهده می‌کنیم و از شخص بدون تاکید روی هیچ‌گونه عمل مشخصی تصویر گرفته می‌شود. صحنه‌هائی که دارای صحبت هستند، اغلب با این سایز گرفته می‌شوند و زمانی که دو نفر

در تصویر باشند، به Two Shot معروف است.

اندازه‌هائی با وسعت متوسط که بین لانگ‌شات و مدیوم شات قرار می‌گیرند به مدیوم لانگ شات MLS معروفند.

کلوزآپ (CU):

وسعت کلوزآپ در حقیقت تمام سر و بخشی از شانه یک فرد را در بر می‌گیرد. در مقابل در تصویرهائی که فقط سرنشان داده می‌شوند به بیگ کلوزآپ BCU معروف هستند. کلوزآپ معمولاً برای نشان دادن عکس‌العمل انسان‌ها در مقابل هم و "سرهای در حال صحبت" استفاده می‌شود. یک استفاده دیگر از آن می‌تواند تاکید زیاد روی یک موضوع جهت نشان دادن چیزی برجسته از آن باشد. به عنوان مثال دستگاه نشانه روی یک تفنگ. اندازه‌هائی که بین مدیوم شات و کلوزآپ هستند به مدیوم کلوزآپ، MCU معروف هستند.



اگر اسم اندازه‌های هر برداشت را بدانید، کمک بزرگی به خود کرده‌اید. تصویری که مشاهده می‌کنید تمام اندازه‌ها را در رابطه با هیکل انسان نشان می‌دهد. نمای فوق العاده دور ELS، نمای دور LS، نمای دور متوسط MLS، نمای متوسط MS، نمای نزدیک متوسط MCU، نمای نزدیک و نمای خیلی نزدیک بزرگ BCU. اگر لنز دوربین در حال ضبط کردن به شکل زوم کردن باشد، می‌تواند از نمای بزرگ متوسط MLS شروع به نمای نزدیک CU ختم شود و یا این مسیر را بر عکس طی کند.

در بخش ۶ دیدیم که معرفی سکانس روی ساحل چگونه انجام شد. برداشت‌های ابتدائی که به تدریج به افراد نزدیک‌تر شد و حرکات و عکس العمل‌های آنها را بهتر نمایش دادند. در زبان برداشت تصویر پیشرفت کارها به این ترتیب بود LS به MLS به MS و به CU. نمایش افراد به این شکل بر روی صحنه شامل حرکات و عکس العمل‌های آنها به صورت برداشت‌هائی از کلوزآپ متوسط تا لانگ شات بود. یکی دو کلوزآپ هم به عنوان Cutaway برداشته شده بود. اگر شما می‌خواستید این مطالب را به زبان تصویری بنویسید، ترتیب نوشتن شما به شکل زیر برای هر برداشت می‌شد.

صفحه ۳

۲۸	FADE IN صحنه خارجی – محل اردوگاه، روز LS از ردیف چادرها، فعالیت زیادی در جریان است	سینک صدای پس زمینه
۲۹	قطع به MLS ازآشپزخانه اردوگاه، غذایی در حال آماده شدن است	مثل بالا
۳۰	قطع به CU از بخاری که از پا تیل سوپ بلند می شود	مثل بالا

بر روی این صفحه برنامه ضبط یک فیلم و وسایل ضروری آن درهر سکانس نوشته شده است. صحنه با یک fade-in در نمای خارجی - یک اردوگاه - شروع می‌شود. اولین صحنه موقعیت محل را در ذهن تماشاچی جا می‌اندازد و به دنبال آن صحنه‌هایی با تحرک و بازی می‌آیند که ضبط شامل صدای طبیعی پس زمینه تصویر خواهد بود.

برای نوشتن فیلم‌نامه، استانداردی وجود دارد که بر طبق آن هر خط، نماینده یک ضبط است. چنانچه دستورالعملی در مورد برعکس انجام دادن دستورات نباشد، تغییر از یک برداشت به برداشت دیگر فقط به وسیله قطع انجام می‌گیرد. اگر طرز ساختن فیلم را دیده باشید، لفظ قطع یا cut در طول بازیگری زیاد استفاده می‌شود، چرا که هر تکه از فیلم در حقیقت قطع و به قسمت دیگر پیوند خورده است. در تولید ویدئویی این اصطلاح به صورت مجازی و استعاره‌ای استفاده می‌شود ولی تاثیر آن روی صفحه تلویزیون مانند سینما است.

در زبان فیلم به جای cut می‌توان از fade in , fade out جهت تغییر از یک صحنه به صحنه دیگر و یا از شیوه میکس mix استفاده کرد. هر دو این روش‌ها، تغییر حالت‌هائی آهسته‌تر از قطع هستند و جهت ایجاد تصور گذشت زمان و تغییر از یک محل داستان به محل دیگر استفاده می‌شوند. فیدها fades وسائل خوبی در بخش ساختن نمایش‌های ویدئویی هستند و آنها را می‌توان یا در طول ضبط برنامه

درون دوربین و یا پس از پایان ضبط، هنگام ادیت کردن، ایجاد کرد. برای اضافه کردن fade بعد از ضبط کامل، احتیاج به دستگاه ادیت یا وسائل مشابه جهت تاثیر گذاری روی فیلم ویدئو است. شیوه میکس که طی آن یک تصویر روی تصویر دیگر می‌آید، احتیاج به دستگاههای نسبتاً پیشرفته‌تر از دستگاههای fade دارد.

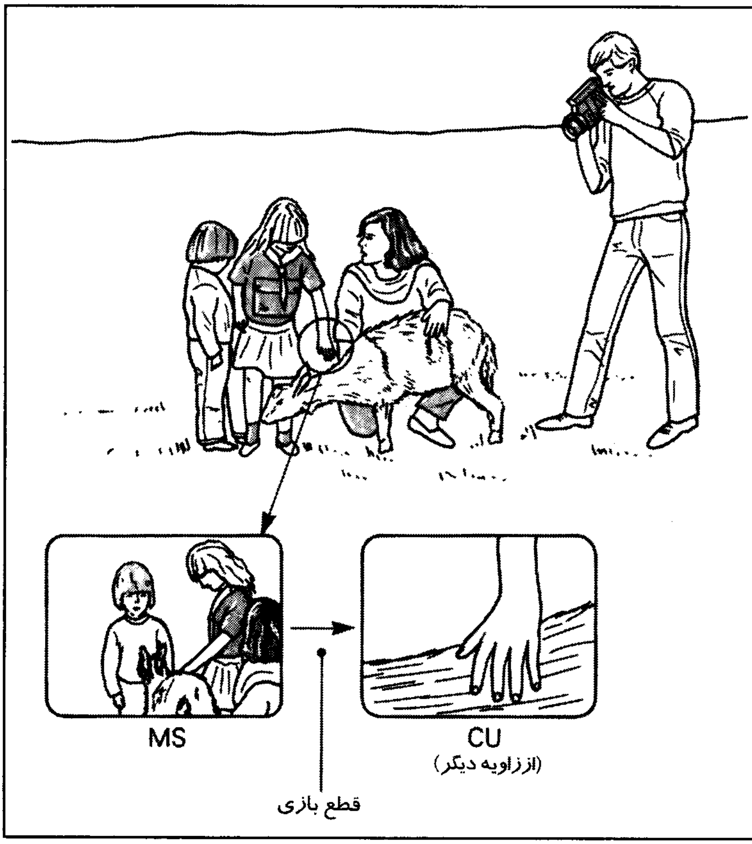
قطع‌های حین عمل در حقیقت آنهائی هستند که ضبط را از یک صحنه به صحنه دیگر می‌برند و وسیله‌ای بسیار مهم در ساختن فیلم هستند. قطع‌ها احتیاج به دقت زیاد برای خوب از آب در آمدن دارند تا تغییر از یک صحنه به صحنه دیگر خیلی آرام و آهسته انجام شود. این مورد هنگام کار با ویدئو تولید مسئله می‌کند مگر آنکه ویدئو شما دارای دقت نمایش تصویر به صورت فریم به فریم باشد. مشکل دیگری هم که در رابطه با قطع تولید می‌شود، مسئله قطع هم زمان صدا به دلیل قطع تصویر است. مخصوصاً اگر در بین قطع، صحبت و یا دیالوگی در جریان باشد. به این دلیل و از آنجائی که صحنه را می‌توان با عقب و جلو بردن لنز و بدون قطع تا حدی تغییر داد، بنابراین زوم و پن از چیزهائی هستند که نزد اکثر آماتورها به جای قطع می‌بینیم.

به عنوان مثال از نظر سینمائی جهت ضبط مکالمه بین دو نفر، باید پس از صحبت نفر اول قطع کرد و به سراغ نفر دوم رفت و تا پایان زمانی که مکالمه جریان دارد این عمل را تکرار کرد. راه ساده‌تر برای فیلمبرداری ویدئویی این است که ضبط به صورت two shot انجام شود (در این باره جلوتر صحبت خواهد شد). در این حالت بازوم و پن کردن بین دو نفر و بعد زوم کردن two shot می‌توان دیالوگ را ضبط کرد. ممکن است این روش کمی عجیب به نظر برسد ولی راهی عملی جهت حل مسئله قطع کردن است و اگر با دقت و حساسیتی خاص انجام گیرد، هیچگاه چیز مزاحمی نخواهد بود.

cutaway در حقیقت پلی بین دو پرش یا jump است که به معنی توقف و قطع در یک عمل است، یا به طور خلاصه قطع موضوع قبل از اینکه دوباره به موضوع اصلی رجوع کنیم. آنها در حقیقت مثال‌هائی از انجام هم زمان چند عمل که فعالیت آنها از طریق قطع‌های بین خود به صورت فعالیت‌های موازی هم در آمده است، هستند. در روزهای اولیه سینما، وسائل ابتدائی آن روز با استفاده از ز یرنویس و نوشته، تغییرات از این صحنه به صحنه دیگر را به تماشاچی نشان می‌دادند. مثلاً: "هم اکنون، بازگشت به مزرعه". امروزه ما عادت به این تغییرات جلو و عقب رفتن‌ها کرده‌ایم و موارد cutaway ها نه فقط برای پنهان کردن jump-cut ها بلکه برای صرفه‌جوئی در زمان جهت حذف اعمال وقت‌گیر هستند. cut-inها که در حقیقت تصویر کلوزآپ از جزئیات چیز اصلی نمایش هستند هم موارد استفاده مشابهی مانند cutaway دارند و به همان منظور به کار می‌روند.

بخشی از فیلم سازی دانستن این نکته است که هر برداشت چقدر باید طول بکشد. مشخص است که محتویات هر برداشت دارای حد و اندازه‌ای از نظر طول زمان است. بطور ایده‌آل یک برداشت باید زمانی

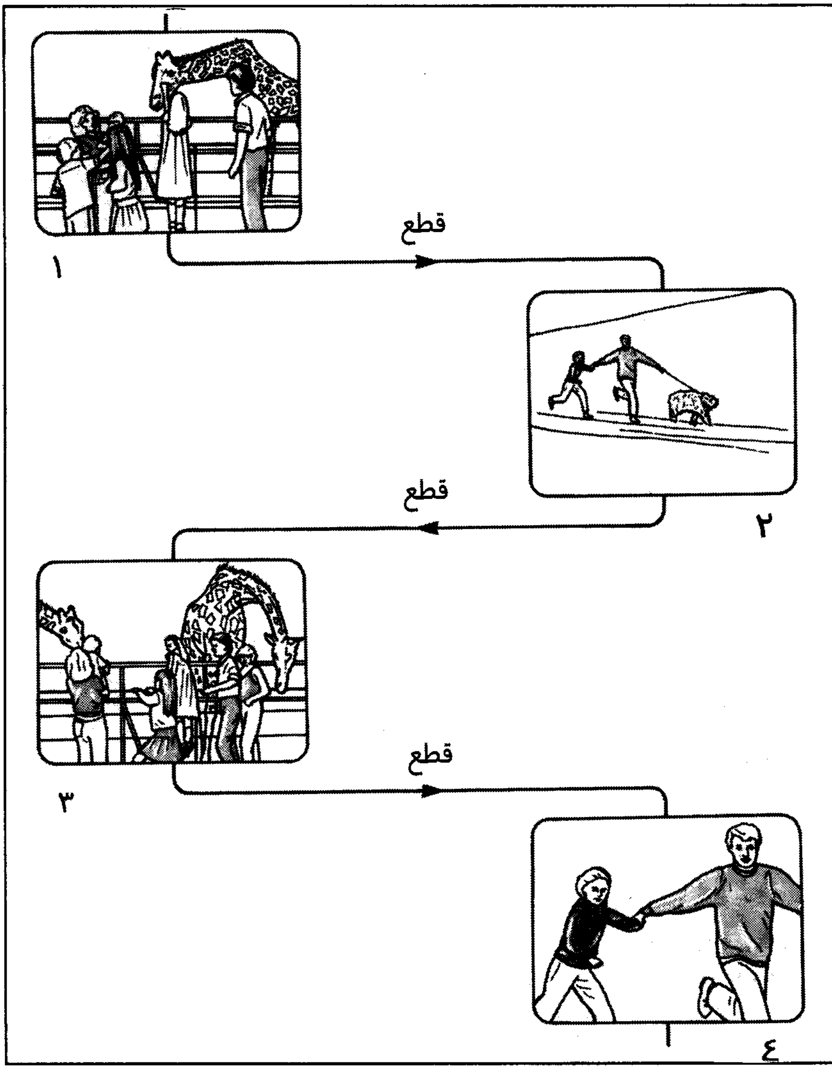
تمام شود که تماشاچی همهٔ اطلاعات آن صحنه را جذب کرده باشد و در انتظار این باشد که بعداً چه اتفاقی خواهد افتاد؟ اگر در انجام این کار موفق شدید، تاثیر قطع کردن‌های شما قابل احساس نخواهند بود و تصاویر خیلی راحت و آرام نشان داده خواهند شد.



تصویر بردار در حال قطع کردن در حین بازی است. دوربین در این صحنه روی دست دختر کوچک متمرکز شده است تا دست او گردن بز را لمس کند. به طور ایده‌آل قطع از MS به CU در حینی که دست دختر پایین می‌آید باید صورت گیرد. اما این درجه از دقت در ادیت ویدئویی خیلی سخت است. راه آسان ادیت این است که اجازه دهید که دست به پشت حیوان برسد و سپس قطع و با سایز کلوزآپ نوازش کردن نشان داده شود. صحنه از زاویه دیگر و با یک MS گرفته می‌شود.

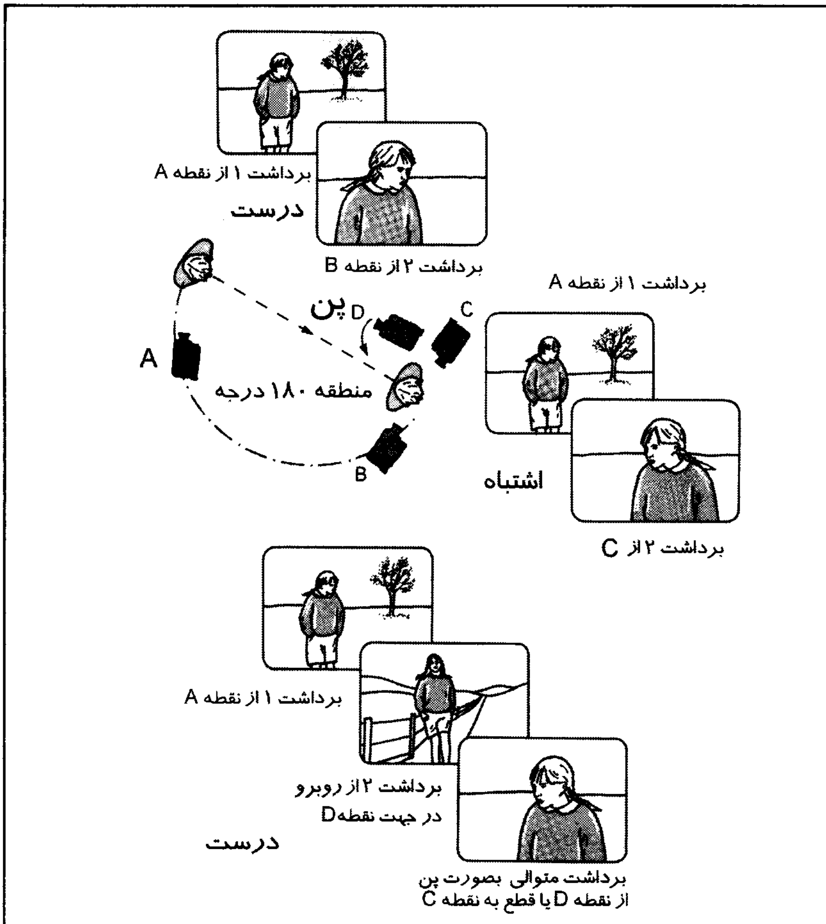
به طور کلی لانگ شات‌ها بیشتر از کلوزآپ طول می‌کشند، چرا که صحنه‌های آنها حاوی اطلاعات زیادی برای چشم هستند و معدل یک ضبط می‌تواند از ده تا پانزده ثانیه متغیر باشد. نمایش جزئیات در یک تصویر کلوزآپ می‌تواند مانند یک برق زدن باشد و دو یا سه ثانیه برای نمایش آن کافی است، مگر

اینکه شخص در حال گفتگو و صحبت در صحنه باشد و در این صورت این صداست که فرمان قطع کردن را صادر می‌کند نه تصویر. برای مدیوم شات MS چیزی بین این دو صدق می‌کند و طول یک ضبط از این تیپ به طور عمومی بستگی به طول زمان بازی آن برداشت دارد، طوری که برداشت را می‌توان تا زمانی که چیزی جالب در حال نمایش یا گفته شدن هست، ادامه داد.



قطع موازی روش خوبی برای بالا بردن حرکت و سرعت و محبوبیت فیلم است ۱) در اینجا، خانواده تازه به کنار قفس زرافه‌ها رسیده‌اند. ۲) در همین حین دو نفر همراه سگ خود به سوی گروه می‌دوند. ۳) در مدتی که زرافه‌ها با گروه مشغول بازی کردن هستند. ۴) دو نفر دونده به جمع خانواده می‌رسند. این عملیات قطع صحنه‌های جدا داستان را به شکل زنده‌تری بیان می‌کنند و این کار به ادیت کننده امکان می‌دهد تا با کوتاه کردن طول هر برداشت بوسیله قطع‌ها تدوین بهتری انجام دهد.

سرعتی که یک سکانس قطع می‌شود، بستگی به حالتی که انتقال اطلاعات باید صورت بگیرد، دارد. قطع‌های آهسته تاثیری آرام و ملایم و قطع‌های سریع‌تر، احساسی از هیجان و تحریک ایجاد می‌کنند. کنترل حالت و شرایط به این ترتیب چیز آسانی نیست، چرا که شما در حال ضبط زنده و ادیت کردن از طریق دوربین هستید و مسائل بیشمار دیگری حول و حوش حواس شما وجود دارند. از این رو یادتان باشد زمانی که تصمیم به ادیت پس از ضبط دارید، سرعت می‌تواند عامل مهمی در سازمان دادن و جمع و جور کردن ضبط‌های شما باشد.



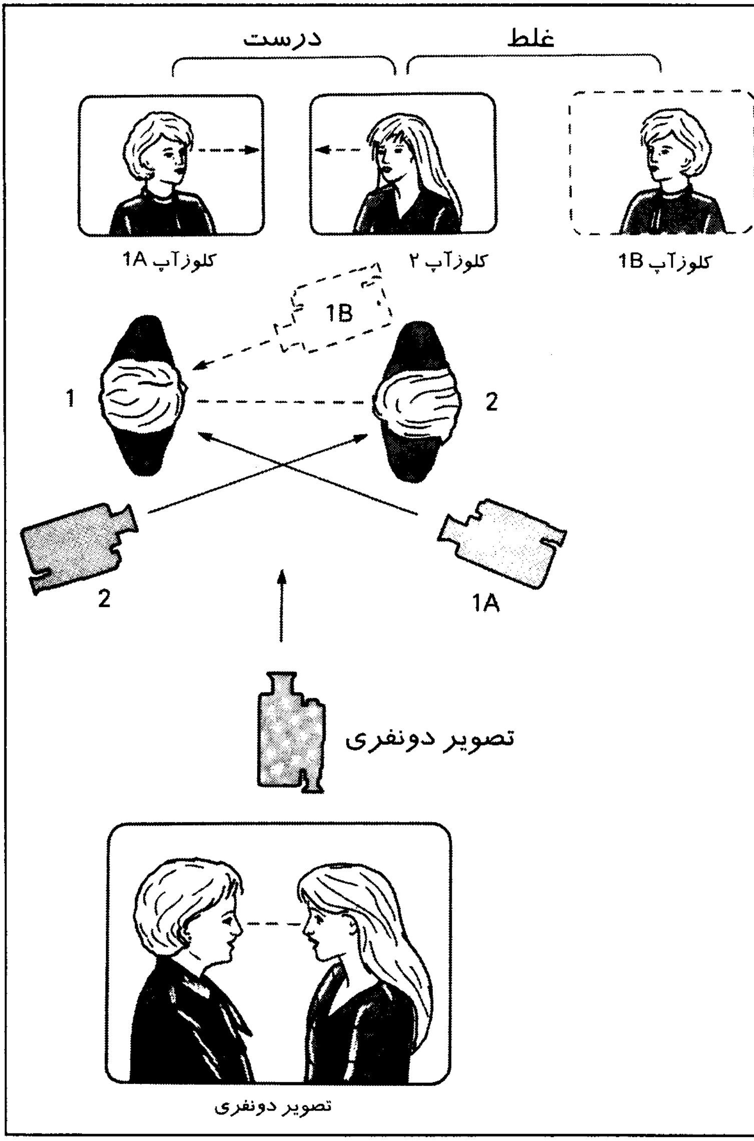
برای حفظ تدوام حرکت بر روی صفحه تلویزیون از یک برداشت به برداشت دیگر، در این مثال باید قدم زدن دختر از منطقه و زاویه‌ای ضبط شود که به منطقه ۱۸۰° مشهور است. در این صحنه منطقه ۱۸۰ درجه‌ای در یک طرف جاده واقع شده است. مثلا از نقطه A یا B اگر برداشت دوم از نقطه C ضبط شود، تماشاچی با دیدن تصویر جهت معکوس دختر، گیج خواهد شد. البته برداشت دوم می‌تواند از "نقطه اشتباه" ضبط شود "در اینجا D" اگر تصویر دختر از روبرو و در حالی که به جلو می‌آید، گرفته شود. حرکت به طرف دوربین دختر، جهت حرکت او را خنثی می‌کند. برداشت از نقطه D می‌تواند در حالیکه دختر می‌گذرد پن شود تا حرکت قدم زدن او را دنبال کند (در این حالت از قسمت راست صفحه به چپ) و یا می‌تواند قطع شود و یک پن جداگانه دیگر از نقطه C گرفته شود.

فعالیت‌های شخصیت‌های انسانی چنانچه خوب ساخته و پرداخته و نمایش داده شوند، مانند دستور زبان کامل علائم تصویری و بصری، سرنخ درستی را به تماشاچی می‌دهند. به عنوان مثال اگر ادامه حرکت منظور ما باشد و چنانچه ببینیم که کسی در طول یک جاده در حال رفتن است و در طول صفحه حرکت می‌کند، "مثلاً از راست به چپ" و اگر این ضبط بلافاصله با برداشتی دیگر از همان شخص "در حالی که از چپ به راست حرکت می‌کند"، دنبال شود، تماشاچی فوراً فرض می‌کند که شخص در حال بازگشت به محل شروع حرکت خود است.

در عالم حقیقت ممکن است که این حالت درست نباشد. خیلی ساده ممکن است که دوربین از یک طرف جاده به آن طرف جاده برده شده باشد و برداشت دوم در آنجا گرفته شده باشد. مسائلی از این قبیل را می‌توان با تغییر جای دوربین در جائی در حد منحنی ۱۸۰ درجه حل کرد. این عمل به قانون °۱۸۰ معروف است. به سخنی دیگر در مثال بالا، در یک طرف جاده باید ایستاد و هر دو برداشت را انجام داد. اگر به هر دلیلی مجبور به عوض کردن سمت جاده هستید، می‌توانید تاثیر این عوض کردن سمت را با برداشتی از شخص، در حالی که به دوربین نزدیک و یا از آن دور می‌شود، خنثی کنید. همین قانون در مورد "مسیر خط چشم‌ها" صدق می‌کند. فرض کنید که در یک صحنه شما دو نفر را در حال صحبت کردن دارید و ضبط شما شامل برداشت‌های مختلف کلوزآپ، همراه با قطع از یکی به دیگری است. برای این دو ضبط باید دوربین در نقاطی مستقر شود که خطی فرضی که آن دو نفر را به هم وصل می‌کند نیز در آن سمت باشد. چنانچه شما سمت خود را عوض کنید، در تصویر به واسطهٔ مسیر چشم‌ها که قبلاً گفته شد، به نظر می‌رسد که این دو به یکدیگر نگاه نمی‌کنند و با هم حرف نمی‌زنند.

ترکیب بندی تصویر یکی از چیزهائی است که قوانینی در مورد آن بوجود آمده است، که هرچند در نظر اول ممکن است که مطلق به نظر برسند ولی در عمل خیلی عالی کار می‌کنند. به عنوان مثال قرار دادن تصویر انسان در یک فریم قوانین خاص خود را دارد. هیچ‌گاه اجازه ندهید که نقاطی از بدن که دارای مفصل هستند با کناره‌های تصویر تماس داشته باشند. این نقاط عبارتند از قوزک پا، زانو، کمر و گردن. در عوض چهارچوبی را انتخاب کنید که بدن را قطع می‌کند، مثل درست بالای زانو یا درست زیر شانه.

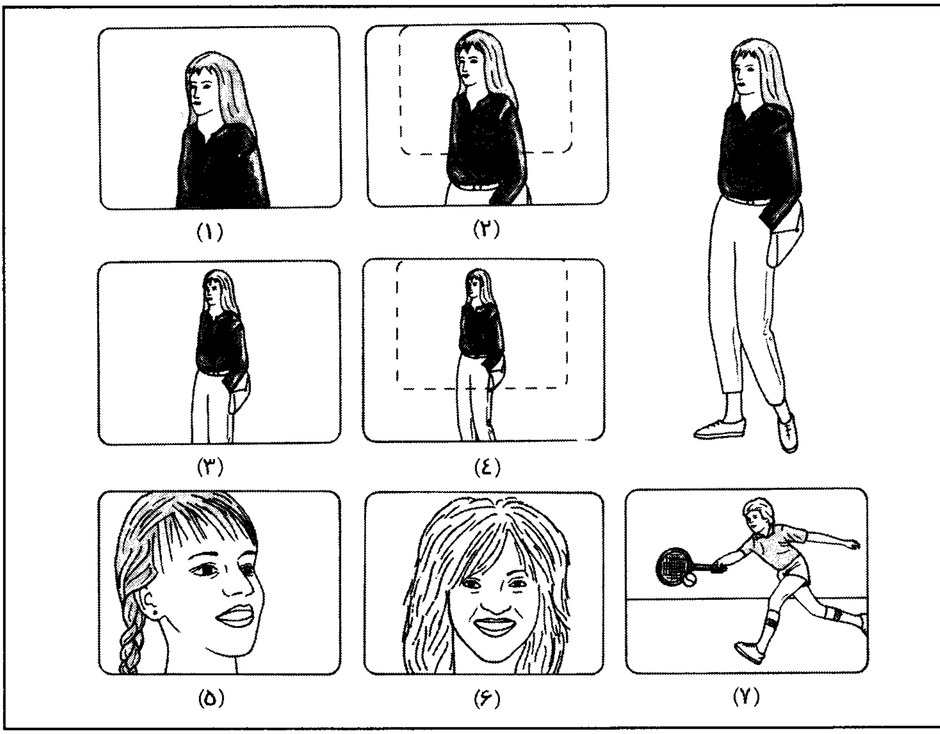
جای دادن سر در یک تصویر کلوزآپ مهم است. اگر شخص مستقیم به دوربین نگاه می‌کند، پس جای سراو باید در وسط تصویر باشد، در غیر این صورت باید سر را کمی دور از مرکز تصویر قرار داد و در فاصلهٔ بیشتری از سر تا لبهٔ تصویر "به جهتی که نگاه می‌کند"، قرار دارد. این فاصله به "فضای نگاه کردن" مشهور است. هم چنین احتیاج به کمی "فضای سر" هم دارید که عبارت از خالی گذاشتن مقداری فضا در بالای سر تا لبهٔ بالائی تصویر است. استثنا در مورد کلوزآپ بزرگ BCU است که در آن چشم‌ها باید در حد دوسوم ارتفاع تصویر قرار گیرند. فضای راه رفتن در حقیقت مقداری فاصلهٔ اضافی در جلوی هرچیز در حال حرکت است که در حال تصویربرداری شدن به شیوه پن است. این مسئله در مورد انسان، اتومبیل و سایر وسائل صدق می‌کند.



قانون ۱۸۰ درجه ایجاب می‌کند که "خط میان چشم‌ها" هم در مصاحبه افراد حفظ شود. برداشت‌های مجزای کلوزآپ باید از همان جهتی گرفته شوند که دو فرد را در جهت خط بین‌چشم‌ها به هم مربوط می‌کند، درست مانند two-shot که این قانون در آنجا هم صدق می‌کند.

چند قانون هم در مورد تعادل در تصویر وجود دارد. یکی از آنها به قانون سه تائی مشهور است. برحسب این قانون تصویر یک صحنه به طور افقی و عمودی به سه قسمت فرضی تقسیم می‌شوند تا بتوان از طریق آنها موضوع اصلی را در یکی از نقاطی که این خطها با هم تقاطع پیدا می‌کنند، قرار داد.

این کار در عمل اغلب دشوار است. اما یک قانون که خیلی ساده و قابل به خاطر سپردن است، این است که هیچ‌گاه خط افق را درست در وسط تصویر قرار ندهید. علت این کار به مسئله زیبائی‌شناسی مربوط می‌شود و درست می‌باشد. یک خطای دیگر که باید از آن اجتناب کرد این است که افق را در تصویر کاملاً افقی نشان ندهید. بلکه کج و مورب نشان بدهید که لازمه این کار تنظیم آن از درون چشمی است.



۱) *شیوه‌های درست و نادرستی برای کادربندی تصویر انسان وجود دارند. این روش غلط است، چراکه قسمت پائین کادر آرنج را به شکل ناجوری قطع می‌کند.*

۲) *هر دو کادربندی قابل قبول هستند. در این کادر بدن در بالا و پایین آرنج قطع شده است.*

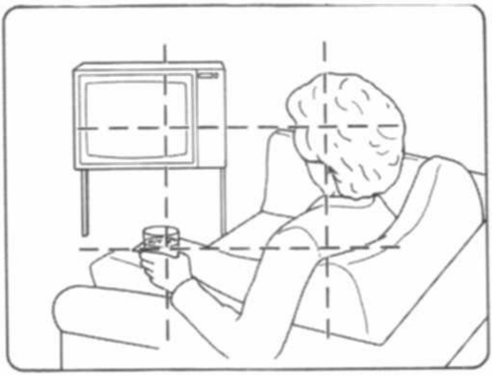
۳) *اشتباه، بدن در قسمت زانو قطع شده است که شکل و کادربندی بسیار نامناسبی است.*

۴) *درست، قطع بدن در پایین و یا بالای زانو بسیار بهتر است.*

۵) *این تصویر کلوزآپ با دقت کادربندی شده است. قسمت بالای سر به وسیله لبه بالای کادر قطع شده است، در صورتیکه چانه فاصله مناسبی از لبه پایین کادر دارد. نگاه شخص به سمت راست است، از اینرو تصویر سر در قسمت چپ صحنه جای داده شده است تا "فضای نگاه کردن" در سمت راست صحنه ایجاد کند.*

۶) *شخصیتی که در این صحنه قرار دارد، مستقیما با دوربین صحبت می‌کند. از اینرو سر شخص در وسط کادر جای داده شده است. ارتفاع سر به اندازه ارتفاع کل صحنه نیست و از اینرو مقداری فضا در بالای سر او خالی گذاشته شده است تا ایجاد "فضای سر" بکند.*

۷) *یک موضوع جالب برای یک برداشت MLS. همانطورکه دوربین با این بازیکن به طرف چپ پن می‌کند، مقداری فضای خالی جهت فضای راه رفتن در جلو او باقی می‌گذارد.*



بعضی از ترکیب بندی تصویرها که بر مبنای قانون سه‌تائی بنا شده‌اند، دارای تعادل طبیعی هستند. در این تصویر تلویزیونی، لیوان، سرشخص و شانه او "نقاط اصلی در صحنه" همه در نقاط تقاطع تقسیم سه گانه طول و عرض واقع شده‌اند. البته همیشه امکان ترکیب بندی به این دقت درجه وجود ندارد، اما بهتر است زمانی که صحنه‌ای دارای چند عنصر متفاوت است، سعی کرد که این قانون را در مورد آنها استفاده کرد.

چون تصویر دو بعدی است، خیلی ساده و راحت ممکن است که انسان پس زمینه نامناسبی را انتخاب کند. از اشکالات و خطاهای عمومی اجتناب کنید. مثل روئیدن یک درخت بر روی سر (در حقیقت درخت چندین متر دورتر از فرد و در پشت سر او قرار دارد و چنانچه عمق میدان در عکس وجود نداشته باشد، تصور درخت بر روی سر شخص بوجود می‌آید). در تصویر اگر از صحنه‌های چهارگوش اجتناب کنید و به ترکیب بندی‌های قطری که چشم را مستقیماً متوجه مرکز تصویر می‌کنند، استفاده کنید، عمق در تصویر بوجود آورده‌اید. چشم بیننده تصویر هم از اینکه مرکز توجه را در وسط صفحه، قبل و بعد از هر قطع ببیند راحت‌تر خواهد بود.



به دنبال سوژه‌های غیر عادی باشید....

صرف‌نظر از ترکیب بندی تصویر، هر حرکتی که در چهارچوب تصویر انجام شود، در مرکز توجه خواهد

بود. زمانی که حرکت در مرکز توجه قرار داشته باشد، مثل حرکت یک ماشین، یک ترکیب بندی قطری و مورب معمولاً موثرترین وسیله و زیباترین شکل به تصویر کشیدن خواهد بود، چراکه تصوری از عمق را در تصویر ایجاد می‌کند. هم چنین به عنوان مقایسه با برداشتی که قبلاً ذکر شد که در آن یک نفر مستقیماً از یک طرف صحنه به طرف دیگر حرکت می‌کرد، حرکت‌های قطری و مورب بر روی صحنه زمان بیشتری به چشم می‌دهند تا تصویر را ببیند و درک کند و در عین حال احتیاج به پن کردن "جهت تعقیب موضوع" را کمتر می‌کنند.



.... و از زوایای غیر عادی فیلمبرداری کنید.

زاویه‌های برداشت عمودی هم از دیگر علامت‌های تصویری مهم هستند. تصویرهائی که در سطح ارتفاع چشم گرفته می‌شوند، معمولاً حالت عادی نمایشی و یا خنثی را بازگو می‌کنند. از طرف دیگر تصویری که از نگاه و زاویه بالا گرفته شود، موضوع را کوچک می‌کند و یک احساس برتری را القاء می‌کند. برعکس این مورد برداشت‌هائی که از زاویه پائین گرفته شوند، احساس ضعف و کوچکی را تولید می‌کنند. برداشت‌های از زاویه بالا و پائین، اغلب به عنوان برداشت‌های ایده‌ای مطرح می‌باشند که در آن ما تصویر را از دید شخصیت حاضر در صحنه می‌بینیم.

از آنجائی که فیلم زبان بیان مقدماتی مطالب دیدنی و بصری است، بنابراین طبیعی و درست است که برنامه ریزی فیلم سازی شما هم به شیوه بصری یا تصویری باشد. تکنیک طراحی داستان یا Storyboard که اغلب استفاده می‌شود در این رابطه است. یک Storybaord سناریوئی به شکل یک سری تصاویر رسم شده است، طوری که ترکیب بندی هر برداشت و جهت جریان برداشت‌ها از صحنه اول تا به آخر ترسیم شده‌اند. این تصاویر هم چنین کمک بزرگی به تیم تصویربرداری در حین فیلمبرداری هستند.



تکنیک طراحی داستان به وسیله تصویر یا storyboard کمک بزرگی در برنامه ریزی یک فیلم است. هیچ استعداد و تبحر هنرمندانه‌ای احتیاج نیست، بلکه شرط آن توانایی در طراحی‌های ساده جهت نشان دادن حداقل وسائل مورد احتیاج در هر مکان و یا اندازه برداشت هر صحنه و زاویه دوربین می‌باشد. این روش یک شیوه موثر و ساده جهت تبدیل داستان فیلم به زبان فیلم "قبل از اینکه فیلمبرداری شروع شود" است.

هرچند تصاویر بخش خیلی مهمی از ساختن فیلم هستند ولی صدا هم نقش مهمی بازی می‌کند و موزیک می‌تواند در خلق حالت و جو فیلم نقش قدرتمندی داشته باشد. انتخاب یک موزیک برای اضافه کردن به متن فیلم، بخشی بستگی به عقل سلیم و بخشی دیگر بستگی به مد دارد. به عنوان مثال، آهنگ‌هائی که در فیلم رمانتیک و عشقی استفاده می‌شوند به درد سینمای تجارتی نمی‌خورند. در دنیای آماتورها، انتخاب موزیک برای فیلم‌های مثلاً مسافرت و تعطیلات، خط خاص و قدیمی خود را دنبال می‌کند. یک فیلم مسافرت به اتریش، حتماً دارای موسیقی محلی آنجا بر روی خود خواهد بود.



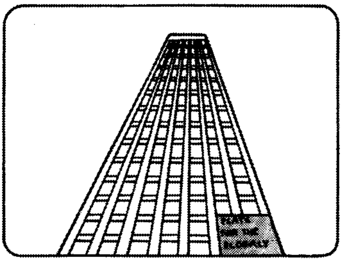
از قراردادن شخصیت صحنه و فیلم در نقاطی که دارای پس زمینه خوب نیستند، خودداری کنید.

استفاده از موزیک به عنوان پس زمینه و متن فیلم کاری است که بیشتر به شگردهای خاصی احتیاج دارد، چیزی که ممکن است شما در مورد آن اشتباهاتی در زمینه دست‌کم گرفتن آن انجام دهید. اگر استفاده شما از موزیک بیشتر از حد معمول باشد، تاثیر آن بیشتر کمدی خواهد بود تا نمایشی و دراماتیک.

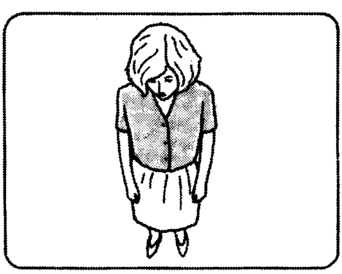
مسئله سلیقه هم در انتخاب موزیک متن نقش مهمی دارد، چرا که بستگی به احساسات، زندگی شخصی هرکسی در یک حالت می‌تواند با کسی دیگر فرق عمده داشته باشد. خیلی ساده است که در این رابطه انسان از مسیر اصلی خارج و به ابتذال در آمیزد.

راحت‌ترین پیشنهادها در این است که: از موزیک‌های ارکسترهای بزرگ اجتناب و بیشتر از موزیک گروه‌های کوچک و یا ساز تنها استفاده کنید و یا اصلاً موزیک را فراموش کنید و اجازه دهید که صدای طبیعی عرض اندام کند.

زمانی که از موزیک متن جهت فیلم خود استفاده می‌کنید، مسئله حق امتیاز موزیک‌ها و یا copy right را در نظر داشته باشید و فقط آن موزیکی را استفاده کنید که به عنوان استفاده موزیک متن، مجاز اعلام شده است. این مسئله در مورد همه‌گونه فعالیت‌ها، چه حرفه‌ای و چه آماتوری و حتی آنهائی که در جمع محدود خانوادگی نمایش داده می‌شوند، صدق می‌کند.



تصاویری که از زاویه پایین گرفته شوند، موضوع را بسیار بزرگ و عظیم نشان می‌دهند و بر عکس این حالت زمانی است که تصویر با زاویه بالا گرفته شود. از این رو از یک زاویه به زاویه دیگر قطع کنید و تصاویری دراماتیک و مضحک و جالب با آنها ضبط کنید.



۸ـ ضبط ویدئویی و صداگذاری

بعد از یکی دو فیلم ویدئویی قابل عرضه که تا بحال با استفاده از ادیت کردن داخل دوربین ساخته‌اید، شاید اکنون وقت آن باشد که جهت فائق آمدن بر محدودیت‌های دوربین خود و بالا بردن استاندارد کارتان در زمینه "ادیت پس از تولید" فعالیت کنید.

بطور کلی یک ادیت بعد از تولید عبارت از تنظیم کردن و مرتب کردن کلیه صحنه‌های ضبط شده قبلی با نظمی نوین روی نوار کپی است. به این دلیل مجبور به انجام ادیت از طریق کپی کردن هستیم که در اینجا مانند سینما و یا ادیت صدا، نمی‌توانیم فیلم را به طور فیزیکی قطع و آنطور که دلمان می‌خواهد بچسبانیم. برای این کار احتیاج به یک دستگاه ویدئو اضافی برای ضبط کردن داریم. چون هنگام ضبط نوارهای ویدئویی، تصاویر به شکل علائم و سیگنال‌های مغناطیسی در کنار هم روی نوار قرار می‌گیرند، از این رو قطع و چسباندن آن‌ها جهت ادیت کردن به هنگام نمایش دوباره، اختلالاتی در تصویر ایجاد می‌کنند. در این بخش نگاهی کامل به کار ادیت کردن خواهیم داشت. یک ادیت پس از تولید، می‌تواند به صورت نمایش مجدد نوار ضبط شده از طریق خود دوربین و یا درون یک دستگاه ویدئویی دیگر صورت گیرد. این شیوه ادیت مستقیم می‌تواند با استفاده از کارکرد insert "یعنی درج کردن یا لایی گذاشتن" و یا تغییر و جایگزینی نما و صداگذاری audio dub صورت گیرد.

کارکرد Video insert ابزار خوبی جهت ادیت کردن است، اما این امکان بر روی دوربین ویدئوی شما در سطح محدودی می‌باشد، چرا که دوربین شما فاقد پریز اتصال برای دریافت سیگنال‌های ویدئویی Video in می‌باشد و در نتیجه نمی‌توان قسمت‌های ضبط شده را از روی یک نوار دیگر روی نوار فعلی پیاده کرد. در این شیوه ادیت کردن نمی‌توان نظم برداشت‌هائی که روی نوار مادر ضبط شده‌اند را به طور کامل عوض کرد و تغییر داد. insert می‌تواند به عنوان مثال تیتراژ و عنوان فیلم را چه از طریق الکترونیکی و درون دستگاه و چه از طریق نوشته به شیوهٔ معمولی بر روی فیلم ضبط کند. ضبط کردن

عنوان فیلم و آماده کردن و نوردهی مسائل پیرامون آنها فعالیت جداگانه‌ای است که تکنیک آن در بخش دیگری شرح داده خواهد شد. برای ضبط هر نوع insert ابتدا باید تصمیم بگیرید که آن عنوان در کجای نوار ضبط شده بیاید، چرا که در قسمتی که insert می‌آید، محتوی نوار و تصاویر آن قسمت پاک خواهند شد. بهترین کار این است که از قبل مقداری فضا در جائی که قرار هست insert صورت بگیرد، خالی بگذارید تا از قسمت‌های ضبط شده خود چیزی از دست ندهید. با استفاده از تکمه‌های FFW/REW برای جلو و عقب بردن نوار می‌توانید قسمت شروع و آخر ادیت edit in , edit out را مشخص کنید.

شکل insert کردن در مدل‌های مختلف فرق می‌کند، اما ماهیت آن عبارت از اضافه کردن و یا درج چیزی به نوار در نقطه‌ای که از قبل تعیین شده است. این قسمت مثل یک شعبده‌بازی انجام می‌شود و شما در حقیقت مثل یک نابینا در این بخش عمل می‌کنید، چرا که چشمی دوربین، چیزی که روی نوار هست را نشان نمی‌دهد، بلکه چیزی که در حال ضبط شدن هست را نمایش می‌دهد. برای کمک بـه اینکه insert شما درست در جائی که می‌خواهید، ضبط شود، ابتدا کنتور نوار را در جائی که قرار هست insert پایان گیرد، صفر کنید و سپس نوار را به نقطه‌ای که قرار هست insert شروع شود ببرید و تکمه استارت دوربین را فشار دهید. در اغلب دستگاهها پس از اینکه دوربین به نقطه صفر برسد، خود بخود قطع می‌کند.

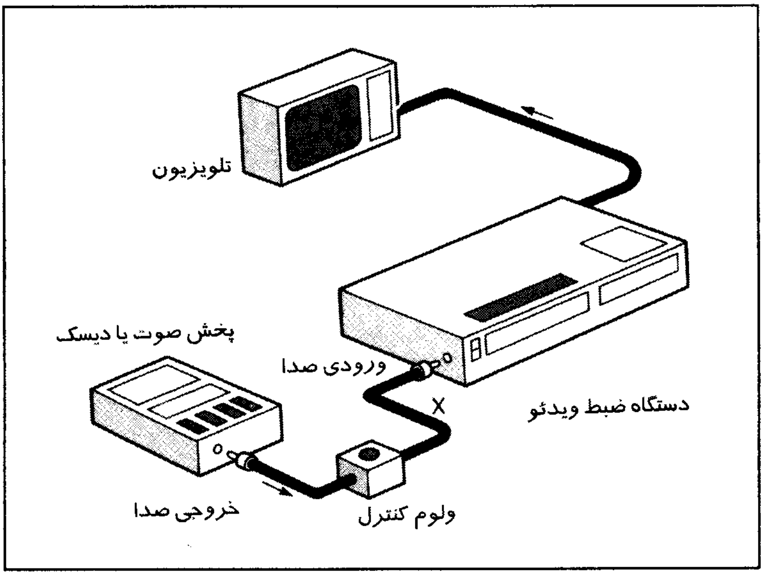
تا به حال insertها به قابلیت عوض کردن و ضبط تصویر معروف بوده‌اند و صدا را تغییر نمی‌دادند، صدای اصلی بدون تاثیر از چیزی روی نوار وجـود دارد. امـا در Video 8 کـه دارای قـابلیت dub یـا صداگذاری جداگانه نیست، insert به معنی تغییر و ضبط تصویر و صدا هست و در حین insert کردن، صدائی که به میکروفون می‌رسد، روی فیلم هم ضبط می‌شود، مگر اینکه شما از قبل تدبیری برای ضبط صدا در هنگام insert اندیشیده باشید.

Insert در حقیقت وسیلهٔ خوبی جهت جدا کردن و قطع از موضوع اصلی و پرداختن به موضوعی فرعی در حینی که صدای اصلی در حال پخش شدن است، می‌باشد. بعلاوه آنها می‌توانند یک سکانس اضافی شاد و زنده را روی نوار ضبط کنند و قادر هستند که یک قطع دارای پرش را هم پنهان کنند.

گام به گام درج Insert (عنوان فیلم)

۱ ـ نورپردازی و کارت‌های عنوان را از قبل آماده کنید.
۲ ـ تصمیم بگیرید که insert در کجای نوار باید قرار گیرد.
۳ ـ کنتور نوار را در نقطه‌ای که insert پایان خواهد گرفت، صفر کنید.
۴ ـ نوار را به عقب ببرید و در نقطه شروع isnert قرار دهید.
۵ ـ تکمه insert را بزنید و دوربین را روشن کنید. ضبط نوشته‌های فیلم در نقطه‌ای که نوار را صفر کرده اید پایان خواهد گرفت.

Audio dub عملکردی است که می‌تواند روی صدای اصلی فیلم، صدای جدیدی ضبط کند. در دستگاههای VHS که مجهز به سیستم مونو یا استریو هستند، هر دو صدای اصلی و صدائی که روی فیلم گذاشته شده را می‌توان شنید و یا در بعضی از دستگاههای پیشرفته می‌توان هر دو این صداها را میکس و به صورت مونو ضبط کرد. چندین دلیل برای انجام این کار وجود دارند. یک علت می‌تواند اضافه کردن توضیحات و یا موزیک پس از ضبط صحنه‌ها باشد. دلیل دیگر اضافه کردن صدا به متن فیلم، زمانی که صدای صحنه "مثلاً بر اثر باد" خراب ضبط شده است، می‌باشد. در چنین شرایطی می‌توان برداشت‌ها و صحنه‌های ضبط شده را با صداگذاری جداگانه که حتی با تصویر فیلم هم‌خوانی نداشته باشند حفظ کرد.



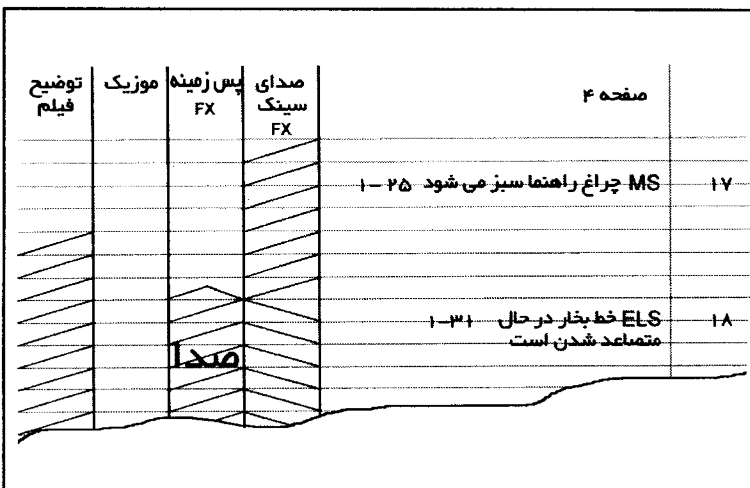
در صداگذاری روی فیلم برای صدای فیلم و درج موزیک یا صدای پس زمینه وسائل ساده‌ای مورد احتیاج هستند. به عنوان مثال در این شیوه، صدا از یک ضبط صوت به وسیله یک سیم به قسمت ورودی صدای یک دستگاه پریز (یا دوربین) انتقال پیدا می‌کند. البته در صورتی که دستگاه ما "ویدئو یا دوربین" دارای پریز جذب صدا باشند. تصویر و صداگذاری را می‌توان از طریق صفحه یک تلویزیون همان طور که در شکل نشان داده شده است مشاهده کرد و اندازه صدا را هم دستی از طریق ولوم صدائی ک بین دو دستگاه قرار داد کم و زیاد کرد. به عنوان راه حلی دیگر می‌توان از یک کانال متغیر صدا جهت تغییر دادن صدا استفاده کرد. اگر دوربین دارای پریز میکروفون باشد، صدای وارده به دوربین باید از طریق یک ملایم کننده صدا به سطح صدای میکروفون تقلیل داده شود و آنرا می‌توان در نقطه x وصل کرد.

دلیل دیگر جهت صداگذاری جدید می‌تواند این باشد که شما از تعدادی پرش‌های قطع صدا در ادیت کردن تصویر جلوگیری کنید. به عنوان مثال اگر موزیکی در حین ضبط فیلم به عنوان موزیک متن ضبط

شده است، در هر قطع کردن صحنه، اختلال و فاصله‌ای در پخش موزیک اتفاق افتاده است که پخش آن به صورت یک نواخت صورت نمی‌گیرد. در اینجا می‌توان از موزیک متن یک نواخت و بدون انقطاع در حالت dub استفاده کرد.

این روزها امکانات زیادی جهت ضبط جلوه‌های گوناگون در اختیار آماتورها است. شما می‌توانید جلوه‌های خودتان را روی نوار ضبط کنید. جزئیات بیشتر را در فصل ده مطالعه خواهید کرد.

برای انجام audio dub صدا به وسیلهٔ یک کابل از قسمت پخش به قسمت ضبط ارسال می‌شود. شما احتیاج به یک متر کابل با قابلیت اتصال هر دو سر خود به وسیلهٔ فیش‌های مناسب دارید. ارتباط باید بین دستگاه پخش صدا یا audio out و پریز audio in دستگاه ویدئو و یا دوربین بر قرار گردد. اگر در پریز دوربین نوشته شده باشد میکروفون، بنابراین شما باید از طریق دستگاهی دیگر صدای ورودی را به سطح صدای میکروفون برسانید. بعضی از دوربین‌ها دارای "میکروفون ترکیبی mixing microphone" هستند که ارتباط را راحت‌تر می‌سازند.



وقتی چندین صدای مختلف قرار هست بر روی فیلم مونتاژ شوند، بهترین راه برای کار دقیق این است که برنامه را روی کاغذ بیاوریم این صفحه که هر خط آن برای یک ثانیه ضبط است، نشان می‌دهد که صدای اصلی سینک بدون هیچ وقفه‌ای در حال پخش است، اما صداهای الحاقی پس زمینه در شروع صحنه قطع خواهد بود تا صحنه ۱۸. این صفحه همچنین نشان می‌دهد که صدای توضیحات هم از نیمه صحنه ۱۷ پخش خواهد شد و در این قسمت‌ها هیچ موزیک متنی روی فیلم ضبط نخواهد شد.

هرچند این سیستم که تا الان طرز برقرار کردن آنرا شرح دادیم، خوب عمل خواهد کرد ولی بهتر است که یک پیچ تنظیم هم در سرراه صدا قرار داد تا بتوان صدا را به طور دستی کم و زیاد کرد. بهترین چیز یک

ولوم ۲۵ کیلو اهم است که در مغازه‌های وسائل الکترونیکی می‌توان پیدا کرد. این ولوم را می‌توان به قسمت خروجی پخش متصل کرد. یک راه دیگر این است که صدا را به یک کانال میکسر صدا وصل کرد و از طریق ولوم آن کنترل لازمه را انجام داد. در این حالت دستگاه میکسر می‌تواند، صدا را در حد صدای میکروفون که در بالا به آن اشاره شد به دستگاه ارسال کند. این مسئله بستگی به مدل میکسر دارد.

برای صداگذاری، اول توجه کنید تا صدائی که می‌خواهید بگذارید، به اندازه مدت زمان مورد احتیاج طولانی باشد. سپس قسمتی که صدا از آنجا باید ضبط شود را پیدا کنید، دستگاه خود را در حالت Play-Pause روشن بگذارید و به روی حالت dub بروید. یک تست اولیه از سطح و مقدار صدا بکنید و به طور هم زمان هر دو دستگاه را به کار بیاندازید و تا پایان صداگذاری و ضبط آن پیش بروید و مواظب باشید که داخل قسمت دیگر نوار نشوید.

قدم به قدم مراحل صداگذاری

۱ ـ یک سیم یک متری از قسمت پخش صدا (audio out) به قسمت audio in دستگاه ویدئو و یا دوربین خود متصل کنید. اگر پریز میکروفون وجود دارد، از دستگاه خاصی باید استفاده کنید.

۲ ـ برای اینکه بطور دستی، سطح صدا را کنترل کنید از یک ولوم که بر سر راه پخش ویدئو قرار گرفته است، استفاده کنید و یا از ولوم یک کانال دستگاه میکسر استفاده کنید.

۳ ـ کنترل کنید که صدائی که انتخاب کرده‌اید از نظر زمانی برای کارتان مناسب باشد.

۴ ـ نقطه شروع ضبط صدا را پیدا کنید و روی دستگاه خود با تکمه Play - Pause آن جا را ثابت نگهدارید.

۵ ـ ابتدا یک تست از کار خود بگیرید و سپس تکمه‌های هر دو دستگاه را هم زمان رها کنید و اجازه دهید که تا آخر ضبط صدا ادامه پیدا کند.

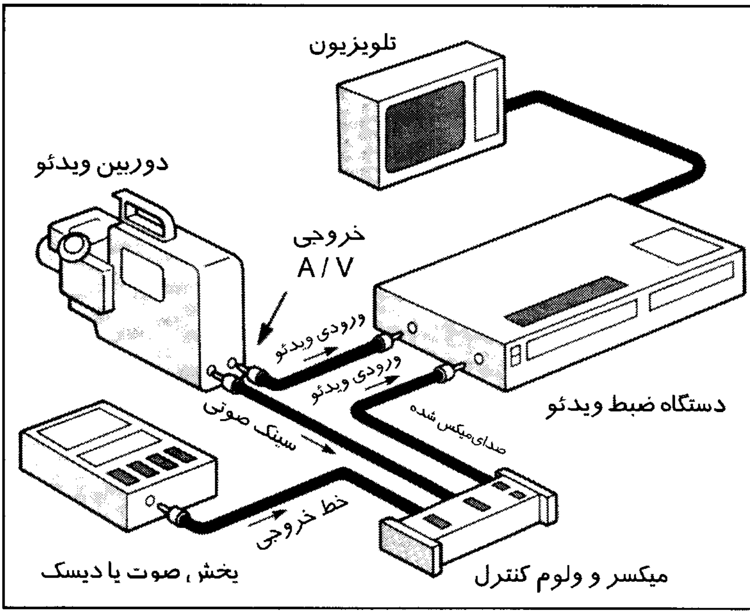
هرچند اعمال صداگذاری و insert روی نوار اصلی کارهائی ساده هستند، اما این خطر وجود دارد که اگر مرتکب یک اشتباه بشوید، تمام قسمت غیر قابل جبران را نابود کنید. به این دلیل خیلی‌ها نوار اصلی "نوار مادر" را کنار می‌گذارند و کارهای ضبط و ادیت خود را روی یک نوار کپی انجام می‌دهند.

دلائل دیگری هم برای داشتن یک نوار کپی از نوار اصلی وجود دارند:

۱ ـ ممکن است که شما بخواهید اندازهٔ نوار خود را عوض کنید. مثلاً از Video 8 به VHS تبدیل کنید تا بتوانید نوار خود را درون یک ویدئوی معمولی نشان دهید. یا اینکه با عوض کردن اندازهٔ نوار خود قادر شوید از طریق audio dub صداگذاری جداگانه روی آن انجام دهید.

۲ ـ ممکن است بخواهید توضیحات و یا موزیک به نوار اصلی خود اضافه کنید. این کار به وسیله audio dub ساده امکان‌پذیر نیست، چرا که بدین وسیله باعث پاک شدن نوار اصلی می‌شود.

۳ ـ ممکن است که بخواهید یک ادیت کامل بعد از تولید روی نوار خود انجام دهید.

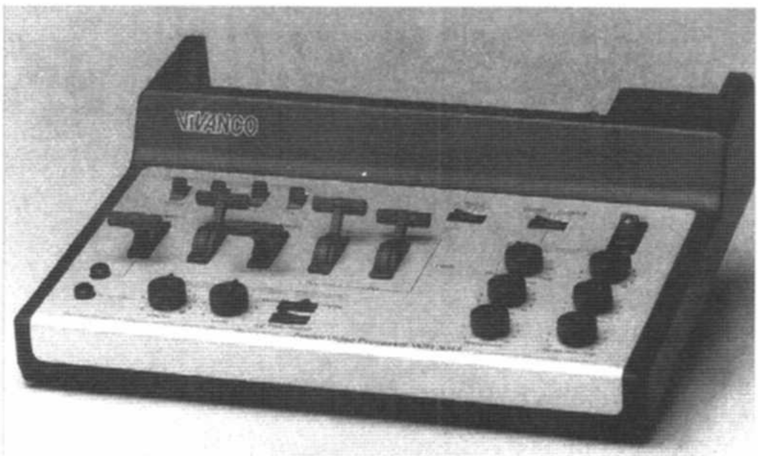


این ترکیب و طرز اتصال دو دستگاه است که به‌کمک آن می‌توان فیلم اصلی را روی نوار دیگری کپی کرد. در این سیستم، دوربین به عنوان منبع پخش در نظر گرفته شده است، ضبط را دستگاه ویدئو رومیزی انجام می‌دهد که لزوماً احتیاجی نیست که همان فورمات نوار دوربین را داشته باشد. صدای الحاقی مثل توضیحات، موزیک یا جلوه‌های صوتی می‌توانند در طول انتقال صدای اصلی و از طریق یک میکسر صدا که دائم در حال کار است، انجام بگیرد. به عنوان کپی کردن ساده، مونتاژ صدا می‌تواند به وسیله تکمه‌های start-stop و به صورت دستی صورت بگیرد که در صورت موجود بودن backspace بر روی دستگاه ویدئو و امکانات ادیت کردن کار تمیزتر خواهد شد. یک دستگاه تلویزیون با اتصال به ویدئو می‌تواند صحنه‌های ضبط را نمایش و یا در صورت امکان از حالت تصویر در تصویر ضبط و نوار اصلی را روی آن مشاده کرد.

اجازه بدهید که به هر کدام از این موارد جداگانه نظری بیاندازیم. ضبط یک نوار ویدئو کار ساده‌ای است. فقط کافی است شما دو دستگاه ویدئو داشته باشید. یکی از این دستگاهها می‌تواند دوربین شما باشد و دیگری یک دستگاه ویدئو رومیزی، با قابلیت ضبط کردن. در شکل ابتدائی و اولیه، می‌توان دو دستگاه را از طریق یک کابل تلویزیون به هم وصل کرد. این کابل پریزهای Video out و Video in

دو دستگاه را به هم وصل می‌کند. اتصال جهت انتقال صدا به همان روش مشابهی که برای audio dub مورد استفاده قرار می‌گرفت، صورت می‌گیرد، فقط با این استثنا که به جای دستگاه پخش صدا، در اینجا دوربین (یا یک دستگاه ویدئو) این وظیفه را به عهده دارد. مانند قبل یک ولوم کنترل صدا و یا کانال میکسر می‌تواند جهت کنترل سطح صدا به کار رود.

دستگاه تلویزیون معمولی، تمام چیزی است که جهت شنیدن صدا و دیدن تصویری که ضبط می‌شود، مورد احتیاج است. این تلویزیون به دستگاهی که وظیفه ضبط کردن را به عهده دارد وصل می‌شود. اما می‌توان آنرا جهت دیدن تصویر هر کدام از دستگاه‌ها مورد استفاده قرار داد. وقتی که ویدئوی ضبط در حال ضبط نوار یا خاموش است، تصویر نمایشی از دستگاه پخش قابل رویت بر روی صفحه تلویزیون است و وقتی که ویدئوی ضبط در حال نمایش فیلم ضبط شده یا نوار کپی است، تصویر آنرا می‌توان روی صفحه تلویزیون مشاهده کرد.



با دستگاهی مثل این پروسسور ویدئو می‌توانید رنگ، روشنی و کنتراست را کم و زیاد و مقدار پارازیت و اختلالات را کاهش دهید. این دستگاه شامل fade صدا و تصویر هم هست و شامل یک میکسر صدا نیز می‌باشد.

برای شروع ضبط، می‌توانید هر دو دستگاه را هم‌زمان روشن کنید. دوربین را روی Play-Pause و دستگاه ویدئو را روی Record-pause بگذارید و سپس هر دو تکمه Pause را هم زمان فشار دهید و اجازه دهید ضبط نوار تا انتهای آن انجام شود. البته دستگاههای ادیت پیشرفته این مرحله از کار را ساده‌تر کرده‌اند. نتیجه اینکه روی نوار کپی تمام صحنه‌های فیلم مادر ضبط شده است ولی کیفیت آن نسبت به نوار مادر کمی، پائین‌تر خواهد بود. اگر شما از نوارهائی مانند Extra High Grade و یا Pro استفاده بکنید، افت کیفیت کمتر خواهد بود. اگر ضبط کپی شما روی یک نوار S-VHS باشد، مطمئناً افت

کیفیت خیلی کم و ناچیز خواهد بود و شما می‌توانید حتی یک نوار دیگر هم از روی نوار کپی به عنوان نسل سوم، تهیه نمائید، بدون اینکه افت کیفیت شدیدی مشاهده شود. ولی اگر از نوار استاندارد VHS استفاده کرده باشید، کپی نسل سوم شما، متاسفانه از کیفیتی خیلی پائین و غیر مطلوب برخوردار خواهد بود. به همین دلیل است که سازندگان فیلم‌های ویدئویی که علاقه به کپی از نوارهای نسل سوم دارند، سعی می‌کنند برای کار خود از نوارهای S-VHS استفاده کنند.

چنانچه دوربین یا دستگاه ویدئو شما که نوار مادر در آن قرار دارد، دارای تکمه EDIT است، استفاده از این تکمه می‌تواند در کم کردن افت کیفیت فیلم شما نقش موثری داشته باشد. روش بسیار بهتر، استفاده از "دستگاه تقویت کننده ویدئو" است. این دستگاههای الکترونیکی که بر سر راه سیم ارتباطی از دستگاه نوار مادر به دستگاه کپی کننده قرار می‌گیرند، نه تنها سیگنال‌های ویدئویی را تقویت می‌کنند، بلکه شما را قادر می‌سازند تا بتوانید رنگ و روشنی تصویر را هم تغییر دهید و fade روی نوار کپی خود مونتاژ کنید. بعضی از مدل‌های گران قیمت این تقویت کننده‌ها یا پروسسورها می‌توانند جلوه‌های ویژه هم روی نوار مونتاژ کنند و همهٔ آنها می‌توانند در میکس و ضبط صدا خدمات زیادی انجام دهند.

قدم به قدم کپی کردن نوار

۱ـ دو دستگاه ویدئو تهیه نمائید، یکی از آنها می تواند، دوربین شما باشد.

۲ـ با یک کابل بین Video in ***و*** Video out ***دو دستگاه ارتباط برقرار کنید.***

۳ـ ارتباط دو دستگاه را برای ضبط صدا برطبق آن چیزی که قبلا شرح داده شد، برقرار کنید.

۴ـ یک دستگاه تلویزیون به دستگاه ضبط کننده وصل کنید.

۵ـ برای کپی کردن، تکمه‌های هر دو دستگاه را با هم فشار دهید:
یعنی تکمه‌های Play-Pause ***و*** Record-pause ***و اجازه دهید که کپی کردن تا آخر قسمت ضبط شده ادامه پیدا کند.***

تصور کنید که اکنون علاقمند گذاشتن موزیک به صورت مونو روی نوار ویدئو خود باشید. این کار "یعنی ضبط صدا روی نوار کپی" هنگامی که تصویر در حال کپی شدن است، انجام گرفته و صدا و تصویر با هم روی نوار کپی ضبط می‌شوند. اما برای تغییر صدا روی نوار، یک ضبط یا دستگاه دیگر پخش صدا به کانال دوم میکسر خود وصل می‌کنید. خروجی برای وصل به ویدئوی ضبط مثل سابق خواهد بود. بعد از زدن تکمه‌ها، صدا به صورت لاینقطع و بدون توقف روی نوار کپی ضبط خواهد شد و نوع و ترکیب و مقدار آن بستگی به تنظیم آن از طریق ولوم‌ها و یا اهرم‌های میکسر و تنظیم آن به میل شما خواهد بود.

میکس لاینقطع صدا، احتیاج به سه دست برای کارکردن دارد، بنابراین شما نیاز به یک نفر کمک

خواهید داشت تا پخش موزیک و تکمه‌های مربوط به دستگاه را کنترل کند و در موقع مقتضی کاست و یا دیسک را عوض کند و غیره. بهترین روش سازمان یافته این است که از قبل یک نوار جهت موزیک انتخاب و تمام قسمت‌هائی که مورد احتیاج است روی آن ضبط و علامت گذاری شود و سپس از طریق میکسر این نوار را بدون توقف روی نوار کپی ضبط کرد.

راه‌های مختلفی جهت درست کردن یک نوار با علامت گذاری روی آن برای ضبط دقیق یک قسمت از موزیک وجود دارند. اما راحت‌ترین آنها این است که بر روی نوار صوتی یک راهنما درست کنید تا مشخص شود که هر قسمت موزیک از کجا شروع و به کجا ختم می‌شود. برای ایجاد این راهنما نوار صوتی خود را درون دستگاه ضبط می‌گذاریم و به نقطه شروع ضبط کردن می‌آوریم و دستگاه را روی Record-pause می‌گذاریم. نوار ویدئو را درون دستگاه پخش می‌گذاریم و به قسمت اولین فریم که موزیک قرار هست از آنجا ضبط شود می‌آوریم و دستگاه را روی Play - pause می‌گذاریم. در یک زمان هر دو تکمه Pause را فشار می‌دهیم. همانطور که تصویر را روی تلویزیون تماشا می‌کنیم، از طریق یک میکروفون که به دستگاه ضبط صوتی متصل است در نقطه‌ای که موزیک باید قطع شود یک علامت صوتی ایجاد می‌کنیم که روی نوار ضبط می‌شود و بدین طریق علامت گذاری می‌کنیم. بعد از ضبط این راهنما، مشخص است که از نظر زمانی چقدر به موزیک احتیاج داریم و می‌توانیم آنرا مستقیماً جهت ضبط موزیک روی نوار صوتی استفاده کنیم و یا از طریق برگرداندن آن، روی کنتور دستگاه مقدار آنرا مشخص کنیم و یا پشت آنرا با یک ماژیک نرم علامت گذاری کنیم، البته در صورتی که نوار از نوع نوارهای ریلی باشد. اما استفاده از دستگاه کاست چیزی عملی‌تر است.

زمانی که نوار مقدماتی صوتی و یا موزیک را تهیه می‌کنید، به خاطر داشته باشید که صدا را پیوسته در سطح بالائی ضبط کنید، چرا که بعداً که صدا را روی نوار ویدئو ضبط می‌کنید، می‌توانید تصحیحات و تنظیمات نهائی صدا را آن وقت انجام دهید. این عمل باعث کم شدن خش‌خش نوار می‌شود. اگر قرار هست که fade در مورد صدا صورت بگیرد، مقدار زیادی فضا در شروع و پایان قسمت بر روی نوار مقدماتی باقی بگذارید تا در هنگام میکس کردن قدرت مانور کافی داشته باشید.

گام به گام اضافه کردن موزیک در هنگام کپی نوار ویدئو

۱ ـ منبع پخش صدا (دیسک یا ضبط صوت) را به کانال دوم میکسر صدا وصل کنید و صدا را مستقیم پخش و ضبط کنید و یا

۲ ـ یک نوار موزیک متناسب زمان‌های لازم صداگزاری تهیه کنید.

الف: روی نوار صوتی جهت اینکه کجا باید موزیک شروع و کجا خاتمه یابد راهنما بگذارید، نوار را به قسمت شروع بیاورید، ضبط صوت را روی Record-pause *قرار دهید، ویدئو را روی* Play-pause *قرار دهید و در حینی که تصویر را روی صفحه تلویزیون تماشا می‌کنید، از طریق میکروفون متصل به ضبط صوت، نوار را علامت گذاری کنید.*

ب: منبع پخش صدا (دیسک یا ضبط صوت) را به دستگاه ضبط صوتی دیگر وصل کنید. از وجود راهنما برای ضبط مقدار موزیکی که احتیاج دارید استفاده و موزیک را ضبط کنید.

۳ ـ موزیک مورد احتیاج خود را روی نوار ویدئو منتقل و ضبط کنید:

الف: مانند کپی کردن نوار ویدئو، ارتباط را برقرار کنید و ارتباط صوتی را از طریق یک کانال میکسر برقرار کنید.

ب: منبع پخش صدای موزیک را به کانال دیگر میکسر وصل کنید و آنرا روی Play-pause *قرار دهید.*

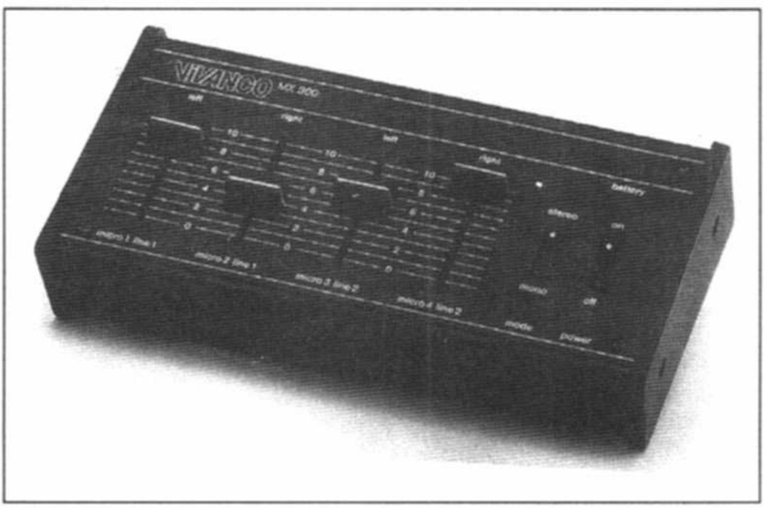
ج: تکمه‌های pause *هر دو دستگاه را بزنید و اجازه دهید که صدا از یک دستگاه به دستگاه دیگر "در حالی که شما میکس صدای اصلی و موزیک را انجام می‌دهید"، منتقل و ضبط شود.*

اگر فیلم ویدئو با موزیک تمام می‌شود، باید موزیک متن آنرا برای آخرین صحنه طوری ترتیب بدهید که موزیک و تصویر با هم تمام شوند. برای این کار از یک ساعت کرنومتردار استفاده کنید تا بدانید که به چه مدت زمانی موزیک احتیاج دارید و طول مدت موزیک را روی نوار صوتی هم اندازه‌گیری کنید. مدت زمانی که بر روی نوار صوتی اضافه هست، مدتی است که باید به دستگاه ضبط صوت اجازه دهید تا نوار را پخش کند "بدون آنکه آنرا روی نوار ویدئو ضبط کنید" تا به آغاز نقطه‌ای که قرار هست ضبط اصلی شروع شود، برسد. در این حالت، تصویر و موزیک هر دو با هم تمام خواهند شد.

یک اخطار کوچک: هرچند دستگاههای ویدئو دارای دقت بالا در چرخاندن و نمایش نوار و کنترل

سرعت نوار هستند، اما دستگاههای پخش صوتی، معمولاً سرعتی بیشتر از حد معمول دارند. به عنوان مثال ۲۰ دقیقه پخش نوار صوتی ممکن است چند ثانیه اختلاف با دستگاه ویدئو داشته باشد (این مقدار بستگی به کیفیت نوع دستگاهی که از آن استفاده می‌کنید، دارد). بنابراین مسئله هم زمان بودن پخش صدا و ضبط آن روی نوار ویدئو و هم زمان بودن آنها در شروع و پایان بستگی زیادی به کیفیت دستگاه شما دارد.

اگر زمان‌بندی دقیق ضبط موزیک، مسئله زیاد مهمی نباشد، اما اضافه کردن صدای توضیحات، دقت بیشتری را می‌طلبد. یکی از شیوه‌ها که مشکل هم زمانی نوار به نوار را ندارد، این است که مستقیماً و از طریق وصل کردن یک میکروفون به میکسر، صدا را روی نوار ویدئو ضبط کرد. "از طریق انتقال بدون توقف". البته توضیح دادن در میکروفون در حالی که تصویر روی تلویزیون مشاهده می‌شود، کاری ساده نیست و اگر گوینده یک اشتباه بکند، باید دوباره برگردد به اول و از نو شروع کند.



به این میکسر می‌توان تا ۴ عدد میکروفون وصل کرد. از آنجا که این میکسر با باتری کار می‌کند، می‌توان آنرا در بیرون استودیو هم مورد استفاده قرار داد.

یک روش که ممکن است شما هم ترجیح بدهید، این است که صحبت را قبلاً روی یک نوار کاست صوتی به صورت قطعه قطعه ضبط کنید. هر قسمت از صحبت‌ها که ضبط و تمام شد، می‌توان یک وقفه چندثانیه‌ای بعد از آن قرار داد. ضبط و انتقال صدا به روی نوار ویدئو، مانند دفعات پیش بدون وقفه انجام خواهد شد و هر بار که صحبت مربوط به یک صحنه گفته و تمام شد، می‌توان پخش صوت را قطع و تا مرحله بعدی صبر کرد. در این روش مسئله سرعت نوار صوتی که در بالا گفته شد، پیش نخواهد آمد. در این جا احتیاج به یک نفر دستیار جهت راه انداختن دستگاهها و کنترل اهرمهای میکسر است.

این روش اضافه کردن توضیحات تا زمانی که نخواهید موسیقی متنی به آن اضافه کنید، بسیار خوب عمل خواهد کرد. اما اگر قرار هست که موزیک هم همراه صدا ضبط شود و هر دوی اینها ابتدا روی یک نوار صوتی ضبط شوند، بنابراین شیوه start و stop که در بالا اجراء می‌شد، در اینجا نمی‌تواند مورد استفاده واقع شود. در این حالت نوار موزیک باید بلاانقطاع در حال پخش باشد که در این حالت مشکل هم زمانی نوار به نوار پیش خواهد آمد.

یک راه جهت حل این مسئله نوشتن توضیحات است تا آنها وابسته به ضبط شدن در لحظه و زمان خاصی نباشند. راه حرفه‌ای برای این کار استفاده از ضبط صوت‌های مخصوصی جهت این کار است که به صورت الکترونیکی، صدا را با تصویر حاضر در روی ویدئو هم زمان می‌کنند. این دستگاه‌ها نسبتاً گران قیمت هستند، اما ما را قادر می‌سازند تا صدای اصلی را به طور هم زمان روی نوار ویدئو همراه با صدائی دیگر (که می‌تواند از روی نواری دیگر و یا از طریق میکسر دریافت شود) ترکیب کند و صدای روی نوار ویدئو را از کیفیت خوبی برخوردار کنند.

هم اکنون به مرحله ادیت کامل پس از تولید رسیده‌ایم. در اینجا مواد اصلی که دوربین تهیه کرده است مجدداً روی نواری دیگر به صورتی سازمان یافته کپی می‌شود. هرچند که اجرای این مرحله، احتیاج به تکنیک پیشرفته‌تری در مقایسه با زمانی که صداگذاری ساده صورت می‌گرفت، دارد اما خیلی از علاقمندان و شیفتگان معتقدند که این نوع ادیت کردن چیزی ضروری برای فیلمبرداری ویدئویی به منظور نشان دادن فیلم به صورت "واقعی" است و در حقیقت نقشی کلیدی در فعالیتهای ویدئویی دارد. این مسئله کاملا درست است. ادیت درست، تاثیر بسزائی در نشان دادن برجسته موضوع و شیوه‌ای که ضبط شده است، دارد.

چون ضبط صحنه‌ها می‌توانند بدون نظم و ترتیب انجام گیرند، بنابراین در اینجا محدودیت ادیت در دوربین را نخواهیم داشت. قطع بین برداشت‌های موازی که ممکن است در زمان‌ها و مکان‌های مختلف انجام شوند، می‌توانند در ادیت پایانی به هم وصل شوند و شما آزاد هستید که هر برداشت ریسک‌آمیزی را تجربه کنید، چرا که در پایان می‌توانید آنها را مونتاژ کنید. شروع و پایان هر صحنه را می‌توان دقیقاً اندازه‌گیری کرد و زمان لازم را به آن داد. با بدست آوردن تجربه و تبحر در ادیت کردن، می‌توان روی صحنه‌های ضبط شده، قطع در فیلم را انجام داد. یک ویدئوی خانوادگی بدون برنامه و نقشه و نامربوط می‌تواند چنان ادیت شود که به صورت یک نمایش قابل تماشا در آید و حتی قسمت‌هائی از آن قابل مونتاژ برای برنامه‌های مشابه دیگر باشد.

تدارکات برای ادیت کردن تقریباً مشابه همان چیزی است که برای ضبط کپی نوار صورت می‌گرفت، با این تفاوت که جریان در اینجا بر طبق روش Stop-Start خواهد بود. هرچند دستگاههای اضافی کنترل ادیت می‌توانند به وسائل ما اضافه شوند تا سرعت پروسه کار ما سریع‌تر و کار را راحت‌تر کنند، اما اساس ضروریات کار چه به صورت اتوماتیک و چه بصورت دستی یکی است. بنابراین توضیحات اینجا

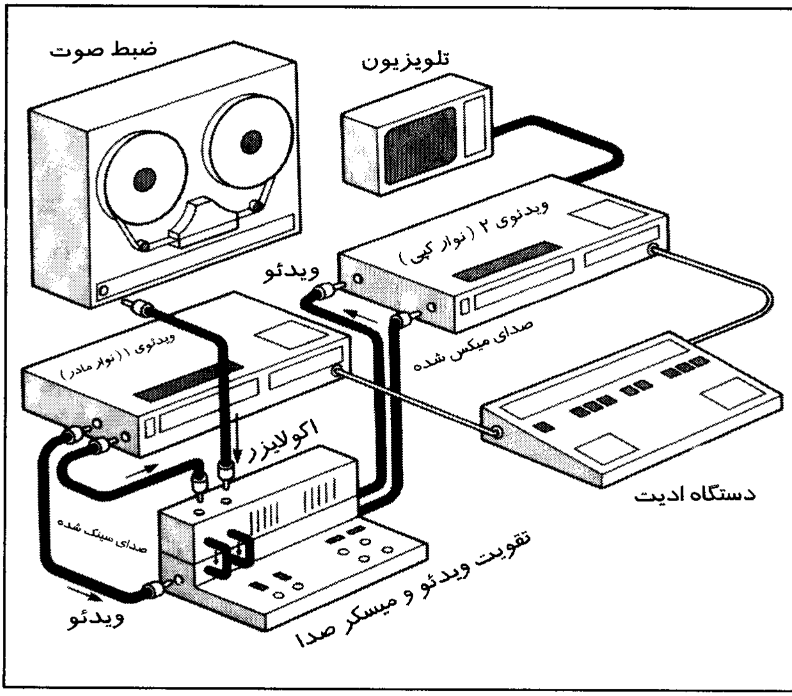
در مورد روش دستی گفته می‌شود تا بعدها امکان سرمایه گذاری شما برای خرید دستگاه کنترل ادیت صورت بگیرد.

ادیت assembly یا مونتاژ شامل پیدا کردن صحنه ضبط شده و انتقال و ضبط آن روی نوار دیگری است. هربار یک صحنه از روی نوار مادر به روی نوار کپی و در محل و ترتیب خود ضبط می‌شود. ادیت کردن در ابتدای هر صحنه ضبط شده صورت می‌گیرد و این بدین معنی است که دستگاه ضبط کننده باید قادر باشد تا ادیتی خوب و تمیز انجام دهد. به عبارت دیگر دستگاه باید دارای امکان backspace "بازگشت به عقب" باشد. اگر دستگاه ویدئوی رومیزی شما دارای این امکان هست، پس می‌تواند به عنوان ادیت کردن مورد استفاده قرار بگیرد. در غیر این صورت اگر دستگاه دوربین شما دارای امکان backspace باشد، می‌توان از آن برای ادیت کردن استفاده کرد. اما در این مورد، دوربین شما باید دارای پریز Video in باشد. در این صورت دستگاه ویدئوی رومیزی جهت پخش و دوربین جهت ادیت و ضبط مورد استفاده واقع خواهند شد. هر دو دستگاه باید دارای تکمه‌های FFW/REW باشند تا بتوانند محل ادیت و کپی کردن را سریع پیدا کنند، زیرا این کار بسیار وقت‌گیر است. اگر شما دارای امکان حرکت فریم به فریم در روی دستگاه خود هستید، امکان بسیار مفیدی دارید، چرا که از طریق آن می‌توانید به فریمی که باید قطع صورت بگیرد، برسید.

در assemble edit اگر همهٔ صحنه‌ها روی یک نوار ضبط شده باشند، کار راحت‌تر صورت می‌گیرد. تمام برداشت‌ها را می‌توان یادداشت کرد و در یک لیست همراه با توضیحات مربوط به هر برداشت، آورد، مثل کنتور نوار و ترجیحاً زمان بازی هر کدام از آنها. یک روش خوب جهت تهیه این چنین لیستی، ضبط کلیه توضیحات روی یک نوار صوتی است تا زمانی که در حال تماشای فیلم هستید، مطالب را روی کاغذ بنویسید. زمان کلی برای ضبط هر صحنه به وسیله کرنومتر اندازه‌گیری و در لیست آورده می‌شود که از روی این لیست می‌توان روی طول زمان هر صحنه کار کرد.

اگر صحنه‌های ضبط شده شماره بندی شده باشند، کار شناسائی برداشت‌ها جهت ضبط را بسیار آسان می‌کنند. شماره‌بندی هر صحنه را می‌توان با نوشتن شماره هر صحنه بر روی مقوا و ضبط آن در ابتدای هر صفحه مشخص کرد. حرفه‌ای‌ها معمولاً از یک تخته‌ای جهت این کار استفاده می‌کنند که به عوض آن شما می‌توانید از یک صفحه کاغذ یا مقوا و نوشتن با ماژیک بر روی آن استفاده کنید.

بعد از اینکه مقدمات کار را تهیه و آماده کردید، روش اصلی جهت مونتاژ هر صفحه به طریق زیر خواهد بود:



تشکیلات ادیت، زمانی که یک دستگاه ادیت هم به مجموعه کار اضافه می‌شود، پیچیده و شلوغ‌تر می‌شود. دستگاه کنترل ادیت به منظور عمل کردن دستگاهها به طور اتوماتیک و نیز یک تقویت کننده برای بهتر کردن کیفیت تصویر و انتقال آن به کار می‌رود. این شیوه وصل کردن دستگاهها همچنین برای ضبط مقدماتی صدا از روی یک ضبط صوت ریلی هم می‌باشد. سیگنال‌های ضبط صوت از یک میکسر صدا و اکولا یزر گرافیکی رد می‌شوند تا کیفیت صدا بهتر شود. بعد از آن تقویت کننده، سیگنال‌ها را که به صورت صوتی و ویدئویی می‌باشند از خود عبور داده و به دستگاه ضبط ویدئو می‌رساند.

در طول ادیت کردن، فید و صدا را می‌توان به صحنه‌ها اضافه کرد. بعضی واحدها قادرند که کیفیت تصویر را طبق آنچه را که در فصل ۱۴ گفته خواهد شد عوض کنند، سیگنال نهایی، چیزی است که با همکاری میکسر تصویری (که لازمه آن استفاده از یک دوربین اضافی جهت اتصال به دوربین دیگری است). و کنترل سینک ویدئویی و ضبط صوت است که اجازه می‌دهد تا صدای اصلی با صداهای دیگر ترکیب شود، بدون آنکه در سینک کردن هیچ افتی حاصل شود.

قدم به قدم ادیت پس از تولید
روش مونتاژ دستی

۱ ـ دو دستگاه ویدئو که یکی از آنها باید قابلیت ضبط کردن، تکمه back space و یا fine edit را داشته باشد، مانند حالت کپی کردن سابق به هم متصل می‌شوند.

۲ ـ دستگاه ضبط را روی stop می‌گذاریم و روی نوار دستگاه پخش به دنبال شروع نقطه ضبط می‌گردیم.

۳ ـ نقطه‌ای که باید صحنه روی نوار دستگاه ضبط ادیت شود را پیدا و دستگاه را در حالت Record-pause می‌گذاریم.

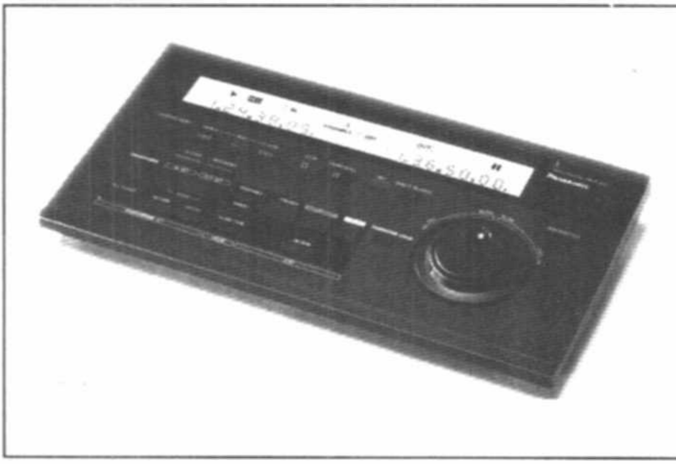
۴ ـ تکمه Pause هر دو دستگاه را هم زمان فشار دهید و اجازه دهید که صحنه تا به آخر پخش و ضبط شود. تکمه stop هر دو دستگاه را بزنید (توجه: اگر دستگاه شما دارای امکان synchro-edit یعنی ادیت هم زمان است، می توانید دستگاه‌ها را فقط با یک تکمه OFF خاموش کنید).

۵ ـ روی نوار کپی خود، نتیجه کارتان راببینید و به همین روش تا صحنه آخر ادامه دهید.

۶ ـ برای دقت زیاد در ادیت کردن، همیشه نوار اصلی روی دستگاه پخش خود را یک ثانیه جلوتر از وقت مقرر نگهدارید.

سیستم شرح داده شده بالا روشی دستی است که بدون استفاده از هر دستگاه و ابزاری مخصوص، می‌توان آنرا انجام داد. اما با یک دستگاه کنترل ادیت که می‌توان عملیات هر دو دستگاه را از طریق یک صفحه کی‌بورد کنترل کرد، کار خیلی سریع‌تر انجام می‌شود. بعضی از این دستگاه‌ها "اما نه همه" می‌توانند نوار اصلی را کمی به عقب ببرند تا به ابتدای صحنه برسیم و بدین ترتیب backspace در آنجا حذف و ادیت با دقت یک یا دو فریم صورت می‌گیرد.

پیشرفتی دیگر به نام time-coding در حال متحول کردن مونتاژ به سطح عالی آماتوری است. برطبق این سیستم هر فریم ویدئو دارای برچسبی می‌شود که نمایانگر ساعت، دقیقه و ثانیه نسبت به کل فیلم است و نمایانگر این است که فریم در کجای فیلم ضبط شده قرار دارد. دو سیستم رقیب به نام‌های VITC و RCTC در این زمینه معروف هستند. از نظر اصولی هر دو آنها به یک روش عمل می‌کنند، اما خود سیستم کدهای VITC باید روی نوار ضبط شود (البته بدون آنکه روی صفحه قابل مشاهده باشد). در تمام طول ضبط صحنه‌ها و یا در حالی که نوار کپی در حال ضبط و تهیه شدن است، RCDC در هر مرحله‌ای از جریان قابل استفاده و فراخواندن است و از اینرو سیستمی قابل انعطاف‌تر در بین دو سیستم است.



این دستگاه ادیت می‌تواند با ترکیب دوربین ویدئوهای مختلف VHS به کار رود و به طور اتوماتیک ادیت دو دستگاه را انجام دهد. کارکرد بسیار دقیق آن قابلیت ادیت‌های مناسب را بالا می‌برد و تا ۸ برنامه ادیت را می‌توان در حافظه آن ذخیره کرد.

هر کدام از دو سیستم باید با دستگاههای کنترل ادیت سازگار شوند که این کار می‌تواند چیزی‌گران باشد. اما با این سیستم‌ها مراحل پیدا کردن، دیدن، ضبط کردن و دیدن مجدد قسمت ضبط و ادیت شده خیلی ساده و سریع است. به علاوه این سیستم‌ها دارای حافظه هستند و زمانیکه تمام مراحل ادیت انجام شد، می‌توانید بطور اتوماتیک حتی یک فریم روی نوار کپی را هم به روی صفحه تلویزیون بیاورید و مشاهده کنید. چنانچه یک نوار اضافی دیگر از ادیت کردن‌ها مورد احتیاج باشد، این کار بدون ضبط از روی نوار مادر و نه به عنوان نسل سوم، بلکه به عنوان نواری دوم ضبط و با کیفیت بهتر، تصویر ارائه می‌شود.

قبل از اینکه از این تکنولوژی جادوئی و خیره کننده خداحافظی کنیم، باید متذکر شد که این سیستم‌های پیشرفته و اتوماتیک، اگر به وسیله شخصی وارد و کارآمد و مبتکر و دارای اطلاعات وسیع در زمینه ادیت کردن صورت نگیرند، نمی‌توانند نقش خوبی در تولید ویدئویی داشته باشند!

با بازگشت به مرحله دنیوی ادیت کردن و با فرض اینکه شما فاقد دستگاه اتوماتیک برای ادیت کردن باشید، باید گفت که شما دقت در ادیت کردن خود را با استفاده از تکمه Backspace "بر روی دستگاه ویدئو خود" بالا می‌برید. این کار را می‌توان با کمی اصلاحات در روشی که قبلاً در این بخش شرح داده شد، انجام داد. اگر شما این کار را انجام ندهید، بنابراین اولین ثانیه یا ثانیه‌های اول هر ضبط را در هنگام کپی کردن روی نوار از دست خواهید داد.

می‌توان با تاخیر در رها کردن تکمه Play-pause دستگاه پخش نوار مادر به مدت یک ثانیه

تاخیر در روی نوار ایجاد کرد. یک روش بهتر و دقیق‌تر تنظیم کمی زودتر edit-in بر روی نوار مادر "به اندازه یک ثانیه " است. بنابراین edit-in واقعی زمانی به هد پخش می‌رسد که نوار ضبط یا کپی بخش backspace را تکمیل کرده و شروع به ضبط نوار مادر خواهد کرد.

در این حالت تنظیم نقطه ادیت بر روی نوار مادر می‌تواند با استفاده از یک کرنومتر صورت گیرد. ابتدا طول مدت یک صحنه را که باید اصلاحات روی آن انجام گیرد از ابتدای صحنه اندازه‌گیری می‌کنیم. سپس اندازه backspace را از آن کم می‌کنیم. این مدت کوتاه‌تر در حقیقت مدتی است که شما باید نوار را برای edit-in آماده کنید. با دانستن این نکته، هر زمان که در حال ضبط صحنه‌ای بر روی نوار مادر هستید که قرار هست بعداً ادیت روی آن صورت بگیرد، در شروع هر برداشت حداقل پنج ثانیه بیشتر صحنه را ضبط کنید. این کار نه فقط حذف backspace را راحت‌تر می‌کند، بلکه به شما کمک می‌کند که مطمئن شوید، ادیت روی کپی ثابت‌تر باشد.

زمان backspace در دستگاههای مختلف فرق می‌کند، اما شما می‌توانید با یک کپی آزمایشی از یک صحنه و مقایسه آن با اندازه واقعی ضبط، اختلاف را پیدا کنید که این مقدار اندازه backspace خواهد بود. در صورتیکه دوربین شما دارای سیستم فریم به فریم باشد، می‌توان این اندازه را با شمردن فریم‌ها انجام داد. حتی می‌توانید این کار را با یک کرنومتر هم انجام دهید. در این مورد می‌توانید دقت کار خود را با استفاده از حالت حرکت کند و تبدیل آن به سرعت معمولی بالا ببرید. به عنوان اصلاحیه نهایی باید گفت که احتمالاً دیده‌اید که روی چند فریم آخر هر صحنه بر روی نوار کپی صحنه‌هائی در ادیت ضبط شده است. این مقدار روی نوار ضبط شدن هم می‌تواند اندازه‌گیری شود و در روی دستگاه ادیت کردن به آن مقدار نوار را جلوتر برد.

ممکن است همهٔ این کارها، نسبتاً پیچیده و گیج کننده به نظر برسند اما عمل کردن آنها بسیار راحت‌تر از شرح دادن آنهاست. اگر شما از یکی دوتا "دک‌های ادیت" دستگاههای ادیت که جهت راحت‌تر کردن ادیت که بر روی دستگاه ویدئو وجود دارند، استفاده می‌کنید، بنابراین قادر خواهید بود که خیلی سریع‌تر و با دقت بهتر با یکی از دستگاههای ساده کنترل ادیت کار کنید. این دستگاهها که در بازار ما جدید هستند، دارای تکمه‌های مخصوصی هستند که با کمک آنها می‌توانید ادیت خود را با سرعت "برق" از طریق جلو و عقب بردن نوار با هر سرعتی که بخواهید، از فریم به فریم و Slow motion تا سرعتی پنج برابر سرعت عادی انجام دهید. به دلیل مدارهای پیشرفته و قسمت‌های مکانیکی مدرنی که در آنها به کار رفته است، می‌توان کیفیت بسیار بالائی را در روی نوار کپی مشاهده کرد.

اگر علاقمند خرید "کنترل ادیت" به عنوان یک بخش از تجهیزات ادیت خود هستید، ابتدا مطمئن شوید که دستگاهی که در نظر گرفته‌اید قابلیت هم‌خوانی و سازگاری با دستگاه ویدئو و دوربین شما را دارد یا نه و اگر امکان دارد قبل از خرید آنرا آزمایش کنید.

مرحلهٔ معروف به "مونتاژ صحنه‌ها" یا shot assembly، عملی مرحله‌ای و زنجیره‌ای است. یعنی هر

صحنه باید با نظم و ترتیب و برحسب مدت زمانی که در نظر گرفته شده است کپی و ادیت بشود. اگر به پایان مونتاژ رسیده باشید و نظر شما در مورد یک صحنه و یا یک ادیت عوض شود و بخواهید آنرا عوض کنید، مجبور هستید که تمام مراحل را از اول تکرار کنید. این امر نه فقط شامل صحنه‌ای که می‌خواهید عوض کنید، بلکه شامل تمام صحنه‌های رو به جلو هم می‌باشد.

صفحه ۲

۱۶	LS: از سکوی قطار: چندین مسافر منتظر آمدن قطار هستند	۰۶۷۲	۶ ثانیه اول پاک شود ۹ ثانیه ضبط شود
۱۷	MS: چراغ راهنما سبز می شود	۰۸۵۱	۲ ثانیه قبل از اینکه چراغ سبز شود قطع، ۶ ثانیه ضبط شود
۱۸	ELS: بخار لکوموتیو به همراه سوت قطار	۰۶۹۵	۸ ثانیه ضبط شود

این یک صفحه از برنامه کارکرد یک مونتاژکننده است تا به او در تسریع کار کمک کند. شماره هر صفحه در منتهی‌الیه سمت راست همراه با توضیح مختصری از صحنه در کنار آن نوشته شده است. شماره‌های وسط صفحه، نمایانگر کنتور نوار در صحنه مربوطه هستند که جهت پیدا کردن نقطه مورد نظر کار آسان‌تر شود و تدوین گر بداند که هر ادیت از کجا باید شروع شود. توجه کنید که صحنه ۱۷ به طور اضافه، پس از اینکه مقدمات آمدن قطار نشان داده شده است، گرفته شده است. شماره کنتور نوار را می‌توان با کدهای ICT و یا VRCTC در صورت دارا بودن این دستگاهها" عوض کرد و آنها را نوشت.

بنابراین به صرفه است که در حین پیش رفتن کار همه‌چیز را کنترل کنید. تنها استثنا در مورد این عمل زنجیره‌ای insert کردن است. insert را می‌توان به فیلم اضافه کرد، بدون اینکه صحنه‌های دیگر را تحت تاثیر قرار دهد. چرا که آنها دارای همان مدت زمانی هستند که قرار هست جایگزین قسمت قبلی بشوند. تجهیزات insert هم همان تجهیزات ادیت کردن است.

قبل از اینکه مرحله مونتاژ را شروع کنید، بهتر است که برنامه ادیت کردن خود را روی کاغذ بنویسید. این نوشته می‌تواند یک یادداشت ساده باشد. اما بهتر این است که یک لیست از کلیه صحنه‌های ضبط شده با جزئیات و تجدید نظرهای مربوطه همراه با سایر اطلاعات دیگر برای ادیت کردن (مثل حذف شش ثانیه) جهت تسریع در کار نوشته شوند.

اینکه ترتیب مونتاژ چگونه باشد به قضاوت شخصی شما بستگی دارد. اما اصول ادامه از یک صحنه

به صحنه دیگر، کارکرد cutaway ها، ترتیب فیلم شما به طریقی منطقی که گویای داستان آن باشد، همه از قانون ادیت داخل دوربین پیروی می‌کنند. اکنون شما قدرت مانور تغییر ترتیب صحنه‌ها را دارید و می‌توایند آنقدر ادیت کردن را تکرار کنید تا از نتیجه کار خود راضی شوید. در حقیقت شما می‌توانید قطع و کنار هم گذاشتن صحنه‌ها را بی‌نهایت تکرار کنید، چرا که نوار اصلی هیچ صدمه‌ای نخواهد دید و هر تعداد دفعه که مایل بودید، می‌توانید از آن کپی تهیه کنید.

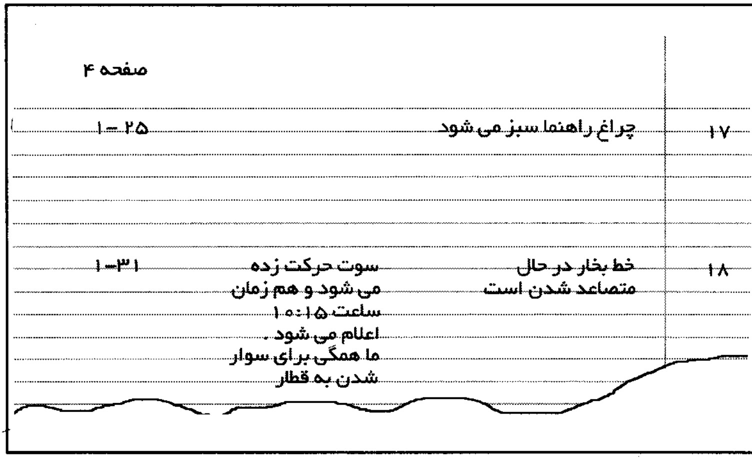
در سر و ته هر صحنه باید یک ادیت تمیز صورت بگیرد، مخصوصاً اگر هنرپیشه یا موضوع حاضر در صحنه در حال داخل یا خارج شدن از صحنه باشد. ورودها باید با چند فریم عمل "مرده" صورت بگیرد و خروج‌ها باید خیلی کامل و تمیز باشند.

به این ترتیب با مواد اولیه فیلم شعبده‌بازی کردن، کاری بسیار جذاب است. تصور کنید که مثلاً چند صحنه از یک بندر دارید. پائین بندر چند نفر ماهیگیر در حال آماده کردن قایق خود برای رفتن به دریا هستند. مسئلهٔ ادیت کردن در اینجا این خواهد بود که این سری صحنه‌ها با راهی شدن قایق به دریا ناگهان قطع می‌شود. ما به طور ناگهانی از صحنه مردان در حال کار به صحنه کشتی که در حال حرکت است می‌رویم. در اینجا در حقیقت یک پرش قطع یا jump-cut انجام داده‌ایم و وظیفه شما به عنوان ادیتور این است که یک پل بین این دو عمل بسازید.

تصور کنید که روزی دیگر، موفق به گرفتن چند صحنه از خالی کردن صید در همان بندر شده باشید. مثلاً در میان این صحنه‌ها چند صحنه نزدیک از تماشاچی‌های صید گرفته باشید و زاویه دوربین هم طوری باشد که خود قایق دیده نشود.

راه حل برای مسئله jump-cut این است که یک یا چند صحنه کلوزآپ بگیریم و درست در سکانسی که قایق در حال ترک کردن هست، قرار دهیم. اختلاف یا پرش بین قایق ایستاده و قایق در حال حرکت بدین وسیله پوشیده می‌شود. زمانی که در یک محل برای ضبط بسر می‌برید، در حقیقت ایده خوبی است که همیشه چند صحنه اضافی برای استفاده cutaway ضبط کنید تا شما را از مشکلات بعدی بیرون بیاورند. در این مثال احتمال این وجود دارد که صدای متن cutaway با بقیه سکانس جور در بیاید. اگر به هر دلیلی این طور نیست، می‌توانید یک صدای جدید برای هماهنگی با صدای متن مونتاژ کنید. این کار را می‌توانید از طریق صدای یک ضبط صوت و یا ضبط بخشی از صدای نوار اصلی انجام دهید.

اگر تصمیم به استفاده از توضیحات نوشتنی دارید، باید روی زمان بندی‌ها کار کنید. راحت‌ترین شکل نوشتن نوعی است که جزئیات یک صحنه در یک طرف صفحه نوشته می‌شوند. در صورتیکه توضیحات و کلمات مربوط به آن در طرف دیگر نوشته می‌شوند. برای این کار از کاغذهای خطدار استفاده کنید و هر خط را به جای یک ثانیه زمان فیلم در نظر بگیرید سپس می‌توانید توضیحات را با درج سه کلمه در هر سطر بنویسید. این سرعتی است که طی آن صدا به میکروفون منتقل می‌شود.



یک شیوه راحت جهت نوشتن توضیحات: صفحه به دو ستون تقسیم شده است. جزئیات هر برداشت در سمت راست نوشته شده‌اند و توضیحات در سمت چپ آن. هر خط کاغذ بیانگر یک ثانیه است و کلمات به سرعت ۳کلمه در هر ثانیه نوشته شده‌اند. زمان برنامه از شروع فیلم تا نقطه مربوطه در سمت چپ نوشته شده است. این شکل برنامه ریزی، کار همزمان شدن کلمات و ضبط آنها در صحنه‌های مختلف و همبود شدن صدا و تصویر را آسان می‌کند.

استیل توضیحات باید منعکس کننده استیل نمایش ما باشد. یک ضبط برنامه خانوادگی باید خیلی ساده و از طرف فردی با صدای راحت و آرام توضیح داده شود. سفر به دیار دور دست و خارجه می‌تواند تا حدی دارای استیل وسیعی باشد تا با شرایط جور در بیاید. مدت زیادی جهت "نفس کشیدن و استراحت" بین هر قسمت بگذارید تا تماشاچی برنامه شما به وسیله اطلاعات زیاد، بمباران نشود. اجازه ندهید که توضیحات شامل چیزهائی باشند که قبلاً روی صفحه تلویزیون دیده است، در مقابل سعی کنید که اطلاعات شما تصویر را تکمیل و اطلاعات اضافی به تماشاچی بدهد. به عنوان مثال توضیح "ماهیگیری در دریا کار آسانی نیست" ممکن است چیزی به بیننده بدهد که تصویر نتواند عرضه کند.

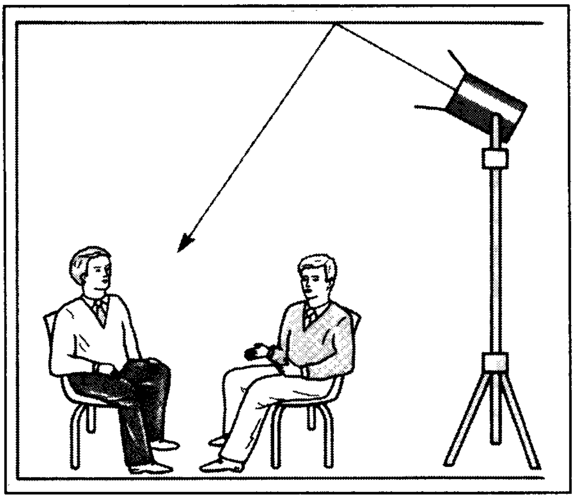
۹ ـ نورپردازی بهتر

دوربین‌های ویدئویی امروزی در تصویربرداری از صحنه‌های کم نور، واقعاً معجزه می‌کنند. اکثر آنها می‌توانند درنورهائی در مقیاس ده‌لوکس "معادل نور شمع" و یا پائین‌تر تصویر برداری کنند. این واقعیتی است که به عنوان ضرب‌المثل گفته می‌شود که دوربین‌های ویدئویی می‌توانند حتی در نور کم زیر زمین‌های تاریک هم فیلمبرداری کنند. جای هیچ صحبتی نیست که در این شرایط کیفیت تصویر به مقدار زیادی عوض خواهد شد و به سطح پائینی نزول خواهد کرد. رنگ‌ها به نحو زیادی ضعیف خواهند شد و به صورت کم‌رنگ پدیدار خواهند شد. وضوح تصویر هم به شکل چشمگیری پائین خواهد آمد، چرا که لنز مجبور است با دیافراگم باز کار کند. قسمت الکترونیک دوربین هم به طور یکنواخت کار خواهد کرد و این باعث می‌شود تا تصویر غیر ملایم و برفکی ضبط شود.

بعضی وقت‌ها شما به این چیزها اهمیت نمی‌دهید، چرا که آزادی عمل اینکه بتوان در هر نوری فیلمبرداری کرد، باعث می‌شود که این ضعف‌ها کم بهاتر جلوه کنند. ولی مواقعی پیش می‌آیند که شما علاقمند می‌شوید تا فیلم خود را با تصویری با کیفیت بالا ضبط نمائید، مثلاً در یک میهمانی خانوادگی. در این صورت مسئله نور دادن به صحنه اهمیت خاصی خواهد داشت. البته این بدین معنی نیست که شما احتیاج به تهیه نورافکن‌های پرقدرت به همراه کابل‌های بلند و کلفت خواهید داشت. این کار البته باعث بالا بردن نور صحنه خواهد شد ولی حضور آنها باعث تغییر کیفی صحنه و بوجود آوردن یک مراسم غیر رسمی خواهد بود و شکل مراسم را عوض خواهد کرد.

اولین حرکت باید این باشد که ببینیم آیا نورهای موجود در صحنه قابلیت نورپردازی کار ما را بدون ایجاد تغییرات زیاد دارند یا نه؟ به عنوان مثال چنانچه مراسمی که قصد فیلمبرداری آنرا دارید باید در یک هال و پذیرائی با نور یک لوستر سه‌شعله انجام شود، شاید بتوان با عوض کردن لامپ‌ها با سه‌لامپ قوی‌تر، نور لازم صحنه را تامین نمود. البته در این رابطه سعی نکنید که لامپ‌هائی آن چنان قوی به

لوستر بزنید که باعث جریان زیاد برق در سیم‌ها بشود و آنها را بسوزاند و یا لامپ‌هائی که خود تولید حرارت زیادی می‌کنند و حرارت آنها باعث سوختن تاسیسات برقی شما بشود و آتش‌سوزی رخ دهد.



در این مثال نور به طرف سقف تابیده می‌شود و انعکاس آن صحنه را روشن می‌کند. سطحی که نور انعکاس پیدا می‌کند، باید سفید باشد تا رنگ نور انعکاسی هم سفید باشد. اگر این سطح سفید نیست، باید از وسائل دیگری برای انعکاس نور استفاده کرد.

هرچند روش بالا می‌تواند در اضافه کردن نور صحنه تاثیر بسزائی داشته باشد، اما می‌توانید محدوده کار خود را گسترش دهید و ببینید که چه منابع نوری دیگری در دسترس شما موجود می‌باشند. آیا آباژورها و چراغ‌های سیار دیگری وجود دارند؟ و آیا با تغییر جای آنها می‌توان نور بیشتری تولید کرد؟ آیا می‌توان وات لامپ‌ها را بالا برد؟ اغلب مواقع این کارها امکان‌پذیر است و می‌توان تا حدی نور را بالا برد. آیا در منزل چراغ اسپات وجود دارد. اگر هست می‌توان از آن برای نور دادن به صحنه مورد نظر استفاده کرد.

در سه مورد از هر ده مورد با کمی دقت و توجه و تغییر جای منبع یا منابع نور می‌توان یک فیلمبرداری خوب با نور مناسب انجام داد. اگر موارد ذکر شده بالا موثر واقع نشدند، برای حل قضیه می‌توانید به نور افکن‌های ویدئویی متوسل شوید. هرچند تعداد افراد کمی از کارکردن و بسر بردن در زیر این نورافکن‌ها لذت می‌برند ولی بعضی مواقع استفاده از آنها کاملا ضروری است و بهترین استفاده از آنها در حالتی است که نور را از سطحی به جائی دیگر منعکس کنند، روشی که به آن bounce lighting می‌گویند.

همان طور که نام آن نشان می‌دهد، این نور عبارت از تابش مجدد از روی یک صفحه منعکس کننده نور است، این کار به عوض تابش مستقیم نور به موضوع صورت می‌گیرد. چنانچه دیوارها و سقف اتاق سفید و یا نزدیک به سفید باشند، نور می‌تواند به بالا و در بالای سرکسانی که در صحنه حضور دارند تابانده شود و سپس به طور غیر مستقیم به طرف آنها منعکس شود. البته به عنوان یک راه دیگر می‌توان نور را به یک صفحهٔ سفید مخصوص به نام رفلکتور که از جنس خاصی می‌باشد، تاباند.



این دوربین مجهز به یک پروژکتور ۶ وات قابل جدا شدن از دوربین برای روشنایی صحنه است. پروژکتور سمت چپ با باتری کار می‌کند و جهت روشن کردن لامپ ۱۲ ولت ۱۰۰ وات به کار می‌رود. لامپ پروژکتور می‌تواند از قسمت باتری جدا شود و روی دوربین کار گذاشته شود.

نور باز تابیده نوری نرم و ملایم است و از این رو مشابه نور محیط اتاق است. نمایش سوژه‌ها با این نور خیلی طبیعی است و پخش شدن نور در این محیط طوری است که افراد حاضر در صحنه می‌توانند بدون هیچ‌گونه اشکالی به نقاط مختلف صحنه بروند و ترسی از اینکه در نقاط کم نور و یا پرنور واقع بشوند، نداشته باشند. اشکال این نور این است که نور قوی و کار آمدی نیست و در مقایسه با نورهای مستقیم دیگر، تابش این نور در پائین‌ترین سطح خود می‌باشد، مگر اینکه شما از لامپ‌هائی با قدرت وات بیشتری استفاده کنید.



تشکیلات اولیه نورپردازی معمولا با سه پروژکتور کار می‌کنند. اولین منبع نور در پشت سوژه جای داده می‌شود. وظیفه این نور ایجاد یک لبه در دور سوژه شده است تا بدین وسیله سوژه را از پس زمینه جدا کند.

برای این منظور، لامپ‌های قوی ویدئویی که تکامل لامپ‌های دوران عکاسی هستند باتوان نوردهی چند ساعته تولید شده‌اند. هرچند نورافکن‌های معروف به "فتوفلاد" که مجهز به رفلکتورهای

آلومینیومی هستند، کماکان مورد استفاده قرار می‌گیرند، ولی در حال حاضر لامپ‌های هالوژنی که در فرم‌ها و مدل‌های مختلفی وجود دارند، میدان را از دست آنها بیرون آورده‌اند.

نور افکن‌های ویدئویی قابل حمل در مقایسه با دیگر نورافکن‌ها، انرژی کمتری مصرف می‌کنند و در عین حال هم میدان کمتری را روشن می‌کنند. بعضی از آنها قابل نصب بر روی دوربین ویدئو، در جائی که برای این کار در نظر گرفته شده هستند که از باتری جداگانه خود استفاده می‌کنند. بعضی دیگر روی دوربین ثابت هستند و از نیروی باتری دوربین استفاده می‌کنند. بعضی از آنها را باید با دست روشن خاموش کرد و بعضی دیگر را طوری تنظیم کرده‌اند که هرگاه نور از مقدار معینی پائین‌تر بیاید، نورافکن به طور اتوماتیک روشن خواهد شد. هربار استفاده از نورافکن به مقدار زیادی قدرت برق باتری را تخلیه می‌کند.

البته نورافکن‌های قدرتمندی (۳۰۰ وات) هستند که قابل حمل می‌باشند و هم قابلیت نوردهی بیشتر و هم دارای گرمای زیادی هستند. این نورافکن‌ها بر روی دوربین قابل نصب و بسیار مناسب کار هستند. اما نوردهی با یک لامپ و آن هم بصورت مستقیم و از روبرو، چیزی نیست که دربارهٔ آن زیاد صحبت کنیم.

برای استفاده‌های عمومی و در جائی که نور بیشتر و از نظر ضبط تصویر کیفیت بهتری مورد نیاز است، می‌توان از نورافکن‌های قوی که بر روی سه‌پایه نصب می‌شوند، استفاده کرد. برای این منظور نورافکن‌هایی مختلف با قدرت نوردهی گوناگون از ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ وات وجود دارند که با قرار دادن دو عدد آنها در کنار هم می‌توان به ۲۰۰۰ وات قدرت دست یافت.



سپس نور اصلی به مدل تابانده می‌شود. این نور با فاصله‌ای از سوژه و از کنار دوربین به آن تابیده می‌شود و منبع اصلی روشن کردن سوژه است.

علیرغم قدرت بالای لامپ‌های هالوژن، حرارتی که آنها تولید می‌کنند، نیز قابل ملاحظه است و نمونه‌های ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ واتی آنها باید با یک پنکه خنک شوند، صدای پنکه در سر صحنه باعث اشکال در هنگام ضبط و صدا برداری می‌شود. البته اغلب آنها ساکت هستند و می‌توانند در استودیو به دور از میکروفون مورد استفاده واقع شوند. برای نورپردازی کاملاً ساکت و بدون سر و صدا، می‌توان از لامپ‌های ۶۰۰ ـ ۵۰۰ وات بدون پنکه و یا فتوفلادهای ۲۷۵ یا ۵۰۰ وات استفاده کرد.

فتوفلادها می‌توانند به دو صورت نور بدهند: یا به صورت پرتو "نور پهن" که برای مصارف عمومی

مورد استفاده قرار می‌گیرد و یا به صورت موضعی "نقطه‌ای" که به آن اسپات می‌گویند و با استفاده از آن می‌توان نور را روی یک نقطه متمرکز و روشن کرد، که در این صورت دارای لامپ‌های فوکوس شونده مختلف هستند و برای موارد مختلف مورد استفاده واقع می‌شوند. همه آنها دارای شیشه‌های محافظ هستند که این کار باعث نرم شدن نور آنها می‌شود. هم چنین آنها دارای درهای جانبی لولائی هستند که جهت انتقال مستقیم نور مورد استفاده واقع می‌شوند. نمونه‌های گران تر آنها دارای محلی جهت قرار دادن فیلتر پخش کننده یا diffuser هستند تا نور و حرارت مورد نظر را به حد مطلوب کم و زیاد کنند.



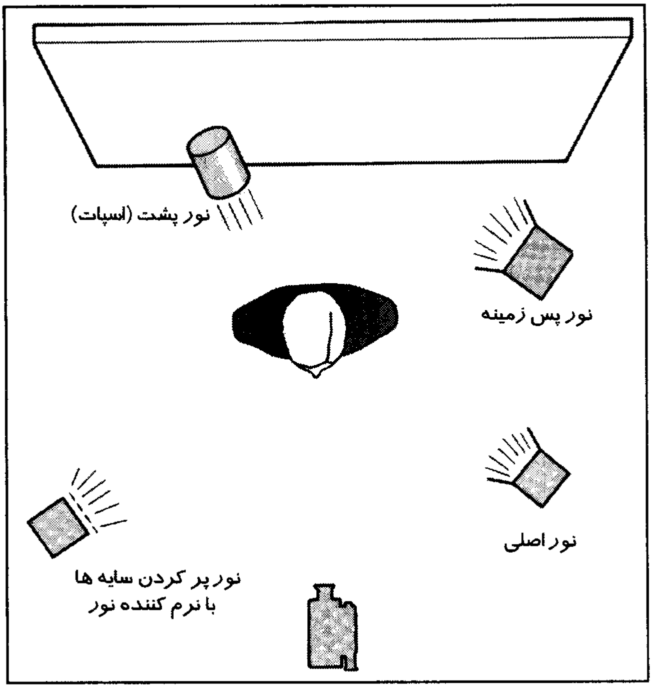
نور ملایم دیگری جهت پر کردن سایه‌های ایجاد شده روی مدل از سمت دیگر دوربین به آن تابیده می‌شود. وظیفه این نور کم کردن و یا از بین بردن سایه‌های ایجاد شده بر اثر نور اصلی است.

لامپ‌های هالوژن بسیار خوب ولی گران هستند. عمر لامپ‌ها را می‌توانید تا حدود ۱۵ ساعت، با استفاده صحیح و مراقبت از آنها بالا ببرید. بنابراین در هنگام استفاده، مواظب حرکات مکانیکی و ضربه وارد آمدن به آنها باشید. زمانی که آنها را خاموش کردید، صبر کنید تا سرد شوند و سپس آنها را نقل مکان دهید. عمر لامپ‌ها به تعداد دفعاتی که آنها را خاموش و روشن می‌کنید نیز بستگی دارد. مقدار جریان برق زیادی که در هنگام روشن شدن استفاده می‌کنند، می‌توان با سری وصل کردن دوتای آنها به هم کاهش داد. سپس مقدار برق مصرفی کم خواهد شد و در این حالت می‌توان آنها را به صورت موازی به شبکه برق وصل کرد و با قدرت تمام از آنها استفاده کرد. در بعضی از مدل‌ها کلید تبدیل سری به موازی موجود است و در بعضی دیگر باید این کلید را تعبیه کرد.

برای برنامه‌های ضبطی که نور مستقیم فلاد جهت تاباندن به شخص یا گروهی مورد احتیاج باشد، محل دقیق قرار گرفتن لامپ مهم است. اصول اولیه نورپردازی بر اصل تنظیم سه‌لامپ استوار است. اولین لامپ از این دسته وظیفه روشن کردن پشت سر را دارد. کار آن این است که با ایجاد یک محیط نوری در پشت سر موضوع، سوژه را از پس‌زمینه جدا کند. اغلب مواقع از یک اسپات برای این منظور استفاده می‌شود، چرا که معمولاً اسپات نور را در یک نقطه متمرکز می‌کند و می‌تواند دقیقاً محوطهٔ شانه و بالای سر را روشن کند.

بعد از قرار دادن و تنظیم نور پشت سر، نوبت نور اصلی است. این نور است که قابلیت و شکل فتوگرافیک سوژه را به شکل اصلی نشان می‌دهد و سطح نوردهی دوربین را در حد معمول نگه می‌دارد.

نور اصلی را هیچ وقت از جلو به موضوع نتابانید، بلکه آنرا با یک زاویه نسبت به دوربین، به موضوع بتابانید و سعی کنید که نورافکن با افق یک زاویه ۴۵ درجه داشته باشد.



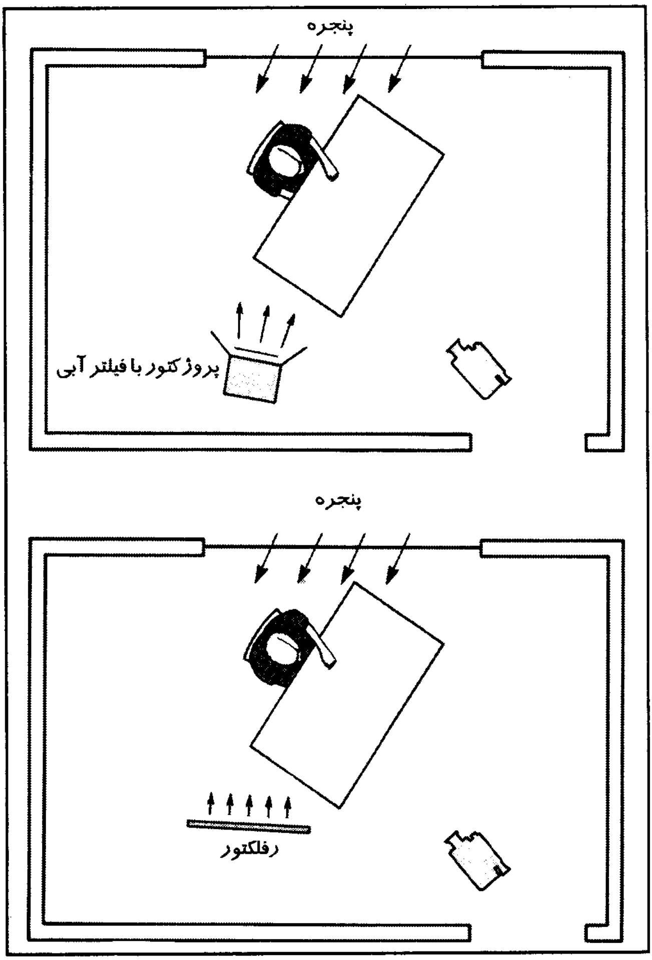
دیاگرام و شکل قرار گرفتن سه پروژکتور یا منبع نوری، همان طور که می‌بینید نور چهارمی هم جهت روشن کردن پس زمینه به صحنه اضافه شده است. انتخاب و استفاده از این منبع کاملا شخصی و اختیاری است.

این نور کاملاً مستقیم به سوژه تابانده می‌شود و برای آنکه از کنتراست‌های تند در عمق صحنه جلوگیری کنید، باید آنرا تا حد امکان در محلی دور از موضوع اصلی قرار دهید، تا حدی که نوری مطلوب برای تصویر برداری باشد. هرگاه فاصله نور از سوژه را دو برابر کنید، روشنائی صحنه را چهاربرابر کمتر کرده‌اید.

اکنون زمان قرار دادن لامپ سوم است که به نور پر کردنی fill-light مشهور است و باید آنرا در سمت دیگر دوربین قرار داد تا سایه‌های ایجاد شده را کمتر و نور ملایم‌تری بر روی سوژه ایجاد کند. معمولاً این نور از یک diffuser که شاید دارای صفحهٔ شیشه‌ای هم باشد، تشکیل شده است و آنرا طوری قرار می‌دهند که نور آن حدود نصف نور اصلی باشد.

برای تنظیم کردن نور به شیوه استاندارد، بعضی وقت‌ها یک منبع نوری دیگر که بتواند به تنهائی پس‌زمینه را روشن کند به صحنه اضافه می‌شود. وظیفه این نور علاوه بر روشن کردن پس‌زمینه، از بین بردن هرگونه سایه احتمالی که احیاناً براثر نور اصلی ایجاد شده است، می‌باشد. اندازه روشنائی و نورپردازی پس‌زمینه باید در سطحی پائین‌تر از نور اصلی باشد تا بتواند به صحنه عمق بدهد و موضوع اصلی را برجسته کند. شما می‌توانید سیستم نورپردازی خود را با اضافه کردن تعداد لامپ‌ها گسترده‌تر و

زیادتر کنید و منطقه وسیع‌تری را زیر پوشش نور قرار دهید. اگر فقط از سیستم سه‌لامپ استفاده می‌کنید، موضوع اصلی شما در یک محدودهٔ کوچکی قابلیت تحرک خواهد داشت. در غیر این صورت تعادل نوری بهم خواهد خورد و ممکن است ضبط صحنه در نقاط تاریک انجام شود.



در شکل بالا، موضوع به وسیله نور طبیعی که از پنجره می‌آید، روشن شده است. برای کم کردن سایه‌های ایجاد شده یک لامپ فلاد هم به صحنه اضافه شده تا نور بیشتری ایجاد کند. توجه کنید که یک فیلتر تصحیحی آبی در جلوی پنجره قرار گرفته است تا رنگ دو نور را هم ساز نماید "نور مصنوعی را با نور روز"

در شکل پایین به عنوان راه حلی دیگر یک رفلکتور یا منعکس کننده نور، جای لامپ فلاد را گرفته تا انعکاس نور پنجره را به سوژه بتاباند.

قبلاً دربارهٔ ترکیب نور طبیعی روز و نور مصنوعی صحبت کردیم. یک مثال در این مورد می‌تواند زمانی باشد که موضوع یا شخص در کنار پنجره واقع شده باشد و به وسیله نور بیرون روشن شود. چنانچه سمت تاریک سوژه به وسیله نور مصنوعی روشن شود، بنابراین بلافاصله تفاوت رنگ دو نور مشهود خواهد بود. قسمت نور روز دارای نوری سرد با تون آبی و قسمت نور مصنوعی دارای نوری گرم با تون قرمز خواهد بود. هیچ تعادل نور سفیدی WB نمی‌تواند این مشکل را حل کند و باید به دنبال راه حلی دیگر بود که این مشکل را حل کند تا رنگ نور دارای ارزش واقعی خود باشد.

راحت‌ترین راه این است که نور مصنوعی را خاموش کنیم و با یک رفلکتور نور روز را به سمت تاریک

سوژه منعکس کنیم. البته با این فرض که ضبط تصویر تقریباً از فاصله نزدیک انجام گیرد و موضوع در حال تصویر برداری در یک حالت باقی بماند. این شیوه در حقیقت نتیجه خوبی خواهد داد و کم‌ترین هزینه و تلاش را مصرف خواهد کرد. هر نوع چیزی می‌تواند به عنوان رفلکتور مورد استفاده واقع شود: فویل آلومینیم، یک صفحه مقوای بزرگ سفید، پردهٔ نمایش اسلاید و یا رفلکتورهای مخصوص این کار که از مغازه‌های عکاسی می‌توان خرید.

یک راه حل دیگر جهت مسئله نور ترکیبی این است که رنگ یک نور را طوری عوض کرد که به رنگ نور دیگر در بیاید. راحت‌ترین راه این است که با قرار دادن فیلترهای تصحیحی، در جلوی لامپ نور آنرا "سردتر" کرد و حرارت آنرا پائین آورد. این نوع فیلترهای آبی را می‌توان از مغازه‌های عکاسی و یا وسائل تخصصی تئاتر خریداری کرد. نوع نیمه آبی آن بهترین نمونه این کار است. بخشی از قدرت نور به وسیله فیلتر جذب خواهد شد که از اینرو آنرا گرم خواهد کرد و بهتر است که فیلتر از نوع فیلتر ژلاتینی مقاوم در مقابل حرارت باشد.

جهت نورپردازی منطقه وسیعی از صحنه به جای روش بالا، می‌توان نور روز را "گرم‌تر" کرد. این کار را می‌توان با چسباندن ورق‌های پلاستیکی نارنجی به شیشه‌های پنجره انجام داد. این صفحه‌ها به نام WF نارنجی مشهور هستند و می‌توان آنها را به صورت رول تهیه کرد. البته به دلیل قیمت کمی گران آنها، می‌توان چندین بار از آنها استفاده کرد.

در مکان‌های بزرگ مثل کلیسا، کارخانه و کارگاه مشکل است که بتوان نور را به شیوه‌های بالا استاندارد کرد، علیرغم اینکه این اعمال غیر ممکن نیستند. در این گونه اماکن تعداد نورافکن‌های زیادی را باید به کاربرد و از آنجا که این نورافکن‌ها برق زیادی را به خود اختصاص می‌دهند، فشار روی سیم‌های برق زیاد خواهد شد.

پرسنل حرفه‌ای تلویزیون همیشه موتور برق‌های خاص خود را می‌آورند تا بتوانند منطقه وسیعی را نورپردازی کنند. آماتورها مجبور هستند که راه‌های کم‌خرج‌تر را انتخاب کنند. قدرت فوق‌العاده دوربین‌های ویدئویی غیر حرفه‌ای که قادر است در یک محیط کم نور فیلمبرداری را انجام دهد به اضافه نور افکنی اضافی که جلوی صحنه را روشن می‌کند، یکی از این راه حل‌ها است.

در تئاترها، نورپردازی صحنه ممکن است کم و زیاد شود ولی اغلب برای ضبط ویدئویی کافی است. اگر برنامهٔ تئاتر فقط برای ضبط ویدئویی انجام می‌شود، می‌توان نورهای بیشتری را به صحنه اضافه کرد و در لحظه مورد نظر نمایش تئاتر را قطع کرد تا نورپردازی را برای صحنه جدید آماده کرد.

همان طور که قبلاً گفته شد، پروژکتورهای ویدئویی مصرف برق زیادی دارند. اصولاً برای هر ۱۰۰۰ وات نور، ۴ آمپر برق مورد احتیاج است. از اینرو رعایت نکات ایمنی در هنگام استفاده از این وسائل اصل مهمی است. برای هر پروژکتور از پریز جداگانه استفاده کنید و فشار وارد به کل سیستم را تا جائی که می‌توانید در بخش‌های مختلف تقسیم کنید. از سیم‌هائی که توانائی انتقال برق مورد نظر را دارند،

استفاده کنید و آنها را طوری مورد استفاده قرار دهید که شرایط اجازه می‌دهد. اگر سیم و کابل‌ها بر روی یک قرقره پیچیده شده‌اند، ابتدا همهٔ کابل‌ها را از روی قرقره باز و آزاد کنید و سپس آنها را به برق متصل کنید. در غیر این صورت ممکن است که آنها حرارت زیادی تولید کنند. هم چنین اجازه ندهید که کابل‌ها و سایر اتصالات خیس شوند.

در پایان نکات ایمنی باید گفت که به افراد دیگر اخطار کنید که از تماس با سطح لامپ‌ها خودداری کنند، مخصوصاً درها و اتصالات فلزی پروژکتورهای اسپات. هم چنین توجه کنید که سه‌پایه‌هائی که برای قرار دادن پروژکتورها بر روی آنها استفاده می‌کنید، طوری قرار نگرفته باشند که در رفت و آمد افراد واژگون بشوند.

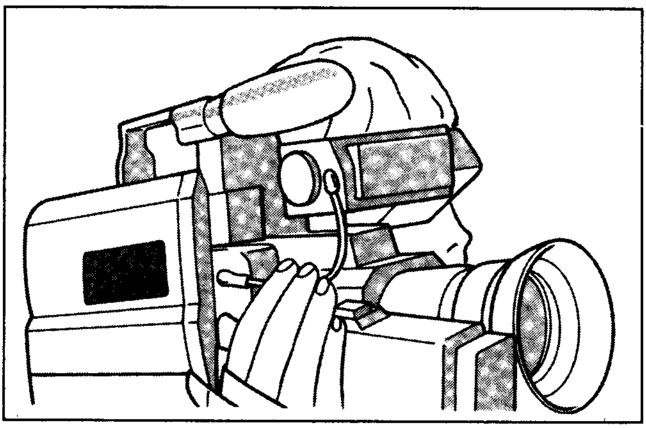
۱۰ـ ضبط صدای بهتر

همان طور که قبلاً دیدیم، میکروفون دوربین‌های ویدئویی که بر روی آنها نصب و ثابت است، دارای محدودیت‌های زیادی می‌باشد. این نوع میکروفون‌ها مستعد جذب و ضبط صداهائی که در خود دوربین تولید می‌شوند، هستند و چنانچه بخواهید مصاحبه با شخصی که بیشتر از یک متر از دوربین فاصله داشته باشد را ضبط کنید، مطمئناً کیفیت صدا چیز مطلوبی نخواهد شد. به علاوه وسیله و ولومی جهت کنترل و کم و زیاد کردن صدا به هنگام ضبط وجود ندارد "بر روی اکثر مدل‌ها ". یک مسئله دیگر این است که خیلی وقت‌ها یک میکروفون جهت ضبط صدا کافی نیست و باید از میکروفون‌های دیگر هم استفاده کرد. خوشبختانه این مسائل در صورتی که دوربین شما دارای پریزی جهت اتصال میکروفون اضافی باشد، قابل حل هستند.

اگر با میکروفون‌ها آشنائی نداشته باشید، مطمئناً با این تنوع گونه‌های مختلف میکروفون که در بازار است، دچار مشکل انتخاب خواهید شد. علت این تنوع میکروفون‌ها در دو چیز است: اول اینکه میکروفون‌ها بر حسب مورد استفاده خود به شکل‌های مختلف صدا را جذب می‌کنند و دوم اینکه روش‌هائی که صدا را به سیگنال‌های الکترونیکی تبدیل می‌کنند در انواع مختلف آنها فرق می‌کنند. مثلاً در مورد جذب صدا دو مدل مختلف وجود دارد که یک دسته صدا را از تمام جهاتی که می‌آیند جذب می‌کند و دسته دیگر فقط صدائی که از یک سو می‌آید را جذب می‌کنند.

میکروفون‌هائی که صدا را از تمام جهات جذب می‌کنند، به طور یکسان صداهای محیط پیرامون را جذب و انتقال می‌دهند. میکروفونی که شما بر روی دوربین خود دارید از این نوع می‌باشد. این نوع میکروفون‌ها جهت جذب صدای یک صحنه بسیار خوب هستند. اما از آنجائی که جهت صداهائی که از یک مسیر می‌آیند تنظیم نشده‌اند، بنابراین امکان دارد که صداهای ناخواسته‌ای که در خارج از صحنه قرار دارند هم جذب میکروفون شوند و ضبط را خراب کنند.

میکروفون‌های یک جهتی طوری طراحی شده‌اند که فقط صدای جلوی خود را جذب و انتقال دهند. این نوع میکروفون‌ها معمولاً به میکروفون "شکل قلب" هم مشهور هستند، چرا که محدوده‌ای که قابلیت جذب صدا را دارند به شکل قلب است. میکروفون‌هائی از این نوع قابلیت جذب صدا را در محدودهٔ صحنه دارند و مسئله ضبط صداهای ناخواسته را به نحو چشمگیری کاهش می‌دهند. ممکن است میکروفون روی دوربین شما بیشتر یک جانبه باشد تا چند جانبه. بطور کلی این نوع میکروفون‌ها جهت کار ویدئویی مناسب‌تر هستند، چرا که چیزی را ضبط می‌کنند که شما می‌بینید. بعضی از میکروفون‌های سیار، دارای قابلیت سوپر چند جانبه هستند. این نوع میکروفون‌ها در شرایط و جاهائی استفاده می‌شوند که موقعیت دشوار ضبط صدا وجود دارد.



میکروفون‌های ثابت بر روی دوربین، به همان نسبت که صدای صحنه را ضبط می‌کنند، قادرند که صداهای ناخواسته، از جمله صدای خود دوربین را هم جذب و ضبط کنند.

از جنبه تبدیل صوت به سیگنال‌های الکترونیکی، میکروفون‌های کریستالی، ارزان‌ترین نوع هستند ولی کیفیت ضعیفی که دارند، آنها را مناسب کار ویدئویی نمی‌سازد. میکروفون‌های الکترت electret دارای یک خازن قطبی به عوض کریستال هستند. سطح و کیفیت سیگنال‌ها در آنها خوب است و قیمت آنها متوسط است و برای مصارف عمومی مختلف مناسب هستند، اما خود میکروفون‌ها با یک باتری کار می‌کنند. میکروفون‌های دینامیک مانند عکس یک بلندگوی مینیاتوری و کوچک کار می‌کنند. کیفیت آنها خیلی خوب است و احتیاج به باتری هم ندارند. برای مصارف عمومی "مخصوصا موزیک" خیلی مناسب هستند. میکروفون‌ها برحسب مورد و روش‌های مختلف استفاده خود به شکل‌های مختلفی تولید و ساخته می‌شوند.

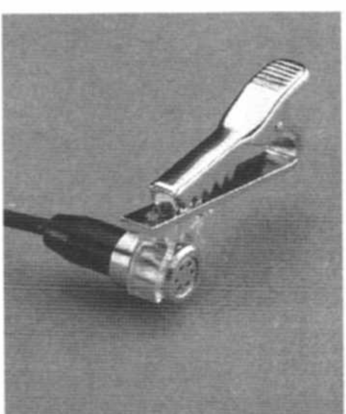
میکروفون معمولی

این نوع میکروفون می‌تواند روی سه‌پایه نصب و یا در دست نگه داشته شود و به نوع الکترت و دینامیک موجود است. این نوع میکروفون‌ها در مدل‌های یک جانبه موجود هستند. میکروفون‌های

معمولی برای همه‌گونه کارهای مختلف هستند، اما زمانی که برای کارهای ویدئویی مورد استفاده واقع می‌شوند، تصویر آنها به طور واضح بر روی صفحه مشخص خواهد شد. بعضی وقت‌ها این مسئله کاملاً عادی و بدون هیچ‌گونه مزاحمت است، مثل ضبط مصاحبه در خیابان و یا ضبط موزیک. اما در ضبط یک نمایش تئاتر، این کار غیر ممکن است و باید میکروفون روی یک پایه مخصوص موسوم به "بوم" نصب و مورد استفاده واقع شود.

میکروفون سنجاقی یا "کراواتی"

این نوع میکروفون‌ها از نوع مینیاتوری الکترت هستند که مخصوصاً جهت ضبط مصاحبات و زمانی که میکروفون بزرگ دست و پاگیر و مزاحم است، مناسب می‌باشند. این میکروفون‌ها به لباس شخص صحبت کننده متصل می‌شوند و تقریباً وسیله‌ای غیرمزاحم در تصویر هستند. زمانیکه میکروفون چند سانت دورتر از دهان شخص صحبت کننده قرار داده شود، صدای او را به طور واضح وقوی، بدون سرو صداهای مزاحم اطراف جذب و منتقل خواهد کرد. اگر اشخاص صحبت کننده بیشتر از یک نفر باشند، باید هر شخص دارای یک میکروفون باشد و تمام صداها از طریق یک میکسر صدا به دستگاه ویدئو انتقال یابد. از این رو میکروفون‌های سنجاقی برای صحبت و مصاحبه با گروه‌های پر تعداد مناسب نیستند. میکروفون‌های سنجاقی دارای سیم، نوع بسیار ارزان و خوبی هستند ولی قدرت حرکت کردن انسان را محدود می‌کنند. به عنوان یک راه حل بهتر می‌توان از شکل‌های مختلف میکروفون رادیوئی استفاده کرد که قدرت حرکت انسان را هم محدود نمی‌کند. با استفاده از این سیستم سیگنال‌ها از طریق یک گیرنده جمع و به وسیلهٔ یک سیم کوتاه به دوربین ویدئو منتقل می‌شوند.

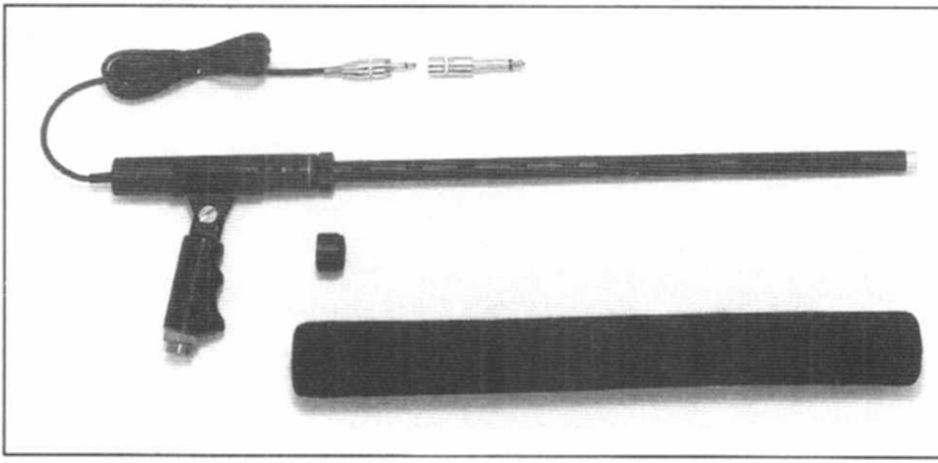


میکروفون‌های مینیاتوری سنجاقی برای ضبط موضعی بسیار عالی هستند، چرا که این میکروفون‌ها می‌توانند به طرف دهان نصب شوند و تنها صدای سخنگو را بدون جذب دیگر صداها، انتقال دهند.

میکروفون تفنگی

این میکروفون‌های سوپر چند جانبه‌ای قابلیت جذب صدای صحبت کنندگان مجزا و یا یک منبع صوتی را دارند. از این رو کارکردن با آنها مستلزم استفاده از یک صدابردار است که صداها را از طریق یک

هدفون گوش و تنظیمات لازم را انجام دهد. میکروفون‌های تفنگی دارای محدودیت‌های استفاده در هوای آزاد و فضای سرپوشیده در رابطه با انعکاس صدا از طرف دیوارها هستند که قابلیت آنها را خیلی پائین می‌آورد.



این میکروفون تفنگی دارای قابلیت بسیار زیاد جذب یک طرفه صدا است. از این نوع میکروفون برای مسابقات ورزشی و یا برنامه‌های مشابه استفاده می‌کنند. این میکروفون همچنین قابلیت تبدیل به میکروفون دو جهته را دارد.

میکروفون بوم

میکروفون‌هایی یک جانبه که بر روی یک پایه بلند نصب و می‌توانند بالای سرشخص صحبت کننده آویزان باشند و یا به طرف جائی که شخصی صحبت می‌کند، گرفته شوند. عمده استفادهٔ آنها برای ضبط نمایش و تئاتر می‌باشد و برای کار با آنها شخص صدابردار مورد احتیاج است. با توجه به قیمت بالای این نوع میکروفون‌ها، با آویزان کردن میکروفون خود بر روی یک بوم و یا پایه می‌توانید در حد آماتوری یک میکروفون بوم داشته باشید.

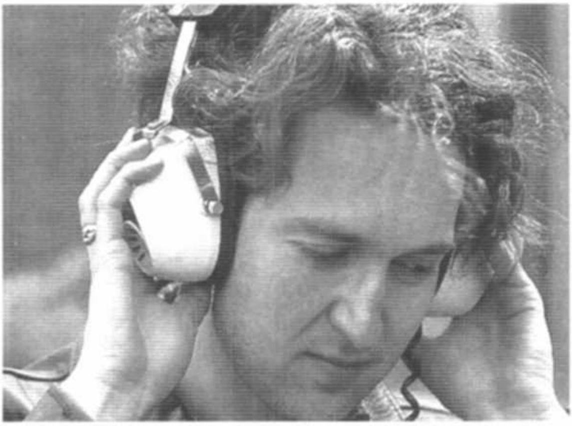
قبلاً گفته شد که میکسرهای صدا می‌توانند چند صدا را که از چند میکروفون‌های مختلف می‌آیند، ترکیب کنند. هم چنین آنها در کم و زیاد کردن صدا هم می‌توانند موثر باشند. خیلی از علاقمندان که به الکترونیک هم تا حدی وارد هستند با استفاده از نقشهٔ میکسرها، خودشان به تولید میکسر ارزان می‌پردازند. اما با تولید انبوه میکسرهای مختلف که آنها هم به قیمت ارزان فروخته می‌شوند، امروزه مردم از این نوع میکسرها که همراه با آداپتور یا باتری فروخته می‌شوند، استفاده می‌کنند. کیفیت صدا به نحو چشمگیری در آنها بالاست و آنها را می‌توان از فروشگاههای صوتی ـ تصویری خریداری کرد.

چه میکروفونی مناسب کار شما است؟

	طریقه استفاده	اندازه	مناسب استفاده
معمولی	در دست یا بر روی پایه	بزرگ و قابل مشاهده بر روی صفحه	مناسب استفاده‌های عمومی، مصاحبه‌های خیابانی و ضبط موزیک
سنجاقی	به لباس شخص صحبت کننده متصل می‌شود	کوچک و غیر مزاحم	مناسب ضبط مصاحبه‌ها، افراد تکی نه گروه‌های بزرگ
تفنگی	به وسیله صدابردار نگهداری و نصب می‌شود	برروی صفحه قابل مشاهده نیست	برای مواقعی که باید به طرف یک شخص صحبت کننده و یا یک منبع صوتی گرفته شود خوب است
بوم	نصب بر روی بوم و به وسیله صدابردار کنترل می‌شود	بر روی صفحه قابل مشاهده نیست	جهت ضبط نمایش وسیله‌ای بسیار مناسب است.

اگر تصمیم به خرید میکسر صدا دارید، توجه کنید که دستگاه شما دارای نمایانگر سطح صدا هم باشد. این نمایانگر صدا چیز بسیار مناسبی است، چراکه شما را قادر می‌سازد تا سطح صدای ارسالی هر میکروفون را حد مطلوبی تنظیم کنید، کاری که فقط با شنیدن و گوش کردن صدا در هدفون به طور ساده

امکان‌پذیر نیست. قبل از شروع هر مرحله از کار از گوینده بخواهید که چند کلامی در میکروفون صحبت کنند. تفاوت سطح صدا به طور واضح بر روی نمایانگر صدا نشان داده خواهد شد و در همین حال می‌توانید صدای هر میکروفون را تنظیم کنید.



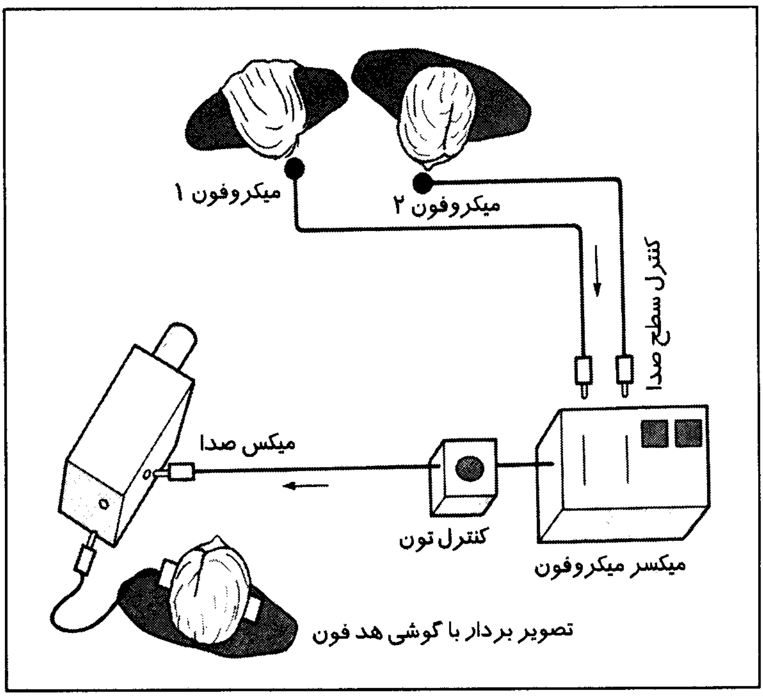
ضبط صدا، کار جداگانه‌ای است. از اینرو در ضبط برنامه‌های مهم، یک صدا بردار همراه خود داشته باشید.

زمانی که این تنظیمات را به عمل می‌آورید، سطحی از صدا را انتخاب کنید که ضبط خوب و صدای مناسبی را عرضه خواهد کرد. هیچ وقت سطح صدا را آن قدر بالا نبرید که منحنی آن از حد نرمال تجاوز کند. اگر سطح بالائی از صدا را انتخاب کنید متوجه می‌شوید که بعد از هر وقفه در صدا، اولین سیلابی که در میکروفون می‌آید، به شکل ناهنجاری وارد می‌شود، مخصوصاً صداهای "پ و ب". بعد از آن در طول صحبت شخص، صدا به سطح پائینی تنزل می‌کند. در طول مکث بعدی در صحبت‌ها، صدای پس‌زمینه به سطح اصلی خود می‌رسد و با شروع صحبت بعدی، مجدداً صدای پس‌زمینه افت می‌کند. این بالا و پائین رفتن تناوبی ولوم صدا به علت عملکرد gain "یا تقویت کننده" دوربین است که در تمام مدت تلاش می‌کند تا سطح صدا را بدون در نظر گرفتن آن مقداری که به داخل میکروفون می‌آید، در یک سطح ثابت و یکنواخت نگه دارد. تاثیر صدائی این گونه بر روی نوار، امکان بازسازی صدای واقعی را غیر ممکن می‌سازد.

این مسئله را می‌توان بدین شکل حل کرد که سطح صدای خروجی از میکسر را پائین‌تر از سطح حداکثر صدای داخلی که ویدئو می‌تواند دریافت کند، قرار دهید. این تنظیم را می‌توانید با تکرار و تجربه بدست بیاورید. به یک نفر بگوئید که دائم در میکروفون صحبت کند، سپس پیچ ولوم میکسر را آهسته به طرف بیشتر بچرخانید. همان طور که به صدا در هدفون گوش می‌کنید، وقتی صدا به مرحله‌ای رسید که بیشتر نمی‌شود، پیچ ولوم را در آن حد نگهدارید. توجه کنید که سطحی را که روی نشانگر صدا ملاحظه می‌کنید، در حقیقت حداکثر مقداری است که می‌توانید با آن کار کنید. از این نقطه به پائین می‌توانید همهٔ صداها را دستی و یا با میکسر کنترل کنید و در ضمن صدای پس‌زمینه هم در طول مکث‌ها بیشتر نخواهد

شد.

در محیط بسته به هنگام ضبط صدا، مسائل خاصی را متوجه خواهید شد. چنانچه صدای صحبت کننده بم و یا زیر است، علت آن انعکاس صدا از روی دیوارها می‌باشد. این تاثیر منفی صدا می‌تواند کار شما را خراب و با کیفیتی نامطلوب کند. تاثیر منفی را می‌توان با استفاده کردن از میکروفون‌های سنجاقی به جای میکروفون‌های دیگر تا حدی پائین آورد. هر سطح سخت و صافی، صدا را تا حد قابل ملاحظه‌ای منعکس می‌کند. این امر نه فقط شامل دیوارها و سقف، بلکه مشمول پنجره‌های بدون پرده، سطح میزها و کف اتاق‌های پارکت شده هم می‌باشد. راه حل این است که تا جائی که می‌توانید انعکاس صدای این وسائل را کمتر کنید. مثلاً روی میزها را رومیزی بیاندازید، کف اتاق را با فرش بپوشانید و پنجره‌ها را پرده بزنید" مگر اینکه از نور پنجره برای صحنه بخواهید استفاده کنید."



در این ترکیب ضبط صدا، هر دو نفر با میکروفون‌های سنجاقی خود به یک میکسر میکروفون مرتبط شده‌اند. از میکسر، صدای خروجی به پریز میکروفون سیار بر روی دوربین وصل می‌شود. صدای صحنه از طریق یک هدفون وسیله تصویر بردار شنیده می‌شود. اگر میکسر با باتری کار کند، بنابراین وسیله خوبی جهت استفاده در بیرون و داخل است. برای ضبط استریو hi-fi میکروفون‌ها به وسیله یک میسکر دارای کانالهای چپ و راست به دوربین وصل می‌شوند. برای ضبط در قسمت وسط صحنه، میکسر بر روی مونو گذاشته می‌شود و در غیر اینصورت روی استریو.

اگر علیرغم این پیشگیری‌ها، ضبط صدای شما کماکان دارای صداهای انعکاسی است، بنابراین باید برای کار خود از یک دستگاه تصحیح کننده تون صدا استفاده کنید. این کار باید در زمان ضبط کپی اصلی و یا در مرحله ادیت کردن صورت بگیرد. برای این منظور شما باید از دستگاه تصحیح کنندهٔ تونی استفاده کنید که قابل اتصال به کابل‌ها باشد.

پیشرفته‌ترین و قابل انعطاف‌ترین کنترل کننده تون، دستگاه‌های اکولایزر گرافیکی هستند. این وسیله را می‌توان به شکل منفرد و یا نصب شده در آمپلی‌فایر خریداری کرد. با کمک این دستگاه می‌توانید فرکانس‌های ناخواسته را از فیلتر بگذرانید. همچنین می‌توانید مثلاً آن سیگنال‌هائی که بیانگر بم بودن صدا بر روی نوار هستند، حذف کنید و بقیه سیگنال‌ها را بدون هیچ‌گونه، تغییر ضبط کنید. هم چنین می‌توانید به طرق دیگر صدا را "طراحی" کنید و با یک باس اضافی مقدار واضح بودن و عمق صدا را بیشتر کنید.

همیشه جهت ضبط صدا، توجه کنید که سیم کابل و اتصالات صوتی شما از نظر الکتریکی مطمئن و بی‌عیب و نقص باشند و به طور درست و کامل به میکروفون متصل باشند و در نتیجه صدا به نحو خیلی خوبی به دوربین برسد. سعی کنید که سیم و اتصالات وسائل صوتی تا حد مطلوبی کوتاه باشند. امکان دارد بر اثر طولانی بودن آنها امواج مختلفی که دستگاهها و وسایل برقی تولید می‌کنند و یا امواج کوتاه رادیوئی بر روی آنها اثر بگذارند و تولید پارازیت در صدای ضبط بکنند. هیچ‌وقت از میکروفون، میکسر و وسائل دیگر صوتی در نزدیکی تلویزیون و بلندگو استفاده نکنید. در اطراف و نزدیک این وسائل میدان مغناطیسی ایجاد می‌شود که می‌تواند روی سیستم صوتی شما تاثیر منفی بگذارد.



یک میکروفون سیار می‌تواند مستقیما به طرف منبع صدا گرفته شود و از ضبط صداهای ناخواسته "از جمله صدای خود دوربین" جلوگیری کند.

اکولایزرها EQ معمولا دارای دو کانال هستند که می‌توانند جهت استریو مورد استفاده قرار گیرند. اما

کانال‌ها می‌توانند به شکل مجزا عمل کنند و به این منظور سیگنال‌های مونو می‌توانند به تنهائی قابل اصلاح باشند. اگر از یک اکولایزر در هنگام ادیت کردن خود استفاده می‌کنید، خیلی با دقت تاثیر هر تنظیم صدا را از طریق بلندگو امتحان کنید (هدفون‌ها در این رابطه ممکن است که نتوانند به خوبی بازتاب تصحیح تون را منعکس کنند). پریزهای ورودی اکثر اکولایزرها جهت اتصال میکروفون مناسب نیستند، اما سیگنال‌های ضعیف میکروفون می‌توانند از درون یک آمپلی‌فایر عبور و پس از آن به اکولایزر وارد شوند. این کارکرد از امکاناتی است که بر روی بعضی میکسرها وجود دارد.

شیوه‌های درست و غلطی در استفاده از میکروفون به هنگام مصاحبه وجود دارند. میکروفن‌های دستی مستعد جذب حتی صدای دست بر روی خود هستند "البته بجز آنهائی که خیلی گران و حرفه‌ای هستند". مهم است که در طول مصاحبه، شخص میکروفون را خیلی سفت و محکم در دست خود نگهدارد و سیم انتهای آنرا هم در دست داشته باشد. نکته مهم دیگر این است که مستقیم و از نزدیک درون میکروفون صحبت نکنید بلکه در بالای میکروفون و با فاصله صحبت کنید. این عمل باعث می‌شود که صدای نفس‌های شخص صحبت کننده به درون میکروفون راه پیدا نکند. شاید مشکل‌ترین کار برای آماتورها این باشد که به طور یکنواخت و ساده در میکروفون صحبت کنند. اغلب افراد در ابتدا خیلی با قدرت شروع به صحبت می‌کنند ولی به تدریج آهسته‌تر می‌شوند. چنانچه بعداً از میکسر برای اصلاح صدا استفاده خواهید کرد، صدای پس‌زمینه هم ضبط خواهد شد که این مسئله‌ای قابل توجه در هنگام نمایش خواهد بود.

لیست کنترل

زمانیکه از طریق میکروفون صحبت می‌کنید:

- ***میکروفون را محکم و ثابت بگیرید.***
- ***سعی کنید که سر میکروفون را به طرف فرد سخنگو بگیرید تا جوانب آنرا.***
- ***صحبت خود را در یک سطح ثابت "از نظر صوتی" بیان کنید.***
- ***هرگونه اشکال بوجود آمده و توپوق زدنی را مجدداً ضبط کنید.***
- ***هیچ فشاری به خود تحمیل نکنید و با آرامش صحبت کنید.***
- ***سعی کنید که از حد طبیعی خود کمی آهسته و شمرده‌تر صحبت کنید.***

احتمالاً در محدودهٔ آماتوری بیشترین ضبط صحبت‌ها بر روی نوار به صورت توضیحات یک‌سره و صحبت مداوم سخنگو خواهد بود. چرا که روشی ساده است. توضیحات باید با آهنگ یک نواختی گفته شوند و دارای تأکیدات زیاد و یا تکیه کلام‌های بیمورد و چیزهائی از قبیل تلفظ غلط و مکث و سایر

اشکالات نباشند. اگر هر اشتباهی در این مورد انجام شود، باید روی قسمت اشتباه را مجدداً ضبط کنید.

هرگونه فشار و ناراحتی شما در صدا نشان داده خواهد شد، بنابراین باید تنظیم و ترکیب ضبط را به شکل مناسب و راحتی آماده کنید. اگر از میکروفونی معمولی استفاده می‌کنید، آنرا روی یک پـایه و در فاصله مناسبی از خود و یا گوینده قرار دهید تا محلی برای کاغذ یادداشت و نوشته‌های شما باقی باشد و صدای آن به میکروفون نفوذ نکند که روی نوار ضبط شده بیاید. بعضی از مردم دوست دارند که نوشته را در دست بگیرند و عده‌ای هم می‌خواهند بر روی جایگاه سخنرانی یا میز باشد. این کار را می‌توان با قرار دادن یکی دو کتاب در زیر مقاله راحت‌تر کرد. میکروفون را طوری تنظیم کنید که وقتی که سخنران در پشت آن قرار می‌گیرد با قد او جور در بیاید و حتماً توجه کنید که صدای حاصل از خود دستگاه ویدئو در میکروفون جذب و ضبط نشود. این مراقبت‌ها و نکات، احتیاج به یک همکار صدابردار دارد که این مسائل و نیز زمان صحبت و سایر نکات را تحت کنترل داشته باشد.

هرچند شما مجبور هستید که آهسته‌تر از وضع و حالت عادی خود صحبت کنید ولی صحبت شما نباید غیر عادی و مصنوعی تلقی شود. اگر دارای لهجه هستید، هرگز سعی در مخفی کردن آن نکنید، به احتمال قوی در صورت پنهان کاری روی صدای شما تاثیر خواهد گذاشت. از طرفی دیگر از به کار بردن اصطلاحات عامیانه و صحبت‌های غیر مصطلح خودداری نمایند، مگر آنکه متن و موضوع صحبت شما، اجازه این کار را بدهد.

اگر می‌توانید، سخنرانی را بخش به بخش حفظ کنید و در صورت نیاز گاهی به آن رجوع نمائید. قبل از ضبط اصلی چند قسمت کوچک را به طور آزمایشی ضبط کنید و طرز پخش شدن صداها و تنظیمات را امتحان کنید. این تکه‌های آزمایشی ضبط شده را مجدداً نمایش دهید و به اشکالات آنها توجه کنید. آیاسرعت و بلندی صحبت شما مناسب است؟ آیا کیفیت ضبط، آن طوری که می‌خواهید، خوب هست؟ وقتی تمام چیزها در حد مطلوب بودند، ضبط خود را شروع کنید و هیچ‌گاه فکر نکنید که ضبط دوم شما چیزی عالی خواهد شد.

ضبط صدا یکی از کارهای جالب ساختن فیلم است و خود این کار می‌تواند سرگرمی جالبی باشد. برای این کار احتیاج به تعداد وسائل بیشتری از یک ضبط صوت قابل حمل و میکروفون است. هم چنین این کار احتیاج به ساعات زیادی وقت گذاشتن جهت ضبط صداهای مختلف پس‌زمینه دارد. در حقیقت این کار حساس می‌تواند با بردن دستگاه ضبط شما به هر کجا که عمل ضبط کردن صورت می‌گیرد، انجام شود. صداهای ضبط شده می‌توانند بعداً بر روی نوار اصلی و در نقاطی که مورد احتیاج هستند، مـونتاژ شوند.

این گونه صداهای پس‌زمینه را در سطح صوتی یا level بالا ضبط کنید تا هرگونه پارازیتی کـه از حرکت نوار و قسمت‌های مختلف بوجود می‌آیند، حذف شوند و در ضمن مدت ضبط را طولانی‌تر کنید تا در هنگام ادیت کردن دچار مشکل نشوید. به خاطر داشته باشید که حتی قسمت‌هائی که ممکن است با

تصویر هم‌خوانی نداشته باشند هم ضبط کنید. به عنوان مثال اگر از خیابان و ترافیک در حال ضبط کردن هستید، کمی از جاده یا خیابان فاصله بگیرید تا صدای عبور وسائل نقلیه در شلوغی همگانی مخلوط شود. هم‌چنین از صداهای متنی که ممکن است صدای تکی افراد در آن ضبط شود، خودداری کنید. سعی کنید که همهمه عمومی را ضبط کنید.

محتویات هر قسمت از ضبط را ساده کنید و اجازه ندهید که عوامل مختلفی همه با هم بر روی نوار ضبط شوند. مثلاً اگر شما در حال ضبط صدای ساحل هستید، این صدا می‌تواند صدای دریا، پرندگان و حتی صداهای دور دست باشد. اما اگر در آن محل ضبط صوتی روشن و مشغول پخش موزیک است، از آن دوری کنید و به نقطه‌ای جدید برای ضبط صدا بروید.

در نظر داشته باشید که نوار ویدئوی شما ممکن است دارای قسمت‌های صوتی زیبا و به درد بخوری باشد که بتوانید آنرا دوباره روی نوار صوتی پیاده و به آرشیو صوتی خود اضافه کنید. هر مطلبی که حدود سی‌ثانیه یا بیشتر طول بکشد، ارزش ضبط و آرشیو کردن را دارد. می‌توانید این مقدار را با چند بار ضبط کردن پشت سرهم طولانی کنید. اما امتحان کنید که روی نوار شما صداهای دیگری نباشد که نشان دهد این قطعه چندبار تکرار شده است.

همان‌طور که ذخیره و آرشیو صدای شما زیاد می‌شود، ضرورت دسته‌بندی و شکل دادن به آن هم بیشتر می‌شود. می‌توانید با شماره‌گذاری روی نوارها و اندازه‌گیری زمان هر کدام از قطعه‌ها به وسیله کنتور دوربین خود، آنها را روی نوار یادداشت کنید و هر زمان که احتیاج داشتید، خیلی سریع آنها را پیدا کنید. در لیست شما می‌تواند حتی نوارها و قسمت‌های تجارتی، سی‌دی‌ها و نوارهای ویدئویی که از روی آنها می‌توانید آهنگ متن را پیدا کنید نیز وجود داشته باشند.

بسیار جالب است که ضبط استریو برروی اکثر دستگاههای پخش و دوربین‌های ویدئویی وجود دارد و شاید تا مدتی دیگر این سیستم پخش در همهٔ دوربین‌ها استاندارد شود. این عمل باعث می‌شود که دستگاهها و ابزارهای جدیدی برای کار با این سیستم وارد بازار شوند از جمله میکروفون استریو. همراه با اختراعات جدید، مشکلات جدیدی هم در رابطه با مسائل صوتی برای شما وجود خواهند داشت که باید به حل آنها بپردازید.

یک مسئله قابل توجه در رابطه با پخش و گسترش سیستم استریو: چنانچه دوربین شما مجهز به میکروفون استریو هست، بنابراین مشاهده می‌کنید که قابلیت جذب صدا در این سیستم بسیار بالاست و میکروفون واقعاً به اعماق صحنه "نفوذ" می‌کند و تمام صدای متن را به خوبی ضبط می‌کند. مسئله زمانی بروز می‌کند که می‌خواهید صحبت یک نفر را ضبط کنید که در این حالت احتیاج به یک میکروفون اضافی سیم‌دار است که در نزدیکی شخص متکلم قرار گیرد و چنانچه چند نفر بخواهند صحبت کنند، برای هر نفر باید یک میکروفون جداگانه استفاده کرد.

اگر صحبت‌ها به حالت استریو ضبط شوند، سیگنال‌هائی که از افراد مختلف می‌آیند نباید به طور

مساوی به شکل چپ و راست و استریو پخش شوند، چرا که در این صورت شکل صحنه با پخش صدا جور در نمی‌آید. عوض این کار ضبط باید بر طبق روش مرکز صحنه center stage انجام شود. برای انجام این کار سیگنال‌های دو میکروفون به یک میکسر "در حالت مونو و نه استریو" وصل و از آنجا به وسیله سیم به دوربین وصل می‌شوند.

یک روش ابداعی در مورد ضبط به شیوه استریو با دو میکروفون این است که یکی از آنها را اختصاص به ضبط صدای پس‌زمینه یا متن داد و دیگری را جلوتر و اختصاص به ضبط صدای پیش‌زمینه داد. این کار باعث ایجاد "عمق صوتی" به صحنه خواهد شد. چنانچه سطح صدای این دو سیگنال خیلی باهم فرق داشته باشند، باید آنها را قبل از ارسال به دوربین درون یک میکسر به حالت تعادل در آورید. این عمل می‌تواند از طریق فرد کمکی شما و از طریق گوش کردن به صدا در هدفون انجام گیرد.

۱۱ـ ضبط مصاحبه

تلویزیون را به "رادیوی تصویردار " تشبیه کرده‌اند. از اینرو ما خیلی از وقت و زمان خود را به تماشا و گوش کردن "سرهای در حال صحبت " اختصاص می‌دهیم. برنامه‌های اخبار، شوهای تلویزیونی و مسابقه‌های گوناگون فقط سه مثال بیشمار برنامه‌هائی است که در آن مردم یا با ما و یا با خود صحبت می‌کنند. بدون شک و شبهه‌ای اساس این کار بر می‌گردد به مسائل اقتصادی. به عنوان پر کردن برنامه‌ها، این نوع برنامه‌ها بسیار ارزان‌تر از چیزهائی مثل نمایش و تئاتر و سایر برنامه‌های سرگرم کننده تمام می‌شوند. البته از طرف دیگر برنامه‌های تیپ "سرهای در حال صحبت " از برنامه‌های مورد علاقه و مجبوب هم می‌باشند. تماشاچی‌ها از شنیدن حرفهای کسانی که چیزی برای تعریف کردن دارند، لذت می‌برند و از اینکه آنها می‌توانند هم به روی صفحه تلویزیون دیده شوند و هم تعریف کنند، به جذابیت کار می‌افزاید.

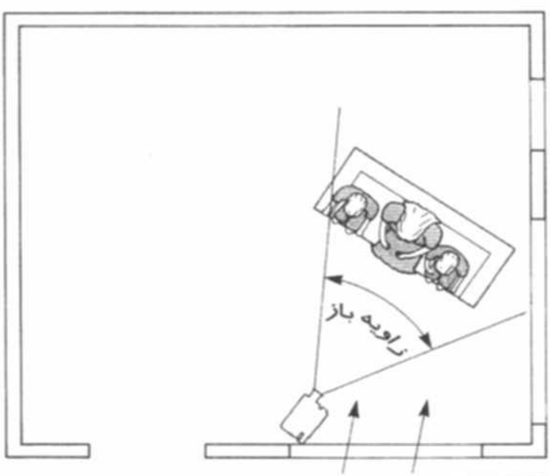
خوشبختانه در زمینه خلاقیت ویدئویی، آماتورها می‌توانند کاملاً با حرفه‌ای‌ها در این زمینه به رقابت بپردازند. وسائل تکنیکی کمتری مورد نیاز این بخش است و تهیه ضبط نمایش‌هائی از این دست را می‌توان در همهٔ حالات پیدا کرد. وظیفه اصلی فیلمبردار در این زمینه این است که تا جائی که امکان دارد، دوربین را مخفی و غیر مرئی کند تا شخصیت‌ها بتوانند کاملاً راحت و آزاد بر روی صحنه حاضر شوند.

برای شروع در این بخش می‌توانید از خانواده و خویشان نزدیک و حتیٰ بچه‌های خود شروع کنید. ممکن است که بخواهید به عنوان یادگاری، برنامه‌ای از خانواده خود ضبط کنید و آن را برای یکی از بستگان خود که دور از شما زندگی می‌کند، ارسال کنید.

جهت کار کردن در این زمینه هرچه وسائل و تشکیلات شما ساده‌تر باشد، بهتر است. چنانچه موضوع فیلمبرداری از بچه‌هائی است که در جوار یک یا دو تن از والدین خود حضور دارند، آنها می‌توانند روی کاناپه نشسته و رو به دوربین باشند. در این حالت همهٔ آنها باید به وسیله یک لنز باز روی صفحه نشان

داده شوند. از این نقطه می‌توانید بازوم کردن روی هر کدام از افراد، تصویر بزرگتری از آنها را نشان دهید. دوربین باید روی سه پایه و در سطح و تراز چشم‌ها باشد و ضبط صحنه با نورهای در دسترس صورت گیرد. "البته اگر چنین چیزی امکان‌پذیر باشد". می‌توان از میکروفون دوربین استفاده کرد ولی برای ضبط یک صدای واضح‌تر استفاده از میکروفون سیم‌دار کمک بزرگی خواهد بود.





در ضبط این صحنه نور طبیعی زیادی از پنجره به داخل اتاق وارد می‌شد. از ورود هر گونه نور زیادی که ایجاد ضد نور بکند، می‌توان با کشیدن پرده‌ها جلوگیری کرد.
چنانچه امکان دارد، دوربین را روی سه پایه سوار کنید و با حفظ فاصله از سوژه و افراد از لنز واید خود برای پوشاندن تمام صحنه استفاده کنید.

افراد را طوری در صحنه قرار دهید که بتوانند راحت یکدیگر را مخاطب قرار داده و طبیعی باهم صحبت کنند. این کار به آنها کمک می‌کند که دوربین را فراموش کنند و راحت‌تر با هم صحبت کنند. بهترین کار این است که یک نفر به عنوان گرداننده برنامه در صحنه حضور داشته باشد. چنانچه نوار ویدئو قرار هست نقش "نامه ویدئویی" را بازی کند، هر فرد می‌تواند مستقیماً و بدون مقدمه با دوربین صحبت کند. مثل: "سلام پدر، حال شما چطور هست و..." و غیره.

معمولاً برای نوشتن هرنامه، بهتر است که کمی قبل از شروع دربارهٔ آن فکر کرد، "نامه ویدئویی" هم

در این زمینه مستثنی نیست. قبل از اینکه تکمه ضبط زده شود، بهتر است که شخص مجری یا گرداننده وظایف، مسئولیت‌های هر فرد را روشن کند و معلوم شود که هرکسی در مورد چه موضوعی صحبت خواهد کرد و جهت شروع برنامه، خود او چند جمله‌ای در مورد کل برنامه با نگاه مستقیم به دوربین بیان کند.

بچه‌های کوچک معمولاً با کمی تشویق، در ضبط ویدئویی همکاری لازمه را می‌کنند. یک تاکتیک برای شروع صحبت می‌تواند در مورد کتاب یا اسباب بازی مورد علاقه آنها باشد. اگر کمی شانس همراه باشد، بزودی آنها حضور دوربین را فراموش و غرق در صحبت خواهند شد. بچه‌های بزرگتر خجالتی‌تر هستند. اما ممکن است که آنها در بین خود بحث دربارهٔ مدرسه، ورزش و سایر سرگرمی‌ها راه بیاندازند. قدرت و تمایل افراد بزرگ در ضبط ویدئویی متفاوت است، اما یک نفر مجری خوب می‌تواند در تشویق و پیش بردن بحث در میان آنها نقش موثری بازی کند.

صحبت را با شرکت کلیه افراد حاضر در صحنه با یک MS شروع کنید و به همین ترتیب ادامه دهید تا بحث کاملاً گرم شود. سپس می‌توانید تصویر را آهسته روی کسی که بیشتر از همه صحبت می‌کند، زوم کنید. از این لحظه وظیفه شما به عنوان یک فیلمبردار و مسئول دوربین این است که صحبت افراد را دنبال کنید و از یک فرد صحبت کننده به سراغ فرد دیگر بروید، بدون اینکه حرکت دوربین مسئله ساز و یا تولید صدا کند. پن کردن مستقیم از یک فرد در حال صحبت به فرد دیگر در حالت کلوزآپ کار دشواری است. همیشه این اشکال را دارد که به محض اینکه به سراغ نفر بعدی بروید، او صحبت خود را تمام کرده باشد. از پن کردن‌های غیر مطمئن و مردد پرهیز کنید. یک راه حل در این زمینه این است که ابتدا از کلوزآپ به حالت MS بروید و لحظه‌ای در این حالت درنگ کنید و سپس آهسته به روی شخص صحبت کننده زوم کنید تا در حالت کلوزآپ قرار گیرد.

برای صحبت‌ها و مصاحبه‌های این‌چنینی از حداقل قطع یا cut استفاده کنید، چرا که در غیر این‌صورت "زمان واقعی " در فیلم که در مورد مصاحبه‌ها و صحبت‌ها مهم است از دست می‌رود و هرگونه قطع رشته کلام در آن نقطه در حقیقت از ارزش سندیت فیلم می‌کاهد. قطع را می‌توانید هرچند وقتی جهت دادن یک تنفس کوتاه به افراد در حال صحبت و ایجاد فضا در آن انجام دهید. اگر می‌توانید، سعی کنید که قطع‌ها در بین کلوزشات‌های CS افراد مختلف باشد تا در MS های تمام افراد، که قطع در آن باعث پرش می‌شود.

ادیت‌های درست و خوب جهت پایان دادن صحبت و مصاحبهٔ جمع، کار آسانی نیست، مگر اینکه شما برنامه‌ای از پیش تعیین شده جهت زمانی که افراد در مصاحبه از پای در آمده و به دوربین خیره شده‌اند، داشته باشید. یک نامهٔ ویدئویی می‌تواند در حقیقت با یک جمله خداحافظی از سوی مجری برنامه پایان پذیرد. نوارهای یادگاری خانوادگی معمولاً به روش‌های مبهم ختم می‌شوند و یک پایان درست در انتهای ضبط را معمولاً می‌توان در زمان پس از پایان ضبط به نوار اضافه کرد.



بچه‌های بزرگتر زمانی که غرق سرگرمی و یا بازی شده‌اند، موضوعات بهتری برای فیلمبرداری ویدئویی هستند.

یک شکل دیگر "نامه ویدئویی" می‌تواند به شکل ادیت شده "سرهای در حال صحبت" و اخبار خانوادگی ضبط شود. قسمت‌های مختلف می‌توانند در نهایت با نظم خاصی در دوربین ادیت شوند و یا می‌توانند قبلاً روی یک نوار دیگر ضبط شوند و سپس ادیت روی یک نوار دیگر پیاده شود. در این رابطه می‌توانید ناخنکی هم به کار حرفه‌ای‌ها بزنید و یکی از اعضای خانواده هر قسمت را معرفی و تعریف نماید تا تمام قسمت‌ها به هم متصل شوند. مزیت بزرگ ادیت و سوار کردن صحنه‌هائی از روی یک نوار دیگر این است که همیشه بهترین قسمت‌ها را انتخاب می‌کنید و در ضمن قسمت‌های اصلی را می‌توانید کماکان حفظ نمائید.

فیلم‌های خبری خانوادگی هم کاری جالب جهت ضبط هستند. دوربین‌های ویدئویی با قدرت اتوفوکوس شما را قادر می‌سازند تا از موضوعات متحرک در حوالی خانه و در محدودهٔ خاصی از نور، ضبط و فیلم برداری کنید. شما می‌توانید از خانواده خود در هر حالتی که باشند، فیلمبردای کنید. این نوع فیلم‌های خبری خانوادگی که خانواده شما پذیرفته است که به طور اتفاقی و بدون برنامه از آنها فیلمبرداری کنید، می‌تواند یک کنتراست خوبی در مقابل ضبط ایستا و یک نواخت "سرهای در حال صحبت" باشد. این شیوه ضبط کردن امکانات زیادی به شما عرضه می‌کند که صحنه‌های خیلی جالبی را به تصویر بکشید. ضبط کردن در حال راه رفتن با دوربین کار سختی است که احتیاج به تمرین دارد. امکان تصادف انسان با مبل و میز و سایر چیزها در حین حرکت زیاد است. در گام برداشتن باید دارای استیل خاصی باشید تا تغییر و لرزش در تصویر ایجاد نشود. همیشه در حالیکه حرکت می‌کنید و فیلمبرداری انجام می‌دهید با لنز واید کار کنید.

"سرهای در حال صحبت" می‌تواند مانند خانه در خیابان هم ضبط شود. ضبط خیابانی در حقیقت روشی دیگر از خلاقیت‌های ویدئویی است. بعضی وقت‌ها این ضبط با مشارکت انجمن یا گروه و یا پروژه‌های محلی مشابه انجام می‌شود. شما می‌توانید با یکی از مقامات محلی مانند شهردار و یا هرکسی

دیگر در محلی که علاقه دارید، مصاحبه انجام دهید و ضبط کنید.

واضح است که قبل از شروع، احتیاج به یک سری آمادگی‌ها دارید تا زمانی که از درون چشمی تصویر را مشاهده می‌کنید، حداقل زمان را صرف کنید. اگر مصاحبه در خیابان انجام می‌شود، دقت کنید که کار شما باعث اختلال در ترافیک و رفت و آمد مردم نشود، مخصوصاً اگر جهت کار خود از سه‌پایه استفاده می‌کنید و اگر مصاحبه خارج از خیابان، مثلا در محوطه جلوی یک فروشگاه صورت می‌گیرد، بهتر است، ابتدا رضایت صاحب محل را جلب نمائید. این کار البته واجب نیست و بستگی به میل خودتان دارد. هم چنین کنترل کنید که نور هم در آن موقع روز از زاویه مناسبی برای کار شما می‌تابد.

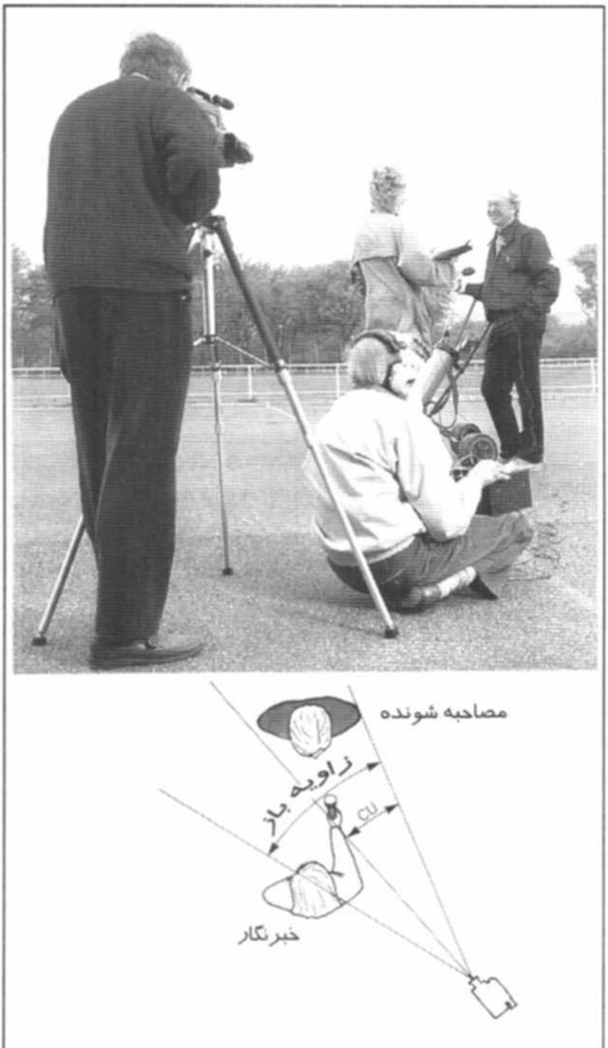
مصاحبه در خیابان یک برنامه خوب ویدئویی از کار در می‌آید، اما نزدیکی زیاد به مردم و جمعیت می‌تواند تولید مسئله برای شخص مصاحبه شونده و افراد درگیر ضبط نماید. هرچند که ممکن است این مسئله از جنبه مردم رهگذر چیزی عادی باشد ولی کوچکترین واکنش آنها جلب توجه می‌کند. به عنوان یک راه حل می‌توانید مصاحبه را به مانند تیم‌های حرفه‌ای تلویزیون در یک محل خلوت، مثلا بر روی بام یک پارکینگ چند طبقه انجام دهید تا دارای چشم اندازی هم از شهر و مناطق اطراف باشید.

تیم مصاحبه کننده از حداقل دو نفر: فیلمبردار و مصاحبه کننده تشکیل می‌شود و در صورت امکان یک صدابردار، هم باید همراه آنها باشد. یک میکروفون دستی به وسیله مصاحبه کننده مورد استفاده قرار خواهد گرفت. مصاحبه کننده سئوالات را مطرح و مصاحبه شونده به آنها جواب می‌دهد. معمولاً دوربین از بالای شانه مصاحبه کننده به طرف مصاحبه شونده گرفته می‌شود تا یک تصویر $\frac{3}{4}$ از مصاحبه شونده گرفته شود. مصاحبه کننده در ابتدای ضبط به طرف دوربین بر می‌گردد و جهت معرفی و آشنائی چند کلامی صحبت می‌کند. پس از آن تا پایان ضبط دوربین متوجه مصاحبه شونده خواهد بود. در پایان مجدداً مصاحبه کننده به طرف دوربین بر می‌گردد و با صحبت خود به مصاحبه پایان می‌بخشد.

مصاحبه‌های فی‌البداهه در خیابان بدین معنی است که تیم ضبط به درون خیابان و به میان رهگذران می‌رود تا نظر آنها را در مورد مسائل مختلف جویا شود. تیم باید کاملاً متحرک باشد و هرگاه که لازم شد و فردی ظاهر شد، سریعاً اقدام کند. شخص مصاحبه کننده باید خیلی جدی و مطمئن و لبخندی برلب داشته باشد و موضوع بحث را آن چنان مطرح نماید که شخص جواب دهنده یک راست برود سر اصل مطلب و از هرگونه حواشی و مقدمه پرهیز کند. از سئوالاتی که جواب آنها فقط بله یا خیر است باید اجتناب کرد. به جای این کار سعی کنید سئوال خود را بدین ترتیب مطرح کنید: "شما فکر می‌کنید که چه می‌شد اگر... "، تا فرد را تشویق به جواب دادن مفصل بکنید. اگر همان سئوال قرار هست که از افراد دیگر هم بشود، می‌توان سئوال را یک بار در همان اول پخش کرد. در ادیت می‌توان از تکرار سئوال‌ها جلوگیری کرد.

مصاحبه با افراد رسمی و پرحرف می‌تواند جالب باشد، چرا که در اینجا فرد حرفی جالب برای گفتن دارد و می‌تواند آنرا به شکل جالبی عنوان و عرضه کند. اگر شخص مصاحبه شونده صحبت می‌کند، اجزاء

مصاحبه می‌توانند به عنوان ابزاری جهت معرفی شخصیت او به تماشاچی مورد استفاده قرار گیرند و پس از آن او می‌تواند بدون هیچ‌گونه کمکی به سخنرانی خود ادامه دهد.



این طرز قرار گرفتن، تصویری ۳/۴ کلوز آپ از مصاحبه شونده به دست می‌دهد. در این حالت تصویر از روی شانه مصاحبه شونده گرفته می‌شود.
توجه کنید که زاویه‌ای که دوربین شما فیلمبرداری می‌کند، جهت هر دو برداشت واید و کلوزآپ مناسب باشد. این کار را می‌توانید قبل از شروع مصاحبه امتحان کنید. در این گونه موارد سعی کنید که از سه پایه استفاده کنید.

ممکن است که شما شانس داشته باشید و بتوانید کسی را پیدا کنید که می‌تواند خاطراتی از محل و رسم و رسومات گذشته و اینکه از بین رفتن آنها چه خطراتی برای نسل آینده در بر خواهد دشت، برای شما تعریف کند. داستانهای زیادی دربارهٔ تاریخ گذشته وجود دارند که ارزش تعریف کردن دارند و ویدئو نقش بسیار حیاتی در حفظ این میراث دارد. بنابراین خوب است که چنین نفراتی را پیدا کرد و سخنان آنها را روی نوار آورد. شاید یک مرکز تاریخی در نزدیکی شما علاقمند همکاری در این زمینه باشد.

برای این گونه مصاحبه‌ها می‌توان آنرا در فضای خارجی انجام داد ولی محیط داخلی بهترین محل

برای این کار است. برنامه‌ریزی معمولاً آسان است، شک و تردید در مورد احتمال خرابی هوا وجود ندارد و مصاحبه شونده، احتمالاً خود را در محیط خانه شخصی خود راحت حس می‌کند. اگر امکان‌پذیر باشد، سعی کنید که ضبط را با نور موجود "مثلاً نوری که از پنجره می‌آید"، انجام دهید اما چنانچه شک و تردیدی در این زمینه وجود دارد، هیچ تردیدی در مورد آوردن ابزار نورپردازی اضافی به خود راه ندهید. در این مورد می‌توانید از نور انعکاسی که قبلاً در آن باره صحبت شد استفاده کنید. این مصاحبه‌ها مهم هستند و باید ضبط آنها هم با استاندارد بالائی صورت گیرند. لازم است که مصاحبه کاملاً واضح و بدون هیچ صدای مزاحم پس‌زمینه صورت بگیرد. هم مصاحبه شونده و هم مصاحبه کننده باید از میکروفون سنجاقی استفاده کنند. تیم باید دارای یک صدابردار باشد. کار او فقط عبارت از این خواهد بود که مطمئن شود که همهٔ وسائل صوتی مرتب کار می‌کنند و صدا در سطح مطلوبی است.



اگر مصاحبه شونده با کسی در خارج از صحنه صحبت می‌کند، سر او را کمی دورتر از مرکز صحنه قرار دهید تا دارای "فضای نگاه کردن" باشد.

دوربین باید روی سه‌پایه باشد و از روی شانه مصاحبه کننده به سوی مصاحبه شونده گرفته شده باشد تا تصویری $\frac{3}{4}$ از او را بگیرد. مصاحبه شونده و مصاحبه کننده باید نشسته باشند. قبل از برنامه مشخص کنید که بخش معرفی برای شروع برنامه باید چگونه انجام شود. اگر مصاحبه کننده باید این کار را از طریق صحبت مستقیم با دوربین انجام دهد، می‌تواند این کار جداگانه ضبط شود و قبل از شروع مصاحبه پخش شود. این عمل احتیاج به نورپردازی مخصوص دارد و در این موقعیت باید تکه‌هائی از سرتکان دادن‌های مصاحبه کننده، ضبط شوند. این تکه‌ها چیزهائی مناسب برای پرش‌های قطع در فاصله‌های ضبط می‌باشند. برای این صحنه می‌توان صحنه‌هائی از کلوزآپ مصاحبه کننده در حال تکان دادن سر به علامت تائید و در حال لبخند و نشان دادن او در حالی که کاملاً مجذوب و علاقمند بحث شده است، آورده شوند. این صحنه‌ها می‌توانند به عنوان یک تنوع در نقاطی که امکان‌پذیر هستند نشان داده شوند.

قبل از اینکه قسمت اصلی شروع شود، هرکس را در جای خود بنشانید و مطمئن شوید که شخص مصاحبه شونده می‌داند که چه سئوالاتی از او خواهد شد. متصدی صدا ابتدا سطح صدا و میکروفون را

تنظیم می‌کند و پس از آن ضبط بدون هیچ‌گونه عجله و تاخیری شروع می‌شود. معطل کردن مصاحبه شونده به دلیل تنظیمات تکنیکی کار و گیر کردن این مسائل در حقیقت خراب کردن مصاحبه قبل از شروع آن است.



اگر مصاحبه شونده مستقیماً با دوربین صحبت می‌کند، او را دقیقاًدر مرکز کادر قرار دهید.

ضبط می‌تواند با گفتن چند جمله‌ای مستقیم به دوربین شروع شود، مثل: "جورج براون علاقمندی زیادی به تاریخ این منطقه در طول سال‌های گذشته داشته است و... " در پایان این بخش از صحبت، مجری در حالیکه نگاه خود را از دوربین بر می‌دارد، متوجه شخص مصاحبه شونده می‌شود و جمله آخر را تمام و به مصاحبه به این شکل ادامه می‌دهد: "جورج می‌دانم که شما در مورد موضوع... اطلاعات وسیعی دارید، لطفاً کمی دربارهٔ آن به ما توضیح دهید". جورج شروع به صحبت می‌کند، در حالیکه نگاه او از دوربین رد می‌شود و به خارج صحنه متمایل است. در پایان برنامه مجری سعی می‌کند که مصاحبه را به شکل مطلوب جمع و ختم کند. این کار را می‌تواند یا از طریق ضبط جداگانه از قبل و یا به صورت خارج بودن از صفحه به صورت تشکر کردن انجام دهد.

یک راه دیگر جهت ضبط صحبت‌های جالب مردم این است که آنها بدون هیچ‌گونه مجری، مستقیم با دوربین صحبت کنند. افرادی که بتوانند یک مصاحبه و صحبت را بدین شکل پیش ببرند، زیاد نیستند ولی اگر شما کسی یا کسانی را پیدا کردید که دارای این استعداد بودند از این فرصت طلائی استفاده کنید.

صحبت مستقیم با دوربین می‌تواند در منزل و یا نقاط دیگری که بسر می‌بریم هم ضبط و تولید شود. راه بهتر می‌تواند این باشد که یک پس‌زمینه ساده استودیو هم به آن بدهید. این روش چیزی است که توصیه می‌شود آنرا انجام دهید، چرا که بدین وسیله وسائل اضافی که می‌توانند تولید مزاحمت بصری و پرت شدن حواس بینندگان بشوند، حذف می‌شوند. در این حالت دوربین کاملاً از روبرو تصویر می‌گیرد و اجازه می‌دهد که دوربین از کلوزآپ به MS بتواند در حرکت باشد. این شیوه چشم‌انداز ضبط در تمام طول برنامه ادامه خواهد داشت. در نتیجه اندازهٔ هر صحنه باید در حد قابل دسترس و طبیعی باشد.

از آنجائی که یادآوری صحبت‌ها به مصاحبه شونده به صورت شفاهی کار درستی نیست، می‌توان از

روش کتبی استفاده کرد و جهت یادآوری مطالب اصلی صحبت، جمله‌های مهم و کلیدی را با خط درشت بر روی یک صفحهٔ مقوای بزرگ نوشت و در نزدیکی دوربین قرار داد. مطالب نوشته شده باید آنقدر بزرگ باشند که از فاصله دور قابل خواندن باشند. یک مشگل در رابطه با این گونه نوشته‌ها این است که چشم از نگاه کردن به دوربین متوجه این صفحه می‌شود و خط چشم ـ دوربین در اینجا از بین می‌رود و چشم متوجه موضوعی بیرون از صحنه می‌شود، که این مسئله بر روی صفحه تلویزیون قابل رویت است، مخصوصاً در صحنه‌های کلوزآپ که چشم دائماً از بالا به پائین صفحه حرکت می‌کند که قابل رویت از درون لنز است. یک کار در این رابطه می‌تواند کوچک کردن صفحه نوشته‌ها باشد، اما تا حدی که چشم بتواند مطالب را بخواند و تشخیص دهد. این صفحه می‌تواند در فاصله کمتری از لنز قرار گیرد.

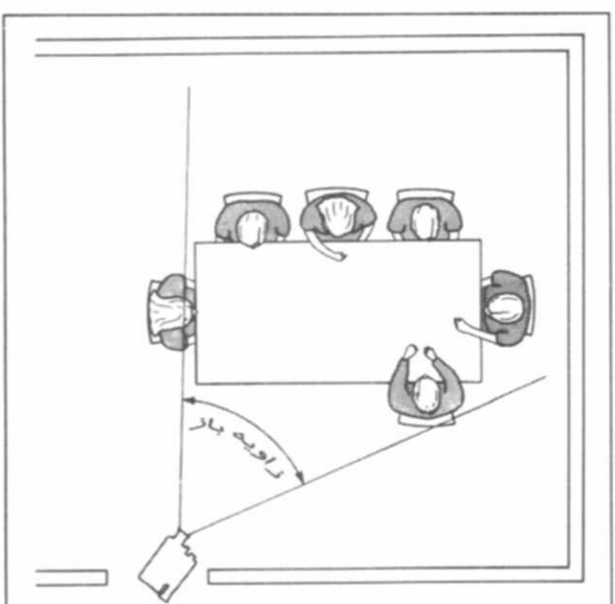
برای ضبط صحنه‌هائی این چنین که موضوع ضبط صحنه یک نفر است، زوم کردن دوربین را می‌توان تا حد خیلی آهسته و آرام انجام داد. حتی اگر موتور زوم دوربین شما خیلی سریع است، می‌توان زوم کردن را با دست انجام داد. ضبط را با یک MS به محض اینکه فرد شروع به صحبت می‌کند، شروع کنید و تا جائی که امکان دارد این حالت را حفظ کنید. سپس به آهستگی زوم کنید تا به کلوزآپ برسید، تا زمانی که به اولین نکته مهم صحبت‌ها رسیدید (البته به این شرط که از قبل نوشته و خلاصه‌ای از آنچه که در حال صحبت است، داشته باشید). برای مدتی در کلوزآپ باقی بمانید و سپس آهسته به حالت کلوزآپ متوسط و یا MS بروید و تا مرحله بعدی در این حالت باقی بمانید.

از زوم کردن‌های زیاد، حتی به طور آهسته خودداری کنید. همیشه در هر حالتی آنقدر بمانید و ضبط را ادامه دهید تا به این نتیجه برسید که وقت عوض کردن شیوهٔ ضبط است که در این حالت می‌توانید تصویر را کمی جلوتر یا عقب‌تر ببرید. یک مسئله جانبی قابل توجه اینکه حرکات دوربین اگر غیر ضروری و غیر لازم و بر مبنای تصور غلط باشند، می‌توانند خیلی ساده ضبط صحنه را خراب کنند. هرگاه به این دلیل شما تقاضای ضبط مجدد برنامه را بکنید، مطمئن باشید که ضبط بعدی چیز جالبی از آب در نخواهد آمد. همیشه در این گونه مواقع اولین برداشت بهترین است. چنانچه به هر دلیلی مجبور به قطع ضبط شدید و یا اشتباهی از جانب مصاحبه شونده رخ داد، می‌توانید ضبط را قطع کنید و در هنگام ادیت کردن با نمایش یک تصویر یا اثری هنری این قسمت را اصلاح کنید. این روش insert کردن به زور در حقیقت کمک بزرگی در پوشاندن اشکالات در هنگام ادیت کردن است. insertها زمانی باید انجام شوند که مقتضی هستند، حتی اگر در آن نقطه یک پرش قطع jump-cut وجود نداشته باشد.

ضبط سرهای در حال صحبت یک گروه، روش دیگری است که شما به عنوان تولید کننده ویدئویی باید قادر به انجام آن باشید. گروه می‌تواند کوچک یا بزرگ باشد. افراد آن در یک ردیف و یا دایره وار دور هم نشسته باشند و ممکن است که سرپرستی جهت پیش بردن و کنترل صحبت خود داشته باشند و یا چنین کسی وجود نداشته باشد.



این بحث گروهی از زاویه درون در اتاق گرفته شده است. صورت همه افراد در تصویر قابل مشاهده، نیست اما موقعیتی که آنها قرار گرفته‌اند از طریق یک نور انعکاسی روشن شده است و صحنه جالبی را بوجود آورده است.



این یک شیوه جهت فیلمبرداری از گروه است. راه بهتر می‌تواند این باشد که از میز صرف نظر کنیم و همه افراد را در یک نیم دایره بنشانیم و دوربین هم در مرکز دایره قرار بگیرد.

اگر گروه دارای سرپرست باشد، کار ساده‌تر خواهد بود. در حقیقت او مثل یک مجری برنامه عمل خواهد کرد و مشکل میکروفون هم حل خواهد شد، چرا که او می‌تواند در وسط جمع بنشیند و با میکروفون دستی که با سیم به بخش ضبط صدا مرتبط می‌باشد، صحبت کند. حتی می‌توان جهت جلوگیری از صداهای مزاحم خارجی از میکروفون رادیوئی استفاده کرد. افراد گروه می‌توانند در یک یا دو ردیف رو به دوربین بنشینند. مسئول گروه شروع به معرفی افراد و معرفی موضوع مورد بحث می‌کند. پس از آن هرکدام از افراد صحبت خاص خود را می‌کنند و در پایان هم با یک صحبت پایانی ضبط برنامه تمام می‌شود.

در صورت وجود یک سرپرست کارآمد، دیگر بحث در انحصار کسی در نمی‌آید و فرد فیلمبردار هم می‌تواند کار او را دنبال کند. چنانچه تحرک دوربین مورد احتیاج باشد، می‌توان دوربین را روی دست به شیوه خبرنگاران گرفت. روشی که بر طبق آن منطقه وسیعی که سرپرست بحث در آن حرکت می‌کند را به طور کامل می‌پوشاند.

در گروه‌های بدون سرپرست بحث و یا تا حدی بیگانه با دوربین، بحث به طور خود بخودی و اتفاقی از یک نفر به نفری دیگر منتقل می‌شود و در این حالت هیچ روش و نظمی جهت دنبال کردن افراد از طرف فیلمبردار وجود ندارد و او باید سعی خود را در این رابطه انجام دهد.

افراد گروه درهنگام صحبت کردن باید تماس بصری باهم داشته باشند و به هم نگاه کنند. به این دلیل روش نشستن افراد به صورت نیم دایره مناسب این کار است. دوربین روی سه‌پایه نصب و در مقابل وسط افراد گذاشته می‌شود. ارتفاع دوربین در سطح چشم افراد تنظیم می‌شود، چرا که امکان دارد افراد روی زمین نشسته باشند. صحنه باید طوری نورپردازی شود که هیچ کسی در سایه ننشسته باشد و می‌توان برای این کار از نور موجود و یا انعکاس نور استفاده کرد.

حرکات غیر قابل پیش‌بینی، موضوع فیلمبرداری را برای دوربین و افراد درگیر در ضبط جالب می‌کنند. فیلمبردار اغلب نمی‌داند که دوربین را به روی چه کسی باید تنظیم کند و چند دقیقه دیگر چه کسی صحبت خواهد کرد و بعضی وقت‌ها در شناخت ادامه بحث هیچ نظری نمی‌تواند داشته باشد. اگر چنین چیزی به هنگام ضبط برای شما اتفاق افتاد، بی جهت و از روی ناامیدی سعی نکنید که با پن کردن به سراغ شخص جدید بروید. در حالتی که هستید باقی بمانید و با همان کلوزآپ ضبط خود را ادامه دهید. شاید شانس بیاورید و این شخص واکنشی در مقابل صحبت‌هائی که گفته می‌شود، نشان دهد. اگر دوربین دومی در صحنه باشد، این دوربین می‌تواند به عنوان پشتیبان دوربین اول ضبط را انجام دهد و یک cutaway برای insert در هنگام ادیت تهیه کند.

متصدی صدا باید بتواند راهی جهت دنبال کردن صدا با میکروفون پیدا کند. راه درست برای این کار استفاده از یک میکروفون بوم است که روی پایه وصل شده باشد. البته این به فرض نبودن هیچ سرپرستی در بحث است. و یا اینکه گروه آنقدر بزرگ است که امکان اینکه هر شخصی یک میکروفون داشته باشد، نیست. کسی که مسئول میکروفون بوم است، باید سعی کند که پشت فیلمبردار بایستد و سعی

کند که میکروفون را بالای سرشخصی که صحبت می‌کند، طوری نگاه دارد که تصویر میکروفون در دوربین دیده نشود. به عنوان یک‌راه حل دیگر می‌توان در مقابل گروه چند عدد میکروفون قرار داد. این میکروفون‌ها به یک میکسر صدا وصل می‌شوند و در آنجا متصدی صدا، سعی می‌کند که سطح صدای هر میکروفون را تنظیم کند. البته این روش زمانی خیلی خوب عمل خواهد کرد که از نظر صوتی، محل ضبط دارای قابلیت انعکاس صدا نباشد، چرا که شاید برای تیم ضبط برنامه، غیر ممکن باشد که میکروفون‌ها را آن قدر به دهان ناطقین نزدیک کند که صدای آنها دارای اکو نباشد.

۱۲- ضبط عروسی

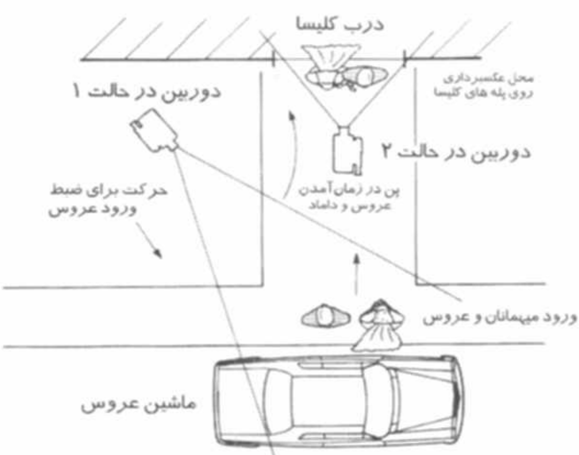
عروسی باعث زنده شدن روحیه عکاسی در همهٔ ما می‌شود و حضور زوج‌های جوان بر روی پله‌های کلیسا همیشه با زدن تکمه‌های دوربین عکاسی همراه است. در سال‌های اخیر ضبط ویدئویی یک مراسم عروسی به صورت یک رسم و مد در آمده است و حضور یک دوربین ویدئو در بین مراسم و میهمانان دیگر چیزی عادی شده است. ضبط مراسم عروسی به صورت یک عمل تثبیت شده‌ای در آمده و دیگر عکاس حرفه‌ای تنها شخص انحصاری تصویربردار از مراسم نیست.

هرچند ضبط یک مراسم عروسی ممکن است که عملی فرموله و مشخص و کاری ساده به نظر برسد، اما در حقیقت این کار نیرو و توان و خلاقیت زیادی را می‌طلبد. چه ضبط ویدئویی شما برای تفریح و تفنن و آماتوری باشد و یا حرفهٔ شما ضبط این گونه مراسم باشد، باید از قبل برای این مراسم برنامه‌ریزی انجام گیرد تا نتیجه کار شما برای افرادی که در مراسم حضور دارند، چیزی مایوس کننده از آب در نیاید. از آنجائی که خود مراسم عروسی یک برنامه از قبل تهیه و تدارک شده‌ای است که شاید از چندماه قبل مراسم آن حتی در جزئیات هم روشن باشد، بنابراین شخص تصویربردار در کسب اطلاعات برای کار خود و جهت برنامه‌ریزی دچار مشکل نخواهد بود.

عروسی‌ها معمولاً در چهار مرحله مجزا انجام می‌گیرند: ورود به کلیسا، مراسم عقد، مراسم عکس برداری "بعد از پایان مراسم عقد" و جشن عروسی. اولین وظیفه و مسئله این است که مشخص شود که از شما چه انتظاری دارند. آیا می‌خواهند که کار شما فقط ضبط صحنه‌هائی از خارج و داخل کلیسا، قبل و بعد از مراسم عقد باشد و یا اینکه تمام مراسم عقد را هم باید شامل باشد؟ اگر مراسم عقد هم باید فیلمبرداری شود، آیا کشیش و مسئولین کلیسا اجازه این کار را می‌دهند؟ آیا جشن عروسی هم باید ضبط شود؟ در صورتیکه جواب مثبت است، چه قسمت‌هائی باید ضبط شوند؟ مثلاً آیا ضبط و کار شما باید شامل برداشت‌هائی از مراسم رسیدن میهمانان و خوش‌آمدگوئی به آنها از طریق عروس و داماد باشد و یا اینکه

صحبت و سخنرانی مراسم و بریدن کیک هم باید شامل ضبط باشند؟ اگر جشنی بعد از صرف غذا باشد، آیا آنرا هم باید ضبط کرد؟ ممکن است که این نکات، مسائلی واضح و آشکار باشند، اما باید قبل از شروع در مورد کار خود و وظایف‌اتان اطمینان داشته باشید.





اولین و مهمترین کار این است که از ورود میهمانان، خانواده‌ها و آمدن عروس فیلم بگیرید.
این طرحی از شیوه فیلمبرداری در خارج از کلیسا است که شما باید همیشه در ذهن خود آماده داشته باشید. موقعیت دوربین: ۱) ورود افراد را در این حالت پوشش می‌دهد. در حالیکه در موقعیت ۲) حالتی است که به هنگام عکسبرداری به روی پله‌ها "بعد از عقد" اتفاق می‌افتد. زاویه‌های دیگری هم در روز مراسم می‌توانید پیدا کنید که به تنوع صحنه‌ها و فیلم شما کمک می‌کنند.

بعد از این مسائل باید مشخص شود که ضبط روی چه سایز نواری باید صورت بگیرد. در این مورد باید همان سایز نواری که دوربین شما با آن کار می‌کند، صورت گیرد. در غیر این صورت باید یک کپی برای سایز مورد نظر تهیه کنید. مزیت کار در این است که شما می‌توانید نسخه اصلی را حفظ کنید تا در صورت مفقود شدن و یا صدمه دیدن نوار کپی بتوانید مجدداً از آن استفاده کنید. علاوه بر این در هنگام کپی کردن می‌توانید قسمت‌های زائد و ناخواسته را هم ادیت کنید. ضمناً چنانچه نوار اصلی بر روی VHS-C است که در حقیقت مدت نمایش کمتری دارد، احتمالاً مراسم در چند نوار ضبط شده است و

می‌توان آنها را روی یک نوار بزرگ کپی کرد. از طرف دیگر اگر قصد دارید که نوار VHS-C را به مشتری بدهید، مطمئن شوید که آنها آداپتور مخصوص جهت قرار دادن نوار برای نمایش به وسیله دستگاههای ویدئویی معمولی را داشته باشند. هیچ وقت نوارهای VHS-C را به روش LP ضبط نکنید، مگر آن که مطمئن شوید که مشتری شما دارای دستگاه پخش با سرعت LP برای این نوع نوار است.

ضبط صحنه‌های خارج از کلیسا نباید با مشکلی مواجه شوند، مگر اینکه هوا بارانی باشد، "یک احتمالی که همیشه باید در نظر داشته باشید." با دوربین‌های ویدئویی در هوای مرطوب بارانی نباید فیلمبرداری کرد، مگر آنکه دستگاه شما کاملاً از باران محافظت بشود. بنابراین به عنوان ساده‌ترین و کم‌ترین کار باید کسی را جهت نگهداشتن چتر بالای سرخود و دوربین در نظر داشته باشید. یک وسیله حفاظتی بهتر و قابل اطمینان این است که دوربین را با یک جلد حفاظت از هوای بد که در فروشگاه‌ها یافت می‌شود، بپوشانید. (البته در حال حاضر، بعضی از دوربین‌ها خود دارای جلد حفاظت از هوای بد هستند).

سپس باید وقت زیادی را برای برنامه‌ریزی ضبط مراسم و جشن اختصاص دهید. با این فرض که مسئله اجازه ضبط داخل کلیسا را تا به حال حل کرده باشید. برای ضبط میهمانی نباید مشکلی داشته باشید، چرا که صاحبان این‌گونه اماکن حتی خوشحال می‌شوند که به کسی اجازه عکسبرداری از سالن خود را بدهند و حتی استفاده از نور اضافی هم در این گونه نقاط اشکالی ندارند ولی برای اطمینان اول سئوال کنیدو بعد اقدام نمائید.

در نقطه مقابل دارندگان سالن، مقامات کلیسا معمولاً در اجازه دادن برای فیلمبرداری سماجت و مخالفت بخرج می‌دهند و زمانی هم که اجازه بدهند و موافقت خود را اظهار کنند، اجازه استفاده از نور اضافی در محیط کلیسا را نمی‌دهند و فقط می‌توان از نور معمولی کلیسا استفاده کرد. پس بسیار عاقلانه است که قبل از شروع به کار ضبط، نور موجود در کلیسا و مقدار آنرا برای دوربین آزمایش کنید. هرچند که اگر دوربین شما یکی از دوربین‌های فوق مدرن جدید باشد، قابلیت کار کردن حتی در نور کم را هم دارا می‌باشد و از این بابت نباید مشکلی داشته باشید.

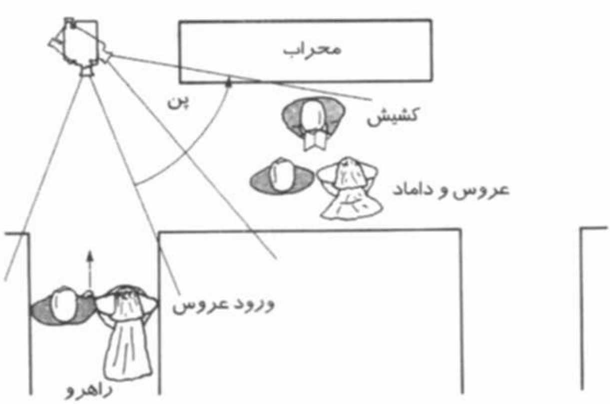
نکته مهم دیگری که باید از قبل به توافق برسید، مسئله جای قرار گرفتن دوربین در کلیسا است. بهترین نقطه معمولاً در نزدیکی محراب و جائی که عروس و داماد هنگام عقد می‌ایستند، است. از این نقطه می‌توان آمدن عروس به طرف محراب را نیز فیلمبرداری کرد. هم چنین رفتن دو زوج به سوی دفتر جهت امضاء کردن را هم می‌توان از این محل ضبط کرد. اگر به اندازهٔ کافی به عروس و داماد نزدیک باشید، میکروفون روی دوربین شما می‌تواند "بله" گفتن‌های عروس و داماد را هم مانند سایر بخش‌های مراسم ضبط کند.

چنانچه در این مرحله، جایگاه نزدیک محراب محل مناسبی برای کار شما نیست، می‌توانید دوربین خود را به نقطه‌ای دیگر نقل مکان دهید. مثلا بالکن کلیسا که در آنجا از نقطه دوری می‌توانید تصویر

برداری خود را انجام دهید. اما در نظر داشته باشید که از این فاصله زیاد امکان ضبط صدای بله گفتن و سایر چیزهائی که در نزدیکی محراب گفته می‌شوند، وجود ندارد. در این حالت می‌توانید اجازهٔ نصب یک میکروفون اضافی برای کار گذاشتن در نزدیکی محراب را اخذ کنید. هر نقطه‌ای که جهت فیلمبرداری خود انتخاب می‌کنید، مطمئن شوید که هیچ پنجره‌ای در پس زمینه تصویر شما وجود ندارد که باعث بوجود آمدن پدیده ضدنور بشود.

وقتی که برای بازدید اولیه به کلیسا رفته‌اید، نگاهی هم به خارج کلیسا بیاندازید. در روز اجرای مراسم، وظیفه اصلی این است که کنترل کنید تا از ورود همهٔ افراد مهم و کلیدی تصویر بگیرید. سعی کنید که نقطه‌ای را جهت ضبط در خارج کلیسا انتخاب کنید که میهمانان را در حال نزدیک شدن به کلیسا نشان دهد و هم‌چنین نقطه‌ای که ورود ماشین عروس را بتوانید فیلمبرداری کنید. در نهایت تصویری از ساختمان کلیسا به صورت LS برای شروع فیلم، ایده بدی نیست. تصویر را در روز روشن بردارید و سمتی که نور به آن می‌تابد، همان جهتی باشد که روز مراسم از آن سمت فیلمبرداری خواهید کرد.





ورود عروس به همراه پدر خود، جهت حرکت به طرف محراب صحنه کلیدی ضبط شما است. در این موقعیت دوربین می‌تواند هم ورود عروس و رفتن او به طرف محراب را فیلمبرداری کند و هم مراسم عقد را تصویر برداری نماید. هر چند وقتی با استفاده از زوم به حالت واید بروید تا بتوانید تجمع افراد را هم در تصویر داشته باشید. از سه پایه استفاده کنید و تمام مراسم را بدون هیچ قطع و وقفه‌ای ضبط کنید.

یک نگاه سریع به سالنی که قرار هست میهمانی در آنجا برگزار شود هم بد نیست. چنانچه امکان‌پذیر باشد به طرز چیدن میزها و نوری که به آنها تابیده می‌شود، توجه کنید. آیا آخرین میز در مقابل و یا دور از پنجره‌ای که نور از آن می‌آید، است؟ اگر پنجره‌ها در هنگام فیلمبرداری تولید مسئله ضدنور خواهند کرد، آیا امکان کشیدن پرده‌ها هست؟ چنانچه شما بخواهید از نور مصنوعی برای ضبط ویدئوی خود استفاده کنید، پریزهای نزدیک کجا هستند؟

روز مراسم سعی کنید که خیلی زود به کلیسای برگزاری عقد بروید. اولین کار این است که یک تصویر کلی از کلیسا بگیرید. چند ثانیه ابتدای نوار را خالی بگذارید تا همان رنگ سیاه در ابتدای فیلم نمایش داده شود و کار شما به حرفه‌ای‌ها نزدیک‌تر باشد. تاثیر اولین تصویرها خیلی مهم هستند. بنابراین دوربین را روی سه‌پایه نصب کنید و چند تصویر جذاب و زیبا بگیرید. هم‌چنین اگر قرار هست که اسم و عنوان در ابتدای فیلم بیاید و نوشتن عناوین هم از طریق دستگاه مولد متن داخل دوربین صورت بگیرد، پس صحنه‌های جذاب و زیبا حتماً گرفته شوند. برای انجام این امور اولیه تا جائی که ممکن است، وقت بگذارید.

زمانی که خارج کلیسا هستید، خودتان را به شخص راهنمای مراسم معرفی کنید و اگر تاکنون میهمانان را نشناخته‌اید از او در جهت بجا آوردن میهمانان کمک بگیرید. وقتی که عکاس یا عکاسان مراسم به کلیسا می‌آیند، سعی کنید با آنها آشنا شده و رابطه شما با آنها رقابتی نباشد. هم چنین از قرار گرفتن در مسیر آنها خودداری کنید.

در یک عروسی رسمی و درست، داماد و ساقدوش زودتر در کلیسا خواهند بود و احتمالاً آنها مضطربانه در نزدیکی در به انتظار اولین میهمانان هستند. این موقعیت خوبی برای شماست که یک یا دو برداشت از این دو نفر در زمانی که همه‌چیز خلوت و آرام است بگیرید. ساقدوش می‌تواند با نشان دادن حلقه ازدواج، صحنه خوبی را برای ضبط مهیا کند.

زمانی که اولین میهمانان شروع به آمدن می‌کنند، خودتان را پشت دوربین که از قبل آماده کرده‌اید، برسانید و آمادهٔ نیم ساعت کار مداوم باشید. هر کسی که دارای لباس مجلل و میهمانی هست می‌تواند برای شما سوژه مناسبی باشد ولی سعی کنید که صحنه خوبی از مادر عروس بگیرید. تمرکز حواس خود را در همهٔ صحنه‌ها حتی زمانی که افراد مشغول رفتن به طرف در هستند، هم به کار بگیرید و سعی کنید که در صحنه‌های مختلف سایزهای مختلف تصویری را به کار ببرید که تنوع در کار شما باشد (تلاش کنید که اثر تعداد پرش‌های قطع jump-cut را کاهش دهید). هم‌چنین اجازه دهید که عده‌ای از میهمانان در طول ضبط از صحنه خارج شوند ولی بر روی عده‌ای که در حال آمدن به حیاط کلیسا هستند، پن کنید. سپس قطع کنید تا پن بعدی روی میهمانان جدید را شروع کنید.

در حالیکه به شروع مراسم نزدیک می‌شویم، تماشاچی‌های مراسم اضافه می‌شوند. اگر وقت اجازه می‌دهد، می‌توانید یکی دو صحنه کلوزآپ از آنها بگیرید تا در سکانس ورود میهمانان آنها را جای دهید.

سرها که برگردند و سکوت غلبه کند، علامت این است که ماشین ساقدوش‌های عروس و سپس ماشین عروس در حال نزدیک شدن هستند. عکاسان حتما در هنگام خروج عروس از ماشین از او عکس خواهند گرفت و شما نیز حتماً علاقمند به تهیه تصویر از عروس در بهترین لحظه تمام فیلم، یعنی نزدیک شدن عروس به کلیسا هستید.

پس از این مرحله باید خیلی سریع خودتان را به محل قرار دادن دوربین در داخل کلیسا برسانید تا یکی دیگر از صحنه‌های مهم را ضبط کنید، یعنی صحنه نزدیک شدن عروس به محراب. امیدوارم که یکی دو لحظه توقف در نزدیکی در به شما این امکان را بدهد که بتوانید وسائل کار خود را مرتب کنید. اگر زیاد طول بدهید، مطمئناً از صحنه عقب می‌مانید و زمانی شروع به کار خواهید کرد که مسئول ارگ مشغول نواختن موزیک است و عروس هم در راهرو کلیسا در حال راه رفتن است.



صحنه‌ای از مراسم گرفتن عکس در جلوی کلیسا، سعی کنید صحنه هائی رسمی مانند این تصویر را با صحنه‌های غیر رسمی "دست دادن" و "آرزوی خوشبختی کردن" میهمانان با هم ادغام نمائید.

مراسم خطبه عقد بطور تقریبی از ابتدا تا انتهای آن حدود بیست دقیقه طول می‌کشد و لازم است که مراسم را از ابتدا تا انتها بدون هیچ توقفی ضبط کنید. این کار به منظور کاری تکمیلی و جلوگیری از هرگونه وقفه قطع در صدا صورت می‌گیرد، مخصوصاً که در متن ضبط موزیک هم موجود است. از آنجائی که امکان تعویض باتری در طول این مراسم نیست، باید از قبل برآورد کنید که آیا باتری روی دوربین شما به اندازهٔ ضبط مراسم نیرو دارد و یا سعی کنید که دوربین را به برق شهر وصل کنید. برای اجتناب از هرگونه مسئله‌ای سعی کنید که یک باتری اضافه همراه خود داشته باشید.

گرفتن بیست دقیقه دوربین روی دست و آن هم بدون لرزش و تکان، کار سختی است، بنابراین سعی کنید که از سه‌پایه استفاده کنید. از این جائی که شما در آن قرار دارید، باید قادر باشید که صحنه‌هائی MS و کلوزآپ از افراد حاضر در نزدیکی محراب داشته باشید و هم چنین مطمئن شوید که قابلیت زوم در حالت بازتری را هم داشته باشید تا بتوانید از تمام افراد گرد آمده در آن محل فیلم بگیرید. در اغلب قسمت‌ها باید سعی کنید که دوربین روی زوج عروسی بچرخد و بیانگر مطلب اصلی باشد و هیچ قطع و وقفه‌ای هم

در کار نباشد.

بعد از امضای دفاتر، ممکن است چیز دیگری که از شما خواسته شده است، شروع شود. شما باید خیلی سریع خود را به خارج کلیسا برسانید و آمادهٔ ضبط تصاویری که عروس و داماد جدید بر روی پله‌های کلیسا می‌ایستند، باشید. احتمالاً این جا محل انداختن عکس‌های عروس و داماد با میهمانان خواهد بود. این قسمت از برنامه تحت کنترل عکاسان و آنچه آنها می‌خواهند، است و در نتیجه شما باید کارهای آنان را دنبال و تعقیب کنید. به مسائلی از قبیل اینکه اینجا و آنجا مردم در گروه‌های مختلف جمع شوند و حرف بزنند تا نوبت عکاسی آنها بشود، اهمیتی ندهید. در حقیقت این هم بخشی از جو عمومی عروسی است و کار شما این است که آنها را ضبط و منعکس کنید. ضبط صحنه‌های این قسمت را می‌توانید روی دست انجام دهید و از زوایای مختلف و هم‌چنین اندازه‌های گوناگون تصویر بردارید. سعی کنید که در صورت امکان از کلیسا و دَرِ آن دوری کنید تا صدای ارگ کلیسا بر روی فیلم شما ضبط نشود. در غیر این صورت پرش قطع‌های صوتی قابل مشاهده و محسوس خواهند بود. سعی کنید که تعداد زیادی تصویرهای کلوزآپ از هر دو فامیل برای آلبوم ویدئویی تهیه کنید. در هنگام ریختن شیرینی و کاغذ بر روی عروس و داماد هنگام ترک مراسم در مرکز جمع باشید تا شیرینی و کاغذها تمام صحنه را بپوشانند.

قرار گرفتن با دوربین ویدئو در جلوی ماشین عروس از مسابقات دیگری با وقت و زمان است که باید موفق شوید. برای این کار باید در هنگام سوارشدن عروس و داماد، ماشین خود شما هم آماده باشد. ضبط رسیدن میهمانان به مجلس عروسی یکی دیگر از موقعیت‌هائی است که برای نسل آینده جالب خواهد بود. بنابراین در یک گوشه‌ای بساط خود را برپا سازید و با دوربین آنقدر فیلمبرداری کنید که سیل جمعیت روان به طرف سالن قطع شود. از جنبه ضبط ویدئویی از این لحظه تا سرشام که صحبت و سخنرانی‌ها شروع می‌شوند، تقریبا کار مهمی وجود ندارد. با قرار و مدار گذاشتن با ساق‌دوش می‌توانید از طریق اشاراتی که با چشمک زدن یا سرتکان دادن به شما می‌کند، در هنگام حوادث بخصوصی دوربین را روشن و لحظاتی را فیلمبرداری کنید.

مسئله ضبط سخنرنی‌های سرشام، کاری است که از نظر تکنیکی کمی ظرافت می‌طلبد. برای این کار البته باید بتوانید از قبل یک میکروفون سیار سیم‌دار (و در صورت امکان نوری اضافی) در جلوی میز بالائی قرار دهید. جای قرار گرفتن دوربین باید در محلی باشد که هم بتوانید تصویر $\frac{۳}{۴}$ از شخص سخنران بگیرید و هم از مراسم بریدن کیک بتوانید فیلم تهیه کنید. دربین این مراسم می‌توانید چند صحنه کلوزآپ از میهمانان بگیرید.

راه‌های مختلفی جهت پایان بخشیدن به فیلم ویدئویی عروسی وجود دارند. یک راه این است که تصویر را در زمانی که میهمانی در حال تمام شدن است با یک fade out روی عروس و داماد به پایان برسانید. راه دیگر این است که آنها را در حال سوارشدن به ماشین در راه ماه عسل فیلمبرداری کنید. به هر شکلی که بخواهید برنامه خود را تمام کنید باید صحنه آخر شما، رابطه‌ای منطقی و درست و زیبا با

بقیه فیلم داشته باشد. می‌توانید در پایان با نوشتن کلمه "پایان" در زمان ادیت فیلم خود را تمام کنید.

شیوه‌های مختلفی هم برای شروع ویدئو وجود دارند. به عنوان مثال شروع می‌تواند نمایش صحنه‌های تدارکات نهائی در منزل عروس باشد و یا حتی رفتن به طرف کلیسا. اگر در نوار باید ادیت بعد از تولید صورت گیرد، می‌توان از امکانات دو دوربین استفاده کرد و مشکلات ضبط با یک دوربین را نداشت. ضبط صحنه‌های مختلف از نقاط و منابع گوناگون می‌توانند با کات شدن در سکانس‌های نهائی ادغام شوند و فاصله قطع بین دو تصویر و صدا به طور کامل در آنها حذف شوند.

همان‌گونه که شما با نوار عروسی کار می‌کنید، یک نکته را مطمئن باشید، عروسی با سرعت خاص خود بدون احتیاج به دوربین و فیلمبرداری پیش می‌رود و هیچ‌وقت هم نمی‌شود آنرا مجدداً ضبط کرد. با تمام این تفاصیل، عروسی یک زمینه بسیار خوب ضبط ویدئویی است و این وسیله بسیار خوبی جهت حفظ و ضبط این صحنه‌های استثنائی است.

لیست کنترل

در عروسی این صحنه‌ها را حتماً ضبط کنید:

* نمای کلیسا،
* داماد و ساقدوش،
* آمدن میهمانان به کلیسا
* آمدن ساقدوش‌های عروس
* آمدن عروس،
* آمدن عروس به طرف محراب،
* مراسم عقد،
* امضای دفتر عقد،
* زوج جوان بر روی پله‌های کلیسا،
* گروه خویشاوندان،
* ورود میهمانان به مجلس میهمانی،
* ضبط سخنرانی،
* بریدن کیک،
* ترک میهمانی از طرف عروس و داماد.

۱۳ـ ورزش و سرگرمی

اگر شما یکی از علاقمندان ورزش باشید، بنابراین احتیاجی نیست تا شما را متقاعد کرد که یک دنیا سوژه برای نمایش بر روی صفحه تلویزیون در ورزش وجود دارد. از آنجائی که ورزش و بازی‌های مختلف به شکل‌های گوناگون از طرف برنامه‌های حرفه‌ای تلویزیون ضبط و پخش می‌شوند، شاید در وهله اول غیر ضروری و وقت تلف کردن به نظر برسد که آماتورها با امکانات کم و اندکی که دارند به ضبط برنامه‌های ورزشی از جانب خود بپردازند.

ارزش کار در سطح آماتوری در وهله اول این است که منظور از این کارچه می‌باشد. ضبط برنامه‌های عظیم مثلاً مسابقه‌های فوتبال یک لیگ، احتیاج به چندین دوربین برای کار هم زمان، همراه با یک میکسر مجهز دارد. این البته فراتر از حد و مرز کارهای افراد آماتور است. اما اگر زمینه کار را پائین‌تر بیاوریم و هدف، ضبط یک فوتبال محلی و منطقه‌ای آماتوری به وسیله یک دوربین ویدئویی برای بازی‌کنان و علاقمندان و طرفداران تیم باشد، شیوه‌ها و امکانات عملی جهت این تیپ کار شدیداً فرق خواهند کرد. کل چیزی که شما احتیاج دارید یک دوربین به همراه یک نقطه مناسب برای کار شما جهت فیلمبرداری مسابقه است.

شما می‌توانید کنار زمین و پشت خط زمین بایستید و فیلمبرداری خود را در سطح و ارتفاع حدود زمین انجام دهید ولی بهتر است که چیزی حدود یک متر یا بیشتر از سطح زمین ارتفاع داشته باشید و کمی هم دورتر از خط اطراف زمین باشید. در این صورت جائی که قرار گرفته‌اید به دور از تماشاچی‌ها خواهد بود و آنها نمی‌توانند با آمدن به جلوی دوربین مزاحم کار شما شوند و از این رو می‌توانید زاویه دوربین خود را به طرف پائین و به سوی زمین بگیرید. سوای اینکه بالا بودن شما از ارتفاع زمین دید خوبی برای فیلمبرداری به شما می‌دهد، این کار باعث می‌شود که در تصاویر خود آسمان کمتری در صحنه داشته باشید و از این رو ضدنور کمتر در تصویر شما بوجود خواهد آمد. مثلاً پشت و یا روی سقف یک وانت و یا

اتومبیل بلند، محل خوبی برای کار گذاشتن دوربین و فیلمبرداری از صحنه بازی است. اگر وانت یا ماشینی که فیلمبرداری از روی آن باید انجام گیرد در اختیار شما است، سعی کنید آنرا در جائی پارک کنید که نور از جلو و مستقیم به آن نخورد.

چنانچه علاقه زیادی به مسابقه و تمایل به ضبط کل بازی داشته باشید، خواهید دید که ضبط کل مسابقه به اندازه نیروئی که بازیکنان در زمین صرف می‌کنند، از شما نیرو می‌گیرد. همان‌طور که بازی را دنبال می‌کنید باید نقش کلیدی توپ را نیز دائم در نظر داشته باشید و سعی کنید آنرا کمی دورتر از مرکز صفحه دوربین قرار دهید. همیشه وقتی که توپ در دوردستها به کنار زمین می‌رود، از زوم استفاده کنید و در سایر موارد با حالت واید و زاویه باز صحنه را نشان دهید، اما نه چنان زاویه‌ای که در آن جزئیات هم بسیار ریز به نظر بیایند و یا کاملاً کوچک شوند. از اینرو انگشت شما با لنز دوربین و زوم کردن باید کاملاً ماهرانه کار کند. صحنه‌های بیشمار کلوزآپ که در آن توپ شوت شود، مطمئناً خسته کننده خواهند بود و داستان زیادی هم از واقعیت را بیان نمی‌کنند.

اگر هدف شما از ضبط مسابقه فقط تهیه یک فیلم خبری از صحنه‌های مهم بازی باشد، می‌توانید با یک و یا حتی دو دوربین سیار به کنار خط زمین بروید. بخشی از کار شما عبارت خواهد بود از فیلمبرداری از شور و هیجان مردم از همان ارتفاع و بلندی زمین. در حقیقت نگاه تماشاچی‌ها هم باید با سمت و سوی وقایع جور در بیاید. این برداشت‌ها می‌توانند به عنوان cutaway هائی جهت پل زدن بین پرش‌های قطع بازی بکار روند. اگر از دو دوربین استفاده می‌کنید، یک عدد از آنها را می‌توان جهت ضبط جریان بازی بر روی ارتفاعی گذاشت و دیگری را در کنار زمین برای ضبط صحنه‌های کلوزآپ و صحنه‌های مهم و واکنش‌های مردم استفاده کرد. فیلم‌ها و صحنه‌هائی که با یک دوربین سیار کنار زمین گرفته می‌شوند، می‌توانند بعداً جهت اضافه کردن و insert به نوار اصلی مورد استفاده واقع شوند تا کار شما به کار حرفه‌ای‌ها نزدیک‌تر شود. در حین مونتاژ و ادیت کردن‌ها می‌توانید با کمی توضیح و تفسیرهای صوتی در مورد بازی، کار خود را به نحو بهتری عرضه کنید.

تنیس بازیی است که برای ضبط ویدئویی با یک دوربین بسیار آسان‌تر است. زمین بازی تنیس بسیار کوچک‌تر از زمین بازی فوتبال است و محوطهٔ زمین هم از جنبه فرود آمدن توپ، بیشتر قابل پیش‌بینی است. برای ضبط مسابقه می‌توان دوربین را در یک طرف زمین و پشت یکی از بازیکنان در بالاتر از سطح زمین قرار داد. در اینجا هم اگر بخواهد دوربین دوم استفاده شود، می‌توان از آن برای ضبط هیجانات حرکات مردم که توپ را دنبال می‌کنند و صدای ضربات توپ که به زمین و یا راکت‌ها می‌خورد و روی فیلم ضبط می‌شود، استفاده کرد. جهت ضبط صدا، یک میکروفون با سیم بلند در نزدیکی تور نصب می‌شود تا صدای برخورد توپ به راکت‌ها شنیده شود. تفسیر بازی را می‌توان یا در حال زنده و زمانی که بازی جریان دارد و یا پس از پایان در هنگام ادیت کردن انجام داد.

بازی اسنوکر "از خانواده بیلیارد" یک بازی پر از رنگ برای ویدئو است. همهٔ بازی را می‌توان خیلی

راحت با یک دوربین که از بالا به طرف میزبازی گرفته شده است، ضبط کرد. سرعت این بازی معمولاً خیلی آهسته و وقت گذران است. بنابراین حتی زبان بسته‌ترین مفسرها هم مشکلی جهت تفسیر کردن بازی نخواهند داشت. میز اسنوکر باید خوب روشن شده باشد، در غیر این صورت ممکن است که عمق میدان در چنین فاصلهٔ نزدیکی بسیار کم بشود و سیستم اتوفوکوس دوربین شما ممکن است که در فوکوس کردن میز دچار مشکل بشود. از اینرو اگر در زاویه واید هم به دلیل عمق میدان دچار مشکل شدید، باید از فوکوس دستی استفاده کنید.

این بازی می‌تواند به شکل‌های دیگر هم جذابیت‌های خاص خود را به عوض اینکه از اول تا آخر از یک موضع ضبط شود، ایجاد کند. به عنوان مثال قرار دادن دوربین در کنار میز و در سطح و تراز چشم می‌تواند صحنه‌های ضربه‌زدن به توپ‌های رنگی را نیز ضبط کند. در اینجا فوکوس‌های مختلفی را می‌توان انجام داد. مثل حالتی که همه‌چیز بجز پیش زمینه را تار نشان دهد. هم‌چنین در هنگام ادیت کردن می‌توان شکل‌های مختلفی از تصویر و صدا را روی نوار پیاده کرد.

از اتاق پر از دود سیگار اسنوکر به فضای بیرون برویم. بازی گلف تماشاچی‌های تلویزیونی خود را دارد و ضبط تلویزیونی این بازی با استفاده از وسائل و امکانات تصویری بسیار گران قیمت صورت می‌گیرد. با همهٔ این حرفها، اگر شخص بازیکن همکاری کند و زمین چمن گلف هم شلوغ نباشد، می‌توان با یک دوربین سیار بازی را ضبط کرد.

گلف بازیی تا حدی اجتماعی است و سرعت بازی هم کم هست. از اینرو شخص فیلمبردار می‌تواند با برداشت‌های کلوزآپ، قیافه و واکنش بازیکن‌های مختلف در هنگامی که توپ را درون سوراخ می‌اندازند و یا آنرا از دست می‌دهند ضبط کند. برخلاف انواع ورزش‌های دیگر در بازی گلف می‌توان ضبط صحنه‌ها را مثل هر برنامه دیگری به شکلی ساده ضبط کرد. شما می‌توانید برداشت‌هائی بااندازه MS تا کلوزآپ با زاویه دید تماشاچی‌ها "تا زمانیکه توپ به سوراخ نزدیک می‌شود"، داشته باشید. می‌توانید حتی صحنه‌هائی دیگر که بر روی زمین چمن وجود دارند و یا زمانی که بازیکنان در کنار زمین هستند هم به موازات بازی ضبط کنید.

اگر شخصی به عنوان مصاحبه کننده در دسترس شما هست، می‌توانید با استفاده از او و یک میکروفون تفنگی، مصاحبه‌ای در فاصله بین ضربه‌ها با یکی از بازیکنان ترتیب دهید. این بدین معنی است که شما با دوربین خود به طرف عقب حرکت می‌کنید و از بازیکن که در حال جلو آمدن است فیلم و مصاحبه ضبط می‌کنید. در سطح پائین‌تر می‌توانید دوربین خود را به یک مسابقه حرفه‌ای ببرید و با یک لنز تله شانس این را داشت باشید که از چند بازیکن سرشناس صحنه‌هائی را ضبط کنید.

بازی گلف و چرخش توپ آن در فضا یکی دیگر از امکانات دوربین‌های ویدئویی را به نمایش می‌گذارد و آن استفاده از شاتر سریع در برنامه AE دوربین است، که در حالت عادی سرعت شاتر $\frac{۱}{۵۰}$ ثانیه است ولی به وسیله این برنامه می‌توانید سرعت شاتر را $\frac{۱}{۵۰۰۰}$ ثانیه بکنید. همهٔ اینها منوط به این است که

این برنامه یا کارکرد بر روی دوربین شما وجود داشته باشد. این بدین معنی است که شما با استفاده از این برنامه می‌توانید حرکت سریع چوب گلف را منجمد و ساکن کنید، چیزی که در حرکت ساده و عادی به هنگام نمایش تصویر ثابت و تکی و یا حرکت آهسته به صورت محو نشان داده می‌شود. این امر باعث می‌شود تا جزئیات یک حرکت بهتر مورد بررسی قرار گیرند، چه به وسیله حرکت کند و یا نمایش فریم به فریم.



مردمی که در قایق‌ها به تفریح و گردش می‌پردازند، سوژه‌های خوب ویدئویی هستند. این صحنه می‌تواند به عنوان یک سکانس پایانی از اعزام یک بعدازظهر با قایق درگشت و گذاری روی رودخانه یا دریاچه باشد.

شاتر با سرعت سریع می‌تواند برای مسابقاتی مثل اتومبیلرانی و اسب سواری هم مورد استفاده قرار گیرد. البته مطلوب بودن این روش قابل بحث است، چرا که درجه وضوح تصویر تقریباً غیر واقعی نشان داده می‌شود. یک تصویر محو به چیزی که چشم ما می‌بیند، نزدیک‌تر است. سرعت بالای شاتر در رابطه با نوردهی دوربین هم تاثیر خود را می‌گذارد و نور کمتری به دوربین می‌دهد. از اینرو لنز دوربین برای جبران این کمبود مجبور است با دیافراگم بازتری کار کند. با این تفاصیل، استفاده از این روش، مناسب حالت‌هائی است که همه‌چیز برای آن جور و مناسب باشند.

اگر گلف بازیی باشگاهی است، یک بازی مدرسه‌ای در حقیقت حرکتی اجتماعی است. ضبط کامل از یک مراسم به اندازهٔ نیروئی که بازیکنان صرف می‌کنند، جهت اجتماعی کردن موضوع وقت می‌برد. دوربین باید سیار باشد، زاویه باید باز باشد و تا جائی که امکان‌پذیر باشد، جو موجود را ضبط و روی نوار حفظ کند. این هم از آن مواردی است که دو دوربین بهتر از یک دوربین کار خواهند کرد. هر کدام از این دوربین‌ها باید بر مبنای برنامه ریزی مسابقه به طور انفرادی کار کنند و در آخر بهترین‌های هر نوار روی نواری جدید مونتاژ می‌شوند.

برای ضبط مسابقاتی مثل دو و میدانی، دوربین را در جائی قرار دهید که خط استارت از روبه‌رو به صورت مورب روی صفحه باشد. پس از شروع مسابقه با پن کردن، حرکت دوندگان را تا انتهای خط پایان مسابقه ضبط کنید. اگر بتوانید دوربین دومی را در خط پایان مستقر کنید که چه بهتر. راه عملی و بهتر این

است که دوربین را پس از خط پایان روی سه‌پایه و لنز تله قرار دهید که در این حالت دوربین به طرف خط استارت قرار دارد. به محض اینکه مسابقه شروع شد، می‌توانید با زوم کردن از تله بیرون بیائید تا در خط پایان به صورت واید بتوانید همهٔ شرکت کنندگان را نمایش دهید. تعداد زیادی تصویر کلوزآپ از تماشاچی‌ها در لحظاتی که مشغول تشویق مسابقه دهندگان هستند و یا برای دوندگان دست می‌زنند، بگیرید. هم‌چنین فراموش نکنید که برای آخر روز جهت ضبط سخنرانی و پخش جوایز، نقطه خوبی را برای قرار دادن دوربین در نظر بگیرید.

مسابقات شنا، تکنیک‌های مشابهی را می‌طلبد. سالن‌های سرپوشیده، مشکلات خاص خود از جمله تعرق روی لنز دوربین را دارند. برای حل این مسئله، اجازه دهید که مدتی دوربین در محل استخر باشد و به محیط و حرارت آن عادت کند و اگر لنز شما عرق کرد، آنرا با دستمال مخصوص این کار، خیلی آهسته پاک کنید. اگر بخار آب بیش از حد باشد، دوربین ممکن است این مسئله را کشف و به طور اتوماتیک خاموش شود. در این صورت تا عوض نشدن شرایط قادر به استفاده از آن نخواهید بود. تعرق و بخار، خطر اصلی برای یک دوربین ویدئو هستند. از اینرو بهتر است که هیچ وقت ریسک نکنیم و از بردن آنها به اماکن رطوبتی که ممکن است باعث صدمه‌زدن به قسمت‌های الکترونیکی و یا قفل شدن هدهای ویدئو بشوند، خودداری کنیم، مگر اینکه آنها را به نحو احسنت در محافظ مخصوصی قرار داده باشیم.

اگر دوربین ویدئو در محفظه‌های فشار هوا قرار گرفته باشد و یا درون جلدهائی که به منظور جلوگیری از نفوذ آب به دور دوربین کشیده می‌شوند، می‌توان با آنها حتی به درون آب رفت. فیلمبرداری از زیر آب در نقاط ساحلی کاری بسیار جذاب و سرگرم کننده است و ساختن نوار ویدئویی شخصی از این محیط فعالیتی بسیار هیجان آور است. درجه وضوح صحنه‌های زیر آب بستگی زیادی به شفاف بودن آب دارد. هرگونه هوای ابری نه تنها دید عمومی را کاهش می‌دهد، بلکه از نفوذ نور روز و نورهای مصنوعی جلوگیری می‌کند. برای اسکی روی آب هم که هیجان خاص خود را دارد، ضبط ویدئویی باید با دوربین سیار انجام شود.



لنزهای واید ماکرو جهت بازتر کردن زاویه فیلمبرداری صحنه درست شده‌اند. این لنزها هم برای اماکن بسیار کوچک داخلی و هم مناظر بیرونی بسیار مناسب هستند.

ورزش‌های زمستانی عرصه دیگری از فعالیت را به نمایش می‌گذارند و مسائل خاص[1] خود را دارند. یکی از این مسائل قابلیت کارکردن دوربین ویدئو در هوای بسیار سرد است. اکثریت دوربین‌های ویدئویی برای کار در حداکثر صفر درجه "و نه پائین‌تر" طراحی شده‌اند و در صورت استفاده بدون هیچ پوششی در هوای سرد، ممکن است که صدمه به آنها وارد شود. زمانی که دوربین را از محیطی گرم به هوای سرد

می‌برید، مواظب مسئله تعرق باشید. مدتی به دوربین وقت دهید تا بتواند خود را با هوای جدید و سرد تطبیق دهد. برای انتخاب و ضبط سوژه در مناطق اسکی دچار مشکل نخواهید شد، چرا که همه‌چیز روشن است و برق می‌زند و چه فعالیت حرفه‌ای و چه عرصه آماتوری زمینه‌های زیادی برای کار عرضه می‌کنند. صندلی‌های تله سی‌یژ، مکان‌های خوبی برای ضبط صحنه‌هائی از موضع بالا هستند. این تصاویر می‌توانند تقریباً کیفیت سه بعدی داشته باشند.

اگر کسی تبحر داشته باشد می‌تواند از آفتابی که روی برف می‌درخشد، حداکثر استفاده را ببرد. سعی کنید که از صحنه‌هائی تصویر بگیرید که نور به طور مورب به آنها می‌تابد و خورشید هم در زاویه نسبتاً پائینی قرار دارد. از این رو پس‌زمینه کاملاً قوی، برجسته و بدون هیچ‌گونه تصویر محوی، بسیار پررنگ به نظر خواهد رسید. این کار باعث می‌شود تا کنتراست بین برف و صورت افراد کمتر شود، کاری که در غیر این صورت براثر ضدنور باعث می‌شد که قیافه‌ها تیره‌تر بنظر برسد. در این مرحله اگر احتیاج بود، تصحیحات نور پس زمینه را انجام دهید. اگر صحنه زیاد روشن باشد، ممکن است با شرایطی مواجه شوید که نوردهی، بسیار بالاتر از حد کار کردن دوربین شما باشد و با مسئله نور زیاد مواجه خواهید بود. برای حل این قضیه می‌توانید از فیلتر ND که فیلتری خنثی و تیره است استفاده کنید. این فیلتر باعث می‌شود که مقدار نوری که به دوربین می‌رسد، کاهش یابد و مشکل شما حل شود.

چنانچه فرد ماجراجوئی هستید، می‌توانید دوربین خود را در یک پرواز کوتاه با گلایدر و یا پرواز با بالون همراه داشته باشید. اما قبل از همهٔ اینها مسئله بیمه خود و دوربین خودتان را در نظر داشته باشید. به غیر از ضبط و برداشت‌های هوائی، فعالیت و مناظر زمینی هم عرصه‌های خوبی برای فیلمبردای هستند. صحنه‌هائی مثل باد کردن بالن، سوار کردن وسائل پرواز قبل از بلند شدن و آماده کردن گلایدر، نکات جالب ویدئویی جهت ایجاد پس زمینه در کار ضبط نمایش هوائی هستند.



بالون وسیله‌ای است که صحنه‌های دیدنی بسیاری را به فیلم شما اضافه می‌کند. سعی کنید که صحنه‌های جالب از سفر با بالون و مردمی که با آن به مسافرت می‌پردازند، تهیه کنید.

به عنوان مثال بادکردن بالن به وسیله هوای گرم، کاملاً تماشائی است. این عمل کاری آهسته است و هرچند وقتی می‌توانید با گرفتن یک برداشت پیشرفت کار را نشان دهید. از این رو می‌توانید تعداد زیادی

cutaway ضبط کنید تا بتوانید به عنوان پل در میان پرش‌های قطع مونتاژ کنید. برای پر کردن این حفره‌ها می‌توانید تصاویری کلوزآپ از علاقمندان و تماشاچی‌ها تهیه کنید. هم چنین ضروری است که پرش‌های بوجود آمده در صدا را هم در هنگام ادیت اصلاح کنید و یک متن دنباله داری را میکس کنید تا باعث شود که صدای دلخواه به دست آید. می‌توانید این صدا را قبلا با دستگاه ضبط صوت سیار خود ضبط و در زمان گرفتن تصویر."در حین باد کردن بالون" پخش کنید.

بهترین زمان برای گرفتن تصاویر هوائی وقتی است که آفتاب سایه‌های بلندی ایجاد کرده است و زمین به شکل برجسته‌ای در تصویر به نظر می‌رسد. ضبط صحنه‌ها باید از فاصله نسبتاً مناسبی مثل ۱۵۰ تا ۳۰۰ متری زمین گرفته شوند. نصب یک فیلتر UV "ماوراء بنفش " جلوی لنز باعث می‌شود که بخشی از مه و آلودگی هوا حذف و تصویر شما دارای وضوح و روشنی بیشتری باشد. از کسی هم که همراه شما هست، صحنه‌هائی را بگیرید. استفاده از یک کنورتور لنز واید می‌تواند به شما کمک کند تا از همراه خود تصویر بهتری داشته باشید و تصاویر زمین را از بالا به صورت پانورامائی تهیه کنید.

شاید بتوانید یک مصاحبه هوائی با همراه خود ترتیب دهید. اگر این کار امکان ندارد، در زمانی که ثابت و محکم در سبد پائین بالون هستید، سعی کنید که از تجربیات و علاقمندی فرد یا افراد داخل بالون با ضبط آنها بر روی نوار بهره‌مند شوید. فیلمبرداری کردن از فعالیت مردمی که به چیزهای غیر عادی و غیر معمولی علاقه دارند، ارزش زیادی دارد. اگر آنها در مقابل دوربین خجالتی هستند، می‌توانید فقط صدای آنها را روی فیلم ضبط و سپس در نقاط دیگر مونتاژ کنید. دوچرخه سواری هم از ورزش‌های دیگری است که علاقمندان خاص خود را دارد و ویدئو در این زمینه در جهت ضبط و نمایش آنها می‌تواند نقش بسیار مهمی داشته باشد.

قایقرانی در کانال‌ها چیزی بسیار آرام و ملایم جهت فیلمبرداری است و تنها مانع این کار، محل تعویض ارتفاع قایق‌ها در کانال‌ها است که بدون آنها ضبط این نوع برنامه کاملاً یک نواخت و بدون هیچ چیز قابل درجی می‌شود. از این رو کانال‌ها، قایق‌های بادبانی و مردمی که در آنها هستند، مواد اولیه خوب و لازمی در ضبط ویدئویی هستند. زمانی که قایق در حال سفر کردن است، می‌توان داستانی بلند همراه با چشم اندازهای بسیار از اطراف در فیلم ضبط کرد. همه‌گونه فعالیت زندگی را در طول یک کانال آبی می‌توانید مشاهده کنید، از فعالیت کارکنان دریائی تا مردمی که بر روی لنج‌ها و باربرهای روی کانال، با سرعت حرکت می‌کنند و زندگی خود را می‌گذرانند. صدای پت‌پت موتور این قایق‌ها، همراه خوبی برای شما هنگام ترک سواحل کانال‌ها است.

از نظر تکنیکی برای پروژه‌های این چنینی احتیاج به وسائل و ابزار زیادی ندارید. مهم‌ترین مسئله شارژ کردن باتری دوربین در حین حرکت بر روی کانال است. البته در کنار هر کانال، رستوران‌های زیادی وجود دارند که با کسب اجازه از صاحب آن می‌توانید شارژر خود را به برق شهر وصل و باتری خود را شارژ نمائید.

یک روز بر روی قطار بخاری که به عنوان موزه نگهداری می‌شود هم می‌تواند موضوع جالبی برای ضبط ویدئو باشد. برداشت‌هائی که از کنار ایستگاه از لکوموتیو "در حالی که می‌غرد" گـرفته مـی‌شوند، تصاویر بسیار قشنگی خواهند شد. شکل و بنای ایستگاه قدیمی و فعالیت در آن کنتراست خوبی با قطار در حال حرکت درست می‌کند. چنانچه شما خانواده و یا دوستان خود را هم به محل آورده باشید، برنامه زیر زمینه خوبی برای کار ویدئویی شما خواهد بود:

سناریوی قطار بخار

* به ایستگاه قطار می‌رویم و روی سکو منتظر آمدن قطار می‌شویم.
* صدای سوتی از دور شنیده می‌شود و همهٔ سرها به طرف آن بر می‌گردند.
* چراغ ایستگاه سبز می‌شود و شما می‌توانید صدای مانع‌های ریل را بشنوید.
* قطار آهسته پدیدار می‌شود و به داخل ایستگاه می‌آید.
* از نقطه‌ای که شما در انتهای سکو قرار گرفته‌اید، دید خوبی روی لوکوموتیو که در حال بیرون دادن بخار است دارید.
* در سوی دیگر سکو، بچه‌ها که درون چرخ‌هائی که به وسیله والدینشان کشیده می‌شود، در حال لولیدن هستند.
* موتور لوکوموتیو در حالت خلاص قرار دارد و راننده و دو پسربچه مشغول نگاه کردن به آن هستند.
* درهای واگون‌ها بسته می‌شوند و سرها از پنجره‌ها بیرون می‌آیند.
* موتور قطار شروع به غریدن و صدا کردن می‌کند.
* آخرین مسافر دوان دوان می‌آید و سوار می‌شود.
* در قطار، خانواده در حال جابجا کردن خود هستند.
* بیرون از قطار، صدای سوت مأمور ایستگاه با صدای لکوموتیو جـواب داده می‌شود و قطار به آهستگی ایستگاه را ترک می‌کند.

یک راه دیگر نگرش به موضوع این است که از دید تکنیکی و تـاریخی و از نگـاه علاقمندان راه آهن به قضیه تماشا کنیم. این کار باعث می‌شود تا ما از مسئله ضبط یک مسافر صرف خلاص شویم و به ضبط چرخ‌ها، قسمت‌های قابل مشاهده مـوتور، عوض کردن خط‌ها با امکانات آن زمان و... بپردازیم. اگر خود شما در این زمینه‌ها اطلاعاتی ندارید، می‌توانید به کسانی مراجعه کنید که این اطلاعات را دارا هستند و قبل از هر کاری باید از مقامات راه‌آهن برای کار خود اجازه کسب کنید، چرا که در حقیقت این محدوده و زمینه کار آنهاست که قرار هست ضبط شود.

تئاتر و نمایش

ضبط ویدئویی نمایش در حقیقت موضوع و محدودهٔ بزرگی را در بر می‌گیرد و در اینجا ما فقط به مسائل اصلی و اساسی آن خواهیم پرداخت. اولین نکته این است که آیا این نمایش برحسب تزئین و دکوراسیون تئاتری ضبط خواهد شد و یا به شکلی ساده و معمولی مثل ضبط درون یک خانه و محل سرپوشیده و سپس بیرون منزل و نکاتی از این گونه. به عنوان مثال یک نمایش کوتاه و ساده تئاتر می‌تواند با شرکت افراد خانواده و دوستان شما در محیط خانه و حیاط شما انجام شود.

از نظر فنی وسائل مورد احتیاج چندان زیاد نیستند. برای یک دوربین می‌توان هر ضبط صحنه را به تنهائی با نورپردازی انعکاسی و یا سیستم سه پروژکتوری انجام داد. جهت صدا می‌شود از یک میکروفون بوم یا میکروفون رادیوئی مخفی که هر فرد با خود حمل می‌کند، استفاده کرد. اگر بخواهید می‌توانید فیلم را درون دوربین ادیت کنید. اما راه عملی‌تر این است که ابتدا ضبط و پس از پایان کار ادیت و مونتاژ را انجام داد. این روشی است که کارگردان را آزاد می‌گذارد که هرچند صحنه‌ای که تمایل داشته باشد ضبط کند و در پایان بهترین صحنه‌ها را روی نوار اصلی مونتاژ کند.

چنانچه نمایش شما چیزی داخلی و در حقیقت ساخته خودتان باشد، داستان نمایش را باید ابتدا به صورت کتبی تهیه کنید. ابتدا رئوس و نکات اصلی تئاتر را به صورت مختصر روی کاغذ بیاورید. این در حقیقت اسکلت اصلی داستان است و در ذهن هرکسی می‌تواند به طور مشخص، واضح و آشکار باشد. سپس می‌توان وارد جزئیات بیشتری شد و یک متن از اعمال، دیالوگ‌ها و طرز صحنه‌آرائی را به شکلی دقیق‌تر تهیه کرد. کار شما برای ضبط باید منطبق و برحسب این نوشته باشد که برای هر صحنه جزئیاتی از کار دوربین و قرار گرفتن آن و اندازه نماهای لازم را عرضه خواهد کرد. این مطالب را می‌توان در قسمت چپ یک صفحه نوشت و دیالوگ‌ها را در سمت راست درج کرد. با این نوشته کامل می‌توانید کار فیلمبرداری خود را شروع کنید.

برای نمایش‌هائی جدی‌تر مجبور هستید که از افراد و یا گروه‌های تئاتری کمک بگیرید و یا با کلوپ‌های ویدئویی تماس بگیرید که دسترسی به این افراد دارند. بازی کردن برای صفحه کوچک تلویزیون، کاملاً با بازی کردن بر روی صحنه فرق می‌کند، گروه‌های تئاتری که همیشه نمایش خود را روی صحنه‌های بزرگ اجراء کرده‌اند، برایشان سخت است که بتوانند در این مورد خوب عمل کنند. کلوزآپ‌های روی صفحه تلویزیون بیانگر احساسات به شکل خیلی مستقیم هستند و حرکات بدن باید در حد پائین نگهداشته شوند، چرا که در غیر این‌صورت در تلویزیون مشاهده نخواهند شد.

اما ویدئو باید نقش خود را در تئاتر بازی کند. اغلب مواقع ضبط‌های مختلفی از درون سالن و جایگاه تماشاچی‌ها صورت می‌گیرد تا به بازیگران امکان دهد که حرکات خود را از زاویه تماشاگران مورد مطالعه قرار دهند. از آنجائی که ضبط‌ها برای استفاده موقت هستند، می‌توانند با حداقل امکانات فنی فیلمبرداری شوند و استاندارد ضبط هم در سطح بالائی نباشد. اما برای ضبط واقعی یک نمایش، باید استاندارد ضبط

بسیار بالائی داشت. شیوه‌ای که می‌توان به وسیله آن این عمل را انجام داد بستگی به این دارد که آیا یک نمایش جداگانه برای دوربین انجام خواهد شد یا نه؟ اگر بله، این مسئله به طور قابل توجهی به قضیه کمک خواهد کرد، چرا که وسائل ضبط ویدئویی را می‌توان بدون هیچ‌گونه محدودیتی روی صحنه آورد و هر جا که محدودیت دوربین حکم می‌کند، نمایش قطع شود و نور و سایر چیزها تنظیم شوند و مجدداً از این صحنه به آن صحنه فیلم گرفته شود.

از طرفی دیگر اگر نمایش باید در حضور تماشاچی‌ها ضبط شود، بنابراین باید به فکر دوربین در نقاط مختلف بود. اگر دوربین‌ها مستقلانه عمل می‌کنند، بعداً می‌توان از طریق ادیت و مونتاژ، بهترین برداشت را انتخاب و ضبط نمود. راه حل حرفه‌ای در این مورد اتصال دوربین‌ها به یک میکسر است تا در آنجا کارگردان در طول ضبط زنده، ادیت ویدئویی را انجام دهد.

کارگردان ویدئویی باید داستان تئاتر را قبلا با دقت مطالعه کرده باشد و از درون آن یک نوشته و برنامه جهت ضبط دوربین‌ها درست کرده باشد. بر طبق این برنامه موقعیت و زاویه و حرکات هر دوربین از قبل مشخص شده است و دوربین‌ها باید تمام وقت از صحنه بدون هیچ‌گونه وقفه‌ای و یا امکان ضبط مجدد، فیلمبرداری خود را دنبال کنند.

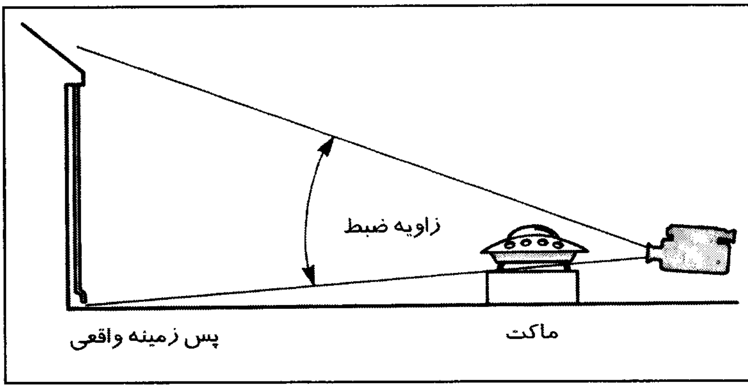
ضبط خوب صدا در اینجا هم مورد بسیار مهمی است. چندین میکروفون مختلف باید بر روی صحنه تعبیه شده باشند و همه آنها به یک میکسر صدا متصل باشند. در آنجا یک صدابردار با وظیفه تعادل در صداهای صحنه، کار صدابرداری را در طول نمایش انجام دهد. از این مسئله که ضبط شما باید دارای مجوز "کپی رایت" باشد، غافل نشوید و حتماً مجوز لازم را اخذ کنید.

۱۴ـ جلوه‌های ویژه و گرافیک

جلوه‌های ویژه صحنه وسیعی از انواع حقه‌های تصویری از چیزهای ساده تا مسائلی خیلی پیچیده است. بعضی از آنها با استفاده از لنز ایجاد می‌شوند که همیشه از طرف تولید کنندگان سینمائی، حتی از زمان سینمای صامت مورد استفاده واقع شده‌اند. اما جلوه‌های دیگر و اخیر با استفاده از پیشرفت الکترونیک و نرم افزارهای گوناگون ایجاد می‌شوند که می‌توانند هرچیز روی صحنه را تغییر و به شکلی که می‌خواهند در بیاورند.

حقه سینمائی و ایجاد آن بستگی به چگونگی از شکل طبیعی خارج کردن یک تصویر در حالت دو بعدی دارد. جلوه‌های کمدی از ابتدای تاسیس سینما مورد استفاده تولید کنندگان فیلم بوده‌اند و در یک مثال قدیمی که شما هم حتماً مشاهده کرده‌اید، یک هنرپیشه را در پشت فرمان ماشین گران قیمت در حال حرکت و آواز خواندن می‌بینیم. به محض اینکه ماشین متوقف و پارک می‌کند، راننده از آن پیاده و روی پیاده‌رو می‌ایستد، یعنی جائی که تمام وقت آنجا بوده است. به دلیل نبودن عمق میدان کافی تماشاچیان تمام مدت فکر می‌کردند که او واقعاً در ماشین بوده است. این شیوه تردستی یا شیرین کاری، چیزی است که در شکل‌های مختلف مورد استفاده، قرار گرفته است و هنوز هم تماشاچی را مشغول نگه می‌دارد. هیچ وسیلهٔ خاصی مورد احتیاج نیست، تنها باید کمی قدرت تخیل را به کار انداخت.

حقهٔ اشتباه جلوه دادن بُعد، می‌تواند جهت تولید چیزهای بزرگ و یا خیلی کوچک مورد استفاده قرار گیرد. افرادی که در نزدیکی دوربین هستند، بسیار بزرگ‌تر از کسانی هستند که در فاصله دورتری از دوربین ایستاده‌اند. با قرار دادن دوربین در زاویه مناسب و برداشتن هرچیزی که در صحنه باعث ایجاد بعد و اندازهٔ واقعی بشود، چشم می‌پذیرد که تصاویری که مشاهده می‌کند، واقعی هستند و اختلاف بین اندازه تصاویر را قبول می‌کند، چراکه فشرده بودن تصاویر باعث می‌شود که افراد را نزدیک به هم ببنیم تا فاصله واقعی آنها.



این تصویر، طرز فیلمبرداری از یک بشقاب پرنده راکه در حیاط خانه شما فرود آمده است، نشان می‌دهد. ماکت این بشقاب پرنده را در نزدیکی دوربین خود قرار دهید، طوری که در پس زمینه تصویر، خانه شما وجود داشته باشد. به دلیل فاصله زیاد بشقاب پرنده از خانه، اندازه آن از سایز طبیعی بسیار بزرگ‌تر به نظر خواهد رسید. "علت این مسئله به قانون مهم دوبعدی بودن تصاویر ویدئویی بستگی دارد". همچنین مهم است که هم ماکت و هم خانه، هر دو دارای تصویری کاملا واضح و فوکوس باشند. از این رو یک روز روشن و آفتابی را برای این کار انتخاب کنید و لنز را روی واید بگذارید تا حداکثر عمق میدان را در تصویر داشته باشید.

به روشی مشابه می‌توان مدل‌های کوچک را به اندازهٔ واقعی و بزرگ آنها ساخت. تصور کنید که می‌خواهید یک بشقاب پرنده که روی چمن خانه شما نشسته است را فیلمبرداری کنید. اگر مدل کوچکی از بشقاب پرنده داشته باشید، آنرا کمی دورتر از خانه، روی چمن قرار دهید. دوربین را جلوی آن در فاصله نزدیک بشقاب پرنده قرار دهید و زاویه آنرا طوری تنظیم کنید که خانه بسیار کوچک به نظر برسد. اگر صحنه را با دقت تزئین کرده باشید، تماشاچی زمانی که خانه و بشقاب پرنده تصویری کاملاً واضح یا sharp داشته باشند، کاملاً در قبول حقه متقاعد خواهد شد. برای این کار باید حداکثر عمق میدان را داشته باشید. بنابراین ضبط باید در یک روز کاملاً صاف و با لنز واید صورت بگیرد. اگر بخواهید تصویر خود را قوی‌تر جلوه دهید می‌توانید در پس‌زمینه تصویر انسان هم داشته باشید. کنترل کنید که در پیش‌زمینه هیچ‌چیز خارج از اندازه‌ای وجود نداشته باشد، مثل برگ و علف که باعث می‌شوند تا حقه رو شود.

حالت واید که بر روی لنز شما وجود دارد، می‌تواند باعث تغییر شکل اجسام شود. اگر لنز خود را روی حداکثر واید بگذارید و دوربین خود را نزدیک به جسم قرار دهید، عمق صحنه کاملاً غیر واقعی جلوه خواهد کرد. مثلاً دماغ‌ها در صورت به شکل کاملاً غیر واقعی در می‌آیند و دستها به شکل کاملاً بزرگی به مانند تارهای عنکبوتی که در صحنه تکان می‌خورند و از صحنه بیرون می‌روند، نمایش داده می‌شوند. اگر این روش برداشت را با زاویه پائین یا بسیار بالای دوربین همراه کنید، تصویرهای عجیب و تهدیدآمیزی

بدست خواهید آورد. هرچه لنز وایدتر باشد، اشیاء هم عجیب‌تر خواهند شد و این جلوه چنانچه یک کنورتور واید روی لنز خود ببندید، بزرگ‌تر و عجیب‌تر خواهد شد. در نهایت چنانچه یک لنز چشم ماهی روی لنز ببندید، نهایت دگرگونی در تصویر را خواهید داشت. این لنز زاویه دید را دوبرابر می‌کند و در تغییر شکل واقعی و فرم اصلی نقش مهمی می‌تواند بازی کند. هروقت شما تصمیم به خرید یکی از این کنورتورها داشتید، آنرا روی لنز خود ببندید و ببینید که آیا گوشه‌های تصویر را محو می‌کند یا نه؟

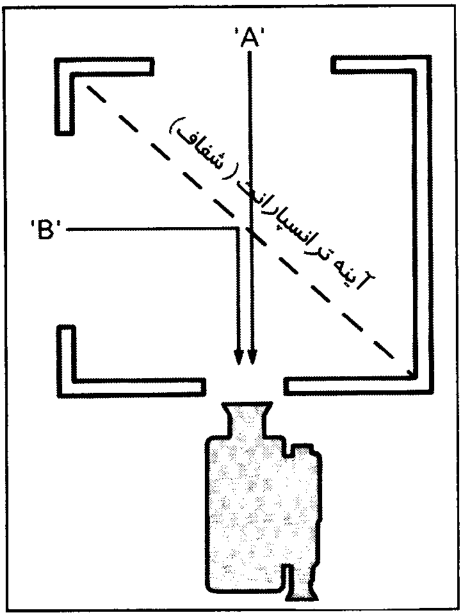


آداپتورهای لنز چشم ماهی fisheye، قدرت لنز واید را به مقدار ۲/۵ برابر افزایش می‌دهند. آنها شکل تصویر را با اعوجاج بسیار به سان یک بشکه نشان دهند که در حقیقت تصویری است که با شکل واقعی خیلی فرق دارد.

در حالت تله، عمق میدان کاملاً فشرده می‌شود و فیلمبردارها از این حالت برای خلق جلوه‌های ویژه استفاده می‌کنند. تصاویر کلیشه‌ای تلویزیون از صحنه‌های وحشتناک ترافیک که همه جا ماشین ملاحظه می‌شود، یک نمونه از استفاده تعمدی از لنز تله برای کم کردن عمق تصویر است و نمایش دونده‌ای که به طرف دوربین می‌دود ولی به آن نمی‌رسد، هم جلوه دیگری از این کار می‌باشد.

با سرمایه‌گذاری جهت خرید چند لنز و یا فیلتر مخصوص حقه‌های تصویری می‌توانید محدودهٔ کار خود را گسترش دهید. این فیلترها به صورت تکی و یا به صورت سری در یک جعبه فروخته می‌شوند و زیاد گران هم نیستند. مثلاً فیلتر دو فوکوسه مانند عینک‌های بی‌فوکال، هم به صورت نزدیک‌بین و هم دوربین ¨ عمل می‌کند. نصف این فیلتر جهت فوکوس کردن روی پیش‌زمینه و نصف دیگر آن روی پس زمینه فوکوس می‌شود. هرچند این را نمی‌توان یک جلوه ویژه نام داد، ولی شما می‌توانید تصویر خود را در یک محدودهٔ بسیار بزرگ از نزدیک لنز تا فاصله‌های دور با عمق میدان بسیار ضبط کنید و تصویر صافی داشته باشید.

اگر دارای فیلترهائی منشوری که چند تصویر یک شکل را ایجاد می‌کنند، باشید می‌توانید تصویری بسیار تحسین کننده داشته باشید. در یک نوع از این فیلترها دارای تصویر اصلی در مرکز هستید که به وسیلهٔ چند تصویر دیگر مثل خود محاصره شده است. می‌توانید آنها را بچرخانید. این کار را می‌توانید با چرخاندن قسمت خارجی لنز که بر روی قسمت داخلی می‌چرخد و هیچ تاثیر سوئی هم روی تصویر باقی نمی‌گذارد، انجام دهید. اگر این چرخش را با زوم همراه کنید، دارای تاثیری رویائی بر تصویر خواهید شد.



این شکل نشانگر طرز قرارگرفتن آینه‌های جیوه‌ای است که با زاویه ۴۵ درجه در گوشه‌های جعبه جای گرفته‌اند. با تنظیم دیافراگم می‌توان تصویری داشت که از هر دو مدل A و B تشکیل شده باشد. علت این امر در خاصیت آینه است که هم به عنوان عبور دهنده تصویر و هم منعکس کننده آن عمل می‌کند. شکل‌های گرافیکی یا چیزهایی که با پروژکتور نمایش داه می‌شوند، می‌توانند به وسیله این روش دارای جلوه‌های ویژه بشوند.

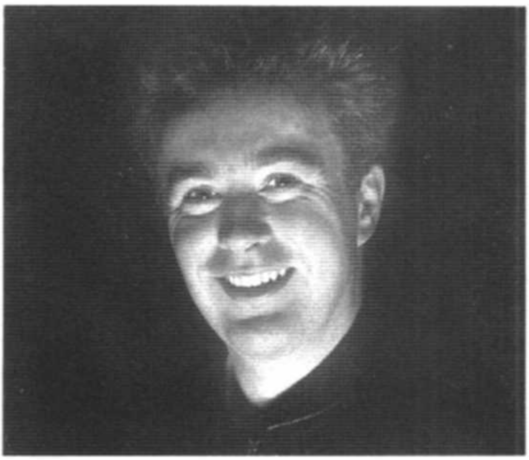
فیلترهای جلوه‌های ویژه در شکل‌های مختلف وجود دارند. فیلتر پولارایزر جهت حذف انعکاس ناخواسته نور از سطح آب، شیشه و سطح فلزات رنگ شده، مورد استفاده واقع می‌شود، که به دوربین اجازه می‌دهد که از درون روشنائی خیره کننده به درون چیزی نگاه کند. مقدار نفوذ این فیلترها می‌تواند با چرخیدن صفحهٔ بیرونی تغییر کند و زیاد شود. این فیلترها هم چنین می‌توانند جهت نفوذ در آلودگی هوا و مه و بیشتر آبی کردن رنگ آسمان هم به کار روند.

فیلترهای ستاره‌ای جهت قوی کردن و به شکل تابش در آوردن انعکاس نور از نقاطی مثل سطح آب به کار می‌روند. این فیلترها از دو صفحه شیشه‌ای که کنار یکدیگر چسبانده شده‌اند و خطی متمایز به مانند شبکه در میان آنها وجود دارد، درست شده‌اند. خط شبکه بر روی صفحه و تصویر قابل مشاهده نیست، اما این خط قادر است که به نورهائی انعکاسی از سطح مثلا جواهر و چیزهای درخشان دیگری، شکل ستاره‌ای بدهد. فیلترهای diffraction هم به شکل مشابه‌ای عمل می‌کنند. اما به جای شکست نور، آنرا در یک طیف رنگی جمع می‌کنند که تاثیر آن بر روی صحنه هرچند ساده است ولی می‌تواند تصویر را به شکل خیره کننده‌ای نشان دهد.

فیلترها می‌توانند نه تنها برای اصلاح رنگ صحنه، بلکه برای تغییر رنگ صحنه هم به کار روند. مثلاً فیلترهای نارنجی می‌توانند گرمای رنگ صحنه را بالا ببرند و فیلترهای آبی گرمای رنگ را پائین بیاورند. چنانچه فیلتری با رنگ "اشتباه"، مثلاً قرمز برای برداشت از یک منظره مورد استفاده واقع شود، این فیلتر تصویر را آن چنان دگرگون خواهد کرد که انگار تصویر متعلق به سیاره‌ای دیگر است. حتی تاثیرهای غیر طبیعی دیگری هم می‌توان با وسائل دیگر، مثلاً فیلترهای چند رنگه که می‌توانند تقسیم نور را به صورت

افقی، عمودی و یا به شکل مورب روی صحنه انجام دهند، هم بوجود آورد. در این حالت با قرار دادن تکمه WB برای این نورها به عنوان نور اصلی می‌توان صحنه را غیر واقعی نمایش داد.

فیلترهای دو رنگ که نصف آنها شیشه و نصف آنها به تدریج به رنگی دیگر تبدیل می‌شود، می توانند تاثیراتی کمتر روی صحنه بگذارند. ابرهای بارانی که در بالای صحنه در اهتزاز هستند، مـی‌توانـند بـا فیلترهائی از این دست عظیم‌تر و تهدید کننده‌تر به نظر برسند. اگر عمل پن کردن انجام دهید، خیلی از جلوه‌های ویژه را از دست خواهید داد، چرا که محوطه‌ای که فیلتر اثر خود را می‌گذارد، تغییر داده می‌شود و طبیعت کار شما و تغییری که در تصویر به عمل آورده‌اید، نشان داده می‌شود.



موضوعاتی که از پایین نور داده می‌شوند، شکلی غیر واقعی و غیر طبیعی و تا حدی روح مانند به خود می‌گیرند. این می‌تواند یک روش جهت ایجاد حقه‌های سینمایی باشد.

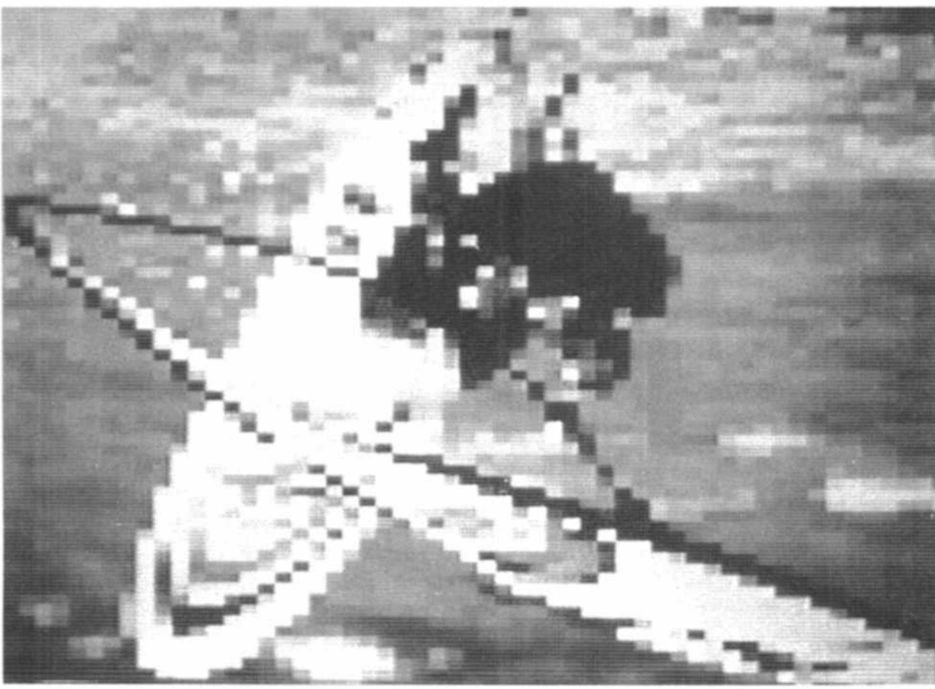
بعضی از دوربین‌های ویدئویی مجهز به تکمه تصویر مثبت و منفی هستند. این تکمه به شما امکان می‌دهد تا تصویر را به صورت فیلم نگاتیو رنگی ببینید و شکل دیگر و رویائی از تصویر داشته باشید.

با نور می‌توان طوری بازی کرد که باعث بوجود آمدن جلوه‌های ویژه در تصویر بشود. چشم و مغز ما عادت کرده است که همیشه نور را به صورتی که از بالا می‌تابد ببیند و هرگاه این روش برعکس "مثلاً نور از پائین تابیده شود"، این عمل با مغز و چشم و غریزه‌ها در تضاد واقع می‌شود و شکل غیر عادی به خود می‌گیرد. صورت‌هائی که از پائین نور داده می‌شود، مخصوصاً اگر سایه‌های تندی ایجاد کنند، شکل روح مانندی به خود می‌گیرند. خود سایه‌ها می‌توانند به شکل قدرتمندی هیجان و تاثیر ویژه ایـجاد کـنند، چیزی که فیلم سازان اولیه خیلی خوب می‌دانستند و از آن استفاده می‌کردند. ایجاد سایه، راه مقرون به صرفه و اقتصادی جهت آراستن صحنه است. سایه‌های چند میله بر روی دیوار می‌توانند محیط زندان را القاء کنند و تصویر بزرگ شدهٔ هر چیزی مخفی می‌تواند وجود هر ترس و خطری را بیشتر از شکل واقعی در تصویر مجسم کند.

نور رنگی می‌تواند به عنوان یک تحریک کننده قوی به کار رود. این را هرکسی که به دیسکو رفته باشد، می‌داند. نور چند جانبه دادن به صحنه در خلاف نور واقعی از راه‌های ارزان جهت تغییر ظاهر صحنه

است. برای این کار می‌توان فیلترهای مخصوصی را از مغازه‌های وسائل تئاتر و یا نور تهیه و آنها را در جلوی پروژکتور نور و یا فلادلایت قرار داد. بدین وسیله نور داخل صحنه رنگ دیگری به خود خواهد گرفت.

به دلیل مسائل و پیچیدگی‌های تکنیکی، جلوه‌های ویژه الکترونیکی ویدئو اغلب چیزی است که در هنگام میکس و از طریق دستگاههای ویژه مورد استفاده واقع می‌شوند. اما با وجود این، آینه‌های نیمه نقره‌ای می‌توانند با خرج کمتری جلوه‌های ویژه ایجاد کنند. این آینه‌ها که می‌توان آنها را از مغازه‌های مخصوص وسائل نوری تهیه کرد، در حقیقت تصویر را هم منعکس و هم از خود عبور می‌دهند. به کمک آنها می‌توان دو تصویر روی هم ایجاد کرد. طرز ساختن آن در پائین شرح داده می‌شود.



این جلوه نمایش به "موزائیک" مشهور است و از طریق یک میکسر تولید شده است. "پوستریزه" و "چشمک زدن" هم جلوه‌های دیگری هستند که به این روش درست می‌شوند.

درون یک جعبه می‌توان آینه را با یک زاویه ۴۵ درجه و به صورت قطری و مورب و به طرف نقطه‌ای که دوربین قرار داده خواهد شد، نصب کرد. دوربین طوری قرار داده می‌شود که از سوژه A با دو درجه دیافراگم بسته و از طریق تصویر او روی آینه فیلم بگیرد. سوژه B طوری قرار داده می‌شود که انعکاس تصویر آن را دوربین بگیرد و روی صفحه خود نشان دهد. در این حال تصویر A و B روی یکدیگر

می‌افتند و باهم نشان داده می‌شوند. موضوعات باید خوب نورپردازی شده باشند و جهت راحتی کار فوکوس کردن دوربین، باید فاصله آنها از دوربین تقریباً مساوی باشد. چنانچه نورپردازی آنها با یک دیمر، قابل کم و زیاد کردن و کنترل است، می‌توان از آن برای میکس و یا برجسته کردن یکی در مقابل دیگری استفاده کرد. A و B نباید حتماً سوژه‌هائی جامد باشند. بلکه می‌توانند حتی تصویری باشند که به دیافراگم تابیده می‌شوند. با کمی هوش و خردمندی می‌توانید جلوه‌های نمایش اسلاید و یا سینمائی که تصاویر روی هم قرار می‌گیرند، ایجاد کنید. اگر به جای یکی از موضوعات A و B، تلویزیون قرار دهید و دریچه دیافراگم را مناسب تنظیم کنید، می‌توانید بدین شیوه هم جلوه‌های ویژه ویدئویی تولید کنید. عنوان‌های فیلم می‌توانند بدین ترتیب مثل نمایش اسلاید محو و ظاهر بشوند، نقشه‌ها به صورت جاندار و متحرک و اشکال به شکل روح روی صحنه ظاهر و محو شوند.

ضبط مجدد تصاویر ویدئویی از روی صفحه تلویزیون، می‌تواند امکانات حقه‌های تصویری را بالا ببرد. شما نه فقط می‌توانید رنگ‌ها را تغییر دهید، بلکه بازوم کردن و نمایش کلوزآپ کامل می‌توانید تصویر را به شکل خطاهائی که آنرا ساخته‌اند، نمایش دهید، طوری که تصویر آنقدر از هم باز می‌شود که سه رنگ اصلی را می‌توانید مشاهده کنید و از این طریق ظاهری سورئالیستی به تصویر بدهید.

اگر دوربین شما دارای امکان تصویر ثابت stop-motion است، حقه‌های زیادی را می‌توانید با آن ایجاد کنید. اگر دوربین شما دارای امکان کار کردن فریم به فریم است می‌تواید جلوهٔ پیکسلیشن را اجراء کنید. در غیر این صورت با ضبط یک ثانیه یا کمتر از صحنه، این جلوه را اجرا کنید. پیکسلیشن عبارت از حالتی است که در آن مردم و موضوعات به شکلی کمدی سریع ظاهر می‌شوند و یا حرکت می‌کنند. این جلوه سالها در سینما مورد استفاده قرار گرفته است ولی در حال حاضر مدت کمی است که این امکان بر روی بعضی از ویدئوها وجود دارد. بهترین جلوه‌ها احتمالاً آنهائی هستند که دوربین روی سه‌پایه قرار گرفته است و با یک کنترل از راه دور، حداکثر ثابت بودن تصویر، کنترل می‌شود، چرا که در این حالت حرکت موضوعات باید در مقابل یک پس‌زمینه آرام و ثابت باشد. اگر دوربین روی دست باشد، در نتیجه پس‌زمینه هم دچار پیسکل خواهد شد. انتخاب هریک از دو حالت بستگی به میل شما دارد.

خیلی از دستگاههای ویدئو در حال حاضر دارای امکانات نمایش مجدد به سرعت‌های گوناگون هستند. آنها می‌توانند تصویر را به شکل تصویر ایستا، حرکت آهسته و سرعت بالاتر از حد معمولی چه به جلو و چه به عقب بدون اینکه هیچ اشکالی در تصویر بوجود آوردند، نمایش دهند. این شکل‌های نمایش می‌توانند مجدداً و با سرعتی که شما بخواهید ضبط و ادیت شوند. حرکت به عقب یا نمایش برعکس یک فیلم از جلو به عقب، راهی ساده برای خلق بسیاری تصاویر خنده‌دار و جلوه‌های "غیر ممکن است". به وسیله این روش می‌توان کاری کرد که آب دوباره به درون بطری برگردد و ترافیک و رفت و آمد شهری با سرعت زیاد به عقب حرکت کند.



یک میکسر جلوه‌های ویژه می‌تواند تصاویر زنده یا ضبط شده ویدئویی را میکس کند و یا جلوه‌های fade، پاک کردن تصویر و جلوه‌های ویژه دیگری را به فیلم اضافه کند.

در سالهای اخیر، امکان ذخیره کردن فریم‌ها به شکل دیجیتالی بوجود آمده است. برطبق این روش می‌توان تصاویر تلویزیونی و ویدئویی را در یک چیپس الکترونیکی ذخیره کرد و سپس آنها را به شکلی که بخواهیم مجدداً ضبط و تولید کرد. نمایش تصویر در تصویر فقط یکی از جلوه‌هائی است که این تکنولوژی به ما عرضه می‌کند. در این حالت می‌توان تصاویر ثابت یا متحرک را در شکل کوچک و در یک فریم بزرگتر نمایش داد. ثابت یا منجمد کردن یک تصویر جلوه‌ای دیگر است که بر حسب آن تصویر متحرک به شکل عکس یا تصویر ثابت بر روی صفحه نمایش داده می‌شود، در حالی که صدا کماکان به شکل عادی پخش می‌شود. یا اینکه یک سری تصاویر ثابت به شکل عکس و با فاصله زمانی مشخص روی صفحه پخش شوند، در صورتیکه در صدا هیچ تغییری بوجود نیاید. بزرگ کردن از طریق زوم دیجیتالی و تقسیم هر صفحه به دو تصویر آینه‌ای نیز فقط دو نمونه از جلوه‌های مختلف و ویژه هستند که برای تولید پیشرفته شما مناسب می‌باشند.

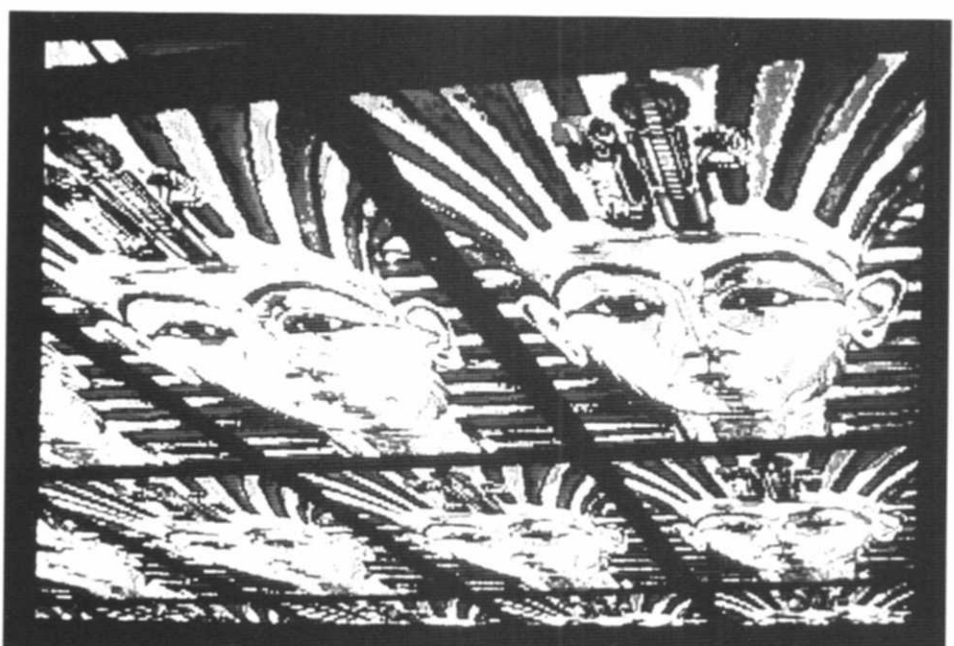
هرچند این جلوه‌ها و دیگر جلوه‌ها را می‌توان روی بعضی از دستگاههای پیشرفته ویدئویی ملاحظه و استفاده کرد ولی برای تغییرات کلی و جامع، احتیاج دارید که یک قدم فراتر گذاشته و یک میکسر کامل تولید جهت خود تهیه نمائید. این دستگاهها چندان ارزان نیستند ولی خرید آنها به آماتورهای پیشرفته و حرفه‌ای‌های کم بودجه امکان می‌دهد که تولیداتی را عرضه کنند که تا کنون فقط در حیطه حرفه‌ای‌ها و یا موسسات تلویزیونی و تشکیلات‌های دیگر قابل تولید و اجرا بوده‌اند.

یکی از جلوه‌هائی که این میکسرها می‌توانند ایجاد کنند: هم زمان کردن و کار کردن با دو تصویر در

میکسر و ترکیب و یا محو کردن آنها روی یکدیگر است. مثلاً جهت محو کردن، یک تصویر می‌تواند به طور افقی یا عمودی روی تصویر زیرین قرار گیرد. یا آنها می‌توانند به شکل مربع یا دایره که آهسته بزرگ می‌شوند، تصویر زیرین را با بزرگتر شدن خود محو کنند. چنانچه علاقمند باشید، می‌توانید تصاویر خود را به شکل رنگ پوستری یا موزائیکی و یا رنگ‌های عجیب و غریب از طریق میکسر نشان دهید. حتی عناوین فیلم یا برنامه را هم می‌توان در میکسر تولید و بعد از طریق ادیت کردن بر روی فیلم قرار داد.

در حال حاضر به کمک کامپیوترهائی که در خانه‌ها موجود است و سخت افزارها و نرم افزارهای مخصوص ارتباط و کار با ویدئو می‌توان نه تنها عناوین فیلم را به صورت الکترونیکی تهیه کرد، بلکه تصاویر و جلوه‌های بیشمار ویدئویی را طراحی و با ادیت کردن از آنها در فیلم خود استفاده کرد. این تصاویر را می‌توان چرخاند، بالا و پائین برد، لوله کرد، خم کرد، برید و چندپاره کرد و بطور خلاصه بی‌شمار کارهائی را انجام داد که امکان انجام آنها با میکسرهای معمولی غیر ممکن است.

هرچند که امکان تولید حروف، چیز بسیار خوبی برای نوشتن عناوین فیلم است ولی کماکان عده‌ای هستند که علاقمند نوشتن عناوین به همان شکل سنتی و روی کارت می‌باشند. این کارت‌ها به وسیله دوربین ضبط و سپس یا به وسیله ادیت کردن بر روی فیلم ضبط می‌شوند و یا از طریق یک میکسر و با جلوه‌های ویژه روی فیلم مونتاژ می‌شوند.



"Desk-top" یا رومیزی، آخرین پدیده در خلق تصاویر ویژه ویدئویی است. این برنامه از نرم افزارهای خاص کامپیوتری برای ایجاد تصاویری مانند این صحنه استفاده می‌کند.

چنانچه دستخط شما جهت نوشتن تیتراژ و عناوین فیلم مناسب نیست، می‌توانید از حروف آماده‌ای که در اندازه‌ها و استیل‌های مختلف وجود دارند، استفاده کنید. اگر در پس زمینه عنوان می‌خواهید از یک عکس استفاده کنید، اندازه این عکس تاثیر بر روی اندازهٔ کارت عنوان شما خواهد گذشت. اما چیزی که عرض آن ۱۲ تا ۲۴ سانتی متر باشد، برای کار شما مناسب خواهد بود. نوشته‌ها
می‌توانند حداکثر ۹۰ درصد عرض کارت را بپوشانند و مشخص می‌کنند که از چه سایز حروف باید استفاه کرد. شاید متوجه شوید که حروفی با طول ۶ میلی متر مناسب‌ترین نوع برای کار شما هستند. البته عنوان‌های تک و مجزا می‌توانند "چنانچه استیل حروف اجازه می‌دهند" با سایز بزرگ‌تر نوشته شوند.

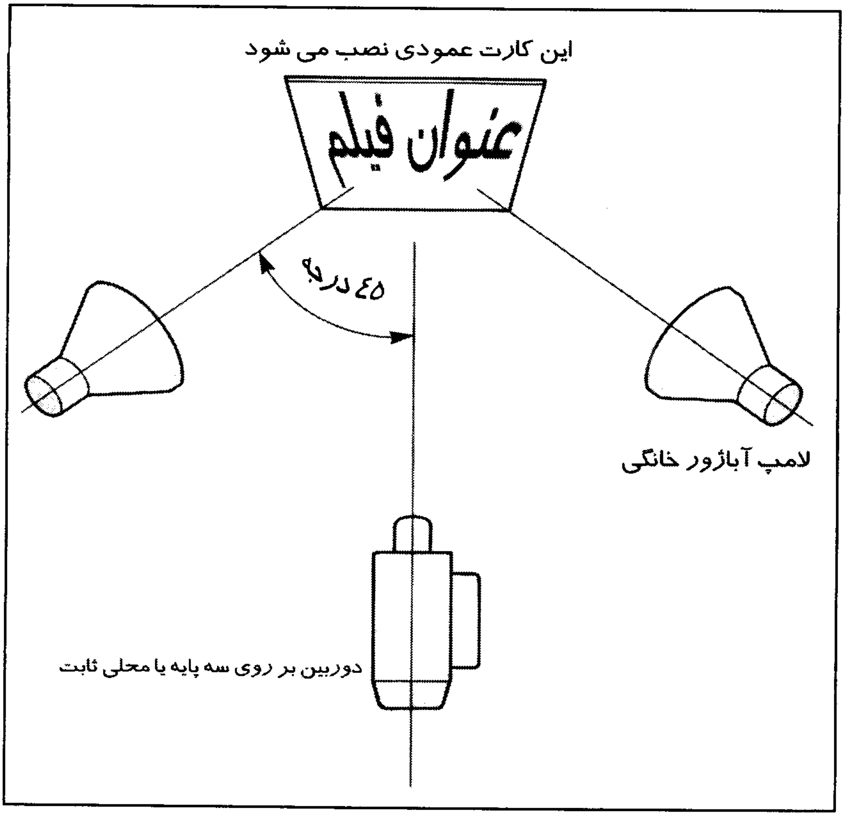
ظاهر عنوان یک فیلم باید نشان دهنده و منعکس کننده موضوع فیلم باشد. مثلاً برای فیلم‌های غیر رسمی و خانوادگی می‌توان از حروف غیر رسمی و فانتزی استفاده کرد، اما برای یک فیلم مستند، باید از حروفی استفاده کرد که رسمی‌تر بنظر برسند. طرز قرار دادن حروف باید با دقت و روی یک خط صاف انجام گیرد، چرا که کوچک‌ترین انحراف و کجی در روی صفحه به شکل بزرگتر نمایش داه می‌شود. به فاصله بین حروف توجه بیشتری بکنید، حروف خوابیده باید به هم نزدیک‌تر باشند تا حروف کاملاً عمودی. جهت حفظ تعادل در تماشای تصویر هم دقت کنید. عنوان‌های یک خطی معمولاً اگر خوب در $\frac{۱}{۴}$ ارتفاع صفحه جای بگیرند، بهتر به نظر می‌رسند و چنانچه عنوان شما دارای چند خط است باید از سمت چپ در یک ستون قرار بگیرند "در فارسی از سمت راست. مترجم ".

اگر از یک تصویر در پس‌زمینه تیتراژ فیلم استفاده می‌کنید، مطمئن شوید که عناوین کاملاً جدا از تصویر به نظر برسند و تمام طرح و حروف و پس‌زمینه باهم هارمونی داشته باشند و صحنه را شلوغ نکنند. رنگ حروف بستگی به پس‌زمینه شما دارد، ولی رنگ سفید معمولاً جهت خواندن ساده‌تر است و نمایش آن بر روی صفحه تلویزیون هم زیباست. اگر رنگ پس‌زمینه عناوین، رنگی است، سعی کنید که آنرا یک رنگ پاستل انتخاب کنید. رنگ براق ممکن است در کار ضبط ایجاد اختلال کند.

برای آنکه به عناوین خود ارزش و اهمیت بیشتری بدهید، می‌توانید با کمک یک خطاط و هنرمند از عناوین نوشتنی دستی استفاده کنید. همهٔ کارهای نوشتنی هنری باید خیلی ساده ضبط شوند. اما بعد از این مرحله این شما هستید که می‌توانید تصمیم بگیرید که عناوین چگونه روی صحنه ظاهر شوند. همه نوع شکل از یک خط ساده تا تصویری کاملاً رنگی می‌توانند نمایش داده شوند، اما گرافیک‌های کارتونی به رنگ سیاه جهت عنوان بهتر عمل می‌کنند.

از میان انواع پس‌زمینه‌ها، آنهائی که دارای رنگ مات هستند، در هنگام تصویر برداری، کم‌تر مشکل انعکاس نور را خواهند داشت. کارت‌های عناوین باید به یک صفحهٔ صاف که عمود قرار گرفته باشد، متصل شوند. این کار را می‌توان یا از طریق چسباندن روی دیوار و یا قرار دادن روی سه‌پایه انجام داد. در شرایطی که امکان‌پذیر باشد، می‌توان از نور طبیعی و یا پنجره استفاده کرد. در حالتی بهتر می‌توان از دو لامپ خانگی که دارای رفلکتور جهت انعکاس نور باشند، استفاده کرد. این کار را می‌توان با خرید وسائل

از بیرون و یا استفاده از فویل آلومینیوم و مقوا تهیه و آنرا ساخت.



طرز فیلمبرداری کردن از عنوان با استفاده از قرار دادن کارتهای عنوان فیلم بر روی دیوار و روشن کردن آنها با لامپ و یا آباژورهای معمولی خانگی، دوربین بر روی سه پایه قرار دارد و دقیقا وسط صفحه را می‌گیرد یک راه دیگر این است که از حرکت کارتهای عنوان به وسیله یک نوار یا دستگاهی مخصوص این کار استفاده کنید تا عنوان فیلم به صورت متحرک فیلمبرداری شود.

لامپ‌ها را در کنار دوطرف دوربین که روی سه‌پایه نصب شده است، قرار دهید. چنانچه می‌خواهید عناوین شما سیار و متحرک باشد، می‌توانید از وسائل مخصوص این کار استفاده کنید. این وسیله شما را مجبور می‌سازد تا هم عناوین و هم دوربین را در جای مشخص خود قرار دهید. این دستگاه دارای لامپ‌های مخصوص خود است.

قرار دادن عناوین در مرکز صفحه و تنظیم آن بسیار مهم است. کوچک‌ترین انحراف و کجی از سطح افقی در تصویر کاملاً مشخص خواهد بود و این نکته را باید روی صفحه تلویزیون و قبل از شروع ضبط کنترل کنید. به علاوه باید رنگ و فوکوس تصویر را هم قبل از ضبط تنظیم و کنترل کرد.

۱۵ـ تلویزیون و ویدئو در جهان

هرچند ما اغلب برنامه‌هائی تماشا می‌کنیم که در کشورهای دیگر تولید و ضبط شده‌اند، ولی از نظر تکنیکی، تلویزیون دستگاهی است که برخلاف تصور ما، آن چنان جهانی نیست. در تمام دنیا بیشتر از سه نوع سیستم تلویزیونی وجود ندارند، که هیچ کدام هم با هم سازگار نیستند. این عدم سازگاری باعث محدودیت در مورد انتقال و تعویض برنامه‌های ویدئویی می‌شوند و به مقدار زیادی تعویض و انتقال تولیدات ویدئویی محدود می‌شود. سه سیستم موجود عبارتند از پال PAL، NTSC و سکام SECAM.

پال مخفف Phase Alternate Line "خط تناوب فاز"، سیستمی است که در کشور ما "انگلستان" مورد استفاده واقع می‌شود. هم‌چنین این سیستم در بسیاری از کشورهای دیگر اروپائی و دیگر کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد. ان تی اس سی National TV Standard Committe" کمیته استاندارد تلویزیون" یکی از اولین سیستم‌های رنگی تلویزیونی بود که ابتدا در آمریکا بسط و گسترش یافت و سپس در کشورهای آمریکای جنوبی و ژاپن و نقاط دیگر مورد استفاده قرار گرفت. سکام Sequential color with Memory "تطبیق رنگ با حافظه" سیستمی است که ابتدا در فرانسه تکامل پیدا کرد و هنوز در آنجا، روسیه، کشورهای اروپائی و بعضی کشورهای دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای دیدن اینکه چه سیستمی در هر کشوری وجود دارد، می‌توانید به لیست آنها مراجعه کنید.

این مسئله برای شما که به کشورهای خارج مسافرت می‌کنید به چه معنا است؟ این مسئله در رابطهٔ با ویدئو و فیلم‌هائی که با دوستان و خویشان خود در کشورهای دیگر مبادله می‌کنید و یا نمایش می‌دهید، چه تاثیری می‌گذارد؟ تصور کنید که شما می‌خواهید از انگلستان برای گردش به آمریکا بروید. در طول مسافرت خود در آمریکا شما قادر نخواهید بود که فیلم‌هائی را که با دوربین خودگرفته‌اید روی یک صفحه تلویزیون در آنجا نمایش دهید، چراکه فیلم‌های شما به سیستم پال ضبط شده‌اند و تلویزیون‌های آمریکا فقط سیستم NTSC را نمایش می‌دهند، دو سیستمی که کاملاً با هم ناسازگار هستند. اگر در طول سفر

بخواهید کیفیت رنگ تصویر خود را امتحان کنید، باید یک مونیتور با خود داشته باشید. مثل یکی از مونیتورهای جدید LCD. بدین وسیله شما کاملاً مستقل از سیستم NTSC خواهید بود.

محدودیت‌های مشابهی هم در مورد سیستم پال وجود دارد. فیلم‌های ویدئویی سیستم NTSC بر روی دستگاههائی که سیستم پال هستند، نمایش داده نمی‌شوند، مگر اینکه دستگاه شما چند سیستمی باشد. بنابراین اگر بخواهید فیلمی ویدئویی را از انگلستان به آمریکا بفرستید باید آنرا به روش NTSC کپی کنید. این کار می‌تواند از طریق مغازه‌ها و یا شرکت‌هائی که این گونه خدمات را انجام می‌دهند، صورت گیرد. نوارهای NTSC هم می‌توانند به شیوه پال ضبط شوند.

هرچند سیستم پال در خیلی از کشورهای دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما استاندارد پال انگلستان کاملاً منطبق استاندارد پالی که در دیگر کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد نیست. این بدین معنی است که یک فیلم تهیه شده در انگلستان نمی‌تواند به شکل استاندارد و درستی در تلویزیون یک کشور دیگر که آن هم دارای سیستم پال است، به وسیله سیگنال‌ها RF و از طریق ورودی آنتن نمایش داده شود. اما چنانچه ارتباط دوربین شما با دستگاه تلویزیون از طریق سیم‌های مخصوص و جداگانه صدا و تصویر باشد و تلویزیون هم قابلیت دریافت این سیگنال‌های جداگانه را داشته باشد، تصویر شما به شکل عادی و استاندارد پخش خواهد شد. بعضی از دوربین‌ها دارای کلیدی جهت تعویض سیستم پال انگلستان که نوع I است به سایر سیستم‌های پال B , G و یا H هستند و با قرار دادن این کلید در موضع خاص خود می‌توان تصویر را بدون هیچ مسئله‌ای و از طریق اتصال به ورودی آنتن در هر کشوری که سیستم پال را استفاده می‌کند، به کار ببرید.

خوشبختانه اختلاف بین سیستم‌های مختلف پال روی نمایش فیلم ویدئو تاثیر نمی‌گذارد. فیلمی که توسط هر سیستم پال ضبط شود، می‌تواند روی هر دستگاه ویدئوی دیگر پخش شود.

ناسازگاری در مورد سیستم سکام هم وجود دارد. فیلمی که با دوربین سکام ضبط شده باشد، نمی‌تواند روی سیستم NTSC نمایش داده شود. برعکس این قضیه هم به همین شکل است. سیستم‌های سکام وان تی اس سی قابل مبادله با یکدیگر نیستند. اما نوارهای پال می‌توانند روی سیستم سکام به صورت سیاه و سفید نمایش داده شوند. همین مسئله برای فیلم‌های سکام روی سیستم پال صدق می‌کند.

بطور خلاصه، چنانچه تمایل به ارسال نواری ویدئویی به خارج دارید، دریافت کننده نوار شما باید دارای تلویزیون مشابهی مانند سیستم ضبط نوار شما باشد تا بتواند تصویر را روی تلویزیون خود مشاهده کند. نوارهای ویدئویی پال در همهٔ کشورهائی که دارای این سیستم هستند (بجز برزیل) می‌توانند مورد استفاده واقع شوند.

وقتی که در خارج بسر می‌برید، ممکن است هوس خرید وسائل ارزان‌تر ویدئویی شما را ترغیب به خرید ویدئو و یا وسائل جانبی آن بکند. در این گونه موارد در وهله اول ببینید که سیستم برق آن کشور به برق کشور شما می‌خورد؟ آیا با سیستم تلویزیون کشور شما جور در می‌آید و آیا قابل نمایش روی کانال

مخصوص تلویزیون شما هست؟ در غیر این صورت در بازگشت ممکن است متوجه شوید که وسائل خریداری شده بلا استفاده هستند.

استانداردهای تلویزیون

سیستم پال: امارات، الجزیره، آرژانتین، استرالیا، اتریش، بنگلادش، بلژیک، برزیل "پال M"، جزایر قناری، چین، قبرس، دانمارک، فنلاند، آلمان، غنا، یونان، هنگ‌کنگ "پال I"، ایسلند، هند، اندونزی، ایرلند "پال I"، ایتالیا، کنیا، کویت، لیبریا، لیختن اشتاین، مادریا، مالزی، مالت، موزامبیک "پال I"، هلند، زلاندنو، نیجریه، نروژ، پاکستان، پاراگوئه، پرتقال، سنگاپور، آفریقای جنوبی "پال I"، اسپانیا، سریلانکا، سودان، سوئد، سوئیس، تانزانیا "پال I"، تایلند، تبت، ترکیه، اوگاندا، انگلستان "پال I"، اروگوئه، یمن، یوگوسلاوی، زامبیا، زیمبابوه.

سیستم ان تی اس سی: آلاسکا، باهاما، باربادوس، برمودا، برمه، کانادا، شیلی، کلمبیا، کوبا، اکوادور، گرین‌لند، هائیتی، هاوائی، هندوراس، جامائیکا، ژاپن، کره‌جنوبی، مکزیک، نیکاراگوئه، پاناما، پرو، فیلیپین، پورتوریکو، تایوان، آمریکا، ونزوئلا.

سیستم سکام: بلغارستان، چک، اسلواکی، مصر، فرانسه، مجارستان، ایران، عراق، لائوس، لبنان، ماداگاسکار، موناکو، مغولستان، مراکش، لهستان، رومانی، عربستان سعودی، تونس، زئیر، روسیه، آذربایجان، ارمنستان، جمهوری بلاروس، مولداوی، لیتوانی، استونی، ترکمنستان، قزاقستان، تاجیکستان، گرجستان.

۱۶ـ مراقبت از ویدئو و نوارها

مراقبت روزانه از دوربین‌های ویدئویی و سایر وسایل جانبی آن مسئله‌ای حائز اهمیت است. بعضی از "نبایدها" در فصول قبل شرح داده شدند. بعضی دیگر به این شرح هستند: نباید اجازه داد که رطوبت و آب و گرد و خاک به درون دوربین نفوذ کنند، نباید دوربین را در معرض حرارت زیاد قرار داد، هم‌چنین نباید آنرا در معرض سرما و یا رطوبت قرار داد، نباید فشارهای مکانیکی زیادی به آن وارد کرد. اگر همین چند نکته ابتدائی را رعایت نمائید، نباید مشکلات زیادی در رابطه با دوربین خود داشته باشید. علیرغم مکانیسم پیچیده و مدارات آن، این دستگاه وسیله‌ای قابل اطمینان در مقابل خطرات ناشی از استفاده نرمال و عادی است.

به احتمال زیاد، دستگاه ویدئوی شما زمانی در معرض خطر و آسیب دیدن قرار دارد که از یک جابه‌جای دیگر حمل می‌شود نه در زمانی که در یک جای ثابت در حال ضبط برنامه‌ای است. حمل دوربین بهتر است که درون کیف و جلد مخصوصی که دارای لایه داخلی محکم و ضدضربه است، صورت بگیرد. درون اتومبیل بهتر است که دوربین روی زانو نگهداری شود و یا در یک نقطه برروی صندلی، محکم و ثابت قرار گیرد. این وسیله نباید روی کف اتومبیل و یا در صندوق عقب قرار گیرد، چرا که در این حالت لرزش و تکان خوردن‌ها به دستگاه لطمه وارد خواهد کرد.

همیشه بجز زمانی که از دوربین استفاده می‌کنید، لنز دوربین باید با محافظ لنز پوشانده شده باشد. سعی کنید که یک فیلتر UV و یا شیشه‌ای جهت جلوگیری از کثیف و یا روغنی شدن و فشار چیزهای دیگر به لنز، روی آن نصب کنید. اگر علیرغم توجه و دقت شما، لنز دوربین کثیف شد، باید نظافت آنرا با دقت و حوصله انجام دهید. اگر کثیفی فقط آشغال و پرز بر روی لنز است، می‌توانید با یک برس نرم و یا بادی، خیلی آهسته پرز و یا گردو خاک را از روی لنز بردارید. برای این کار می‌توانید از مرکز لنز شروع و آشغال‌ها را به کنارهٔ لنز برانید. برای تمیز کردن چیزهای چرب، اثر انگشت و یا اثرات چسبناک می‌توانید

از مایعات تمیز کننده لنز به همراه یک دستمال خیلی نرم، استفاده کنید. فشار خیلی کمی به لنز وارد کنید و از مرکز کار خود را شروع و به لبه‌های لنز بروید.



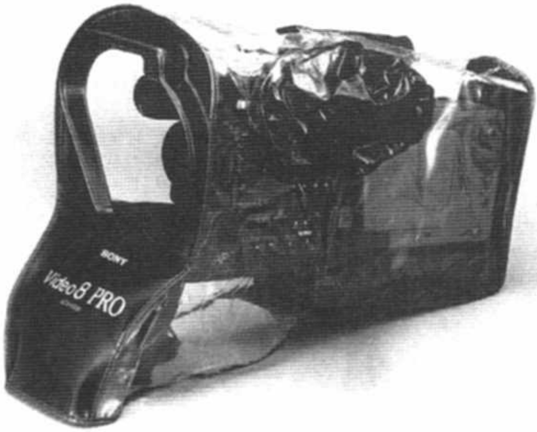
برای محافظت کامل از رطوبت و آب، یک محافظ کیپ و دارای فشار هوا مناسب است. با کمک این وسیله می‌توان با این دوربین در زیر آب و در کارهای غوصی و یا سایر فعالیتهای دریایی استفاده کرد.

باتری‌های قابل شارژ دوربین‌های ویدئویی، وسائلی گران‌قیمت هستند، اما می‌توانید با دقت و توجه، عمر آنها را بیشتر کنید. دراین مورد سعی کنید که توصیه‌های تولید کننده دوربین را حتماً اجراء کنید. اکثر باتری‌ها قبل از شارژ شدن باید ابتدا خالی و سپس شارژ شوند. بنابراین باید این روش را در فعالیت‌های خود به کار ببرید و از دستگاههای تخلیهٔ باتری که در بازار هستند، استفاده کنید.

نگهداری و ذخیره کردن نوارهای ویدئویی نکته مهم دیگری است که با توجه به آن، هم می‌توانید عمر نوار را بیشتر کنید و هم از استهلاک و خرابی سریع هد دوربین جلوگیری نمائید. خوشبختانه شرایط ایده‌آل آن چیزی است که شما برای بدن خودتان هم آنرا می‌خواهید: درجه حرارت ۱۵ تا ۲۰ درجه در محلی بدون گردوخاک و جائی که رطوبت در حداقل ممکن خود باشد. از اینرو محیط محل زندگی شما، محل خوبی برای این کار خواهد بود. نوارها را در جلد مقوائی و یا قاب‌های پلاستیکی قرار دهید و آنها را عمودی "نه صاف" نگهداری کنید، مثل کتاب‌های کتابخانه، این کار باعث می‌شود که لبه‌های نوار که در صورت فشار آسیب خواهند دید، سالم بمانند.

از پرت کردن نوار خودداری کنید، نه به خاطر اینکه ممکن است به نوار شما صدمه‌ای فیزیکی وارد آید، بلکه ممکن است که بر اثر شوک وارده به نوار، قسمت‌های ضبط شدهٔ مغناطیسی آسیب ببینند. ضبط مغناطیسی تصاویر نوار که به صورت فشرده روی هم قرار گرفته‌اند، اگر کیفیت نوار خوب باشد، مسئله‌ای ایجاد نمی‌کند، اما هر سال یک بار چرخاندن نوار از این طرف به آن طرف ضرری ندارد. نوارهایتان را از محیط‌هائی که دارای میدان مغناطیسی هستند، دور نگه دارید و چنانچه نوار شما حاوی فیلم مهمی است، برای اینکه اشتباه روی آن چیزی ضبط نکنید، قسمت محافظ ضبط را روی قسمت ضبط ممنوع قرار

دهید. این قسمت در ته نوار است.



این دوربین در جلد پلاستیکی خود قرار دارد و می‌توانند در هوای بارانی و مرطوب مورد استفاده واقع شود. لنز کاملا از برخورد اشیا خارجی در زیر پوشش خود حفظ شده است.

هیچوقت سطح نوار را با دست لمس نکنید، چرا که چربی و کثیفی دست به روی نوار منتقل می‌شود، که پس از آن این آشغال به روی هد منتقل می‌شود که می‌تواند هم روی ضبط تاثیر بگذارد و هم به هد شما آسیب وارد کند. سعی کنید که از نوارهای مارک معروف با کیفیت بالا استفاده کنید، نوارهای با کیفیت پائین ممکن است که به هد وسیله شما آسیب وارد کنند و یا باعث اکسیده شدن اجزاء آن شوند.

حتی نوارهای خوب هم ممکن است باعث بوجود آوردن اکسید در سطح هد باشند و هرچند که هد چرخان در دستگاههای ویدئو و دوربین‌های ویدئویی دارای سیستم‌های تمیز کننده خودکار هستند ولی آنها احتیاج به مراقبت شما هم دارند. چیزهای زیادی می‌توان جهت سرویس سالیانه که شامل تمیز کردن هد وگایدهای نوار هست، صحبت کرد ولی تنظیمات دیگری هم هستند که مورد احتیاج می‌باشند. در صورت فقدان چنین سرویس سالیانه‌ای، آشغال برروی هد جمع و گایدهای نوار باعث تولید برفک در تصویر و یا در بعضی مواقع فقدان صدا خواهند شد.

اگر بخواهید، می‌توانید روی هد دوربین و یا دستگاه ویدئوی خود را طوری تمیز کنید که صدمه‌ای به هد که خیلی حساس است، وارد نشود. بهترین و مناسب‌ترین راه این است که از نوارهای مخصوص هد پاک‌کن که در بازار هستند، استفاده کنید. بعضی از آنها از مواد پاک کردنی خشک و بعضی دیگر از موادتر استفاده می‌کنند، اما هر دو روش موثر هستند. استفاده زیاد از این مواد، ممکن است باعث سائیده شدن هد بشود. بنابراین سعی کنید که حتماً دستورات تولید کننده را در این رابطه اجرا کنید.

به عنوان یک راه‌حل دیگر می‌توان هد دستگاه را دستی هم پاک کرد. بر روی دستگاههای VHS مشکلاتی عمومی ناشی از چسبندگی مواد صوتی و یا تصویری و ذرات درون هوا که به هد می‌چسبند، چیزهائی عادی هستند. این هدها را می‌توان به وسیله یک پارچه کتانی که در مایع تمیز کننده خیس شده باشد، تمیز کرد. سعی کنید فشار خیلی کم و آرامی به هد وارد کنید و پس از تمیز کردن هد به اندازهٔ کافی وقت خشک شدن به آن بدهید و بعد آن را مورد استفاده قرار دهید.



راحت‌ترین راه برای تمیز کردن هدهای ویدئو از طریق خودتان، استفاده از کاست‌های مخصوص تمیز کننده است. این نوع کاست‌ها از مایع تمیز کننده لنز استفاده می‌کنند.
همچنین می‌توان هدهای ویدئو را دستی و با استفاده از این وسیله پلاستیکی که در سر خود دارای یک پارچه مخصوص تمیز کردن است، پاک کرد. جهت پاک کردن هدهای صوتی باید از پارچه کتان مخصوص این کار استفاده کرد. دقت و توجه فوق‌العاده‌ای باید کرد تا در حین تمیز کردن، صدمه‌ای به هدها وارد نشود.

اگر بخواهید، هد ویدئوی خود را با دست پاک کنید، باید ابتدا مایع تمیز کننده هد به همراه یک چوب مخصوص این کار را از فروشگاههای مخصوص ویدئویی و یا الکترونیکی خریداری کنید. هرچند که هد از میان محفظه جا دادن نوار در ویدئو قابل مشاهده است ولی شاید مجبور باشید که دریچه حافظ نوار را بردارید تا فضای کافی برای تمیز کردن هد داشته باشید. چوب تمیز کردن را درون مایع تمیز کننده ببرید و به آهستگی و با فشار خیلی کم آنرا بر روی هد بکشید و هد را با دست نگه دارید که بچرخد. به آهستگی هد را در جهتی که نوار را حرکت می‌هد با چوب حرکت دهید و آنرا تمیز کنید و همین اعمال را در مورد هد و یا هدهای دیگر تکرار کنید. هیچ‌وقت هد را به صورت عمودی مالش ندهید، چرا که خطر آسیب دیدن آنها وجود دارد. قبل از استفاده، مجدد به هد اجازه خشک شدن بدهید. گایدهای نوار باید به وسیله یک پارچه خیس شده در مایع تمیز کننده، پاک و تمیز شوند.

چنانچه هرگونه شکی در مورد پاک کردن هد به طریقه دستی دارید، این کار را به یک سرویس‌کار مجرب واگذار کنید.

نکات کمکی

ممکن است در طول کار خود زمانی پیش بیاید که خود شما مجبور به حل مسائل و مشکلات دوربین خود باشید. از این‌رو تعدادی از عادی‌تری مشکلات به همراه راه‌حل آنها در زیر آورده می‌شوند.

اشکال: تصویر ویدئو دارای پارازیت‌ها و خط‌های مزاحم است.

راه‌حل: ممکن است که کنترل ترک track دچار اختلال شده باشد و یا احتیاج به تنظیم مجدد داشته باشد (این مسئله در مورد ویدئو ۸ صدق نمی‌کند).

اشکال: تصویر دارای اختلال است و یا هیچ تصویری روی تلویزیون وجود ندارد.

راه‌حل: ممکن است که تلویزیون شما برای ویدئو تنظیم نشده باشد. این مسئله را کنترل و یا مجدداً تلویزیون را تنظیم کنید.

اشکال: تصویر دارای برفک است.

راه‌حل: هدهای ویدئو ممکن است کثیف شده باشند. ابتدا یک نوار دیگر را استفاده کنید و اگر مشکل کماکان وجود دارد، هدها را تمیز کنید.

اشکال: صدای فیلم خیلی بم است.

راه‌حل: هِد صدا (در VHS) ممکن است کثیف شده باشد. ابتد ایک نوار دیگر را استفاده کنید و اگر مشکل کماکان وجود دارد، هدها را تمیز کنید.

اشکال: صدای فیلم دارای وزوز است.

راه‌حل: ابتدا یک نوار دیگر را استفاده کنید و اگر تغییری صورت نپذیرفت، کنترل کنید که دوربین یا ویدئوی شما در نزدیکی تلویزیون، سیم‌برق شهر و یا وسائل دیگر الکتریکی نباشد. وزوز بر روی صدا، معمولاً هنگام نمایش از طریق پریز A/V صورت می‌گیرد. سیم ارتباطی صوتی راکنترل کنید، ممکن است صدمه دیده باشد و یا این سیم از نزدیکی یک وسیله برقی دیگر و یا یک کابل حامل برق رد شده باشد.

منتشر شد:

عکاسی با دوربینهای اتوماتیک

شامل مطالبی درباره عکاسی، لنز، معرفی انواع دوربین‌های اتوماتیک، دوربین‌های پیشرفته ای.پی. اس، انواع فیلم، ترکیب بندی عکس، موضوع سوژه‌ها، عکسبرداری از گروه، عروسی، بچه‌ها، مسافرت، ورزش، گلها و حیوانات، طبیعت بی جان، منظره، مناظر خیابانی و بسیاری مطالب دیگر به همراه مثال‌ها و توضیحاتی به زبان ساده.

نوشته: رحیم دانائی

قطع رقعی، ۱۲۸ صفحه، مصور، قیمت ۸۰۰ تومان

منتشر می‌شود

آموزش نوین عکاسی

مطالبی در مورد انواع دوربین‌های موجود (بویژه دوربین‌های ۱۳۵)، انواع فیلم‌های رنگی و سیاه و سفید، ترکیب بندی عکس، کنتراست، عکاسی با فلاش، عکسبرداری در شب، عکسبرداری از موضوعات انسانی، طبیعت، طبیعت بی جان، پرتره، اصول ظهور و چاپ فیلم‌های سیاه و سفید، تکنیک تاریک خانه، انواع فیلترها، استفاده از کامپیوتر در عکاسی، مراقبت از وسائل عکاسی، اصطلاحات عکاسی و بسیاری مطالب دیگر.

نوشته: رحیم دانائی

منتشر می‌شود

اصول فیلمبرداری با دوربین دیجیتالی ویدئو *DV*

دوربین دیجیتالی ویدئو چیست و چه کارهایی می‌توان با آن کرد؟

طرز کارکرد دوربین‌های دیجیتالی ویدئو.

وسائل و تجهیزات جانبی.

طرز بیان یک داستان به صورت سناریو.

طرز ادیت کردن فیلمهای ویدئوئی.

نکاتی در مورد خرید دوربین‌های ویدئوئی.

ترجمه: رحیم دانائی